

۲۳۰ - ۱۹

خطاطان

فکر

مست

ازاد و آرمپوری تا نخستین سالگرد جمهوری



از نشرات موسسه طبع کتب  
آمریت عمومی اطلاعات و کلتور هررات  
(شماره اول - دوره دوم فعالیت این مؤسسه)



## خطاطان و نقاشان هررات

از ادوار تیموری تا مهمترین سالگرد جمهوری

**بخش اول: متن - رساله (صورت نگاران و خصوصاً نویسندگان هررات در دوره تیموری)**

تألیف: عبدالحکیم احمدی

مراشیه پاورقی - از عصر تیموری تا آغاز قرن شانزدهم

تبع و نگاره آفرینش عصر تیموری تا آغاز قرن شانزدهم

**بخش دوم:** نقاشان و خطاطان هررات در دوره تیموری

تبع و نگاره آفرینش عصر تیموری تا آغاز قرن شانزدهم

۲۵ - ۲۴ - ۲۳ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱

در مطبعه دولتی هررات طبع شد  
(حق طبع محفوظ است)

136391



بناغلی محمد اود مؤسس رٹیم جمہوریہ اور صدر



# الف

## تذکر

در اوائل زمستان گذشته هنگامیکه بخدمت اطلاعات و کلتور هرات وارد این سرزمین باستانی شدم پس از تعارف با کارکنان و مسئولین ضمن بازدید از شعب اطلاعات و کلتور نظرم بتا بلوچی بسر خورد که در آن نوشته شده بود : ( مؤسسه طبع کتب ) نگاه ثانی بردر و آثار محدودی در تحت این تا بلو تصادف کرد .

درین لحظه دوست دیرین من فاضل گرامی جناب شایق شریزی شرح داستان رکود این مؤسسه آغاز نمود ، من که در سیمای ادیب نکته دان خاطرات خدمت او را در دوره ریاست انجمن ادبی هرات مطالعه مینمودم بیاد آن نخستین انجمن ادبی هرات رفتم که در حدود نیم قرن قبل بحیث کانون ادب و فرهنگ در این شهر مشغول دور دست به پرتو افشانی آغاز کرد و باز پس از سائها مدتی طی امواج ارتجاع و تبعیض در رژیم گذشته بسوی سقوط سوق داده شد انتقال فکر از رکود مؤسسه طبع کتب بسقوط انجمن ادبی هرات صیغه ارتجاع نداشت - تناسبی میان این دو مؤسسه فرهنگی محسوب نمیشد آنجا که بخوانند کتاب بچاپ رسانند لازمست از این استمداد نمایند .

موجودیت انجمن ادبی در جنب وجود مؤسسه طبع کتب ضروری است متبarez در هرات ، در این سرزمین جلوهای شعر و ادب - همچنانکه فعالیت مؤسسه طبع کتب در پهلوئی نشرات موقوته اطلاعات و کلتور ( روزنامه اتفاق اسلام و مجله هرات ) حاجتی است مبرم .

با احساس این شرایط و با ادراک تأییدی که از پالیسی کلتوری نظام مترقی جمهوری در این راه پدیدار است به تجدید فعالیت مؤسسه طبع کتب تصمیم گرفتم و طوریکه در مقدمه جناب شایق مفصلاً

## ب

ملاحظه می‌کنید نخستین اثر هم همین کتاب است که بمناسبت تجلیل نخستین سالگرد نظام جمهوری تقدیم می‌یابد تا ازین سرزمین فرهنگ و هنر بحیث ارتقائی بجهت این نظام مردمی بوده باشد و نیز با این ترتیب در طریق احیاء انجمن ادبی یاری یافته باشیم .  
درعین زمان این کتاب نمایندگان گوشه‌هایی از آن گونه‌های اصیل است که تا کنون مشعل آن از کرانه‌های خیا بان این سرزمین فروغ افشانی دارد، و عطار بوستانش بر چهار سوی بان دیار از سوادمداد مشک می‌فروشد .  
باید است عرض جلو ه های استعداد دار با ب خط و نقش بر دل و دیند اصحاب ذوق و علاقه امروز و فردا اثری داشته باشد که در نتیجه آن با گمارش همت همگانی زمیننه تقویه و ابقاء این هنرهای پر ارزش تأمین گردد .

۴۵ - سرطان ۱۳۵۴ - محمد کریم (مجاهد)  
آمر عمومی اطلاعات و کلتور





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وتوكلت على الله ولا حول ولا قوة الا بالله  
العلی العظیم

### نخستین گفتار

ریاست اطلاعات و کلتور هرات در اوائل سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفت  
که رساله (صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان) تألیف  
مرحوم علی احمد نعیمی را بار دوم بطبع برساند زیرا طویر یکبار  
طبع اول آن تذکر یافته تیرا طبع اول آن که بتاريخ ۱۳۲۸ صورت  
گرفته دو صد جلد بوده و فعلا نسخه آن کمیاب است .

بناغلی سید عزیز الله مر موز رئیس سابق اطلاعات و کلتور هرات  
یک جلد رساله موصوفه را باین منظور بدست آورده بوده طبیعتاً  
اثر یکبار مر حوم نعیمی در کابل بمهر فی هنروران هرات اثر  
داده بعلمت فاصله مسافه ، عاری از نواقصی شده نمی توان و طبع ثانی  
آن که در محیط اخلاف هنروران صورت می پذیرد ، وظیفه دار  
رفع نواقص طبع اول را عهده دار باشد و هنروران گمنام  
که در طبع اول از قلم مانده باشد تا حد امکان بدست آورند  
در راه ارائه نمونه های هنری شان نیز تا اندازه امکان  
و برزد که این طبع ثانی تا آخرین حدود امکان جامع وارزنده باشد  
من که علاقه بمفاخر تاریخ مملکت را یکی از شعایر بارز وطن دوستی  
میشمارم ، در تتبع و ترتیب این اثر برای آماده شدن طبع ثانی عزم نمودم .  
زیرا دیدم بسا افراد لایق داشته ایم و داریم که از عهده خدمت بتاریخ مملکت  
بخوبی برآمده می توانند ولی بملحوظ (من صنف قد استهدف) ازین نوع

خدمات اجتماعی خود داری می ورزند و هضم نفس را از اینک که انگشت  
ایرادی بسوی شان دراز شود ، ترجیح میدهند .

من با محدودیت معلومات تاریخی و بسا قصور دیگر که در انجام  
این وظیفه بخود اعتراف دارم ، بیاس اینک که شاید درین رشته مصدر  
خدمتی شده بتوانم بقبول همه گونه ایرادها و چون و چراهای خوانندگان  
تن در دادم و این وظیفه را پذیرفتم .

چون رساله مرحوم نعیمی را از نظر گذراندم واقعاً آنرا يك اثر  
فوق العاده مفید یافتیم . موصوف در حصه اول این رساله نقاشان و  
صورت نگاران و در حصه دوم خوشنویسان هرات را معرفی و در شرح حال  
هر کدام کوشیده و خدمت قبا بل قدر را انجام داده است .

نگارنده پنداشتم از کتب تاریخ چیزیکه جبران نواقص این اثر را کرد  
بتواند بدست نخواستند آمد . زیرا دیدم مرحوم نعیمی پنججاه و دو اثر  
تاریخی را که بزبان دری وعدهی هم بزبان انگلیسی است مآخذ تبعات  
رساله خود شمرده است .

اخیراً یکجلد تعلیقات مرحوم فکری سلجوقی را بدست آوردم زیرا  
بیاد دارم که در زمان نشر رساله نعیمی ، فکری یکتعداد خطا طائران نام  
می برد که درین رساله از قلم مانده وعدهی از آنها در همان زمان بمجله  
هرات معرفی شده اند .

در تعلیقات استاد فکری در صفحه ۹۸ راجع بهمین رساله نعیمی  
تذکری داده شده که نقل آنرا ذیلا می نگارم :

« در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی مجموعهی بنام تذکره خطا طائران  
هرات تألیف نموده بودم و قسمتی از آن طور مسلسل در نشرات  
دوره اول مجله هرات طبع شد ، کتاب موصوف را بغرض طبع  
یکابل فرستاده بودم مسترد شد و خواهش شده بود که تکمیل شود  
ولی از تنگی حوصله آنرا در بین کتابها یم انداختم بعد از مدتی

روزی آنرا برداشتم و به تعدیل آن پرداختم و پاره‌ی بآن کار کردم  
 در آن موقع رساله‌ی بدستم افتاد بنام صدر تگران و خوشنویسان  
 هرات در عصر تیموریان - تألیف دانشمند ارجمند علمی احمد نعیمی  
 که آن عزیز این حق را بدستی ادا فرموده و کتابی در باره  
 هنرمندان هرات پرداخته اند که جای تألیف دیگر در شماره باقی  
 نمی ماند .

چون دیدم این خدمت را بدستی انجام نموده اند و هم کتابی  
 برخی از خطاطان متأخر بمجله اش بی شراف و مصححان غیر  
 داده اند و هم کتاب ایشان جامع و مکمل بطبع رسیده بود کتابی  
 اگر بطبع میرسید روی گردانی مختصر از رساله خوشنویسان  
 در انظار جلوه گر بود ، بکلی از آن صرف نظر نمودم و این  
 نیا نش گذاشتم .

مگر درین رساله « دیباچه دوست محمد » از تذکره خطاطان  
 که آنرا متروک گذاشته بودم تا حدی استفاده نمودم .

این بود تذکری از رساله نعیمی در تعلیقات فکری  
 استاد فکری درین تذکرش هضم نقس کرده و آنرا بسا شرح  
 معرفی نموده که در رساله نعیمی هیچ تذکری از آنها  
 در معرفی بسا هنر مندان تفصیلاتی داده که رساله  
 آن است .

مبنی بر شرح فوق باین تصمیم رسیدم که در تکمیل رساله نعیمی  
 از تعلیقات فکری استفاده نمایم .

در بدو این تصمیم بعد از آنکه رساله نعیمی و تعلیقات فکری را  
 را بغور مطالعه و محتویات هر دو را با هم مقابله و مقایسه نمودم و  
 غلط طبعاتی هر دو را تصحیح کردم و برای تکمیل رساله نعیمی  
 با اندازه قدرت بشری آمادگی گرفتم بمحض اینکه خواستم با خذ

یاد داشت‌ها از تعالیمات فکری آغاز نمایم خوشبختانه بغتاً خورشید تا بنام جمهوریت به پرتو فیروزی بخش وسعت آفرینش فضای پر آشوب کشور محبوب را روشن ساخت و (صفحه تا ریخ نو بر روی کشور باز شد) و مزده تحولات بنیادی در سرتاسر افکار و امور مملکت سامعه‌ها را نوازش داد و غنچه امید همه افراد ملت شگفتن گرفت. در اثر این تصادف نیک که با آغاز این اقدام همزمان واقع شد این اثر را بفال نیک گرفتیم و آنرا فرخنده و نیکو فال پنداشتیم که بخواسته خداوند برای همه وطنخواهان و جمهوریت پسندان یادگار ارزنده و محبوبی خواهد بود.

در پرتو این نظام نوین د و تعدیل و تکمیل رساله نعیمی از تعالیمات فکری یاد داشت‌ها گرفتیم و این تصمیم را تا جایی رساندیم همان بود که بنا علی محمد کریم مجاهد بامریت اطلاعات و کلتور هرات منصوب گردید و بمحض قدم این عالم منور در تمام امور دائره اطلاعات و کلتور هرات تحولات نیک بنیادی طوریکه شعاع این رژیم نوین است بروی کار آمد.

بنا علی مجاهد تصمیم گرفت که درین محیط باستانی درین دوره در هراتان جمهوری خدمات ارزنده انجام دهد. از آنجمله انجمن ادبی هرات را که مدتی است از میان رفته و اثری از وجودیت آن بجای مانده است برای احیای مجدد آن تمهیداتی اتخاذ کرد و عراضی بمقام وزارت اطلاعات و کلتور تقدیم نمود.

شعبان مؤسسه طبع کتب که مدتی است بکلی از کار افتاده و به نود عمیقی مواجه بود که بجز چند جلد کتب که در تحویلخانه افتاده بود کوچکترین رمق و جنبشی نداشت، و تا این وقت فکری برای تجدید فعالیت آن در میان نبود در احیای مجدد آن تصمیم قاطع اتخاذ کرد و بر اساس همین تصمیم بجانب این اثر نه تنها توجه جدی مبذول داشت بلکه تکمیل این کتاب را با معرفی خطاطان و نقاشان

هرات بعد از عصر تیمور یان تا امروز توصیه مؤکد نمود و استاد محمد علی عطار را که پیشتر نیز با من در ترتیب این کتاب همکاری و کمک گار بود ، موظف داشت تا با من عمیق تر و جدی تر کمک نماید همچنین استاد مشعل بتوجه و توصیه معزی الیه با من به همکاری اقدام ورزید و شاگردان مکتب خود را بمن معرفی کرد . بنا علی مجاهد در حالیکه طبع این اثر را نخستین قدم حیات نوین مؤسسه طبع کتب هرات قرار داد در طبع و تصحیح و ترتیب این کتاب مرا آنها نگذاشت و توانستیم با توجه و همکاری خستگی ناپذیر او با این خدمت همکاری موافق شوم .

همکاری صمیمانه بنا علی مجاهد درین دوره درخشان جمهوری هرات اندیشه ی که بتکمیل رساله نعیمی داشتیم بر او ناپسندید و در آن اندیشه نیز مانند سایر امور مملکت ، تحول بنیادی بوجود آوردند در فروغ این نظام نوین و توجه بیدریغ معزی الیه این اثر از دو کتاب کوچک متذکره اش برآمد و بحیث یک اثر تاریخی ترتیب یافت . یادگار اولین سال تحول جمهوری در هرات باشد و بیساخته تاریخ نوین سرزمین هرات بشمار آید و اگر خدا بخواهد برای اولین جشن سالگرد این رستاخیز ملی بحیث ارمغان دوره اطلاعات و کلام هرات جمهوری در جمهوری ریت خوانهان تقدیم شود .

چون این اثر از چوکات محدود ابتدائیوش برآید و در آن رساله نعیمی جزئی از آن بشمار آمد بنظر من در این نظر بنظر مجاهد ترتیب یافت نام این اثر (خطا طمان و نقاشان هرات) در سال ۱۳۰۳ تیموری تا اولین سالگرد نظام جمهوری تعیین گردید و در آن نیت این مجاهد نگاهم را بفضای وسیعی باز کردم و باین فکر افتادم که گوشه ای از بدست آور دن افتخارات گذشته مملکت بما تلقین میکند که بفرمانده موجود ه کشور را بسهم خود حفظ کنیم و آنچه داریم طور سالم بماند

اینکه بر آن غبار فراموشی بنشینند، بمعرض مطالعه نسلهای آینده عرضه داریم. بدین منظور نگاهم را بجانب سیر هنری و جوهره هرات دور دادم، و اقعاً دستگاه هنر نقاشی و خطاطی درین دوره درخشان جمهوری در هرات پر روشنی خیره کنی نظر مرا بخود جلب نمود که با جنبش پر از شور و شغفش دوره های پر از افتخار گذشته این سر زمین را بیاد ما میدهد.

و اقعاً استاد مشعل در هنر نقاشی و مینا تور و استاد عطار در خطاطی از رجال برجسته مملکت بشمارند که گذشت زمان بر شهرتشان افزایش می بخشد و در نزد نسلهای آینده از شاهیر بزرگ هنری مملکت شناخته خواهند شد، در مکتب مینا توری استاد مشعل و مکتب خطاطی استاد عطار همچنان فروغی مشهود است که دوره نغای بهزاد و میر علمی از آن جلوه گر است. سوانح این دو استاد در رساله معاصرین بمطالعه خوانندگان گرامی خواهد رسید.

از شاه شاه سیر هنر درین دوره درخشان جمهوری در هرات بیشتر احساس مسروریت نمودم که در معرفی هنرمندان معاصر بذل مجاهدت نمایم تا بی متأسفانه با کوشش بیدریغ از عده ی هنرمندان معاصر حتی معرفی منتصری هم بدست آورده نتوانستیم، در جستجوی علت این نقیصه به این حقیقت ملتفت شدم که در سرشت بسامردم ما بآن حد که مزایای فضل و هنر همزوج است حس تبارزو هنر نمایی را کد و خاموش است و گمان می بسا رجال تاریخی ما نیز از همین مد رک است که منشأ آن الزوا و شکست نفس خواهد بود. با همه مشکلات بمفهوم (ما لا یدرک کله لا یتدرک کله) تا جاییکه بدسترس قدرت بشری من بود و در ساحه (ماسعای) من قرار داشت همین است که خوانندگان گرامی مطالعه می فرمایند.

اجزای این اثر بشرح ذیل ترتیب یافته است :

۱ - رساله نعیمی عنصر ثابته است که با استثنای چند تا بلوی عکس های آن که از ورق کتاب استفاده نمیشد و کلیشه های آنها بدسترس ما نبود سراپای رساله موصوفه درین مجموعه بچاپ رسید.

۳ - از تعلیقات فکری و نستعلیق نویسان دکتور بیانی خاص همان هنر و را فرا گلچین کردم که یا هراتی الاصلند و یا تربیه و تحصیلشان درین منطقه صورت گرفته و یا مدتی در هرات مصدر خدماتی شده اند.

۴ - هنر و رانی را انتخاب کردم که در رساله نعیمی نیست و یا حصه‌ای از شرح حال ذواتی را گرفته‌ام که از قلم نعیمی مانده است و در آن رساله ذکر نشده اند.

۴ - از تعلیقات فکری مطالب را فشرده گرفته‌ام و بعضی را خلاصه کردم تا از تورم حجم این مجموعه پیشگیری شود.

۵ - بعضی تبصره‌ها و نظریات را که بدیدگی و معلومات شخصی فکری ارتباط دارد نقلاً اقتباس نمودم بدون ذکر صفحات آنها.

۶ - در بعضی موارد که لازم شمرده میشد از خود بعضی تبصره‌ها علاوه کرده‌ام.

۷ - از کتاب نستعلیق نویسان دکتور بیانی که عموماً حالات مطابقتی را در آن ذکر کرده‌ام و مختصر ذکر کرده عبارات را با ذکر صفحات آن نقل کرده‌ام.

۸ - بارعایت ردیف الف بای ابتهی که رساله نعیمی ترتیب شده هر یک از هنر و را با به اعتبار حروف نامهای شان در پاورقی همان صفحاتی درج کردم که بردیف نامهای شان موبوط است.

۹ - از تعلیقات فکری هنرمندان معاصر را که در حدیثی که در آن ذکر شده که قرن جاری است و یا چند سالی پیش حیات داشته‌اند در این رساله درج کرده‌ام.

هنرمندان معاصر که خودم حالات شان را بدست آوردم این قسم بنام بخش دوم این کتاب بعد از ختم رساله نعیمی ذکر کردم و آن را نیز مانند رساله نعیمی بردیف الفبای ابتهی ترتیب دادم.

۱۰ - دو رساله کوچک دیگر که یکی مداد الخطوط خواجهمیرعلی هروی و دیگری صراط‌السطور سلطا نعلی مشهدی است و باین اثر تا حدی حیثیت یک خود آموز خطاطی را میدهد نیز آماده گردانیده‌ایم که چون بطبع و نشر برسد برای این کتاب از حیثیت سودمندی همچون تکمله‌ای تواند بود.

۱۱ - از کتاب تاریخ نوشته های کهن تالیف پوهاند حبیبی شرحی در تاریخ اختراع خط نستعلیق و از کتاب خط و خطا طان تالیف عبدالمحمد شرحی در تاریخ اختراع انواع خطوط اقتباس مختصری را درین مجموعه لازم شمردم .

۱۴ - یگان تبصره و نوشته کو تا ه که از بعضی دانشوران رسیده و به غرض و موضوع این اثر ارتباط مستقیم دارد بپاورقی آن علاوه شده است .

خلاصه : این کتاب بدو بخش منقسم است :

بخش اول متن رساله تعیمی : نقاشان (۴۰) نفر خطاطان (۹۷) نفر جمله (۱۱۷) نفر  
حاشیه پاورقی تبع شایق نقاشان (۱۴) »  
بخش دوم : معاصرین » » (۴۹) »  
» (۷۶) » » (۱۴۵) »  
جمعا هنرمندان (۳۶۴) »

این اثر هنری است که در ظرف نخستین سال که تحول بنیادی جمهوریت درین محیط باستانی در آغاز تاریخ نوین و بی سابقه مملکت مهری گردید، ترتیب یافته و چنانچه وضاحت دادم از جانب امریت عمومی اطلاعات و کلتور هرات بحیث ارمغان اولین جشن سالگرد نظام جمهوریت کشور عزیز بحضور وطن دوستان و جمهوریت پسندان تقدیم میشود و البته برای نسلهای آینده یادگار ارزنده و محبوبی خواهد بود پاینده و پایدار باد جمهوریت ، کامیاب و سرازیر باد قایم ملی و علم دار این تحول نیک و فیروز مند .

والله اعلم و علیه توکلت و الیه انیب .

میر عبد العلی شایق



(( چند کلمه ))

در سال پیش ازین باری نویسنده بفرمانت کتابخانه ملی افغانستان  
 در حقیقتیکه وظیفه ما در انجمن تاریخ مملکت اسلامی است که در  
 بنای اسلامی وطن عزیز می نویسد که در این میان هم با آنکه در  
 باره علم و معصوماً همه در حال حاضر مسائل آن است که  
 که پس از مدتی این آثار را در دسترس عموم قرار دهد و  
 سواد عالی بصورت مستقیم در این کتابخانه در دسترس عموم قرار  
 ندانی و خوبطور است که در این کتابخانه در دسترس عموم قرار  
 نگیرد و چون کتابخانه ملی افغانستان در این باره در  
 مسائل و به نظر من، بهتر است که این کتابخانه در دسترس  
 کارکنان و نظر مشکنان امور علمی و فرهنگی در این کتابخانه  
 میباشد که در این مسائل در دسترس عموم قرار نگیرد و  
 مورد نگرانی است و نویسنده این کتاب در این باره در  
 این کتاب در میان و در این کتابخانه در دسترس عموم قرار  
 نگیرد و به نظر من، بهتر است که این کتابخانه در دسترس  
 فضایی که در مملکت افغانستان در دسترس عموم قرار  
 نگیرد و وزیر اقتصاد ملی در قسمت کتابخانه ملی افغانستان  
 اگر چه از آن وقت از ده روز پیش کتابخانه ملی افغانستان  
 در بین آمد تا به این تاریخ آن در دسترس عموم قرار نگیرد  
 تاریخ تصویب نمود این اثر را و آن مملکت افغانستان  
 فوراً های آن صورت کتابخانه ملی افغانستان در دسترس  
 عملی شد و این کتاب مابدهست است و در کتابخانه ملی افغانستان  
 نگارنده و وظیفه دارد که از حسن نظر فاضل و دانشمند بنام علی احمد علی  
 کهزاد رئیس انجمن تاریخ افغانستان و همچنان از همکاران محترم  
 شان یعنی کارکنان مجله آریانا که در طبع این اثر بذل مساعی آنرا در دسترس

تشکر نموده ضمناً از عموم فضلا و دانشمندان مملکت خوا هوش کند  
 که در بعضی موارد اگر سهوی واقع شده باشد بنا بر اعتدال عدم  
 وسایل و مآخذ کافی و قلت وقت بنظر اغماض در آنها بنگرند .  
 ( علی احمد نعیمی )



صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« هرات »

چون موضوع کتاب حال صورت-گران و خوشنویسان هرات است بی مورد نخواهد بود اگر با چند جمله مختصر ذیلا هرات تاریخی را معرفی نماییم.

هرات همان افق روشن و نظر ربای خاک آریانا است که در گوشه غربی مملکت واقع و در آسمان با افتخار این خطه مقدس مانند ستاره صبح قرنها پرتو افشانی دارد. هرات همان خطه با عظمت و

شکوه تاریخی است که در هر دوره ی بهود نامی گرفته و موجودات خویش را با يك عالم شرافت و جهاننداری حفظ کرده است.

هرات همان (هریوا) اوستا است؛ هرات همان سرزمین بزرگوار است که مورخین سکندر آنرا بنام ارتا کواتا یا (ارنا کانا) که بمعنی مهر شاه مردمان شریف آریانا است یاد کرده اند هرات همان شهر نامدار است که در عصر امپراتوری بزرگترین سلاطه کوشانی افغان یعنی کنشکای کبیر از جمله آبادترین نقاط آسیا بوده. هرات همان زمین باشور و حرارتیست که اولین علم حریت و آزادی را تشریح نمود. در ۲۲۰ هجری به سرکردگی فرزندان صالح و راد مرد خویشتن بر افراشت و اعلان حریت نموده بر فرخندگی و آسودگی خود افزود. هرات همان خاک معمور است که شادابترین نقطه قلمرو شاهان صفاری بشمار میرفت. هرات همان زاویه دور افتاده وطن است که در عهد غزنویان بهترین مد نیت را دارا بوده و از جمله قشنگترین و آبادترین شهرهای آسیا محسوب می شد و مرکز تجارت بزرگ بود. هرات همان مرکز است که آنرا نقطه اتصال تمام راه های ممالک عمده آسیا

سرخوانند، هرات همان کانون مد نیت و صنایع زیبا است که آشو بها  
 بریده ولی مانند زادن گان کوهستانی آریا ناقود قلب و بزرگواری را از دست  
 آورده و بار بار هوقع از دست رفته خود را دو باره بدست آورده  
 است. هرات همان شهر زیبای سرچشمه الهام جامی ها و هائلی ها است  
 که در فتنه چنگیزی بیات روز دوازده هزار تن از اولاد لیر از  
 هرات خود را مقتول دیده و خود جرأت و رشادت را از دست نداده  
 است. و از آنچه که زادن گان کهنسار بلند آریانا یوغ اسارت و اشاره  
 کردند کسی را تحمل نمی تواند شورش ها شده و هرات حمله آورده  
 و کشته شده است.

هرات همان بلده است که در زمان مغل ها خرابی  
 شد و راه متعطل گردید ولی قبل از سایر بلاد خرابان قدری آفرایش  
 در این زمان از همه خرابی ها دور بود و بخود در هرات آورده است.  
 در این زمان که در این زمان است که چون شمس الدین محمد قزلباش  
 در هرات از دست لیران و اولاد لیران فتنه مغل و چنگیزی را بزودی نشان داد  
 و در هرات همان زمان است که در سال ۶۴۳ با بروی کرد آمدن سلطان  
 لیران در هرات بود که در هرات از چنگیزیان باز گرفته و بحالت اولیه خود  
 برگشته است و در هرات است.

در این دوره هرات باز مورد تهاجم واقع شد ولی از آنجا  
 که سلطان لیران در هرات با دیده بود و اگر هیچ دستی نتوانست دو باره  
 در هرات تهاجم کند و اولا که باز کرده اند. در سنه (۷۷۱) تیمور حاکم  
 داور بود که در هرات شاه شد و در سنه (۷۸۳) شروع به تسخیر هرات  
 کرد و بلاد بخراسان نموده دور نیست که ازین تاریخ به بعد را دوره  
 تیموریان هرات میگویند و موضوع کتاب ما بیشتر بهمین دوره  
 مربوط است.



( حصه اول )

نقاشی در افغانستان - از صدر اسلام تا مغول -

دوره مغول - دوره تیموریان - نقاشان

و صورتگران هرات

نقاشی در دوره های قدیم :  
 جواب این سوال که نقاشی در  
 افغانستان عصر اسلامی چه وقت  
 رواج یافت و چه کسی پیشقدم بود  
 و فن نقاشی کتب خطی در چه  
 دوری متداول شد خیلی مشکل است  
 و تا هنوز کسی نمیتواند جواب

گرچه موضوع کتاب ترجمه حال  
 صورتگران و نقاشان در خوش  
 نویسان است مگر برای اینکه زودتر  
 قدری به نزد خوانندگان معاصر  
 روشن باشد به مختصری از تاریخ  
 نقاشی و صورتگری در افغانستان  
 پرداخته سپس به اصل موضوع  
 می رویم .

مثبتی بدان بد شد زیرا تا کنون مطالعات و تحقیقات عمیقی که در این زمینه  
 لازم است بعمل نیامده است آنچه محقق است اینست که نقاشی هائی دیوارى  
 در افغانستان از زمانه های خیلی دور یعنی در اعصار قبل از اسلام  
 رواج داشته و نمونه های آن در آثار یگانه از آن دوره ها باقی مانده مشهود  
 است و این هم محقق است که این نقاشی های دیوارى در افغانستان بیشتر در  
 عصر بدائی رواج یافته است .

اما نقاشی های دیوارى که در اعصار پیش از اسلام مرسوم بود در  
 دوره اسلامی مخصوصاً در اواخر قرن ۴ و در اوایل قرن ۵  
 استعمال آن ها منحصر بدیوار های تالارها و سالون هاى شاهانه  
 شاهان و امراء و رجال متمول بوده است چنانچه نقاشی های کاخ  
 فیروزه سلطان محمود که فرخی سیستانی در یکی از قصاید خود از آن  
 مفصلاً تذکار کرده است شاهد این مدعا میباشد .

پس به این ترتیب میتوان ایجاد فن نقاشی کتب را در افغانستان  
 بهمان عوامل فوق الذکر که عبارت از نقاشی های دیوارى با شد  
 نسبت داد .

و روشها و سبک هائی را که افغانستان از چین و غیره ممالک همجواری

بدست آورد اضافه نمود بهر حال جای انکار نیست که فن نقاشی در افغانستان روح و رونق کاملی داشت و در اول کار آنرا برای توضیح مطالب کتب تاریخی و ادوایین شعراء و قصص و حکایات بکار بردند .

کتابها را با صور کوچک و ظریف و رنگهای زیبا و رخشنده زینت میدادند با اینکه این صور آنها چندین اختلاف و تفاوت محسوسی با هم ندارند باز هم اشخاص صلاحیت دار و اهل فن و کسانی که در شناختن صنایع شرقی استناد می توانند تا حدی آنها را من حیث ادوای تاریخی بدید دهند و بهمین جهت است که می توان آنها را به جبهه ها و مکتب های مختلفی که هر کدام از خود امتیازات علیحده دارند تقسیم نمود . ز روی آنکه ادوای تاریخی میتوان فن نقاشی افغانستان را در دوره اسلامی به سه دوره ذیل تقسیم نمود :

۱ - از صدر اسلام تا مغول ۲ - از مغول تا تیمور ۳ - دوره تیموریان که در خشان ترین دوره های صنعت نقاشی و صنایع ظریفه افغانستان است  
الف - از صدر اسلام تا مغول :

این دوره تاریخی از نقطه نظر صنایع خیلی تاریک است و نمی توان از روی مآخذ و مدار گیکه در دست است راجع به تاریخ صنایع این دوره چیزی نوشت تنها این قدر معلوم است که در زمان سامانیان نقاشی کتب خطی رواج داشت چنانچه زکی محمد حسن مورخ معاصر مصری میگوید : قدیم ترین نسخه خطی که مطالب آن با نقاشی روشن شده کتاب کلیمه و دمنه است این کتاب را امیر نصر بن احمد سامانی ( ۴۰۱ - ۴۱۳ هجری ) برود کی شاعر داد تا از عربی به فارسی در آورد ، پس از آن کتاب را به هنرمندان و نقاشان چین داد تا نقاشی کنند و حکایت را با اشکال و صور توضیح دهند و هم معلوم است که ترجمه عربی ابن مقفع نیز دارای تصاویر بود زیرا او در اول کتاب میگوید : ( بر کسی که این کتاب را دارد و یا میخواهد لازم است که بداند بچهار قسم یا غرض و مقصود تقسیم می شود اول . . . دوم ظاهر کردن اشکال حیوانات است ( برنگ آمیزی های مختلف ) و باز می نویسد او هر خواننده این کتاب لازم است که آنها متوجه آرایش کتاب و تصاویر آن نشده بلکه با مثال و پندهای آن بیشتر توجه کنند . . . ) از این قرار معلوم میشود که کتاب

کلیله و دمنه را از قرن سوم هجری با اشکال در رسوم و صور تزئین میکند. داند  
 و چون فردوسی در سال ۴۰۱ هجری نظم شاهنامه را پایان رسانید و  
 نقاشان و هنرمندان بنقاشی و مصور ساختن آن روی آوردند و همین  
 کار را بعداً در دواوین شعر اخصوصاً نظامی سعدی و حافظ نیز کردند. **ب - دوره مغولی :**

نقاشی مکتب مغولی در افغانستان در قرن هفتم و هشتم هجری بوجود آمد. اثر این  
 نقاشی افغانستان درین دوره نسبت به دوره صفوی و اسلام  
 تا ریکتر است، تشبها چیز بکه را جمع به این دوره  
 می توان گفت اینست که باید در دوره مغول نقاشی افغانستان بیشتر  
 تحت تأثیر نقاشی سبک چین رفته باشد زیرا در سلسله شاهان سبک  
 سراسر در قرن هفت و هشت هجری در چین و افغانستان خراسان آن وقت  
 حکومت داشتند هر دو از نژاد مغول بودند و در بطنه نژادی و فرهنگی  
 آنها را بهم نزدیک کرده بود علاوه بر آن در آنوقت که مغولها در  
 خراسان (افغانستان) و فارس شدند عده از هنرمندان و صنعتگران  
 و مترجمین چین را با خود همراه آوردند و همین چینیان بودند که  
 مستشرقین آثار فنی و سبکهای شرقی اقصی را از ابتدای دوره مغول  
 در فنون خراسانی و فارسی مشاهده میکنند چیزیکه بیشتر تأثیر از  
 نقاشی چین را در افغانستان به دوره مغولی تأیید میکنند همانا صنعتی  
 از تأثیرات آن اسلوب در اوایل دوره تیموری است که بعداً در جای خود  
 آنرا مطالعه خواهیم کرد.

\* شایغلی حاجی محمد سعید مشعل که استاد بزرگ نقاشی و میثاق

و شرح حال او در رساله (مصوران و خوشنویسان معاصران ایران) در سال ۱۳۰۵  
 خواهد رسید راجع به نقاشی دوره مغولی که مرحوم علی احمد نعیمی شرح داده  
 است تبصره مختصر لگاتر است قرار ذیل :

شرحی که در اینجا از مرحوم آقای علی احمد نعیمی مطالعه میشود از هر ما خدی  
 که باشد حرفی نداریم اما در اینجا باید گفت که آن مرحوم در باره آثار و نقوش  
 ابنیه تاریخی غورات مأخذی بدسترس شان نبوده است زیرا همین نقاشی است که  
 طرح های او از روی صفحه کاغذ به زمین و دیگور ابنیه و عمارات انتقال می یابد.

چون دوره مغولی کوتاه و سراسر مملو از جنگ و خون ریزی بود کمتر نقاشی های از آن دوره باقی مانده و از همین جهت است که در اطراف چگونگی نقاشی افغانستان در دوره مغولی نمیتوان توضیحات و تفصیلات کافی داد تنها این قدر معلوم است که در آن دوره بیشتر کتاب جامع التواریخ رشیدی تألیف رشیدالدین وزیر که تا ریخ چنگیزی است منقش و مصور میشد و شاهنامه فردوسی در پایه دوم قرار داشت و بعضاً به منقش نمودن و مصور ساختن کتاب کلیله و دمنه نیز می پرداختند .

ج - نقاشی در دوره تیموریان :

این مکتب در قرن هشتم و نهم هجری بوجود آمد و می توان آنرا دنباله مکتب مغولی اما کامل تر و فنی تر دانست . از جمله مکتب های نقاشی که در این دوره بظهور پیوست یکی مکتب هرات است که مهمترین و عمده ترین تمام مکتب های آن دوره است و در عهد خود تیمور بزرگترین مراکز نقاشی و صنعتی شهر سمرقند را قرار داد که از سال ۷۷۶ هجری سمت پای تختی را داشت و با اهتمامی که به آبادی آن داشت مشهورترین هنرمندان و صنعتگران را از خراسان (افغانستان) و فارس و ماوراءالنهر در آنجا گرد آورده در عهد سلطنت پسر او شاهرخ میرزا هرات از مراکز مهم هنر و مورد توجه هنرمندان و بزرگان فن شد شاهرخ پیش از تمام شاهان افغانستان به صنعت و علم توجه داشت و هنرمندان را

وقتی ما بطرح ها و دیزین ها و خطوط منار جامد مسجد ملکان دزپرچمن و نقاشی و خطوط ستونهای مسجد غیبی در فاسک دقیق شویم بلکه در يك رواق مسجد جامع شریف که آثار عصر غوریها باقی مانده می بینیم که در عصر غوریها طرح های عربی و دیزین های قفلی و خطوط زیبای کوفی و توقیع بر نقاشی های سابقه مروجیه محیط افزوده شده است مکنذاظر دنی که در عصر غوری ها و غز اوپها ساخته شده از نقوش عربی بهره کافی داشته و دیزین های قفلی و پیچ های بین خطوط توقیع که در ظروف و آلات فلزی دیده میشو د باید گفت که نقوش عربی در آن عصر نقاشی افغانستان را تحت تأثیر گرفته و مستقیماً دخیل بوده است .



نوازش کرد و بهمین جهت در عهد اردفن نقاشی مرحله اقصی از  
اصولب های چین و بیگانه را پیموده بدوره ابتکار و در آمد یعنی  
تمام اصولب های بیگانه که در نقاشی و صنایع افعانستان در عمل  
گرفته بودند و نیز بعضی هنرمندان و نقاشان ماهر بکلمی سخن و مروج سخن در این  
مستقل که بی توان آنرا متخصصین افعانستان گفتند بهر موجود آمدند در  
اشکالیکه نظر او اواخر قرن هشتم هجری کشیده شده است و این اثر از  
شکله فنی دیده می شود و همین اثر که در این کتاب  
همی قرن نهم از این کتاب در این کتاب در این کتاب  
نور نظر این چیز است که از جمله مميزات این کتاب است که در این  
این نظر از آثار افعانستان ها و صنایع این کتاب در این کتاب  
دیگر مناظر لطیفه می شود و این کتاب در این کتاب  
علاوه بر این نقاشی این دوره بهمان کتاب و این کتاب  
همی کشیده است نسبت های معقول و این کتاب در این کتاب  
بهر حال شکلی نسبت کتاب عظیمی در این کتاب  
نیز در این کتاب در این کتاب در این کتاب  
او و اسکندر و این عصر است که در این کتاب  
نقاشی به این کتاب در این کتاب  
اقصی یعنی چون اقتباس کرده بود صنایع این کتاب  
ذاتیت خود متمایز مستقل و قوی می شود از جمله صنایع  
بیشتر فن نقاشی و معموری تو کتب در این کتاب  
داشت هنرهای قدیم کتاب بیگانه و این کتاب در این کتاب  
آثار در هرات بنا نهاد و بسراف با این کتاب در این کتاب  
در همان وقت تشکیل داد که نظر بر این شکل از کتاب  
یا هنرستان هنرهای زیبا را داشت با این کتاب در این کتاب

(۱) ترجمه کتاب تاریخ صنایع ایران مدتی از اسلام مؤلفه دو کتور و کی...

Marfat.com

در آمدان فن خوشنویسی، آذهبیگ کاری، نقاشی، مصوری، صحافی و جلد سازی را جمع نموده لهذا طبیباً و بنو دینی خود صنعت نقاشی و صورتگری و خوشنویسی از چند مراکز صنعتی دیگر آموخته و مانند تبریز و سمرقند و شیراز بهرات منتقل شد.

روابطی که افغانستان با خراسان آن عصر در دوره مغول با چین و شرق اقصی داشت در دوره تیموریان محکم تر شد زیرا در همان وقت بود که خاندان منگ که از ۷۷۰ هجری تا سال ۱۰۵۴ هجری حکومت کرد در چین بر روی کار آمد و روابط دوستی و تجارتی و کلتوری افغانستان و چین ذریعه تبادل سفرها در بین آنها بیشتر از پیش قائم گردید:

و یقین است که سفرها و فرستادگان افغانستان با آثار صنعتی و فنی و شاهکارهای صنعتگران از چین بکشور خود باز میگردانند و همچنین فرستادگان و تجار چین صنایع و آثار فنی و شاهکارهای صنعتی افغانستان را بصورت ارمغان با خود به چین می بردند.

طوریکه پیشتر اشاره نمودیم درین دوره در فارس و ماوراءالنهر نیز بواسطه بعضی شهرها دستان هنر دوست تیموری که حاکم و نائب الحکومه پایتخت هرات در آذربایجان بودند بعضی مکاتب صنعتی دایر شده بود اما هیچ یک به پایة مکاتب هرات صنعتی رسیده نتوانست و هرات تا اخیر این نهضت مرکزیت خود را از دست نداد و لهذا بیشتر نقاشیها و نگارگریها در دوره تیموریان مخصوصاً در قرن نهم بوجود آمد عموماً و تماماً منسوب بشهر هرات است.

امتیاز مکاتب هرات در هون اهتمام بعضی استادان بزرگ است که در تطور و تجدد ذوق و قریحه فنی و صنعتی کوشیده و در نقاشی وقت نامی بکار بردند و در رسمها انتهای نازک کاری، آجود رنگها و انسجام و تناسب را مراعات نمودند. امتیاز مهمی که در آثار صنعتی مکاتب هرات مشاهده میرسد عبارت از استعمال رنگ طلائی و پوشانیدن زمینههای تصاویر با گیاهان و گلهای متنوع است (۱)

کتاب مصور خطی و شاهکاری های صنعتی مهم این دوره به تعداد زیاد زیبای موزه های ممالک بزرگ دنیا است که ذکر مفصل آن در اینجا چندان لزومی ندارد و این مختصر را به دفتر بزرگ خواهد گذاشتید .

خلاصه اینکه نقاشی افغانستان در دوره تیموریان آخرین گامهای ترقی و کمال را برداشته است و با سقوط سلطه هنر دوست تیموری در اوایل قرن دهم هجری و غارتگری های ازبکان ماورالنهر و خوارزمی های هندوستان فارس چراغ این صنعت زیبا یعنی کتب نویسی و مصوری و نقاشی کتب مانند سایر صنایع و فنون افغانستان خاموش شد و اما این را هم باید اخیراً خاطر نشان کنیم که اگرچه هرات افغانستان مرکزیت خود را از دست داد و مشعل فروزان صنعت در او خاموش گردید مگر با آنهم جای بسا خور سندیست که در اثر توجه فرزندان لایق و فرزانه او مانند استاد بهزاد هروی این صنعت بکلی از بین نرفت و مدتهای مدیدی در فارس و ماورالنهر و حتی بعداً در هند مکتب صنعتی سایر شهرها را در تاریخ صنایع آن ممالک بنام مکتب هرات ثبت خواهد ماند .



## نقاشان، صورتگران، تذهیب کاران

(ب)

با حاجی :

از مصوران قرن نهم هجری است، به دور بارساطان حسن بایقرا میزیست در تاریخ رشیدی تذکار یافته که با حاجی از زمره نقاشان و صورتگران است و در تصویر قلم پیخته دارد و در تمام خراسان در طراحی نقش بی همتا است (۱)

متأسفانه در ترجمه حال او ازین بیشتر چیزی بدست نیست .

بهزاد :

بهزاد از جمله صنعتکاران خوش بختی است که در زمان حیات شهرت

(۱) صفحه (۱۰۴) ترجمه کتاب تاریخ صنایع ایران بهمدال اسلام مؤلفه زکی محمد

حسن مصری ترجمه محمد علی خلیل طبع تهران ۱۳۲۰

فوق العاده حاصل نموده اند و مشارالیه هنوز در قید حیات بود که  
 سدهت در اثر شن نمودند تقدیر همگان واقع گردید و دیگر حاجت انظار  
 به این نمائند که بولات آینده به خوبی و بدی گامش برای و نظریات  
 خود را انظار نمایند زیرا فریجه او را در تصوری تمام معاصرین تقدیر  
 نموده و قطعاتی از آنجا میماند که آینه آنقدر باعث شهرت  
 گشته که هر کس او را ستاره کامل و بی نظیر فن مصور میاندانست  
 از آوازه هنر ممدی از آن زمان که در آن بیانات عرق بهمدان نامور است  
 بیشتر نموده است و بی متاسفانه یکی از معاصرین او هم به تشریح  
 و تفسیر آن تصاویر و آنکه بخانه او آثار سیم شده است  
 در این خصوص نیز گفته اند که این خصلت است که همواره با او بود و او را  
 در هر وقت که از آن سخن میزدند فرزانگی از آنجا که شهرت هرگز نبوده  
 در این آیدین است که در تاریخ تولد و اوایل زندگی او مجهول  
 است اما صاحب کتاب شرح آینهان هنر با آنکه در خصوص  
 این زمانه کمالی و پرورش و کمال او در آن است تاریخ زندگی  
 را به جمله ا فرار معلوم است در سنه ۹۲۴ هجری و همچنین عهد الله چنانچه  
 در کتاب رساله (کمال الدین بهزاد منصور) در سنه ۸۴۴ هجری قمری  
 آمده است اما بطور تحقیق آن چه این دنی متبع هنر بوده تولد این استاد  
 بهر نوشته اند عاری از ضحک و بدون مأخذ می باشد شهرت بهزاد  
 از آن جوانی که آغاز زهد و فعالیت وی بوده شروع شده چنانچه  
 مولانا هراتی که از یاران و معاصرین او است و در سنه ۹۲۷ فوت کرده  
 در تمبر نامه (تیمور نامه) خود ضمن داستانی او را چنین ستوده است :

نگارنده نقاش بهزاد است صبر بر سخن را چنین نقش است  
 اولین تاریخچی که در آن از بهزاد ذکر کرده و صاحب آن با او هم  
 عمر بوده حبیب السیر و ولقه خونک میر است که او را پسر و رش یافته  
 امیر نظام الدین علی شیر نوائی دانسته و به التفات بی پایان سلطان



تصویر استاد بہزاد نظام خورش  
مربوطہ مسجد (۱۳)



زیادی در پیش است و هیچ کس نمیتواند در باره آن حکم قطعی نماید .  
 میتوان گفت که بهزاد آتش هنر های زیبای دوران تازی و ایرانی  
 کرد و تخم صنعت میثا توری آنرا در فارس و هند انتشار داد .  
 بهزاد در ماخذ مختلف :

بهزاد در هر جا و هر کتاب بشکلی ستوده شده و هر یک از این ستودها  
 و صفات او را گفته است که ما قسمتی از آنرا ذیلاً نقل میکنیم .  
 اول : حبیب السیر که مؤلف آن حمزه صحر استانی بهزاد است .  
 استاد کمال الدین بهزاد مظهر بساطت و صواب است و مظهر تواضع و خرد و  
 رقتش ناسخ آثار مصوران ماذم است و مظهر شجاعت و شجاعتش باقی است  
 هنر دوران آدم :

موی قلمش ز او سناقی بنا اندازد به تصویر کشی

و جناب استاد به یمن ترقیت و همین رحمت و مهور و ملامت او در این مکتوب  
 باین مرتبه ترقی نموده و هنرمندان ما تصور از مکتوبی مستطوره و مستطوره  
 را نیز با آنجناب المذات و عنایات بسیار نوی و حالاً نوی آنرا در این  
 حدیثی اعتقاد منظور مرحمت سلاطین اتمام است و معمول در مکتوب  
 حتام اسلام . بی شبهه همیشه این چنین حواصت بود .

دوم : عالم آرای عباسی که استاد را استاد بی شصت و شصت و شصت  
 بی مثال گفته در ذکر نقاشان و هنروران زمان طبرستان و سیستان و  
 استادان نادره کار این فن مثل استاد بهزاد و استادان  
 درین فن شریف طاقت و در نزاکت قلم شهره آفاق و در این  
 معموره کار میگردند .

سوم : حالات هنروران که يك ماخذ کامل است در این تاریخی ها  
 به اهنما م محمد عبدالله جغتای بطبع رسیده او را چنین می سنایند  
 دیگر شاعر د خلف سید مشار الیه را ( اشاره به سید روح الله هراتی  
 مشهور بمیرک ) افضل المتأخرین فی فن التصویر قدوة لنا لمتقدمین  
 فی التهدیب و التحریر .

فان راجعاً إلیه استناد کمال الدین بهزاد اسرار و تعریف و آبرو و کرمی الیه  
بهر وقت قلم و مداد و قلم او در آن مرقع ظاهر است .

باز در کتابت او در کتب سالهاست که در آن فقط یک و یا دو خط است که مولانا  
در آن کتب کتب است و در آن کتب که در آن مرقعات بهزاد است

در کتابت او در کتب سالهاست که در آن فقط یک و یا دو خط است که مولانا  
در آن کتب کتب است و در آن کتب که در آن مرقعات بهزاد است  
در کتابت او در کتب سالهاست که در آن فقط یک و یا دو خط است که مولانا  
در آن کتب کتب است و در آن کتب که در آن مرقعات بهزاد است

در کتابت او در کتب سالهاست که در آن فقط یک و یا دو خط است که مولانا  
در آن کتب کتب است و در آن کتب که در آن مرقعات بهزاد است

در کتابت او در کتب سالهاست که در آن فقط یک و یا دو خط است که مولانا  
در آن کتب کتب است و در آن کتب که در آن مرقعات بهزاد است  
در کتابت او در کتب سالهاست که در آن فقط یک و یا دو خط است که مولانا  
در آن کتب کتب است و در آن کتب که در آن مرقعات بهزاد است

نگار زخانش بچاپت روی  
اگر مالی از وی خیر داشتی  
بود صورتش بر او دلپذیر  
به است از قلم گیری مانوی  
از و طرح و اندازه برداشتی  
چو مرغ مسیحا شده روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان کما مران سلطان حسین بایقرا میرزا  
تا چند مدت از اوایل سلطنت و پادشاهی شاه طهماسب در عرصه  
روزگار بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است فووش در دار السلطنة



عزات در حوالی کوه خندان حظی در آنجا از آنجا که در آنجا  
۵ - بار نامه :

بار موسی سلسله مغلها که در آنجا در آنجا در آنجا  
بوده و چند جای بار نامه که در آنجا در آنجا در آنجا  
عزات در حوالی کوه خندان حظی در آنجا از آنجا که در آنجا  
است و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
عزات در حوالی کوه خندان حظی در آنجا از آنجا که در آنجا  
بر آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
موریت در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
به آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
و بسیار از آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
بار نامه و بار نامه در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
به آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
چون است در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
۶ - نامه نامه :

طوری که در آنجا مقاله غریب از آنجا در آنجا در آنجا  
عزات در حوالی کوه خندان حظی در آنجا از آنجا که در آنجا  
رسیده و عماشیر دولتی آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
که کتابخانه ملی بار نامه در آنجا در آنجا در آنجا  
آورده است :

در این مجموعه ده سند بسیار مهمی که جمع شده است  
برای معرفی حال و معرفت تاریخ و آن گمانی آن در آنجا  
نهایت در چه اهمیت و اعتبار می باشد  
الف :

مقدمه که خواند میر بر ورقه‌هایی که بهر اندازه اسنادی در آنجا

کرده بود نوشته :

در توصیف موقوف مرقع که جامع مظهر رشد و رشاد استاد بهزاد است نوشته شد:  
 نقاش ازل کشاد چون چهره مهر آراست مرقعی ز اوراق سپهر  
 تصویر در آن نمود بیرنگ و قلم چندین صدم جلوه گر روشن چهر  
 چون اراست کماله مصور بی چون و مشیت شامله (کن فیکون) با بجماد  
 کارخانه بر قلمون متعلق شد و چهره کشاد عنایت ازلی بقلم مکرمت  
 بر ازلی بیگر انسانی را بر طبق آیت (و صور کم فاحسن صور کم) به  
 تصویر و چهره تصویر نمود و جمال حال این طایفه بسندیده خصا ل  
 در دور انسانی علوم غریبه و زینت انواع فنون عجیبه آرایش داده  
 بهشتیان کلامه کریمه و فضیلتا هم عالی کثیر ممد خلقتا جانب ایشان  
 در این کتاب شرحی است از این مخلوقات افضل فرمود .

دکتر علی :

مظهر فضل و هنر آمد بشر  
 مدحۀ ایام از و ربیب یاد  
 کرد رقم خط فضیلت از ای  
 ساخت عیان ماه رخا بی رنگ  
 کرد روان جو بیچۀ آب بر  
 میوه ا و قوت دل مستمند  
 گلبن بر گل بر یا ض سخن  
 شد خجل از شمسۀ او آفتاب  
 می برد از خاطر دانا شکیب  
 دل بود از معنی او بی خبر  
 نور ده هر دمک دیده است

کتابت از بی چون رقم زده در  
 در بی اظهاری هنر چون تفاوت  
 کرد بیورث قلم کشاد سانی  
 کرد بر رنگینک بهم آب رنگ  
 گمان بنگار از سخن در هنر  
 گمان بر افروخت درخت بلند  
 ساخت گهی از قلم سحر فن  
 کرد بنده هیب سخن چون شتاب  
 حسن خط صورت مردم فریب  
 دیده شد از صورت خط بهره ور  
 صورت و معنیش بسندیده است

« ن والقلم و ما یسطرون » بر کمال شرف خط آینه است و آیت

( علم با قلم ) از وفور فضیلت کتابت کفا یقی . بیت :

حظ خط نیک به نزد خرد پیش بود ز آنچه گمان می برد

و التماذنی بشری از نقش و تصویر بر وجهیکه صورت امیر و وزیر و غنی

و فقیر است قابل تحریر نیست و بیان شمه‌ی از زیغت و زیبای و نغمه‌ی بیخ و آریح آن سبزه‌ی  
 غرابت آیت با عداک فلم و بنان تیسیر پذیر نه، لاجرم از بدو ظهور عالم  
 فضلی اولاد امجاد آدم علی نبینا و علیه السلام عداکم الخطیبی و  
 بالمداء والقلم بدین دو امر شریف اشتغال فرموده است و در بیان  
 کمال و تفوق و ساحت مهارت و فضل گوی سبزه‌ی از امثال و انوار  
 ربوده چنانچه اسامی سامعی بعضی ازین طبقه در سینه‌ی این بزرگوار  
 مذکور است در خطوط گرامی و تصویرات نامی که نگاشته‌اند قلم بر  
 شمیم ایشانست درین اوراق مصور مسطور که در جمله مصورین کمال  
 و هنروران فاضل جامع و مرتب این اوراق مرقع مظهر مرقع  
 و مظهر نوا در هنر داد و العصر سامعی بتفصیل ممالک مسافرت مرقع  
 و داد استاد کمال الدین بهزاد است

مثنوی :

یگانگی نسیم خصیصه‌ی انوار در  
 درین هنروران عالم  
 باقی به از مرقع مرقع  
 بدون مرقع مرقع  
 درین مرقع مرقع  
 با و را گرت نباید از مرقع  
 مرقع مرقع مرقع  
 افزود کمال این مرقع  
 زینسان در مرقع

مانی قلم خجسته آثار  
 استاد هنروران عالم  
 بهزاد یگانگی مرقع  
 موی قلمش ز استاد  
 در دقت طبع موشکا فست  
 تکمیل مهارتش درین فن  
 بکشای نظر ز روی انصاف  
 کار است جمال این صحایف  
 در صورت خط و حسن و تصویر

و بی شایبه تکلف و غایله تصلف تا صفحه خوبان گلبان در مرقع مرقع مشک  
 آثار آرایش یافته مشابه خطوطیکه درین مرقع مرقع است قلم در  
 صفحه کاغذ نهاده و تا مرقع سیهر بصورت نور افشان ماه و مهر که  
 غواص قلم گوهر بار از لجه دوات به ساحل این اوراق رسانیده  
 در دست گرانبها و هر صورت که مصور خاطر غرابت آثار از لوح  
 دل بر صحایف این کتاب نقل نموده حور یست روح افزا .

قطعه :

هر گوهر مراد که در بهر خوشدلی پرورده اند جمله درین بحر حاصلست  
 همچون جمال مشعل افروز دیده هاست همچون وصال خرمی اندوز هر دل است  
 و چون تعریف لطافت آن در همین و توصیف نفاست آن صور بدایع  
 آیین پایة هر بی مایه و پیشة هر بی توشة نیست قلم مشکین رقم بایر اد  
 رباعی که در مدح جناب استادی گفته شده اختصار می نماید .

ر باعی

موی قلمت تا به جهان چهره کشاد  
 بر چهره ماننی رقم نسخ نهاد  
 پس طبع که صورت نکوزاد ازو  
 طبع تو ولی از همه آن ها به زاد  
 الحمد والثناء لله المصور لصور العباد والصلوة والسلام علی سیدنا  
 محمد مانام الخط مصوراً بالقلم والمداد، و اوله مظاهر صور الهدایة  
 والارشاد و عترته الذین هم شفاء نافی يوم التناد .

ب - نشان کلان آری کتاب خانه همایون با هم کمال الدین بهزاد نوشت :  
 چون ارادت مصور کار خانه ایجاد تکوین و مشیت محرر نگار خانه  
 آسمان وزمین که طبق کلامه ( و صور کم فاحسن صور کم ) نقش و جود  
 غرابت نمود بنی نوع بشر در احسن صور بر صفحه امکان پرداخته قلم قدرت  
 اوست و تصویر صورت تفضیل ( ن - تفضل ) افراد انسان بر سایر مخلوقات  
 ربانی بمقتضای ( و فضلنا هم علمی کثیر ممن خلقنا ) تحریر کرده انا مل  
 حکمت او، منشور ( انا جعلناک خلیفة فی الارض ) را بر صحیفه حل کاری  
 خورشید بخامه عطار د بنام همایون انسجام ما امضا نموده و اوراق سپهر  
 لاجوردی را جهت کتابت روزنامه چه آثار فتح و نصرت ما بافشان نقره  
 کوب کواکب و جدول شنجرف گون شفق منقش و مزین فرموده لایق  
 آن و مناسب چنان می نماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون که مطرح  
 اشعه انوار الهی و مظهر صور آثار خیر خواهی است بدین صورت  
 مصور باشد که هر مهم از کرایم مهمات سر کار گامرانی و هر  
 امر از عظیم امور کار خانه جهانیا نی بهر مندی داد کار دانی

136391

فضیلت انما که بطراحی ذهن باریک بین و رنگ آمیزی طبع ظرافت آئین طرح ابداع و انواع کفایت و نقش اختراع اصناف فراست بر تختة وجود ظاهر تو اند نمود و نقاب حجاب از چهره مطلوب و مقصود تو اند کشود مفوض و متعلق باشد ، بناء علی هذا درین ولانا در العصر قدوة المصورین واسوة المدھبین استاد کمال الدین بهزاد را که از قلم چهره کشایش جانمانی خجل شده و از کلمک صورت آرایش لوح ارتکاب (ن - ارسنک) منفعل گشته و پیوسته قلم وار سر بر خط فرمان واجب الاذعان نهاده و بر کار مثال پای در مرکز ملازمت آستان خلافت آشپان استوار کرده مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشا هانه ساخته حکم فرمودیم که منصب استیفا و کلا نتری مردم کتابخانه همایون و کتابان و نقاشان و مد هیان و جدول کشان و حل کاران و زر کو بان و لاجورد شوینان و سایر جماعتی که بامور مذکوره منسوب باشند در مما لک محرومه مفوض و متعلق بدو باشند .

سبیل امراء روشن ضمیر و وزیرای بی شبهه و نظیر و نواب در تمام عالم پناه و یل چپان (ن - ایچکیان) بارگاه سپهر انقیاد و میا شرایک امور سلطانی و متصدیان مهم دیوانی عموماً و اهالی کتابخانه همایون و جماعه مذکوره خصوصاً آنکه استاد مشار الیه را مستوفی و متعهد کلا نتری دانسته کارهای کتابخانه را با ستیضا و بر آورد او برسانند و آنچه بر او کند بمهر و ثبت او معتبر دانند و از سخن و عمل او در آنجا و که در باب ضبط و ربط امور کتابخانه همایون گوید در آنجا که در آنجا نه نمایند ، و آنچه از لوازم امور مذکور است مخصوصاً آنکه در آنجا مشار الیه نیز باید که صورت اما نت و چهره دیانت بر لوح خاطر و صفحه ضمیر مشیر مصور و مرتسم گردانید ه بطریق راستی درین امر شروع نماید و از مهمل و مداهنه مجتنب و محترز بوده از جاده صدق و صواب انحراف و اجتناب نکند - از جوانب برین جمله بروند و چون این حکم همایون بنقش توقیع و قیوع (کذا) اشرف اعلی منقش و مشرف و محلی گردان اعتماد نمایند تحریر آ فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۹۴۸

بهبود در نظر غربیان :

ذوق سرشار و قریحه مبتکر بهزاد که از آثار جهان قیمت او بخوبی پدیدار است به آنها ما و شرقیان بلکه اروپائیان و ذوقمندان دنیای غرب را نیز زیر تاثیر گرفته چنانچه عده‌ای از مستشرقین معروف در ضمن مطالعات قیمته‌ار خود راجع به شرق زمانی هم برای زنده کردن نام و روشن ساختن مقام این استاد بزرگ کار کرده و آنچه از دست ایشان برآمده در این راه کوتاهی نه نموده اند .

از جمله اروپائیانیکه بیشتر در قسمت صنایع ظریفه شرق معدومات داشته و راجع به بهزاد نگارشات کرده اند می توان اشخاص ذیل را نام برد :

رنه گرویه فرانسوی، دکتور کتل آلمانی، موسیو هواریت فرانسوی، مسلم فارسی مدرسه السنه شرقی پاریس، موسیو بلوشه کتابدار کتابخانه ملی پاریس و موسیو مارتن فرانسوی. مارتن استاد بهزاد را چنین توصیف میکند :

« اگر چه کمالات اندین بهزاد در يك محيط ديگر و در يك عهد ديگر زیسته مگر باز هم مقام او از مقام نقاشان معروف فرنگ مانند «وان فوکه» و مملنگ (Memling) و غیره کمتر نمی باشد استاد بهزاد که تقریباً در سنه ۱۵۲۷ موفات یافته در مملکت خود در نزد پادشاه وقت بسی مظهر لطف و تحسین گردیده است چنانچه رفا ئیل در روم از طرف ایتالیائی ها مورد حرمت و پرستش واقع شده بود بهزاد در وطن خود نیز محبوب القلوب بوده و در روز وفاتش حزن و تأثر صنعت شناسان ملت بدرجه‌ی بوده که نظیرش کمتر دیده شده است .

تصویر های قلمی بهزاد را می توان در بهلوی تصویر های « فوکه » که در شاهنامه است و تصویر های « کریمان » که در « وینز » است و یاد در بهلوی نسخه خطی مشهور « رند انزو » که در کتابخانه امپراطوری « وین » است گذاشت - اینکه آثار روحی استادان فرنگ ممکن است از بعضی جهات برای ما خوشتر و با قیمت تر باشند باین سبب است که ادراک موضوع و مفهوم آنها برای دماغ ما آسانتر و طرز نقشه و

نگارش آنها با احساسات قلبی ما موافق و نوسان است و در این  
نقطه نظر صنعتکاری و مخصوصاً از نقطه نظر آرتیستیک و زیبایی  
رنگها و تکامل عمل این میناتورها بعینہ نظیر آثار استادان  
بوده و بلکه بر آنها فایزند -

اختصاصات سبک بهزاد :

طوری که در او ایل آفتاب و خورشید گشودیم صنعتیست بهیچ وجه

تیموریان پیشرفت زیاد نمود و با آخرین درجه آرتیستیک  
ولی باید این هم نا گفته نماند که این صنعتگران  
مقید گردید که صنعتگران سایر نوبه و سبک نمودند و در  
آنها را سلب کرد اگر چه صنعتگران در این سبک  
بودند ولی در سبک و طرز عمل مجبور بودند تا ایل  
نموده از آن منحرف نشوند .

همان طوری که عصر تیموریان در طراز سبک  
میرزا ختم میشود صنعت میاندازد و در سبک  
افتخار بهزاد حاکمه نمی یابد، یعنی آخرین صنعتگران  
که نگار سنائی در شرارت به آفتاب ریاضت رساندند  
و با قلم مبتکر وی چنان نازکی نما و خیالها در  
بمیان آمد که در آثار سلخس دیده نمی شود .  
بهزاد را اعجوبه زمان و استاد عصر خود  
نامیده اند که سبک جدیدی در میناتور سازی  
صنعت با کلیه جزئیات خود بتوسط او به  
کارهای بهزاد تا عصرهای ما بعد از او  
نقاشی همیشه است .

در کارهای دستی این استاد بزرگ نکته ای که  
توجه است امتزاج و آهنگ رنگها و ثابت ماندن آنها  
درین شکلی نیست که نقاشی های بهزاد و عصر او از  
متقدمین بمراتب بهتر است و آثاریکه از او باقی مانده همه گواهی

میدهند که بهزاد در انتخاب رنگها و به کار بردن آنها ابراز هنر نموده است مثلاً در اکثر آثار خود چهره های نازک و نفیس بایک خال سیاه بکشنگی آنها افزوده است و در دور نماهای کوچک یکنوع رنگ سبز که در واقع بسیار خوش منظر است دیده می شود که مخصوص کارهای او است . خلاصه می توان اختصاصات و شیوه میناتورهای بهزاد را در اقرار ذیل تعیین نمود:

اول - درستی و دقت کارها .

دوم - نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیله ترکیب انواع رنگها .

سوم - حرکات و مفهومی داشتن اشارات تصاویر یعنی در آثار بهزاد عموماً در نگاه، حرکات و اوضاع تصویر چنان مهارتی بخرج رفته که بیننده می تواند بیک نظر مفهوم آنها را بداند .

۴ - ظرافت در کشیدن درختان، گلها و دور نماها و همچنان قشنگی اشعه خورشید و ابر و غیره در امایش تا بلوهای طبیعت .

۵ - تعدد رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر . یعنی استاد بهزاد در تصاویر و نقاشی های خود رنگهای متعدد و مختلف را بکار برده که دیگر نقاشان و صورت نگاران از اکثر آنها بی خبر بودند و یا اگر خبری هم داشتند آنها را بکار نمی بردند علاوه بر اینها سر «ارنالد» مستشرق شهیر انگلیسی یکی از اختصاصات مهم تصاویر و نقاشی های بهزاد است که های اراق را میداند چنانچه در کتاب خود موسوم به بهزاد و مصورهای او در میناتورهای ظفر نامه در ضمن تفصیلات تصویر نمره اول و نمره دوم کتاب مذکور میگوید: (۱)

«این منظره نشان میدهد که مجلس در باغی منعقد گردیده سطح و زمین تصویر با او راق بوته های اراق تزئین شده است و این زینت اخیر الذکر مخصوصاً منسوب به صورتگری های بهزاد بوده و یکی از علایم ممیزه مصوری و نقاشی او است .»

(۱) این اثر در انجمن تاریخ توسط غلام قادر خان فایق ترجمه شده و تا

کنون به طبع نرسیده است .



در کارهای این استاد بزرگ رنگهای شگفته مانند سرمه‌ی سبز تیره، فیروزه‌ی سبز روشن، رنگ زیتون و زرد و قهوه‌ی بیشتر یافت می‌شود.

طلا و نقره نیز در نقاشی‌ها و تصاویر بهزاد بکار رفته و اقسام مختلف رنگ قرمز را هم استعمال کرده است.

آثار بهزاد:

اگر چه استاد بهزاد زندگانی آرام نداشته و چندین بار از هرات به تبریز و از تبریز به غیره جاها مسافرت نموده است ولی با آن هم هرگاهیکه فرصتی بدست می‌آورد از موقع استفاده نموده از خود آثار گرانبهای به یادگار باقی گذاشته است - آرام ترین و درخشانترین روزهای زندگانی این مصور نامدار همان ایامی را می‌توان گفت که در عهدسلطان حسین بایقرا بایک خاطر آرام در شهر هرات گذرانیده است اکثر آینه‌ناتورها و آثار بهزاد که در تمامی موزه‌های

در تعلیقات فکری سلجوقی صفحه (۱۰۱) در شرح حال بهزاد چنین نوشته شده است:

این نقاش بزرگ تحت تربیت و نوازش امیر علی شیر بعد کمال رسیده و در هرات نقاشی هرات تصرفات و اصلاحات دقیق و عالمانه نموده سبکی زیبا به وجود آورد که آنرا مکتب هرات یا مکتب بهزاد می‌نامند و این مکتب را از استادان و بزرگان عالم اسماعیل صفوی و عبیدالله خان اوزبک هر دو از هر طرف پرکنند - (برونگه بهزاد در قسمت کردند) یعنی یعنی ازین هنرمندان به بخارا کوچانیده شد و در آنجا بیکه بر رفتن بخارا اراضی نبودند چندی متواری بودند و عاقبت در آنجا چنانچه گفته شده بهزاد بدستور شاه اسماعیل از آنجا فرستاده شد و در آنجا به تبریز رفت و نزد شاه اسماعیل و شاه طهماسب نهایت عزیزان و دوستی یافت و زندگانی می‌کرد.

سال وفات بهزاد همان سال نهصد و چهل دوی هجری قمری یعنی سال وفات مولانا رستم علی خواهرزاده وی بوده و دوست محمد گواشانی وفات او را در تبریز و خاک او را در جدار کمال (کمال خنجندی شاعر که در تبریز مدفون میباشد) در تبریز

عالم و کتب خانه های سلطنتی شرق و غرب بداشتن آنها مستغنی  
 و توانگر اند ، رویهمرفته محصول آن قسمت زندگانی بهزاد است که  
 در هرات زیبا سپری شده زیرا مرقعات و کتب که نقش بهزاد را بخود  
 دیده حتما با خطوط زیبا و قشنگ خطاطان معروف هرات مانند سلطان  
 علی و سلطان محمد خندان و غیره توأم و همراه اند با آنکه بهزاد هیچ  
 سرکشی را از دست نداده و همیشه مصروف نقاشی و میناتورسازی بوده است  
 شهادت آثار گران مایه او بسیار کم و نادر است .

در آثار این استاد زبر دست تاکنون آنچه دیده شده و در دوره های  
 سابق مرصوف است قرار ذیل است :

۱- نقش آثار های بهزاد در موزیم افغانستان بود چون بود و لی  
 بتاسف در اثر شورش و اغتشاش خانان سو ز چند سال قبل آنها ما

استاد در سن اربعه مرحوم آقا میرزا محمد تقی استغابی فرمودند که در دهی کتبخانه بانوی  
 سادات در هرات داعی الاسلام رسالی دیدم تألیف حاج شیخ محمد تقی کتبخانه  
 در آن ساله مسطور است که بهزاد پس از سالها ماندن در قزوین و تبریز چون  
 رسیدار مولانا رستم علی خواهر زاده خود بهرات برگشت و قبل از ورود بهزاد  
 بهرات مولانا رستم علی از جهنم رفته بود و فضا را در همان سال بهزاد در  
 هرات شد از دنیا رحلت کرد .

پیکر پاک آن استاد نامدار در جوار قبری پر نقش و نگار مختار بهلولی  
 رستم علی خواهر زاده اش دفن نمودند و این قول نزدیک بحقیقت است که چندین  
 سال قبل لوح مزار مولانا رستم علی پسر خواهر بهزاد از شمال مزار حضرت شیخ  
 میرزا جبار گوی از زیر خاک بیرون شد مرحوم عیدالرحیم خان نائب سالار آن ناحیه از بیم تلف شدن بقلمه خوش برد  
 نادر فرصتی خاک پسر خواهر بهزاد را احیا نماید اما فرصت نیافت و آن لوح همانجا ماند  
 بعد از وی لوح مرصوف به بلند به و از آنجا به مسجد جامع نقل یافت (۱۱)

در عصر نائب الحکومه کی جناب ملکیار در نظر بود که خاک رستم علی و بهزاد  
 هر دو در جوار مزار شیخ عمر که قریب قبه مختار واقع است در محل کشف لوح  
 صورت آبرو مندی ساخته و احیا شود .

(۱) قرار معلوم تاکنون لوح مذکور در مسجد جامع هرات محفوظ است .

بر باد و تلف گردیدند از آنجمله یکی -الامان و ارمال مولینا بود که  
 ر طرف سلطانعلی خوش نویس دستنسخ و نقاشی های آن دست  
 استاد بهزاد بامیناتور همان متن دوزنقاریهای خود را در آنجا  
 گرفته بود . دیگری مرقعات یا بهارستان بهزاد که مجدداً در  
 هرات را بصورت های گوناگون و همسایه آنجا در دست  
 رسم موده در آن گنجینه گریهها چهل هزار نسخه  
 کارهای نفیس بهزاد و طرفی - بگوشی مسموم خطای آن  
 خطاطان معروف آن عهد را شامل می شود . در دست  
 نائب ا سلطانه موجود در حیرت بخش و بی نظیر  
 یادگارها به نوریم اور (Lahore) در هند  
 ۴ - صورتهای کتاب طبری در دسترس است که خطای  
 هر شده اجرید است . دست خط آن در  
 انجام یافته است .

بعضی از مورخین بر آن باورند که در  
 سلطان نوشته شده و برخی دیگر  
 کتاب که نامه می باشد که در  
 یادگارها مغلوب بوده و از تاری  
 نقش و نگارهایش که ده است . در خصوص  
 اروپایی نویسنده که این کتاب از  
 ۴ - باج بهشت هرات که از جمله آثار  
 استاد بشمار میرود .

۴ - يك جلد كتاب خمسة امير خسرو شاد  
 شده و دارای ۳۳ میناتور کار بهزاد است .

و این نیز فرصت این است حاصل شده و لوح  
 یکی از معاصرین از هرات لوح خواننده و از هرات  
 و با این ترقیب لوح قیودستم علی از میان رفت و  
 از هان فراموش شد .

۵- در موزه بریتش لندن و در استانبول در سرای یلدز نیز از آثار بدیعه بهزاد موجود است چنانچه درین اواخر در استانبول «ارمنابیک» عضو وزارت اوقاف رساله بنام آثار بهزاد در زبان فرانسه نوشته و شرحی در این خصوص من داده است .

۶- در تاریخ ۱۵۳۷ بکنفر کاظم نام از آثار بدیعه صنعت گران معروف در قسطنطنیه جمع آوری کرده و به شاه طیماسب صفوی تقدیم نموده است که در آن یکی از شاه کار های بهزاد یعنی تصویر ضحاک نیزه وجود بوده . در مقدمه تاریخ تیمور که در ۱۴۶۷ به اتمام رسیده و تصاویر آن در قفقاز و ایران جمع شده و در آنجا در این مرقع دارای صفحه ۱۰۰۰ تصویر است که هر دو طرف آن ها نقاشی طلاکاری شده و هیچ نوشته ندارد . این آثار بدیعه نمونه خوبی برای شناختن استعداد فطرت استاد است . در این باره فرانسوی نوشته . در کتاب مدانیت های شرقی - در کتاب تیمور در موزه بوستون ( Boston ) نیز یکا محفوظ بوده . در این تصویر تیمور بر روی تخت پادشاهی و صحنه پذیرائی در بار تیمور و اربابان و شهبانم سوزران در یک قلعه جنگلی و همچنان ساختمان یک دیوار و شیر تیمور صحنه های زندگی تیمور بمشاهده میرسد .

در موزه مکتوبی موجود است در تملینا تش از بهزاد همین قدر یاد کرده قطعه ای را که از این دوست ها سرور تاریخ وفات بهزاد سروده و از جمله اضافی ( خاک قبر بهزاد ) تاریخ کشید . این نوشته در عین آن در صفحه ( ۱۵ ) کتاب نمایی ذکر شده ولی بناهلی برای سلب رقی که تماایقات پدرش را بطبع رسانیده در پا صفحه گی آن عبارت ذیل را علاوه میکنند :

استاد بهزاد در کتاب سرآمدان هنر چاپ برلین و در نشمنده محترم آقای دکتر کی محمد حسن مصری در کتاب «التصویر فی الاسلام عند الفرس» شاگرد سید احمد تبریزی مدرفی میکنند آقای گنزد زکی با ز میگردند .

دیگران میگویند که «بهزاد نقاشی را در هرات نزد میرک آموخته» ظاهرأ گفته اول بعید می نماید زیرا نمی توان فکر کرد که در حاکم بهزاد در خانه نقاشی چیره دست چون خواجه میرک بزرگ شده باشد نقاشی را نزد دیگری آموخته باشد .

۸ - نسخه بوستان سعدی که در ۱۴۸۷ نوشته شده و در موزه قاجاری موجود است ولی متأسفانه اوراق این اثر بعد قاجاری ناپدید شده و نسخه گرویه در کتاب مدنیت های شرق خود می گویند که در این نسخه صحنه های مهمانی و مجالس عجب و ساختن این خانه ها و تخیلی است اما مشاهده نموده و تصاویر آن هر یک یک خود یک با همکاران بوده و خبثی ها زیبا و رنگه کشیده شده اند.

۹ - در کتابخانه علمی برلین نیز ۳۲ نسخه از همین اثر در ۱۳۹۶ بهزاد موجود است این نسخه ها در یک نسخه دیوانی در ۱۳۹۶ در ۱۴۹۶ نوشته شده کشیده شده اند و این نسخه ها در چند بار چه آنها کار دست خود بهزاد است اسنادی در آن کتابخانه ها است تا شد.

۱۰ - یکی دیگر از شاهکاری های بهزاد تصویر مغلطای است که در آن تماماً اختصاً همان طاهر علی و باطنی است که در آن است و نظر به گفته رونه گرویه و این تصویر در کتاب آثار اسنادان پیشین چندین نشانده می شود است که در این نقاشان امروزی اروپا و تصاویر و نقش ایران بود که در (Francois clouet) تفاوت بنظر می رسد.

مرحوم گویا اعتمادی را جمع به میل دهن اسناد بهزاد هر وی نقاشی در ۱۳۱۷ کابل تبصره جناب می نمود که بزرگ عین گفزار او را بهزاد اینجا نقل می کنیم :

«اخیراً در عهد آباء و کور کتاب شاه شخص نقاشان در این زمان محمد علی داعی الاسلام مولف فرهنگ نظام کتاب نظام شاهنشاهی و در زمان تا اعلی قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول مطالعه رسید که اسناد و بهزاد اطلاع نفیس و جهان قبوتی داشت مدون آن را بطور صحیح و محقق نشانده بدین عبارت :

استاد بهزاد از دارالمطالعه عراق است در طفولیت از پدر و مادر ماخذ و اسناد بزرگ کتاب دار سلطان حسین او را تر بیب نمود و کارش بهجایی رسید که از

۱۸ - تصویر یک شهزاده اسیر است و بقرار عقیده مارتن این میناتور تصویر آخرین رئیس قبیله آق قیونلو است که در ۱۵۰۴ بدست صفویان به تبار رسیده این میناتور در جزء کلاکسیون دوه ( Douet ) محفوظ است .  
 ۱۹ - تصویر مراد آق قیونلو است که در جزء کلاکسیون ( Koechlin ) موجود است .

۲۰ - نسخه خمسه نظامی که در ۱۴۴۴ نوشته شده و امروز در برنش موزیم لندن موجود میباشد ؛ اگر چه موسیومی ژن ( Migeon ) و ارمناک بیکنک تصدیق از آنها شی های این کتاب را کار قاسم علی هراتی معاصر در قسطنطنیه نیز عمل آفرانده اند ولی موسیومی مارتن که یکی از بزرگترین میناتور شناسان میناتور های شرق میباشد تصاویر این نسخه را به خوبی از سفید می کند .

۲۱ - نسخه بسیار گشنگی که در ۱۵۱۱ در شهر هرات برای کتابخانه سلطان حسین بیزا که شش سال پیش از انجام یافتن آن کتاب در ۱۵۰۴ میلادی نوشته شده است که حالا در کتابخانه برنش موزیم لندن موجود است .

۲۲ - نسخه خطی در ۱۷۷۵ از طرف محمد بن عثمان استغیخ و بهزاد نیز در مکتب های عثمانی آثار پورایه بسته است .  
 بدون صورت این اثر از شاهکار های استاد بهزاد است لهذا با آنکه خیلی قیمتی و با اهمیت میباشد . قرار گرفته مارتن در میناتوری های این اثر تصاویر درویش های رقص کننده مجلس پذیرایی خسرو از شیرین و ولادت معنون و منظره بهار و تصویر مردیکه طوطی سبزرنگ در دست دارد و از جمله شاهکار های بهزاد بشمار میرود به شاهد میرسد .

مکتب های برنش یافت .

به است از قلم گیری مانوی  
 ازو طرح و اندازه برداشتی  
 چو مرغ مسیحا شده روح گیر

نگار ذفا اش بجا بگردی  
 اگر مانوی ازوی خبر داشتی  
 بود صورت مرغ او دلپذیر

و فان او در دار السلطنه هرات و در حوالی کوه مختار در حظیره بر نقش نگار آن مدفون است .

۱۵ - يك تابلوی قشنگ و زیبا - این تابلو یکی از بهترین و فصاحت  
 ترین صورت هایی است که هیچ نقاش چنین اثر بی نظیری  
 نیاورده و منظره روح افزای بهار را نشان میدهد. این تصویر چنان  
 طراوت فصل بهار و پر تو آفتاب و زندگی خرم و روشنائی ریائی را  
 به ما ابراهام میکند که منظره دلچسب آن فقط منحصر بر روز دین خرم آریا است.  
 ۱۶ - در موزه پتر سبورگ يك عده میخاتور هائی موجود است که  
 قصه نیلی و مجنون را نشان میدهند. این میخاتورها از جمله بهترین  
 آثار بهزاد بشمار رفته و درجه احساسات افکار و قوه عینک را در  
 بخوبی نشان میدهند. استاد بهزاد در نقش کردن این میخاتورها  
 و نشان دادن قوه جذبات عشق صنعت عجیبی از خود نشان داده است  
 چیز یکه بیشتر درین تصاویر جلب نظر میکند اینست که بهزاد  
 و ترتیب دادن این میخاتورها مانند نقاشان ایرانی از پیشینه  
 را از خیالات شاعرانه بطرف حقیقت جدایت آورده است. این  
 که در هرات و هندوستان چندین بار تصویر نیلی و مجنون را کشیده  
 کشیده اند که در اکثر تابلوهای آنها حیوانات درنده با هیولاهای  
 در يك جایگاه داده شده اند و این خود جز اثر افکار شاعرانه  
 بوش نیست ولی بهزاد این مطلب را بطوری حل کرده که هم  
 و دما تاسی بسته وهم قدمی بطرفی تجدد برداشته است. پس  
 که حیوانات وحشی را در يك صحنه بنویسد يك نهر از حیوانات  
 اهلی جدا کرده است.

۱۷ - تصویر است در موزه شیر از بقلم بهزاد که در آنجا

نوشته مرحوم گوینا اعمادی که در سطور پیش نقل شد این تصویر  
 که نسخه خطی آن در مشهد نزد دانشمند کلمهین معانی است. این تصویر  
 در انسا کلو بیدی اسلام (ج ۱ ص ۱۲۱) نیز ذکر شده که در کتاب  
 احمد بهزاد در هرات و قات یافت و در پوران گوید معتقد در بین  
 نگار مدفون گشته بود مزار حضرت شیخ عمر در بنویس فیه  
 مختار که در رساله مزادات ذکر آن دیده میشود آنجا آن  
 شماره ۶ دوره بیست و هشتم مجله آریا

در لندن به سال ۱۹۳۱ موجود بود درین تصویر رقیمة ذیل را بهزاد بخط خود نوشته است که از آن درازی سن او هم معلوم میشود این رقمی است بدیع مشعر از مضمون: ( افلا ينظرون الى الا بل كيف خلقت ) که این شگسته نهاد فقیر نامراد بهزاد بعد از وصول عمر بدرجۀ هفتاد و تجربه قوی درین امر افتاد .

درین تصویر اشتیری دیده میشود که پیر مرد سااخورده مهارش را بدست گرفته میخواهد او را چونک کند از روی این در عهد جهانگیر و بحکم او نانهای مصور در ۱۰۱۷ هـ، ق تصویر کشید چنانچه همین نقل نیز در نمایش لندن موجود بوده عبارتی که جهانگیر بقلم خود نوشته حسب ذیل است :  
 اللهم اكبر . این کار استاد بهزاد را دیده نانهای مصور کرده حسب الحکم من .  
 هر را جهانگیر بن اکبر پا شاه غازی ۱۰۱۷ هـ ق .

۱۸- دیگر از آثار بهزاد تصاویر نسخه تیمور نامه‌ی بود که به خط استاد سلطان علی تصویر شده چنانچه مؤلف تاریخ گجرات که مشتمل است بر وقایع ۹۴۱ هـ در صفحه ۲۴۴ جلد اول کتاب خود بزبان عربی راجع بدین کتاب چیزی نوشته که ترجمۀ آن قرار ذیل است :  
 هجوم آوردند بر خیمه نشینان و نیافتند مگر چیزهای ثقیل پس تاراج کردند هر چه یافتند حتی کتب را و از جمله چیزها نیکه بردند يك جلد تیمور نامه مولیناها تفسی بود که بخط استاد سلطان علی تحریر و باقلم بهزاد مصور شده بود .

استاد پیر احمد باغ شمالی، استاد سید محمد نقاش و خواجه علی مصور و استاد قوام‌الدین مجلد (صحاف) و نقاش تبریزی آنها را با بسنفر از تبریز بهرات آورد و سید خلیل الله مشهور به خلیل هردی نقاش که او نیز هم اسم امیر خلیل هردی خود شنویس معاصر عماد است نباید که اشتباه شود و خواجه غیبات الدین پیر احمد در کوب که شاید همان غیبات الدین نقاش هردی باشد که از طرف با بسنفر بسفارت به جانب ختای رفته تا طرح باغهای چین را با خود بیاورد و هم بنقاشی - بک چین آشنا شود شرح حال آن هنرمندان را بیش از آنچه دوست محمد گفته در جای یافته  
 اقوانستم .



۱۹- در بریتش موزیم لندن خمسۀ نظامی که تاریخ تحریر آن ۸۴۶ هجری است موجود بوده و تصویر های آنرا تماماً بهزاد به سن جوانی کشیده است .

۲۰- در نمایش لندن از کتابخانه ملیۀ مصر یک نسخه خطی گلستان شیخ سعدی دیده شد که تمام تصاویر آن بقلم بهزاد بوده و بهترین شاهکار فن مصوری بقلم میرفت ، سنۀ تصویر آن ۸۹۲-۸۹۴ هجری بود .

۲۱- منظرۀ جنگ شتران . صاحب کتاب تاریخ صنایع ایران می گوید که میثا نور بسیار زیبا و جالب توجهی که منظرۀ جنگ شتران را نشان میدهد در تصرف دولت ایران است و می گویند آنرا بهزاد در سن هفتاد سالگی ساخته است .

۲۲- تصویر مولانا جامی قرار نوشته مؤلف نامۀ صورت گران یک تصویر مولانا جامی در کتابخانه حضرت رضاء موجود است که بقلم بدیع رقم استاد بهزاد کشیده شده است ، درین هیچ تردیدی موجود نیست که تمثال این شاعر بزرگ را بهزاد کشیده باشد زیرا مسلم است که او را مکرراً در دربار سلطان حسین بایقرا ملاقات کرده و فوق العاده با وی دوست و مهربان بوده است . این تصویر مولانا جامی که بقلم سحر آسیای بهزاد کشیده شده در هند نیز بتوسط دولت نام مصور در راجه انگلیز نقل شده است چنانچه اندرۀ گوادر فرانسوی در کتاب آثار ایران در ضمن صحبت از تصاویر مرقعی موسوم به گلشن که در ۱۹۴۱ میلادی در صنایع ظریفۀ شرق در لندن فرستاده شده بود این تصاویر را توضیح ساخته و می گوید : ( درین نمایشگاه گرانبها ترین تصاویر این مرقع را بمعرض نمایش گذاشته اند مانند دو صفحۀ که سلطان حسین بایقرا را در باغ خود نشان می دهد و صفحاتی که منسوب به بهزاد و عبدالصمد است ولی ظاهراً نظر به ترتیب مخصوصی که در اوراق مرقع رعایت شده است چندین پرده دیگر که برای تاریخ نقاشی هندی دارای اهمیت میباشند ، متروک و مهجور مانده اند از تصاویر دولت که بر حواشی

مرقع گلشن کشیده دو تصویر دیگر او نیز اهمیت مخصوصی دارند که در حاشیه ۱۴۰ مرتسم است در وسط حاشیه بالای این صفحه پیر مردی رسم شده که نشسته و برقبای ساده خاکستری تیره کمر بند آبی بسته است است در دستش کاغذی است و بر آن نوشته شده :

( الله اكبر - شبیه مولانا عبدالرحمن جامی ) و برکتا بیگه در برابر او زمین نهاده است این عبارات خوانده می شود :

« عامله کمترین خانه زان دولت جهانگیر شاهی از عمل استاد بهزاد نقل نمود » . . . . هیئت نجیب و ساده جامی که از این تصویر نمایان است با شرحیکه صاحبان تذکره از اخلاق و صفات آن شاعر داده اند موافقت تام دارد . پیداست که مرد نیک محض و مهربان بوده است .

۴۴ - از جمله آثار بهزاد که بیشتر از همه مورد دلچسپی ما واقع می شود تصاویر ویر و میرا توری است که در یک نسخه خمس نظامی کشیده شده است این نسخه بخط سلطان علی معروف تحریر و در کتابخانه شخصی بهاشرفی محمد نعیم (در زمان طبع اول کتاب وزیر معارف و همایون صدارت بودند ) موجود است امید است در آینده نزدیکی مقاله چندگانه در اطراف این اثر مهم تهیه و به عرض استفاده قرار بدسیم .

## (( ت ))

تابعی ز مولانا

از نقاشان و صنعتگران معروف هرات است . علاوه بر صنعت نقاشی و صورتگری در علم موسیقی و نواختن موزیک هم شهرت زیاد داشت اگر چه ترجمه مفصل حالات او در توار یخ و تذکره ها یافت نمی شود اما با آن از روی حدس و قرائن می توان او را از ناموران قرن دهم هرات دانست از جمله آلات موزیک در نی بیشتر مهارت داشت گفته از آن قریحه شعری نیز داشت و اشعاری هم از او بیادگار مانده است (۱) .

(۱) نسخه ۲۷۲ ریاض الشمران - نسخه قلمی متعلق به مرحوم ما شامی بقاقتندی مؤلفه قلمی در غنای . . . .

## (( ج ))

جنید (ع و لا نا )

از مصوران و صور نگران قرن نهم هجری است (۹) در عهد سلطان حسین  
بایقرا شهرت یافته است و از روی نام او معلوم میشود که با پدرش  
در صفحات شمال افغانستان بوده باشد بهر حال در سن خود و از  
صنعتگر آن درجه دوم بحساب میرفت .

## (( ح ))

حاجی محمد نقاش :

حاجی محمد از نقاشان معروف قرن نهم هجری است که در  
نظافت طبع و اشعار شیوای خود هم شهرت بسیاری داشت او در کابل  
این صنعتگر ماهر پره معلوم نیست ولی نا چنانیکه کتب مرآت  
نیکمند در عصر سلطان حسین میرزا یا پسر میرزا حسن و  
معتبر می بوده است در ابتداء به نزد میر علی شیر زوالی  
داشته و بخد مت او سالهای زیادی بسر برده چنانچه در همین اثر  
ر تبه کتبا بداری و زیر مو صوفی نائل شده بود ولی از آنجا که  
حاجی محمد در اواخر از امیر علی شیر آزرده خاطر گردیده و سر  
داشت آرزوی خدمت گذاری بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین  
را که در آن اوقات از طرف پدر و والی سیستان بود بدین  
بدین آرزوی خویش نایل گردیده و هنگامیکه بدیع الزمان پشای شورش را

جلال الدین میرک حسینی :

از شاگردان بزرگ بهزاد بود که بعد از بهزاد می توان از و نام برد . سال  
دفا تش واضح نیست ظاهرا بعد از شاه طهماسب مدت کم حیات داشته .

بر پدر گذاشت و در حدود سنه ۹۰۴ هجری هرات را محاصره نمود  
از شهر هرات فرار کرده بشهزاده مذکور پیوست این نقاش ماهر به  
نسبت لیاقت و استعداد فوق العاده خویش در حضور بدیع الزمان  
تقرب و اعتبار زیادی حاصل نموده به سمت کتابداری او مقرر گشت  
و باقیمانده عمر خود را به فراغت و آسوده دلی گذرانیده مشغول نقاشی  
و تذهیب کاری بود. حاجی محمد نه تنها صنعت نقاشی و تذهیب را  
خوب میدانست بلکه جامع الکمالات بود و چندین اختراع مجیرا لعقولی  
در آنوقت بوجود آورد از جمله ساعتی برای کتابخانه امیر علی شیر  
نوائی اختراع کرد که صاحب حبیب السیر آنرا چنین تعریف میکند:  
(از جمله مخترعات مولانا حاجی محمد صندوق ساعتی است که در  
کتابخانه امیر نظام الدین علی شیر ترتیب نموده و در آن صندوق صورتی  
تذهیب کرده بود که چوبی در دست داشت و چون یکساعت از روز می  
گذشت آن پیکر چوبی بکنوبت بر نقاره که در پیش او بود میزد و بعد  
از گذشتن ساعت دوم دو نوبت آن حرکت میکرد و علی هذا القیاس (۱)  
مولانا حاجی محمد نقاش در حسن رویه و سلوک در تمام تذکرها و ماخذ  
موقعیت خوبی را احراز کرده و میگویند مرد کریم النفس، عالم و خوش  
صحبت بود، در علوم و صنایع متداوله آن زمان از قبیل نقاشی و تذهیب کاری  
و غیره کمتر چیزی بود که وی به آن شناسائی و مهارت نداشته باشد  
چنانچه امیر علی شیر نوائی در تذکره معروف خود (مجالس انفائس)  
چنین میگوید: «نقاش شهر هرات و مر دخوش طبیعی  
است خیالات غریب میکند و کم فنی باشد که او را در آن اندیشه بخاطر  
فرسد . . . حالا در عراق است (۲)  
طوریکه در مدارک و ماخذ مذکور است حاجی محمد دستگاه و کارخانه  
چینی سازی نیز در هرات بنا نموده بود و بعد از تجارب و عملیات زیاد  
بالاخره موفق شد که در آن ظروفی به سبک و اجزاء ظروف چینی خطائی

(۱) صفحه ۲۴۲ - حبیب السیر طبع ۱۸۴۷ هندوستان .

(۲) صفحه ۲۵۵ لطائف نامه فخری (ترجمه فارسی مجالس انفائس)

که در آن اوقات معروف به چینی فغفوری بود بازرگانی های ساخت  
فابریکه او بقول خود میر با چینی های محصول مملکت خطای  
هیچ تفاوتی نداشت .

این نقاش و صنعتگر شهیر و طن مرد جهان دیده بوده و مسافرتها  
به فارس و عراق کرده است که جزئیات آنها چندان روشن نیست خلاصه  
این استاد هنر مند در اوایل استیلای محمد خان شیروانی (از حدود  
۹۱۳ - ۹۱۵) در هرات فوت کرده است .

### حسام الدین (استاد)

معروف به حسام الدین غداره گرو از صنعتگران قرن نهم هجری است  
در زمان سلطان حسین با یقرا میزیست و صاحب تاریخ رشیدی ای ران  
صورتگران و نقاشان درجه دوم می شمارد (۱) از شهرت او معلوم  
می شود که علاوه بر مصوری و نقاشی در ساختن تیر و بیگان نیز استاد  
ماهری بوده است .

(سید) روح الله مردی معروف بخواجه میرک نقاش :

وی بقول دوست محمد گواشانی از سادات کمانگرات احمدشاه گورکانی  
ولی الله نقاش و خط نمت را ظاهر آاز مولانا ولی الله (ولی قلندر مردی) آموخته باشد  
سید روح الله میرک از نقاشان و هنر مندان زبر دست عصر سلطان حسین با یقرا است  
که چندی بشغل کتابداری وی منصوب بوده و او را نیز میرک کتابدار  
این نقاش هنرمند مردی آزاد مشرب و خوشگذران بوده پندارنگه و بی باک  
منگام ترمیم مسجد جامع هرات کار نگاشتن کتاب مسجد ترمیم و  
بی اعتنائی میکرده و در قریه شاد روان ( سفید روان ) ساوه حالیه که دهی زاهدان  
هرات است بیباغ خصوصی خود بعیش مشغول بود بکار مسجد نمی پرداخت و از طرف  
مرحوم امیرهای شیر نیز شتاب مینمود که کار مسجد بزودی پیاکان رسد و از خدمت  
محبتی که باهل هنر داشت نمی خواست که شخصاً خواجه میرک را تکلیف دهد تا آخر

(( ۵ ))

شادرویش محمد :

دولینادرویش محمد از جمله مصوران و نقاشان هرات است که در زمان سلطان حسین بایقرا میزیسته و در نگارخانه بهزاد مشغول وظیفه نقاشی بوده است این صنعتگر نامدار از جمله شاگردان هنرمند استاد بهزاد است پدر او محمد مومن نام داشته اگر چه درویش محمد در ابتدا به صنعت نقاشی تعمیرات و رنگمائی منازل و غیره اشتغال می کرد زیندهنگر بعد ها به خدمت استاد کمال الدین بهزاد در آمده و در اثر حسن تربیه و تعلیمات این نابغه فن به مصوری و نقاشی عشق شوقی حاصل کرده آنرا به سرحد کمال رسانید قرار یکم امیر عالی شورشو آئی می نو رسد (۱) تقریباً تمام کارهای نگارستان بهزاد در آن میگردد است .

درویش محمد که آنها نقاش و مصور زبردست بود بلکه در شعر و ادبیات نیز ذمت رس کافی داشت جزئیات زندگانی این صنعت کار چندان معلوم نیست

فرمانی از طرف سلطان حسین اسمی خواجه میرک صادر فرمود که فلان مبلغ باقیات دیوان سلطنتی که بر ذمه شماست بصورت فوری تحویل خزانه نموده بخود رسید بگیری بیچاره خواجه میرک ازین حکم مشوش گردیده خود را بامیر علی شیر رسانید و عرض کرد که عرض چنین بولی باقی نبوده و استدعا نموده که او را از قهر سلطانی نجات بخشند .

امیر بخند بدو فرمود تو کار کتیبه مسجد را تمام کن ما هم علاوه بر حق الزحمه تو آن مبلغ را بدیوان ادا می نمائیم تا از قرضی که دفتر بنام تو نوشته اند خلاص شوی . پس خواجه میرک بزودترین فرصتی کتیبه مسجد را با تمام رسانید .

در بال وین وینار ایوان جنوبی مسجد جامع هرات مخط ثلاث و زیبای سیدروح الله

(۱) صفحه ۲۵۶ اطلاعاتنامه نوری

دلی چیز یکی می توان اظهار امر است که وقت آنکه در این  
 منظم تیموریان هر آن مسافر کی بنا رس کرده بود از آنجا که در  
 آن و در بار همایون پادشاه مغلی هند که در آن وقت در هند  
 چون مغلهای هند ما تمدن و سلاطین و اقرار پادشاهی و پادشاهی  
 ذوق مغربی به صنایع ظریفه و میما نوری و نقاشی و سوزن  
 منشیان ایشان نیز به تمامی ادوایی از پادشاهی و منوری و  
 چنانچه میرزا حیدر علی در بیان همایون منصور که در آن وقت  
 در آن درویش محمد که در آن وقت در آن وقت در آن وقت  
 به نزد همایون داشت کسی را که در آن وقت در آن وقت  
 و در باره قومی به مؤلفه منصور که در آن وقت در آن وقت  
 منصوران شمر سلطان حسین پادشاه چندی می بود  
 و مؤلفه درویش محمد که در آن وقت در آن وقت  
 در بار یکی قلم مثل آن بود که در آن وقت در آن وقت  
 صورت سواری ساخته است که در آن وقت در آن وقت  
 آن در آن یک برنج می نماید

میرک باقی بود که در نظر بود آنرا در جای بردارند و در باره پادشاهی  
 که در کاشی علی شیر از بنا خود را چند نمود بطریق مسجود پادشاهی  
 متا سفارده بد ستود شخصی که سو پرستی کار مسجد بهی بود که در آن وقت  
 یادگار نفیس سید روح الله میرک را بردارند آنرا قزو پادشاهی  
 که از عصر امیر علی شیر کاشی آن ثابت باقیمانده و در آن وقت  
 از خواجه میرک بود دو باره کاشی نگاری و خط آنرا در آن وقت  
 خطاط نکارش یافت

گرچه استاد محمد علی خطاط خود را چنان اندازه گرفته بود که از آن خود  
 طوری بنویسد که وقتی بخطوط سید روح الله برسد کم و زیادی رخ دهد و آیات  
 کلام الهی خط وی به آیات خط سید روح الله وصل شود و درینجا که آن رحمت مدد  
 رفت و کتیبه سید روح الله فرو باشد و نابود شد

قرار فوق از جمله آثار ( استاد فقیر است ) معلوم می شود که درویش محمد از زمان تالیف تاریخ رشیدی یعنی تا ۹۵۳ هجری قمری حیات داشته و ازین می توان گفت که سنین عمر استاد موصوف زیاد بود است .

((س))

سلطان محمد

در نگاه دیگر نگارخانه هرات چون عروس زیبائی باقلم های مقتدر و درویش های سحر کار نقاشان و مصوران قرن نهم افغانستان آراسته شده و نظر فریبی های آن بهمنتهای کمال رسیده بود یعنی در همان دوره که آفتاب علم و هنر دوستی آخرین سلطان دودمان تیموری

اکبر و رضای سید روح الله میرک در کتیبه ای که روی سنگ رخام سیاه نوشته در گویا تهریب و القاب سلطان حسین را روی معان سنگ نوشته بوده قسمتی از آنرا هنگام ترمیم مسجد جامع پادنه ۱۱ و آنرا جزء سنگهای دیگری که جهت ترمیم هرات جمع نموده ( در خانه واقع در مسجد جامع هرات محفوظ نمودم ) وفات خواجه میرک نقاش در سال استیلا و محمد خان شیبانی در هرات بو قوع پیوسته یعنی در حدود ۹۱۳

( آقا ) رضای آقا شاعر :

بی نیز ناصر رضای عباسی و پیر و سبک مو ایضا محمدی بوده چندانکه غالباً آثار این دو نقاش مهم اشتباه میشود شرح حال آقا رضا نیز تاریک است و غالباً این دو استاد نیز مانند آثار شان مورد اشتباه برخی تذکره نویسان واقع شده هر دو یکی بندهاشته اند .

و برخی هم رضای عباسی را کاشانی و آقا را مروی بندهاشته اند . ظاهراً این دو در پایان عمر به هندوستان رفته و چندی در هند بسر برده سال وفاتش معلوم نیست .

فکری علاوه بر این افزود نکار نده قابلوی است که درختی را رسم نموده که مرغابی شاخهای آن نشسته اند و مرغ دیگر از هوا بقصد نشستن یکی از شاخهای این درخت بال کشوده



هرات سلطان حسین بایقرا سراسر کشور را منور نموده در هر گوشه و کنار آن شاعر، نقاش، مصور، تذهیب‌کار و ... تربیت می نمود چشم حدود زمانه بر پیکر رعناهی آن سامان کارگر افتاده جمع آن بزم زیبا را با صرصر مرغ خراب و آن سلطان نامدار را به پند و حیات وادار نمود. موقعیکه سلطان حسین بایقرا چشم از حیات بست ۹۱۱ هجری از کان و شالو ده سلطنت مقتدری بر تپه دودمان تیموری از هم پاشیده و بیگانگان فرستاد طغیان نمودند یافتند (هرات) مرکز صنایع زیبای شرق را مورد تاخت و تار قرار دادند تا آنکه تنها بر بردن آثار گرانبهای آن کارخانه کتفا، نگاره صنایع و صورتگران معروف آن را نیز در جمله غنایم با خود بهار تهرانی اسماعیل صفوی که فرشته صنایع زیبای این شهر تهرانی است با خود بود استادان بزرگ و صورتگران ماهر را به تهریز حلقه نمودند.

و پروانه‌ی بمنقار دارد در بای درخت صورت سه سکه رسیده که نگارنده در آن و دیگری بهلوی سکه خوابیده نشسته و خورد را بوی میباید و سکه دیگر عقب این دو ایستاده. این تابلو چندان معجزات تصویر شده که نگارنده در آن زند. افند و تمام این تابلوی سیاه قلم چو بر یک درختان کشیده تصویر شده سیاه مینماید هیچگونه رنگی بکار نرود و متأسفانه این اثر نفیس در آن زمان و کیفیت شده که ممکن نیست عکسی از آن تهیه کرد و در گوشت آن سیاه استاد رضا بنظر میسر شد که بسیار آسیب دیده و بر حمت خواوند سکه در شرح حال آقا رضا مرحوم فکری به نوشته فوق اکتفا نگارنده در سلجوقی شرح ذیل را علاوه نموده (۱) آقای رکن‌الدین عماد الدین در ایرانی در کتاب (کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی) نوشته شده که در کتاب رضای عباسی را از قول کلمستان سر مشهور برسانی کتابخانه سلجوقی در آقا رضای دیگر بنام آقا رضای عربی مشهور به میانگیری قائل است که در هندوستان رفته و در باد برای مغزای هند مشغول هنر ممالی بوده و تصویر از آن چاپ نموده اند که در گوشه آن نوشته است: (مرید باخلاص شاه آقا رضای

بهزاد اسفند فرزند و نقاش معروف هرات مکتب نقاشی تیموری هرات  
 را در آنجا بنام نهاد. از جمله کسانی که در ترویج و ترقی دادن این مکتب  
 نقش به‌تازگی داشتند بهزاد سهم بزرگی گرفته مقام ارجمندی را در  
 سلوک سلطان محمد هردی بود. سلطان محمد نقاش پدر استاد محمدی  
 هردی است که شرح حال او بجای خودش خواهد آمد.

این مکتب نامرئی کار از جمله همان صنعتگران بلند رتبه‌ای است که  
 در ترویج صنایع افغانستان و مکتب صنایع افغانی که در خارج  
 کشور تشکیل شده نام او را به‌خط زرین نوشت.

پانزدهمین شماره (دوازدهمین شماره) آن نوشته شده. (در سن شصت سالگی  
 در سال ۱۳۴۷)

بزرگ بشود این آثار رضای کاشانی است که به توج و تفکک حوصله و در  
 این مکتب نوشته شده در زمان سلطان محمد هردی در آنجا که در کتب تیموری  
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 که اکبر و نایب و وقت جهانگیر پادشاه و پیرا مشغول عنایت و لطف فرموده.

و این موضوع در تصویر صدق میکند که در سن شصت سالگی که ایام پوری وی  
 بود در پندراب جهانگیر کار میکرد و از طرفی در تاریخ بنام آقا رضای هردی  
 تا اواخر قرن دوازدهم و ابتدای قرن سیزدهم کسی را نمی‌شناسیم بعد از آن البته  
 شخصی را بنام میرزا رضای هردی معروف به آذربایجانی می‌شناسیم. بهر صورت  
 آقا رضای هردی و آقا رضای کاشانی باشد پس در یک عصر چهار نفر رضا نام  
 هنر مند بوده: علی رضای عباسی خطاط، رضا عباسی میناتور کار، رضای کاشانی  
 نقاش و آقا رضای هردی مصور که سه نفر نقاش و مصور بوده و یکی خطاط بود.  
 میرزا رضای هردی معروف به آذربایجانی که از نقاشان هرات بود نسب خویش را به  
 علی رضای عباسی تبریزی خوشنویس میرساند و بآن نسبت رضای آذربایجانی امضاء  
 میکرد وی از زمان امیر دوست محمد خان تا عصر امیر عبدالرحمن خان زنده بود  
 و عمر طولانی داشت از نقاشان مصوران زبردست و بامهاریان بشمار است.

از آثار او چنگک مرحوم امیر دوست محمد خان و سلطان احمدخان را که

شرح زندگی و ترجمه حال او بر عکس شهرتش خیلی محبوب و عزیز است و بعضی مورخین دوره صفوی نیز از او خبری نداده اند، از آنها می‌توان گفت صاحب عاظم آرای عباسی با کلمات موحز و محققانه چون «تنگ و تنگ» (به هماسپ شاگرد استاد سلطان محمد بود در آثار هجری دوره صفوی بسیار به این کار داشت و استادان نادره کار الهی از سلطان محمد بود) استاد سلطان محمد که در بین فن شریفی ظاهراً قلم در تاریخ و شهرت آفاق در کتابخانه معنوره کار می‌کردند، این استاد را در چنانچه از آثار او و شهادت تاریخ معلوم است با آثار او در دست نوشته نقاشی را بعد کمال رسانید که استادان زمان او چون در بعضی از زیبایی آثارش اعتراف داشتند ترقی نام و شهرت کتاب او در ایران و سایر بلاد اول بود ستم تولد و تاریخ وفات او معلوم نیست ولی در تاریخ تاریخ‌ها یکی که در بعضی از آثار او نوشته شده و هر دو استادان به آن امتضاء نموده است می‌توان گفت که تا آخر عمر او در هجری حیات داشته است بعضی از مورخین او را صاحب آثار می‌دانند.

که حسب الا در امیر شهناز خان کشیده نگاشته در دوره هرات در سال ۱۲۱۰ هجری  
رضای عباسی هروی :

بعد از بهزاد از مشهورترین مصوران و نقاشان است که نامش شهرت تمام کرده  
طوریکه بملاحظه میرسد وی از پیروان مولینا محمد هروی است و جهت آنکه  
فیصد پیروی می نماید. مکتب نقاشی محمدی و پیروانش به طبیعت و  
و خط کشی ما و چین و جرک اسیه و سیاهی و تاریکی‌ها و  
نصویر در این مکتب بار بار از مکتب قدیم هرات بهتر از سایر مکتب  
حیت نرم کاری و گره بندهای کاشی کاری و رنگارنگی و رنگهای تلخ و روشن  
و در صفحه کوچک بوجود آوردن صفحه بزرگ خاصه سبک می‌باشد و در قدیم هرات  
است و در آن زیبایی مخصوص مزوج است که برای آن قاموس جداگانه لازم است  
چون یکی از تابلوهای زمی کار بهزاد با سلطان محمد و با از پیروان ایشا نواید است  
ملاحظه مینماید عالمی دیگر و جهانی تازه پیش چشم ما جلوه میکند و طبیعت ما بیان گردش  
می یابد و نشاط احساس میکنیم.

صنایع زیبای شرق و مخصوصاً مکتب هرات دلچسپی داشته تبعات عمیق و قیمتهاری مینمایند عقیده دارند که سلطان محمد بعد از مرگ بهزاد به ریاست نگارستان مکتب هرات در تبریز تقرر حاصل کرده است سبک و روش او در نقاشی و مصوری به استثنای بعضی از ممیزات و اختصاصاتی که مخصوص خودش بود عیناً رویه و اسلوب استاد بهزاد است استاد سلطان محمد هر وی در آثار و تابلوهای جهان متاع خود عموماً صحنه‌های ارسن و کرانی و زندگانی اشرافی را تصویر کرده است آثار و نقاشی‌های محدودی از او بیادگار مانده که امروزه در موزه‌ها و رونق بخش کتب‌خانه‌های معروف دنیا است از جمله این آثار او دو تصویر از نسخه خطی کتاب نظامی است که در سال ۹۴۶-۹۴۹ هجری در تبریز بنحط خوشنویس معروف آن زمان شاه محمود نیشابوری برای آنها سپ نوشته شده و امروز در موزه برطانیام محفوظ است و نقاشی‌ها در تصاویر آن به توسط چند نفر از نقاشان معروف که منجمله آقا میرک و سلطان محمد هر وی است بعمل آمده امضای سلطان محمد در روی این دو تصویر فوق‌الذکر دیده میشود یکی از آنها بهرام گور را در هنگام شکار شیر نشان میدهد و دومی ملاقات خسرو را با پرویز دو هنگامی نشان می‌دهد که شیرین مشغول استحمام و غسل کردن است

در کارهای محمدی و رضای عباسی سابقه تاریکی‌ها بیشتر بنظر میرسد و بهتر جلوه میکنند، رنگهای رقیق و نازک بکار رفته و آن تیزی و تلخی و روشنی او ان که در مکتب قدیم جلوه گری می نمود در مکتب محمدی و رضای عباسی بنحط کشی‌های راست و منحنی ساده ولی خیلی نازک و ماهرانه تبدیل یافته و آن‌ها در پرداز چهره و سابقه تاریکی‌ها بیشتر توجه می نمودند که در صفحه کار خویش تصویر مرد می بسیار بگنجاندند رضای عباسی در دربار شاه عباس معزز و در کتابخانه وی مشغول خدمت بود شاه عباس نزد او شاگردی میکرد. شاه عباس وقتی یکی از تصاویرهای رضا را دید زیاد پسندید و آنرا گفت و دست او را بوسه داد و با او بخشش زیاد اعطاء نمود. رضا با همه شهرتی که دارد شرح حال او چندان روشن نیست و سال وفات او معلوم نشده بعضی از تذکرها نو بیان خصوصاً عهد احمد صاحب کتاب خط و خطاطان

این دو تصویر از حیث استادی که در تزئین لباس‌ها و سحرکاری که در رنگ آمیزی‌ها و مهارتیکه در رسوم حیوانات و کشیدن قیافه اشخاص بعمل آمده از آثار بسیار برجسته و ممتاز بشمار میرود. از بدیع‌ترین و زیباترین تصاویر قلمی سلطان محمد دو تصویر است که در یکی از نسخه‌های خطی دیوان حافظ موج دو فعال در مجموعه آثار نفیس کار تیه محفوظ است.

یکی از این دو تصویر یکی از شهزادگان صفوی را با جمعی از غلامان و ملازمان خود در میان باغی نشان میدهد که حلقه وار دور هم نشسته اند اما دومی منظره‌ی از مجالس انس و شراب را نمایش میدهد. اگر رنگ آمیزی و صفای منظره و زیبایی تصویر اول قابل ذکر باشد در تصویر دوم مهارت و استادی و جنبه فکاهی نقاشی در قیافه نمایان است که تصویر را نشاط و روح مخصوصی بخشیده و گوئی مقصد از بنظر می‌آید. این تصویر تقریباً کاریکاتور است که بصورت بسیار مضحکه رذایل و بدعت شراب نوشی را نشان میدهد.

تصویر دیگری هم هست که بیشتر مورخین فنون اسلامی آن را در دست دارند که اثر قلم سلطان محمد است و شاید اقتساب آن به استادان بی‌مورد نباشد زیرا این تصویر را می‌توان از بدیع‌ترین و شاهکاری‌های دنباله مکتب هرات در تبریز دانست. اما امضای مصور در آن در

در باره رضای عباسی خوشنویس تبریزی و رضای عباسی تبریزی اشتباه شده و هر دو را بکنفر تصور کرده اند. مولانا رستم علی مروی پسر خواهر بهزاد نقاش است که در فن خطاطی و تشهیب کاری ادراک ستوده اند موصوف در سال ۹۴۲ در هرات وفات و او را در مقبره شیخ صر جفاره گمی در حوالی کوه مختار به خاک سپردند بقولی بهزاد نقاش نیز از تبریز هرات برگشته و در سال مذکور از دنیا رفت و پهلوی رستم علی خواهر زاده خود دفن شد مولانا رستم علی را پسر هزر در بنام محب علی بوده که در خطاطی و نقاشی استاد هنر مند بوده است.

نمیشود . موضوع آن معراج رفتن حضرت پیغمبر ص و اصلا یکی از  
نصایح ویر نسخه خطی خمسه نظامی است که در زمان تهماسب صفوی  
نوشته شده و فعلا در موزه برطانیایی باشد . خلاصه درین تصویر  
بهترین تخیلات فنی و عالی و یک نشاط عجیبی دیده میشود که آن را  
از زیبا ترین و گران بها ترین تصاویر مکاتب صنعتی هرات قرار میدهد .  
در یک مجموعه آثار زیبا و نفیسیکه را جمع بهارون موریس است یک  
نسخه شاهنامه قلمی است که در سال ۹۴۴ هجری نوشته شده و دارای  
۵۵۰ تصویر بزرگ می باشد که در آنها روش و اسلوب اساتید و نقاشان  
هرات در مکاتب هرات در زمان صفوی ظاهر و نمایان است این تصویر خیلی ها  
در رانی اهمیت است اگر چه شرح شناسان و مورخین آثار اسلامی  
سوی تصویر این شاهنامه را اثر هاگردان سلطان محمد هر وی  
و آقا میرزا سید احمد ولی رانه گرد و به اکثر آنها را منسوب به خود  
سلطان محمد میداند . دیگر تصویر تهماسب صفوی است پس جوانی  
که در حال مطالعه کشیده شده است . این میناتور خیلی زیبا و قشنگ

مولانا سلطان محمد هر وی : وی نقاش بزرگ بود او را بهزاد ثانی می توان  
گفت او نیز در کتاب خانة امیر علی شیر همکار بهزاد بود و بعد به آغا بهخا نه  
سلطان حسین خدمت میکرد . بعد از انقراض تیموریان وی نیز همراه بهزاد و  
دیگر هنرمندان به قزوین کوچا نید . شد .

این استاد هنر مند علاوه بر تصویر و تذهیب در هنر نقش قالبین یگانه عصر خویش  
بود و باین منظور او را شاه اسمعیل از هرات برد تا اصول نقش قالبین و فن قالبین  
باقی هرات را در قزوین رایج سازد و بعد از سلطان محمد صنعت قالبین باقی هرات  
در قزوین و تبریز و از آنجا باصفهان و کاشان رفت و دراجی بسزا یافت و تا اکنون  
رایج است و به قالبین ایرانی معروف شده . مولانا سلطان محمد پس از بهزاد چند  
سال دیگر حیات داشته و مدتی نقاش کنا بهخا نه بهرام میرزا و همکار دوست محمد  
هر وی بود . تاریخ وفاتش را نشان نمیدهند و ظاهراً بعد از شاه طهماسب بعدت  
کمی زنده بود .

بود و در مورد بوستون آمریکا محفوظ است و بعد از این امر بود که  
 با سلطان محمد نسبت به تعلیمات علمی از شما که در این  
 زمین شهری زبان فارسی است که هر روز کتابهای خوب و  
 بسیار و این میسر است که در این کشور و کشورهای همسایه  
 بوستون و آمریکا محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 نیز است که چون این کتابها در این کشور و این کتابها  
 کتابها و این کتابها محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 در هر دو کشور محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 در هر دو کشور محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 این کتابها در این کشور محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 معنی این کتابها در این کشور محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 دارد صاحب این کتابها و این کتابها و این کتابها  
 در این کتابها و این کتابها و این کتابها و این کتابها

میرزا باقر

و در هر دو کشور محفوظ است و این کتابها و این کتابها  
 بوده پس در این کتابها و این کتابها و این کتابها  
 حاضر و چهره داشت و این کتابها و این کتابها و این کتابها  
 معاصر خود مانند سلطان علمی و این کتابها و این کتابها  
 دوستی و معاشرت داشت و این کتابها و این کتابها  
 تحصیل زلد گالی او دوستی است و چون در این کتابها و این کتابها  
 کتب استاد بود به سید بابای افشا نگار و این کتابها و این کتابها

((ش))

استاد شیخ احمد

برادر بابا حاجی صورنگر است که در حیات او در این کتابها و این کتابها

یافته است شیخ احمد مانند برادر خود در نقاشی و صورنگری معروف  
و با سلطان حسین میرزا معا صر بود . (۱)

## (( ف ))

### فاضلی :

از هرات آه در زمان سلطان حسین با یقرا نیز است مرد فاضل  
و شعر هند بود . در اکثر علوم و فنون مخصوصاً در عروض شاعری  
و نقاشی شهرت تام داشت، فاضلی در عصر درخشان سلطان حسین با یقرا  
یعنی در عهد یکه صنایع ظریفه در هرات به اوج ترقی و کمال رسیده  
بود از نقاشان معروفی بحساب میرفت سنه تو لد و وفات او بدست  
نیامده (تست (۴)

## (( ق ))

### قاسم تلی مصور :

از نقاشان و عیناً تور سا زمان قرن دهم هرات تست در اواخر زمان  
سلطان حسین با یقرا شهرت یافته و در نقاشی و عیناً تور سازی  
شاکره معروفی بهر آن بوده است . سیک کارهای نقاشی او عیناً اسلوب  
بهراد است . (۴)

## « ص »

### مولا نا صادقی افشار :

در تصویر و تذهیب شاگرد مظفر علی هروی و در خط نستعلیق از جمله  
شاگردان میر علی هروی است . وی کتابی در فن نقاشی نوشته چون شاعر هم بود  
آثار برشته نظم در آورد . سال وفاتش مجهول است

(۱) صفحه (۷۲) شماره (۱۶) سال سال ۶ مجله کابل .

(۲) تذکره حسینی طبع لکنو .

(۳) صفحه ۷۱ شماره ۱۱ سال ۶ مجله کابل



چون نقاشی ما هر و صور تگر کامل بود به قاسم علی چهره کشا  
 اشتها داشت از آثار او یکی تصاویر خمسۀ نظامی است که در سال  
 ۹۰۰ هجری مطابق ۱۴۹۵ عیسوی نوشته شده و تعداد تصاویر این نسخه  
 که به قاسم علی نسبت یافته و در هر کدام آن امضای مشارالیه موجود  
 است از هفت تصویر تجاوز نمیکند (۱)  
 در کتابخانه (بوریس) اکسفورد یک نسخه کتاب خطی است که تاریخ  
 تحریرش سال ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵ ع) است و دارای تصاویر است که منسوب  
 به قاسم علی و بهترین و زیبا ترین آنها تصاویر است از جماعت سفیران  
 که در باغچه سبز و خرمی میباشد و صورتهای بعضی اشخاص آن  
 نسخه خطی در المکتب المعتبر به نقل شده است (۲)

## ( م )

( استاد ) محمدی :

وقتی که ما فهرستهای آثار نقاشی و معیناتورهای شرقی و غربی را  
 معروف دنیا را از نظر میگردانیم به آثار و اسامی یک عدد نامشروع  
 صنعتگرانی بر میخوریم که روی هم رفته تماما آنها را از هر آن  
 بوده و یابۀ دربار سلاطین و شاهان باذوقی هرات گرفته شده است  
 از جمله این هنروران و نقاشان با افتخار وطن گسیخته و پراکنده  
 بعد از بهزاد شهرت و اهمیتی در نقاشی و معیناتور نگارند و از جمله  
 استاد محمدی هروی است. این هنرمند شهیر پسر دژاگون سلطان محمود  
 مصور است شرح جزئیات زندگی او مانند یسی از اسلافش طوری که

(۱) صفحه ۳ شماره اول ۱۹۴۱ مجله روز کار از طبع لندن .

(۲) ترجمه کتاب تاریخ صنایع بعد از اسلام . مؤلفه زکی . محمد حسن ترجمه

محمد علی خلیلی طبع تهران ۱۳۲۰ .

باز هم بر شایسته مستعرب نیست و ما بالوجود آنجناب و کتب گزینی های اینقطع  
 در سال ۱۳۰۵ شمسی اولی او را پیدا کنیم ولی در بهر طرفه بطور  
 مشخصی در مورد کتب او در حدود ۹۳۵ تا ۹۴۰ هجری در هرات اولیاد یافته است  
 و در این کتابها و در بعضی مواردی در همان زمان و جوانی محیط ذوق و  
 استعداد پرورش یافته در صحن دیگر علوم و تعلیمات ابتدائی فن  
 هنری در قلمی بر او بود مولانا سلطان محمد منصور یعنی والد محترم  
 عزیز و بزرگوار و در کتب ذوق و استعداد موروثی او در این صنعت بیشتر  
 بر او اثر کرده و بعد از آنکه در سال ۱۳۰۵ هجری در مکتب نقاشی های

تاریخ

تاریخ

در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در مکتب نقاشی در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و  
 در این مکتب بهنگام آنکه در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و  
 در این مکتب بهنگام آنکه در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و

در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در مکتب نقاشی در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و  
 در این مکتب بهنگام آنکه در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و

در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در مکتب نقاشی در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و  
 در این مکتب بهنگام آنکه در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و

در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در مکتب نقاشی در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و  
 در این مکتب بهنگام آنکه در مکتب منصور بود و هم بهنگام استعلاقی مهارت داشت و

هرات در تبریز که اولاً در فارس و بعدها در هند هم رواج یافت مقام  
ارجمند و مهمی را اشغال نمود .

چون سبک نقاشی های مکتب بهزاد که بعضی ها آنرا بنام مکتب هرات  
هم یاد میکنند تأثیرات خود را در ذوق و سلیقه صنعتگران بومی فارس  
و ماوراءالنهر و هند در طی مدت کمی بصورت عمیق انداخت از طرف  
کلمه هنرمندان و صاحبان ذوق استقبال خوبی گردید و اسلوب و طرز  
مخصوص آنها را بکلمی از بین برد و خود جانشین آنها شد بلا طبع  
و امرای صفوی صنعتگران بزرگ استادان ماهر را از هرات جذب کرد  
از آنها کتاب آئینات میگردفتند ولی لیافون و اهلینی که استادان  
درین فن داشت موجب شهرت بزرگ آنند چنانچه میگفتند . بابت سبک  
صاحب عالم آرای عباسی در ضمن حدیث در استادان هکذا اهلینی  
در عصر اهماپ میگویند : دیگر نقاشان و مصوران آن زمان  
محمدی هروی و قصری بیک کوسه و غیر هما بعد از آن که محمدی  
شاهیر این طبقه و بهره مند این فن اقتضای نمودند . لیون و کلمی  
صاحب عالم آرا تنها بذكر نام این استاد بزرگت اکتفا نمودند و در  
بیشتری در باب شخصیت او نداده است بکلمی واضح است که در کتب  
درنگارش تاریخ خود خواسته از روش صاحب تاریخ حمید المصیر بیری  
نموده شرح زندگانی رجال بزرگ مانند شعراء ، علماء و صنعتگران

مجموعه مذهب :

در عصر امیر علی شیر اوامی میز بسته در تله هبب استادان مبرهنی بوده از فن  
تصویر نیز بهره کمالی داشت و خط نستعلیق را خوب می نوشت  
از آثار مولانا محمود مذهب چند تصویر موجود است از آنجمله تصویر امیر  
علی شیر اوامی است که بعضای بلندی تکیه زده . این اثر در موزه حضرت رضا  
م محفوظ است که خود او در گوشه تصویری بخط نستعلیق نوشته :  
عمل محمود مذهب .

عصر هر پادشاه را بنگارد مگر معجزا نتوانسته خود را از حیطة نفوذ و تأثیر اسلوب تاریخ نویسان متقدمتر خارج سازد اینست که در تاریخ خود برای شرح و تفسیر زندگی نقاشان و میناتور سازان چندان اهمیتی را قایل نشده آنها بند کرد و نفر از استادان عصر تهماسب که عبارتند از آقا میرک و سلطان محمد هر وی اکتفا نموده و روی قلم را مجدداً به تکمیل وقایع سیاسی وزد و خورد های تاریخی گردا نمیده است اگر چه استاد محمدی از پیروان و پرورش یافتگان مکتب استاد بهزاد است ولی به نسبت آنکه درین فن استعداد غریبی داشت در حین استقبال از پسر وی از سبک بهزاد و مکتب او در قسمت نقاشی های رنگه چنان نظر فانی نمود که می توان گفت از خود سبک و اسلوب علیحده بوجود آورد چنانچه آنچه گوئیستی و باطن میگویی :

در زمان پسر سلطنت شاه تهماسب نقاشی به اسم استاد محمدی شهرت یافت و میگویی که او پسر و شاگرد سلطان محمد بوده و علاوه بر نقاشی سبک کشیده سبک جدید و قشنگی در نقاشی های رنگی بوجود آورده و نیز در ای خن افقی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است ( سده شصت سلطان محمدی بدست نیامد ولی از تاریخ ۹۸۶ هجری

#### میر خلیل الله هروی :

نقاش عصر ویرانسنقر و استاد نقاش اصیل هرات است که در عصر خود بی سبک بوده و در نقاشی سبک خالص خراسان هنر نمائی میکرد . تصویر پری از امور تصویر بقلم امیر خلیل دیده شد که در صحنه ای دو خرگاه خود نشسته و نزدیک خرگاه چند (گله منار) دیده میشود گله منار عبارت از منارهایی است که از گله های انسان بنا شده باین ترتیب که گله های آدمی بالای هم وصل و از آنها منارها برآید و پیش از آنکه امیر بکتن عود نوازد در حال نواختن است . و بین اسلامی شاهیه این تصویر بطور واضح و روشن چنین امضا نموده :

(خلیل میرزا) تا شرحی از این میر خلیل نباید با امیر خلیل قلندر هروی خوشنویس معاصر امیر محمد اشتباه شود .

که در یکی از آثار و نقاشی های او نوشته شده و به آن اکتفا نموده است معلوم میشود که تا اوایل سلطنت اسمعیل دوم در قید حیات بوده آثار و نقاشی های گرانبھائی ازین هنر ور فرزانه هرات بیادگار باقی مانده که امروز موزه های بزرگ دنیا به آن عزیز است. بعضی از آثار او که در موزه های ممالک اروپائی و غیره موجود است در فهرست آثار صنعتی ممالک شرقی نشر گردیده قرار ذیل است :

۱- تصویر يك شهزاده محبوس مغلی :

اگر چه این تصویر را بعضی از میناتور شناسان به بهزاد نسبت میدهند ولی برخی دیگر مانند موسیو (مارتو) و (دور) که در شناختن میناتور هرات شرفی و کار استادان هرات مهارت مخصوصی دارند آنرا از آثار استاد محمدی میدانند این میناتور در جزء کلاسیون میناتور هرات در موزه صنایع ظریفه بوستون محفوظ است.

۲- صفحه‌ی از کتاب شرفنامه :

درین صفحه تصویر يك شهزاده دیده میشود که در مقابل یک درخت بر روی يك تخت جلوس نموده و در پیش رویش موزیک نو از میناتور نوختن موزیک هستند این میناتور امضای درویش استاد میناتور هرات را در ۱۵ رومی باشد.

۳- يك صفحه از خمسه نظامی :

درین میناتور يك صفحه عشق تصویر شده بدین طریق که در پیش رویك دوشیزه زیبا قدحی تقدیم میکنند و دران يك درخت درخت پر از شکوفه نیز بمشاهده میرسد در پایان این میناتور موزه بوستون محفوظ است بگوشه طرف چپ جنس این میناتور در ۱۵ رومی است (عمل استاد محمدی)

۴- صفحه‌ی از صفحات يك مرقع :

در يك طرف این ورق تصویر دوشیزه‌ی دیده میشود که بدست راست خود يك كتاب و بدست چپ خود يكداغ دارد و مشغول مطالعه كتاب است اگر چه مستر (هولز) آنرا اثر استاد سلطان محمدی و در ۱۵ رومی

ولی بکثرت اراء میناتور شناسان کار استاد محمدی است فعلا در موزه بوستون امریکا محفوظ می باشد .

۵ - تصویر یکعده درویشان که در بیثه مشغول طعام خوردن اند :  
 رنگهاییکه درین میناتور استعمال شده خیلی قشنگ و زیبا می باشد  
 این تصویر یکی از شاهکارهای استاد محمدی بوده و دران (رقم محمدی) امضاً نموده است .

۶ - تصویر دو نفر شبان که رمه های خود را بچرا آورده اند یکی ازین شبانان بر چوب دست خود تکیه زده و دیگری بر زمین نشسته مشغول بی زدن است .

۷ - تصویر درویشی که در پای درخت نشسته و چند نفر روستائیان را که مشغول وظیفه و کار خود ها هستند تماشا میکند این تصویر در موزه بوور پاریس محفوظ است .

استاد محمدی با خط خوش و زیبای خود چنین امضاء نموده ( قلم فقیر  
 ابوالحسن محمدی مصور فی سنه ۹۸۶ در پایان مقاله باید خاطر نشان  
 نمائیم که استاد محمدی برخلاف ذوق و روش پدر و استاد خود سلطان  
 محمد که در آثار او عموماً صحنه های آریستوکراتی بمشاهد  
 میسرند در تابلوها و میناتور های خود صحنه های زندگانی روستایی  
 و مناظر دلکش طبیعی را رسم نموده است .

محمود مولانا :

از مذهبین طلاکاران و نقاشان هراست، در قرن نهم هجری میزیسته  
 و عهد سلطنت سلطان حسین بایقرا را یافته است بقول صاحب تاریخ  
 رشیدی در نقاشی و تذهیب از استادان زبر دست و ماهر بود چنانچه  
 میگویند محمود تذهیب از یاری بهتر کرده است و بغایت نازک کرده است  
 و زیبا چه برای میرزا سلطان حسین تیار کرده است و ناامام مانند  
 دران هفت سال کار کرده است چنان بار یک ساخته است که در  
 مفاصل بند رومی که شاید مقدار نیم نخود بوده باشد در آنجا یکما به  
 زرد زر ساخته که پنجاه برگ اسلیمی شمرده شده است . (۱)

(۱) از صفحه ۷۳ شماره ۱۹ - سال ۶ مجله کا بل

مظفر علمی :

مظفر علمی برادر زاده بهزاد و از زمره نیمه نو رست خانان خاندان  
 پادشاهان هرات است مشار الیه در او آخر سلطنت مظفر حسین میرزا  
 متوفی در سنه ۹۹ هجری) بوجود آمده و آن زمان عباس صفوی بود  
 داشته و صاحب به نوبت بهماعین و تپهها سپ تو عباس صفوی در ارباب و پادشاهان  
 و فغان بسیار بوده و تهمان میرزا که بهماعین صفوی او را در بهزاد پادشاه  
 به نوبت خوانده باشد از صفات بیست و پنج وزارت علم و صنعت در این  
 در کچه در ضمن مقاله خود راجع به پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان  
 با معانی بسیار خوب رو می نماید و در این باره در مقاله خود  
 مشار الیه میگوید : این بیت چند کلمه است که در این بیت  
 بهوسیله یکی از حفاظان هراتی استنتاج شده و در مورد این  
 از نقطه نظر تاریخی و علمی بسیار جالب است و در این  
 است از روی انصافها و غیره از این بیت در این باره  
 میشود که مظفر علمی برادر زاده بهزاد و پادشاهان  
 و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان و پادشاهان

فکر سلجوقی می نویسد :

دوست محمد سر وی سوز نگران و لاهی تا در عهد سلطان احمد اول  
 در عصر سلطان ابو سعید خدا بیدار بنگری می بود و در این  
 مخترع سبک نقاشی عصر مغول معروف می نماید که این سبک با سبک  
 تا عصر دوست محمد معمول بوده و چند تن دیگر در این  
 دولتیار که از جمله غلامان سلطان ابو سعید بوده و آن را  
 که او نیز غلامی هنرمند بوده و تصور بر حضرت مولانا  
 از روی عمل استاد بهزاد کپی نموده هم اکنون در موزه  
 سلطنتی ایران محفوظ میباشد اشتباه نمود در مولانا ولی الله  
 قلندر نقاش که علاوه بر نقاشی خط ثلث را نظیر جعفر بایسنجری و  
 میرک می نوشته و حیاتش تا سال تعمیر مسجد جامع زیار نگاه  
 مسلم است استاد

مظفر علی را بتوسط کتاب معروف نظامی او که بنام تهما سپ نوشته شده و در (بریتش موزیم) لندن می باشد می شناسیم .  
 ولی این را خیر نداشته ایم که بر ازاده بهزاد است - در باب حیدر علی اگر چه در يك كتاب عصر صفویان معروفی ابن صنعگر را نشر کرده ام اما راجع به سوانح زندگی او معلوماتی در دست ندارم این دو نفر خواهرزاده و برادر زاده بهزاد که پیشه کا کا و ما ما ی خود را آموخته اند بایستی شاگرد او هم باشند .

اما صاحب عالم آرای عباسی میگوید : مولا نا مظفر علی که بقلم موشکافی چهره کشای صور اهل انصاف است نسبت خویشی با استاد بهزاد دارد و در خدمت او کسب هنر نموده بمراتبه کمال رسید و جمعی از استادان نادره کار و چهره کشایان بدایع نگار، او را درین فن بیعدیل مسلم میدانستند مصور خوب و طراح بی بدل بود تصویرات دولت خانه هما یون و مجلس دیوان چهل ستون طراحی مشارالیه و اکثر نگاشته ارقام زرین فام اوست و بعد از هایله شاه جنت مکان تهما سپ بر صحنه هستی طرح ممالک انداخت تاکنون در جمله کتب قلمی و مصور بجز همان خمسه نظامی که در بریتش موزه لندن محفوظ است و (ارمناک بیک) به آن اشاره نموده دگر اثری از کارهای دستی مظفر علی در دست نیست ولی یگانه اثر نامدار و شگفت انگیز یکه از او

منشی الدین نقاش که در عهد سلطان او بس جلا میری میز بسته و از معا صرین میر علی تبریزی مخترع نستعلیق بوده و خواجه عبدالعی نقاشی که او نیز نباید با خواجه عبدالعی منشی خوشنویس خط نستعلیق اشتباه شود و خواجه عبدالعی نقاش را امیر تیمور کورگان از بغداد بسمرقند آورده و او است که پایه نقاشی سبک تیموری را در سمرقند اساس گذاشت و نقاشان ما بعد همه تشبیه کار او را میکردند و استاد جنید بغدادی که او را با استاد جنید شیرازی خوشنویس نباید اشتباه نمود .

و استاد پیر احمد باغ زمالی استاد سیدی محمد نقاش و خواجه علی مصور و استاد قوام الدین مجلد صحافی و نقاش تبریزی که این سه تن را بایستغفر از تبریز بهرات



باقی مانده تزئینات و میناتور های قصر چهل ستون اصفهان است که در زمان عباس صفوی و بنا بخوابش او آنرا نقش و تمام نموده است فضل الله حقیقی در ضمن مقاله خود در اجاع به چهل ستون اصفهان که در یکی از شماره های سال دوم ایران امروز نشر شده از توصیف و تمجید نقاشی های این استاد عالی مقام هرات خودکاری نکرده می نویسد که «چیزیکه پیش از هر چیز در مشاهده کاخ باشکوه چهل ستون اصفهان شگفته و مجذوب می سازد طرز رنگ آمیزی و قدرت نقاشی و چلا کاری است که بر روی قطعات لوزی شکل سقف گنبدها در ایوان بکار رفته است این کار های باروح که عالی ترین نما ینده عظمت و نور خورشید نقاشی وزینت کاری دوره صفویه است بدست مظفر علی که از خود نشان داده و شاگردان زبر دست بهزاد میشود ساخته شده است (متأخرانه کارهای مدرکی در باب سنه مرگ و تاریخ تولد مظفر علی هر وی بدست آید) مگر از قرائن و حدسیات می توان فوت او را در سنوات اولیه سده هجری عباس اول صفوی (یعنی در حدود ۹۹۰-۱۰۰۰ هجری) تعیین نمود»

مقصود نقاش :

از مصوران و صنعتگران معروف قرن دهم هجری است هراتی الاصل بود که او آخر سلطنت سلطان حسین بایقرا را در یافته است ، صنعت نقاشی در هنرستان استاد معروف هرات یعنی بهزاد آموخته است در عصر خود از نقاشان و صورنگران متوسط بشمار میرفت ، در حال او کمتر معلوماتی در دست است تنها صاحب کتابخانه ای که از او نام برده است . (۱)

آورد و سید خلیل الله مشهور بامیر خلیل هر وی نقاشی که در این عصر آمدن خلیل هر وی خوش نویس معاصر عماد است نباید از یاد شود ، و خواهی گیاهان را بر احمد ز کوب که شاید همان غیاث الدین نقاش هر وی باشد که از طریق پارسان بهفارت بجانب ختای رفت تا طرح باغهای چین را با خود بیاورد و هم به نقاشی سبک چین آشنا شود و شرح حال آن هنر مند آن را بیش از آنچه دوست معتمد گفته در جایی یافته نتوانستیم .

## سیرت :

عده پیداایم که در اواسط قرن نهم هجری که عصر عرف و نهضت  
 شامل صنایع ظریفه بود طفلی در هرات بدنیما آمد که بعد ها  
 او را به استاد شهرت همروزی او سراسر گیتی را فرا گرفت - این  
 طفل بهر آن هر وی بود که اروپائیان رفائیل شرفش می نامند و آثار  
 بهشتیان از امروز در موزه های اروپا و امریکا مایه افتخار و سرفرازی  
 می باشد گرچه بهزاد در حیات خود شهرت و نشوون فوق العاده داشت  
 و در آن زمان در آن شهرت و از خاطر ه ها فرا موش نگشت مگر  
 به نام او در ایل زندگانی او بکلمی تارنگ مانده و کسی از آن خبر ندارد  
 در آن زمان او در آن اختلافی است و طوریکه تا چندی قبل در محل مزبور  
 در آن شهرت بود و بعضی تصور در باره معلوم و آموزگار و نیز روایاتی  
 در آن شهرت بود و آنچه اکثر او را شاگردان بهتراز استاد پیرسید احمد  
 در آن شهرت بود و این مسئله هم مانند دیگر مسائل مربوط به او رفته  
 رفته منقرض و معلوم شد که معلوم و آموزگار حقیقی او سید روح الله یکی از  
 بزرگان بزرگ هرات بوده که در مآخذ و مدارک به القاب مختلف  
 سید میرک و خواجه میرک و میرک نقاش ذکر گردیده است .

سید روح الله سید روح الله نقاش که هراتی الاصل و از جمله سادات آن  
 دیار است بدست نیامده و اوایل زندگانی او مانند حیات طفلی بهزاد  
 بکلمی مجهول مانده است ولی معلوم است که در دربار امرا و سلاطین هم عصر خود  
 حیل می محترم و صاحب امتیاز بوده این استاد نیز در عصر در خشان  
 سلطان حسین بایقرا میزیسته و نظر به ذوق و استعداد و صف ناپذیریکه  
 در استاد کمال الدین بهزاد ساغ داشته به تعلیم و تربیت او همت  
 گماشته است چنانچه قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول صفوی  
 که تقریباً از سنه ۹۹۵ - الی ۱۰۳۸ ه در فارس حکومت داشته است در  
 تذکره خود موسوم به خوش نویسان و نقاشان در شرح حال استاد  
 بهزاد میگوید : وی از دارالسلطنه هرات است .

استاد زمانه حضرت بهزاد است      که داد هنروری بعالم داد است  
که زاد بسان مانی از مادر دهر      البته که بهزاد از او به زاد است

استاد در طفولیت از پدر و مادر مانده به استاد میرک که کتابدار  
پادشاه مر حوم سلطان حسین بوده او را برداشته ترقیب نمود و در اندک  
زمانی ترقی فرمود و کارش بجائی رسید که تا صورت نقش بسطرسه چو  
او مصوری کسی درین روزگار ندیده .

نگار ز غالش بچابک روی      به است از قلم گیری مانوی  
اگر مانی از وی خبر داشتی      ازو طرح و اندازه برداشتی  
بود صورت مرغ او دلپذیر      چو مرغ مسیحا در روح گیر

استاد از زمان عشرت نشان پادشاه کامران سلطان حسین میرزا که  
چند مدت از اوایل سلطنت و پادشاهی شاه تیمور در عرصه روزگار  
بودند و آثار معجز نگار ایشان بسیار است قبورش

(در دارالسلطنت هرات و در حوالی کوه مختار در حظیره بر نقش  
و نگار مد فون شده است) بر حسب این نوشته قاضی احمد بن محمد چغان  
بر طبق نگارش مولانا دوست محمد صاحب تذکره (حالات هنروران) استان  
میرک هر وی کتابدار سلطان حسین میرزا بوده و در صور نگاری  
و نقاشی و تذهیب کاری ید طولی داشته است - علاوه تا خوش نویسی نیز  
بوده چنانچه هنگامیکه سلطان حسین میرزا به تعمیر مسجد جهانگیر  
هرات پرداخت امیر علی شیر نوانی و زیر معریف و دادگستر  
تحریر کتیبه مسجد را به این نقاش و استاد زبردست سپردند و او  
نمود و سید روح الله میرک کتیبه مذکور را به روشی تمام انجام داد  
باید خاطر نشان نمود که در تعمیر مسجد جامع هرات اختلافات  
زیاد موجود بوده و اکثر مورخین تعمیر آن را به سلطان غیاث الدین  
غوری نسبت میدهند . خلاصه استاد میرک هر وی طبق اشاره  
بعضی از مورخین مانند صاحب حبیب السیر و غیره در زمان تسلط  
محمد خان شیبانی در هرات فوت کرده و در هما نجا مد فون شده است .

حبیب السیر میگوید : خواجه میرک نقاش در علم تهر و تذهیب نظیر نداشت و در فن کتاب نویسی رایت بی مثلی برافراشت اکثر کتابه های عمارات هرات بخط او است و هاتش در زمان تسلط محمد خان شیبانی بر ولایت خراسان بوقوع پیوست .

مولانا دوست محمد در حالات هنروران میگوید . وی هر وی الاصل است و از سادات کمانگر است و در اوایل حال بحفظ و تلاوت کلام مجید و مشق اشتغال داشت و بعد از فوت پدر بکتابت کتابه میل کرد و چون از سادات کمانگر بود آن شغل را نیز ورزید بعد از آن به خدمت مولانا ولی الله افتاد و به تحریر و تذهیب مایل گشت و از آن نیز گذشت میل تصویر در خاطرش گذشت و درین فن بی بدل و درین شیوه بی مثل شد و در زمان پادشاه مرحوم سلطان حسین میرزا تقرب یافته از جمله مناصب کتابداری خاص بعهدۀ او شد دیگر مورخین و تذکره نگاران نیز مانند صاحب تاریخ رشیدی و غیره میرک را از عجایب روزگار و افتاد بهر اد میدانند .

## (( ۹ ))

### مولانا ولی :

از نقاشان و صورتگران قرن نهم هر اتست (۱) با سلطان حسین میرزا متوفا (در سنه ۹۰۰ هجری قمری) همعصر بوده و از صنعتگران متوسط عصر خود بشمار میرفت . در نقاشی و تذهیب و صورتگری شاگردان داشت .

### « و »

(مولانا) ولی الله مروی : معروف به ملا ولی قلندر . هم مذهب و هم مصور و هم خطاط کتیبه نویس بود که در عهد سلطان حسین میرزا و امیر علی شیر لوائی بزیست علاوه بر نقاشی در خطاطی خصوصاً ثلث اسناد ما هر بود کتیبه ثلث سر دروازه مسجد جامع زیارتگاه نمونه خط ثلث او است و مقادیر سفالینه از میان رفته اندکی از آن باقی است .

(۱) صفحه ۷۲ شماره ۱۱ سال مجله کابل

(( ی ))

یاری :

از صنعتگران شهیر هرات است در زمان سلطان حسین میرزا  
میزبست در صنعت تذهیب و طلاکاری خیلی ماهر بوده . بقول صاحب  
کتاب رشیدی علاوه بر نقاشی و تذهیب کاری در خوشنویسی نیز اشتهار  
داشت (۱) و در صنعت تذهیب شاگرد مولانا ولی هروی بود که ترجمه حال  
او قبلا در جای خود ش تذکار یافته است .

ملا یوسف :

از نقاشان و صورتگران هرات است در قرن نهم و اوایل قرن دهم  
هجری میزیست - سلطنت سلطان حسین میرزا را دریافته بود از شاگردان  
استاد بهزاد بود گرچه در صورتگری از هنرمندان ملقب یا به سواد  
اما در صنعت تذهیب و طلاکاری چیره دستی کامل داشت . (۳)

« ی »

مولانا یاری هروی :

او بنام میرش در هرات بود و جای دیگر نرفت . یاری مذهب بود و خط نستعلیق  
را خوب می نوشت .  
گویند مهر سلطان حسین را بقلم او نقشه کرده و جعل نموده است .  
فرمان اعدامش صادر شد ولی بشفاعت امیر علمی شهر نجات یافت و او صاحب شهر  
داشت بعضی مورخین سال وفات او را ۹۸۰ هجری نوشته اند ولی دور از حقیقت  
بنظر میرسد .

( ۱ ) ۷۲ مجله کابل شماره ۱۱ سال ۶

( ۲ ) صفحه ۷۲ شماره ۱۱ سال ۶ مجله کابل

## (حصه دوم)

خط و خوشنویسی  
خطاطان و خوشنویسان

خوشنویسی :

خوشنویسی و توجه به خط امریست طبیعی چون خوشنویسان و خطان  
همانک اسلامی و خراسان و مخصوصاً خوشنویسان (هرات) اکثر اوقات خود را  
با استنساخ قرآن مجید، کتب ادبی و دواوین شعراء که طرف توجه مخصوص  
هر زمان بودند صرف می نمودند حسن خط و خوشنویسی پیشرفت و ترقی  
بسیارائی نمود و ذوق ظریف پسندی در سلاطین و امراء و رجال د و ا  
و عموم هر زمان پرورش یافت ذوق مندان بخرداری کتب خطی و  
نمونه های خط و خوشنویسان معروف پرده ختند و ازین راه صنعت

### تاریخ اختراع اقسام خط

از کتاب پیدایش خط و خطاطان تألیف عبدالمحمد ایرانی :

خط کوفی قبل از اسلام در کوفه از خط نبطی و خط سریانی مشتق گردید .  
اول کسی که خط کوفی را در تحت نظم و ترتیب در آورد مرثیه بن مرثیه بود . و از او  
دست بدست با اسلام بن سلاوه رسید و حرب بن امیه بن عبدالشمس از مکه بطرف کوفه  
برای تحصیل خط کوفی روان شد و زمانی در آن جا بماند و از استادان  
فن طریقه و شیوه نوشتن خط بیاموخت تا خود در این فن استاد شد . و سپس بمکه  
مراجعت کرد و عده ای از قریش نزد او تعلیم گرفتند اول او طالب هم حضرت  
پیغمبر ص بود علی رض و عفان بن ابی العاص و غیره بتدریج آنرا آموختند در مکه  
و جزیره العرب مشهور بخط کوفی گردید .

بعد از ظهور اسلام عده ای در نوشتن خط کوفی اهتمام یافتند که پنج تن آنها  
از دیگران معروف تراند . اول عمر بن خطاب دوم عثمان بن عفان سوم علی

خوشنویسی و خطاطی بیشتر از پیش کسب ترقی نمودند و خود شنواری  
برای افتخار و مباحثات نام خود را در زیر خطوطی که می نوشت قید  
میکرد. یعنی در زیر آثار خود برخلاف روش نقاشان بر نمودن نام  
امضاء می نمودند به همین جهت است که نام خطاطان و خوشنویسان مصر  
بوده و در شرح حال ایشان برخلاف نقاشان از کتب یادگارشان  
در مقابل این خوشنویسان مشهورند و در ساختن این نام نیز  
داشتند که مشغول نوشتن کتب بدست مؤلفان ترقی نمودند و  
کتب را کما می خریداری می نمودند که از آنها کتب کاتبان

گرازه و جرم بودند.

خط و حروف عربی کاملاً در اختیار نویسندگان و کاتبان  
گوناگون صحافت از ابتدای می باشد یعنی نویسنده و کاتب هر چه  
خواستند آنرا آورده می نوشتند و همچنین امتهای هند و چین و  
خوشنویسان و خطاطان بیشتر این نوع خطوط را در کتب خود  
حروف در ابتدای امر حروفی عراقی و کعبی در کتب خود

در ایطالات چهارم از این کتب و کتب دیگر در هند و چین و  
دازین خط بتدریج سی و هفت خط دیگر به شکل جاری نمودند و  
خطوط تا زمان المقتدر بالله عبا می که سال ۴۹۵ بر تخت خلافت نشست  
و در اوایل قرن چهارم که تاریخ زمان ابو علی محمد ابن مقلد  
بمنصه ظهور رسید همت برین گذاشت که جدیدی از خط کوفی  
که تحریر آن برای هر کس آسان باشد از خط کوفی  
خط محقق نامید و در تحت قاعده صغیری در آورد و  
قرآن شریف و کتب دینی را بدان شروع نمود و بعد از آن خط را  
در آن خط را از محقق بیرون آورد و بیشتر کلمات آن تابع خط  
اندر مدتی خط محقق و ریحان بین مردم اشتهار یافت و سپس خط ثلث را  
خط ریحان بیرون آورد و تحت قاعده اش کشید تا بدوجه کمال رسید و سپس  
انتشار این خط خط نسخ را اختراع کرد در واقع خط نسخ سایر خطوط را نسخ

قرن پنجم هجری کشیده و زیبا شد (۱) و در دوره غزنویان و سلجوقیان خط کوفی بر دقت و زیبایی خود افزود و خط نسخ نیز از آن بوجود آمد و در قرن هفتم هجری خط تعلیق ظهور کرد و در قرن نهم هجری خط دیگری که موسوم به نستعلیق (مرکب از نسخ و تعلیق) بود ظهور نمود و از آنوقت بیشتر کتب خطی به این خط نوشته شد و بعدی این خط شیوع و رواج یافت که اگر کتابی بخط نسخ دیده می شود می توان بدین نمود از کتبی است که پیش از قرن نهم هجری نوشته شده است .

شناختن خطوط مختلف و متنوع بر کسانی که اهل فن نیستند و از خط بهره ندارند مشکل است و غیره از خوشنویسان کسی نمی تواند کاملاً تفاوت میان خطوط مختلف را که در دوره های مختلف در خراسان و فارس مورد استعمال بوده درک کند اگر چه ما می توانستیم از روی کتب و نظریات اهل فن که در مدارک عدیده قید است اختلافات و امتیازات اکثر خطوط را در اینجا نقل کنیم مگر بعلمت اینکه چندان مورد دلچسپی و اسفاده واقع نمی شد عمداً صرف نظر گردید .

کرد و بعد خط توقیع را احداث کرد تاقضات سجلات و سایر چیزها را بدان خط نگاشتند . پس از آن خط رقاع را ایجاد نمود تا رقه ها و فرمان های حکام و لایات بدان نوشته شود . و این خطوط سرهتی شکفت آورد در عهد خودش انتشار یافت و بعد ها بکوشش برادرش حسن بن مقله و ابن بواب و دیگران تکمیل گردید . در قرن ششم هجری خط تعلیق بهمت حسن فادسی و خواجه تاج الدین از خط نسخ و رقاع که موسوم برسل بود اختراع شد . است و خط نستعلیق قرن هفتم هجری باهوشمائی خواجه میرعلی تبریزی از خط نسخ و خط تعلیق بوجود آمد و بعد بر وسیله پدرش میر عبدالله و سایر خطاطان آراسته گردید خط شکسته در قرن یازدهم هجری بر وسیله مرتضی قلی خان و به همکاری شهبازی هروی بوجود آمد و بعد در ویش عبدالله مجید بکرسی نشاند و دیگر خطوط تزئینی بنامهای مختلف را استناد آن گذشته بجا ماند . و از آن جمله مجنون هروی خط نوامان را اختراع نمود



پیشتر گفتیم که در قرن نهم هجری خطی بنام نستعلیق بمیان آمد و از آنوقت به بعد با عموم کتب خطی را با آن خط نوشتند. اختراع آن خط را به میر علی تبریزی نسبت میدهند که به دربار تیموری پرورش یافته و پس از او پسرش عبداللّه دنیاله کار پدر را گرفته و بعضی نواقص آنرا رفع کرده است - این شخص دو نفر شاعر نیز داشت که از جمله مولانا جعفر تبریزی است. چون جعفر تبریزی اصلاً در هرات که کانون خوشنویسی بود پرورش یافته شرح حال او را در جای خودش نوشته ایم که از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

خلاصه دوره تیموریان هرات در تاریخ خط و خوشنویسی يك دوره طلائعی بشمار میرود زیرا این سالها هنر دوست از خوشنویسی تشویق و حمایت و از خوشنویسان تقدیر کرده آنها را بمقام عالی رسانده اند. از جمله امیر بدرالدین که یکی از وزرای تیمور است خوشنویس معروفی بود علاوه بر آن بعضی از امرای و شهبازان تیموری نیز بخط خوب معروف بودند چنانچه شرح حال ابراهیم میرزا و با یسغز میرزا و نواده تیمور را در جای خودش مطالعه خواهند فرمود گذشته از تکمیل و پیشرفت خط نستعلیق در دوره تیموریان دو خط دیگر که عبارت از خط دیوانی و خط دشتی باشد نیز بوجود آمده است.

از کتاب تاریخ نوشته های کهن تالیف پوهاند عبدالعی حبیبی :

فلام محمد هفت قلمی دهلوی مولف تذکره خوشنویسان در حدود ۱۰۹۹ هجری قمری که پیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند لیکن این امر بر او گواهی قواعدی در خط نستعلیق مقرر نموده بنابراین زمان آغاز نستعلیق مغربی را در حدود ۷۰۰ هجری تعیین باید کرد درحالیکه اساس آن در خط تعلیق پیش از سه قرن گذاشته شده بود ما سندی در دست داریم که نمونه نستعلیق نویسی را در او در آخر قرن هشتم هجری بخط يك مردی نشان میدهد.

بدین معنی که نسخه خطی کتابت عجائب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخه ربیع الاول سنه ۷۹۰ هجری در کتابخانه ملی پاریس موجود است (۲۳۲) تکمله فارسی

در پایان این مختصر باید متذکر شویم که اگر خوشنویسی ترقی  
نمیکرد و صنعت کتاب نویسی به منتهی درجه ترقی نمیرسید البته  
صنعت مینا نوسازی در هرات بوجود نمی آمد و در تاریخ صنایع  
عربی فصل سرچسته را احراز نمی نمود .

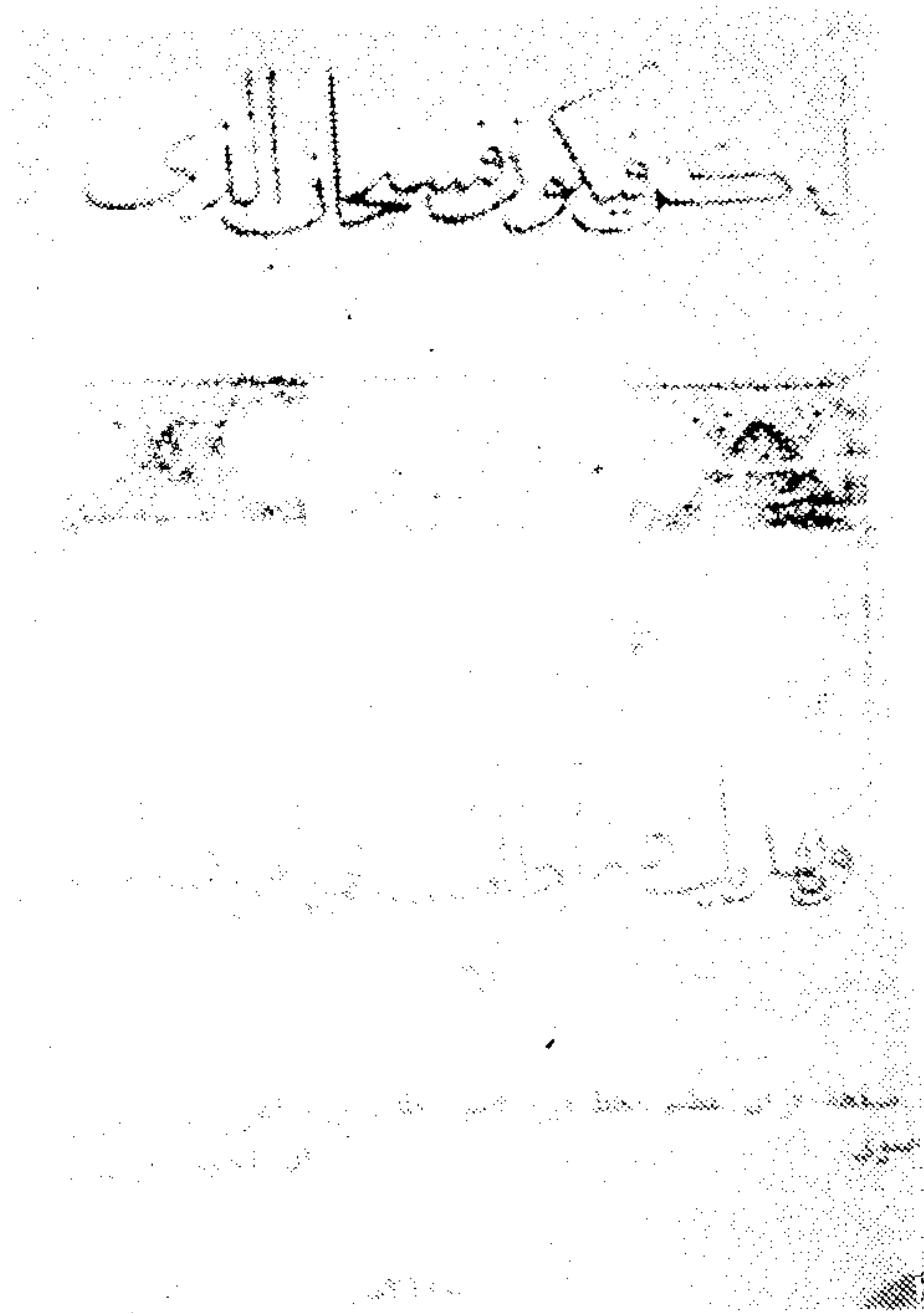
### خوشنویسان

#### الف

#### پیرا شیم میرزا :

پیرا شیم میرزا ابن شارح میرزا ابن تیمور است که از جدان ذوزادگار  
تیموری هرات است در تحصیل علم و کمال و مخصوصاً در بدست  
نگارن و آموختن بعضی از صنایع نفیسه مانند خوشنویسی شوق  
زیاده داشت و یاد داشت چنانچه بهمین مینا سیت شش نوع خط  
مستعمل آنوقت را آموخت و شهرت و مهارت بسزایی در خوشنویسی  
محصول گردید از آن جمله خط ثلث را بر او شایسته قوت مستعملی  
باشند این استاد از بر دستی مینگاشت که کمتر کسی می تواند  
باشد این خط او و با قوت ترقی بگذارد و در زمانیکه بشیر از  
حکام هراتی داشت علماء و ادباء و نقاشان و خطاطان زیاد را بدور خود  
مجموع کرده بوده در سنه ۸۴۴ هجری پدرود زندگانی گشت .

که در آخر آن نوشته است تاریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد مردی  
عفی عنه این کتاب برای کتابخانه سلطان احمد خان (شیخ اویس ابلکائی ۷۸۴ -  
۸۱۳ هجری) نوشته شده است (بباد شتهای قزوینی ۷ - ۲۰۳ نور صورت در عصر  
تیمور و شاهرخ خط استملیق که زیبا ترین خطوط بوده و هم زاده قریحه تابناک مرد  
خراسان است، در مملکت تیموریان و در اوج کامل بافت بکتابخانه و کتب مستعمل گردید  
و در دربار تیموریان شاگردان میر علی که استاد و مرتب این خط بود بعد از  
شاهان پسر مندرش پور در شریف بافتند که از آن جمله مولا جعفر و پسرش  
جلال و مولا نا اظهر متوفی در ۸۸۰ هجری و پسرش محمد و سلطان علی بن  
محمد مشهدی و میر علی مردی و محمد اوبهی و سلطان محمد خندان و سلطان  
محمد نور و دیگر مشاهیر استملیق نویسندگان .



خط ناک سلطان ابراہیم بن شاهرخ عمیر  
تفصیل در صفحہ ۶۸



ابو بکر جامی :

اسم پدرش اسحاق و سلسلہ نسبش بملا عبدالرحمن جامی میرسد در کمالات صوری و معنوی کامل بود و بحسن خط و خوشنویسی شهرت تام داشت . زمانی از خراسان به سوی کردستان مسافرت نموده در مدینه سلیمیه آنجا جای گرفت . چون مراد اب فضل و هفت مخصوصاً حسن خطش شهره بود جمعی بخدمتش شتافتند و در خواست افادہ نمودند او ہم نظر بہ حیات نیک و نوع خیر انداختہ کہ در این دعوت ایشانرا پذیرفته مصروف آموزش خط شد . از جمله خطوط نسخ و تعلیق را نیکو مینگاشت و قطعات و عرفیات از انباری بیادگار مانده است فوت او در سنہ ۶۷۷ ہجری بوقوع پیوستہ

( شکل ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ ) کہ بعد از قرن ۱۱ ہجری در سلسلہ سنی  
ایشان از عراق بپارسیان و بعد از عثمانی بفرانسہ انتقال نمودند .  
مغایس آثار هنری نستعلیق پریمی بر رویہ نیمبردی در عراق در دوران ناصرالدین  
لوح قدیم مرقد مولانا جامی منصوب بخط میر علی ہروی و لوح دیگر در تبریز  
حوالی ۸۲۸ ہجری ( ۱۴۲۴ میلادی ) از طرف سزکبک در خط نستعلیق در  
در عراق حوض زمزم گذار گذار عراق و قطعات سزکبک مرقد در عراق  
ہجری ۱۴۵۴ ۲ و الواح نستعلیق گذار گذار در تبریز در خط نستعلیق  
سلطان علی مشہدی بر گورد میر غیاث الدین مشہود پدر خطان حسین بایقرا

الف

خواجہ ابراہیم ، شاید همان امیر ابراہیم فنا نوی ہروی باشد کہ در خط  
و تعلیق شاگرد شہاب الدین عبد اللہ بیانی بودہ و در دو سبکی در خط  
او در نواختن قانون بی مدیل بودہ چنانچہ بعد از عبد اللہ بیانی  
چون او ننواختہ اخیراً از بہمد رفتہ سبکی و فاش آن در خط  
خواجہ اختیار ہروی : محمد اختیار منشی در خط نستعلیق در خط  
عبدالحی منشی است . در عصر سلطان حسین بایقرا بودہ و میگفتند کہ از  
اخیر عمر از عراق جایی ترقی منشی در خط سال وفاتش ۹۹۰ ہجری  
یک قطعہ خط نستعلیق او نیز فکری ساجہ فی بودہ و در این اثر در  
در دست نیست .

ارشاد :

میرزا محمد ارشد پسر خواجه علمی اکبر بن محمد هاشم بن محمد طاهر بن جلال الدین ارشد بن سراج الدین علی است - میرزا محمد ارشد در بانهاد هرات نشوونما یافته و با شاه صفی و شاه سلیمان صفوی معاصر و بانا ظم هر وی و فصیحی و ملا عیسی مصاحب بوده است . در سنه ۵۱۰۴ هجری و در سنه ۱۱۱۶ هجری در هرات وفات یافته است . ارشد شاعر بزرگ بود و در تمام شعب ادبیات دست کافی داشت قول و قصیده و رباعی را استادانه میسر آید . در نشر

در سنه ۱۰۷۷ هجری و چهارم فروردین بگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی و چند مرتبه در آندرون کتبه آرامگاه شهزاده بایسنقر در خیابان هرات و دو بیت بقلم بسیار قوی علمی نستعلیق بر مرمر سفید مرقد بیر هرات بخط حسن خان شاملو (شکل ۱۱۴) درین عصر عموماً کتابها را به نستعلیق خوش می نوشتند و نستعلیق نویسان مکتب هرات آثار گرانما به و شیکاری های خطی بوجود آورده اند . که از آن جمله جعفر بایسنقری شیکار هنری خود یعنی نسخه نفیس شاهنامه بایسنقری را در سنه ۸۲۳ هجری ۱۰۷۹ م نوشت که در موزه گلستان تهران است (شکل ۱۱۵) و هم سه ورق مجمره خطوط نستعلیق و ریحان و نسخ و ثلث و رقاع و شکسته نستعلیق به امضای او است در موزه ملی تهران (شکل ۱۰۹) و هم هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دو اوین شعر و اربعه ها در موزیم های دنیا موجود است .

پنجم خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵ و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع ثلث در سر تا سر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر و امور عامه در ضمن چابک نویسی از امتزاج و در هم شکستن هر دو، خطی بوجود آوردند که آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق نامیدند . اسلوب شکسته نویسی نیز در طول قرن ۱۵ - ۱۶ رنگه قلمی و هنری گرفت و مامی بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه بر اقلام سه اساسی دو قلم تعلیق و نستعلیق و یک قلم نهم شکسته مستقلاً افزوده شد و استاد جعفر بایسنقری در اوراق نمونه خطوط مذکورده خویش که در موزه ملی تهران است دو سطر بسیار زیبا و نفیسی را بهمین شکسته نستعلیق عم نوشته است (شکل ۱۰۹) که بختگی این شیوه را در عصر شاهرخ میرساند .

هم قریباً سرشاری داشت . در خوشنویسی هم از جمله استادان و در موسیقی از داهر ترین نوازندگان بشمار میرفت و در اخیر عمر دست از شعر کشیده بکلمی مصروف کتابت کلام الله شریف شد و هشت مرتبه آنرا نوشت .

چنانچه خودش میگوید :

قلم بموسم پیری عصای من شده است کلام حق چمن دلکشای من شده است  
قلم بمصحف هشتم چو زرقم ارشد ضمان هشت بهشت از برای من شده است (۱)

### اسفزاری :

مولانا معین الدین محمد معروف به اسفزاری از جمله شعراء و نویسندگان و خوشنویسان عصر سلطان حسین بایقرا است . در شهر تارینجی هرات نشو و نما یافته و به خوشنویسی و تدریس خطوط مشغول بوده است . چنانچه فوقاً اشاره کردیم علاوه بر شاعری صاحب تألیفات نیز است . از جمله آثار او یکی تاریخ شهر هرات و دیگری مجموعه مناشیر و مکتوبات معروف است (۲)

### اشرف خان میر منشی :

اسمش میر محمد اصغر و از سادات حسینی است اصلاً از سبزواری است . فن انشاء و نازک خیالی اقتدار کامل داشت ، در خطاطی و خوشنویسی

و بعد از آن میرزا فصیحی مروی و شفیعای مروی و مرتضی قلمی شاطوری مروی و درویش عبدالمجید تالقانی و غیره . از هنر مندان نامور این طریقه است . شکسته نوبسان چون شیوه خاصی داشتند آنرا شکسته آمیز منسوب به او دانسته خط شفیعیه هم گفته اند .

ولی خط شکسته برای کتاب و کتیبه نویسی کمتر استعمال شده و رواج آن تا کثون هم برای مراسلات عامه و دفتری بوده و گاهی بطور نمونه مروی و تالیفی بر قطعات زیبا نوشته شده است .

(۱) آثار هرات مولفه خلیلی افغان .

(۲) حبیب الابر .

به نگارش هفت خطاستاد بود. مخصوصاً تعلیق و نسخ تعلیق را تا اندازه‌ی استادانه می‌نوشت که او را از سرآمدان روزگار می‌خواندند علاوه بر آن به جعفر نیز آشنا بود. در زمان هما یون پادشاه مغلی هند میزیست و از طرف او به مراتب رفته رسید به خطاب میرمنشی امتیاز یافت. زمانی به حجاز سفر کرده و در سال ۹۶۸ هـ بدر بار جلال الدین اکبر بار یافت و مورد احترام و اشفاق شاهان و قرار گرفت. در سنه ۹۶۵ از طرف جلال الدین اکبر به لقب اشرف خانی سرا فراز گشت و وفات او در سنه ۹۷۳ در بلده مذکور به مرض و با اتفاق افتاد. اشعار رنگین و آبدار نیز از وی یادگار مانده است. (۱)

### اختر مولانا

از شاگردان معروف حکیم جعفر هروی است ابتداء در هرات مشغول تحصیل گردیده تا این فن را بدست آورده است و به اندک زمانی درجه استادی نایل شده چون در هرات قطعات و مرقعاتی نظیر نگاشت شوای سیاحت نموده رو بجانب کرمان آورد و از آنجا به استهبان و شیراز و بغداد و بصره مسافرت کرده بالاخره عزم بیت‌الله شریف در مدینه گرفت و از راه خشکه عازم مدینه مکرّمه و مدینه معظمه گردید پس از ادای فریضه حج و زیارت حضرت خیرالبهر (ص) رو بجانب بیت‌المقدس نمود.

### (قاضی) اختیار الدین حسن گنابادی هروی :

در عصر سلطنت حسین میرزا قاضی القضاة هرات بوده از جناب (گناباد) خراسان است در هرات اشو و نما یافته بعضی از راهبان محمد اختیار منشی هروی میدانند ولی حقیقت اینست که محمد اختیار منشی هروی شخص دیگر است و قاضی اختیار الدین هروی تعلیق نویس است که در دیقه الصفا جلد ۷ مختصر شرح حال او را ذکر کرده در سام میرزای صفوی نیز در تحفه سامی او یاد کرده و او را از تربت خراسان (زاوه قدیم) دانسته و شهرت او را به امساک و جمع کردن از ذکر نموده.

(۱) صفحه ۷۴ جلد اول جزء اول آثار الامراء طبع مند.





آنجا بدست عباس اول صفوی رسیده بود، چون چشم و دل عباس را  
 حسن و زیبایی خطوط خلیل را بود بر مقام تقدیر برآمده او را مقرب  
 در گاه خود ساخت و جائزه بسیارش بخشود و هم خواہش کرد کہ  
 مرقعی برای کتابخانه سلطنتی بنگارد، بدینمنوال ایام خود را  
 مسیبتگذرا نهد تا آنکہ آوازہ شهرتش سراسر  
 آنجا ماندا فرا گرفته شهرت میر عماد قزوینی را کہ باوی معاصر  
 بود از یمن برده صاحب پیدایش خط و خطان میگوید: زمانی بین او و  
 (خلیل شراعی) و میر عماد کہ شرح حالش خواہد آمد در رجحانیت  
 و برتری خط مسابقہ و بعد منا قشہ دست داد و هر یکی مدعی برتری  
 خط خود بودند چون آوازہ این منا قشہ بگوش شاه رسید فرمان  
 داد تا ملا محمد حسین و علیرضای عباسی کہ ہر یک در سپہر کمال آفتاب  
 کاشف بودند در میان آنان حکم واقع شوند. ملا حسین و علیرضا  
 پس از تہمتی در خطوط ہر دو خط امیر خلیل قلندر را ترجیح دادند (۱)  
 خلیل بعد از چندین سال توقف در فارس بہ نسبت در خواستنامہ های  
 ملوک ہند کہ آرزو مند صحبت و خریدار صنعت او بودند از  
 عباس صفوی اجازہ گرفته مجدداً عازم ہند شد.

چون بہ حیدرآباد دکن رسید بیمار گشتہ در اثر آن فوت کرد  
 (در سنہ ۱۰۳۵ھ) و بہما نجامد فون گردید.

یک قطبہ بسیار مشہور بقلم سہ دانگ و دو دانگ و نیم و دو دانگ  
 پس کتب معلوم و موکب گت بہمان قلم سہ دانگ با مضای خلیل اللہ در کتابخانہ  
 فکری سلجوقی موجود بودہ فکری میگوید: اقاماً براسستی از اکثر استادان نستعلیق  
 بہتر و شیرین تر نوشته اما قلم او را بہماد ترجیح دادن ظلمی است کہ بتعریک  
 شاه عباس و مقتدا دان عماد بوی روا داشته اند کہ در قضاوت خط او را بر خط عماد ترجیح  
 دادند و سال وفات امیر خلیل را تذکرہ نویسندگان نکردہ اند مگر ہدایت اللہ  
 الملک بکھرازی و بیست و چہار (۱۰۲۴) کہ سال شہادت عماد قزوینی است  
 نوشتہ است.

(۱) صفحہ ۱۳۰ پودا پش خط و خطاطان

۱ میر سبزواری :

از تولد یافتگان و سر بر آوردگان سبزواری هرات است خطوط مختلفه را بکمال زیبایی می نوشت در علوم دینی و صنایع شعری معجزه ها را فراوانی داشت در زمان سلطان حسین بایقرا شهرت پیدا کرد و شرح زندگانی و گذارشات حیاتی او بکلمی مجهول است ، آنها امیر علی شمس نوائی در باب او چنین می نویسد : (شیخ الاسلام سبزواری بودی وصال صبیح تمام داشت اکثر خطوط را نیک می نوشت اما بسیار خوب بنویسند و در آن مولانا امیر سبزواری شاعر هم بود و قریحه ای در آن نیز داشت و چون آنچه این رباعی از اوست :

گر لایق دولت وصال تو نیم  
اما بهمین خوشم که هرگز نفسی  
امیر شاهی : اسمش آفا ملک و اصلاً از تولد با وصال صبیح

باستانی و با فیض سبزواری هرات است . پدر او جمال الدین فیروز کهنی است که از اولاد سر بداران سبزواری بود و در خدمت پادشاهان سبزواری و آیه ندیمی و مصاحبی داشت فرزند گفته امیر علی شیر کهنی است

صفحه ۶۴۲ - تعلیق نویسان دکتور بیانی

(امامی) هروی شیخ

از زبردست ترین کاتبان و خوشنویسان قرن نهم است یا در آن کاتبان و خوش نویسان شهر معاصر و قبل از وی مانند او در حدی حتی سلطان علی مشهدی در خوشنویسی از وی برتر است و در خطوط وی یک نسخه انیس العاشقین بقلم استعلیق کاتبان سبزواری است که در الشریفة الموسومة بالیس العاشقین نیز تأریف شده است و در کتاب العبد الفقیر المحتاج الی الملك الصمد شیخ محمد الامامی در کتابها در طهران است . دیگر یک نسخه هفت اور نیک نامی بقلم کاتب خطی خوش که پیشتر شاعر مشرق

(۱) لطائفنامه هروی ۲۳۶

(۲) ۴۶ لطائفنامه هروی

صاحب آتشکده آذر (۱) امیر شاهی نیز مانند پدر خود مدتی در خدمت بایسنغر میرزا بود ولی بعدها از مشاغل رسمی کناره جویی کرد و در گوشه قناعت خزید. میگویند: روزی بایسنغر میرزا هنگامی که غنچه و شش و شش سر باد را آن سبز و آرزو فرستاده بود به سعادت اصحاب و حواشی ببارگاه خود بشکارت رفت در همین شکار از قضاء هر کس در پی صیدی رفت و بایسنغر میرزا با امیر شاهی آنها مانند سلطان روان بجانب امیر شاهی کرده گفت: چه حال! الدین قدرت مانند امیران در حالیکه با یکی از سرداران سپردن آنها مانده بود او را بگارد زده کشت میترسم تو هم از موقع استفاده نمودن آسوی بی بهره ای. امیر شاهی پاسخ داد:

«چندانی آسویی نیست که هر پسر تابع و پیروا ختلاف و افکار پدر خود را با او از آن روز به بعد امیر شاهی خدمت در بار سلطان بگذرد و کارها او را در تمام و شهرت و روزی دوری جست و در سر و پا به کشت و زراعت مشغول شده وقت خود را به قناعت و آسودگی سپرد. امیر شاهی یکی از رجال نامور سبز را و از جمله سرداران و قاضیان و افاضان زبردست آن سامان بشمار میرود شهرت او بیشتر از آنست که در اینجا طبع و شاعری است چنانچه همین شهرت باعث آن گردید که پس از چندی از او و گوشه گیری اختیار کرد موقعیکه ابوالقاسم با بر نورزای بن بایسنغر بن شاهرخ دست تسلط و اقتدار یافت (۲)

کتابه العبد الفقیر الحقیق شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنه تسع و تسعين و ثمان مائه در کتابخانه دانشگاه استانبول يك نسخه مثنوی اشتر نامه شیخ فرید الدین عطار با تاریخ و رقم اضعف عباد الملک الصمد شیخ محمد بن احمد هروی الحسن الله الحوائی روز یکشنبه ماه ذوالقعدة سنه احدى و عشرين و ثمان مائه بمطبعه مطبوعه و دیگر کتاب های متعدد مثل دیوان جامی و قطعات زیاد دارد و تاریخ فوت او بدست نیامده.

(۱) صفحه ۷۵ آتشکده آذر طبع بمبئی .  
 (۲) صفحه ۴۷ نسخه سامی طبع تهران .

او را در خدمت خود خوانده با خویش به استرآباد فارس برد و او را به  
 منقش کاری خویش در آنجا مقرر کرد. خلاصه شاهی پس از يك عمر طولانی  
 (هفتاد سال) در سنه ۸۵۷ در استرآباد وفات یافت و نعش او را  
 به سبزوار در مزارستان جدانش نقل داده دفن کردند.  
 دیوان شعریکه حاوی هر نوع اشکال شعری است و همچنان يك تذکره  
 بنام مجوعه شعرا از او به یادگار باقی مانده است، میگویند شاهی  
 در مدت حیات خویش دو هزار بیت گفته بود مگر دیوان او مشتمل بر  
 يك هزار بیت است و باقی اشعار او تلف شده.

امین الدین محمود (خواجه)

از مردان بزرگ و با فضل و هنر پرور قرن دهم هجری هرات است  
 مرد با تقوی و متدین بوده علاوه بر فضایل علمی در صنایع ظریفه  
 مخصوصاً خوشنویسی شهره آواغ بود. موقعیکه همایون پادشاه مغلی هند  
 بدست شیرشاه سوری که از شاهان نامور افغان در هند است شکست خورده  
 از لامبور پاری فغانستان آمد از آنجا به فارسی فرار نمود و بازار مجاهدان  
 در سنه ۹۰۹ هـ در راه هرات سیستان وارد خاک افغانستان گردید. خواجه  
 امین الدین محمود در آنجا از ناموران و سر برآوردگان، دانشمند و صنعتگران  
 آن عصر بود دعوت نمود به باخود به هند برود چون خواجه موصوفی مردم

صفحه ۶۵۱ - تعلیق نویسان دکتور بیانی :

امین هروی :

کاتب کم نام معاصر محمد امین مشهدی از آبادان است. نسخه نوسازی  
 زلیخا و تحفة الاحرار و سبعة الابرار و خرد نامه سنگندی بقلم و کتابت چلی بیمن  
 تمام گردیده: (کتابه الفقیر محمد امین الکاتب الهروی قریب سنه ۹۹۲) دیگر قطعه ای  
 از يك مرقع بقلم دست داندک خوش با رقم است. محمد امین الهروی در کتابخانه  
 خزینه اوقافی استانبول است.

(۱) صفحه ۶۵۱ - تعلیق نویسان دکتور بیانی :

فاضلی بود و خط و طامند اول مخصوصاً شکسته را بی انداز زه زیبا و فشنگ می نوشت بدربار هما یون عزت و اعتبار زیاد حاصل کرد و چون در علم سیاق و محاسبه و دفتر داری هم از نوابغ عصر بود به رتبه های عالی کشوری رسید و بخطاب خواجه جهانی سرافراز و معروف گردید (۱) بالاخر در سنه ۹۸۴ در حوالی لکنه و پدر و د زندگانی گفت .

(( ب ))

با پسر میرزا :

پسر سوم شاه فرخ سلطان بن تیمور است مادر او گوهر شاد بیگم ملکه مهرکوف قرن نهم افغانستان است با پسر میرزا در شب جمعه ۲۱ ذی حجه ۷۹۹ میلاد گردید (۲) مورخین او را بملقب غیاث الدوله خوانده اند

سنه ۱۲۶۴ دستملیق نویسان د کور بیانی

تاریخ ملوک

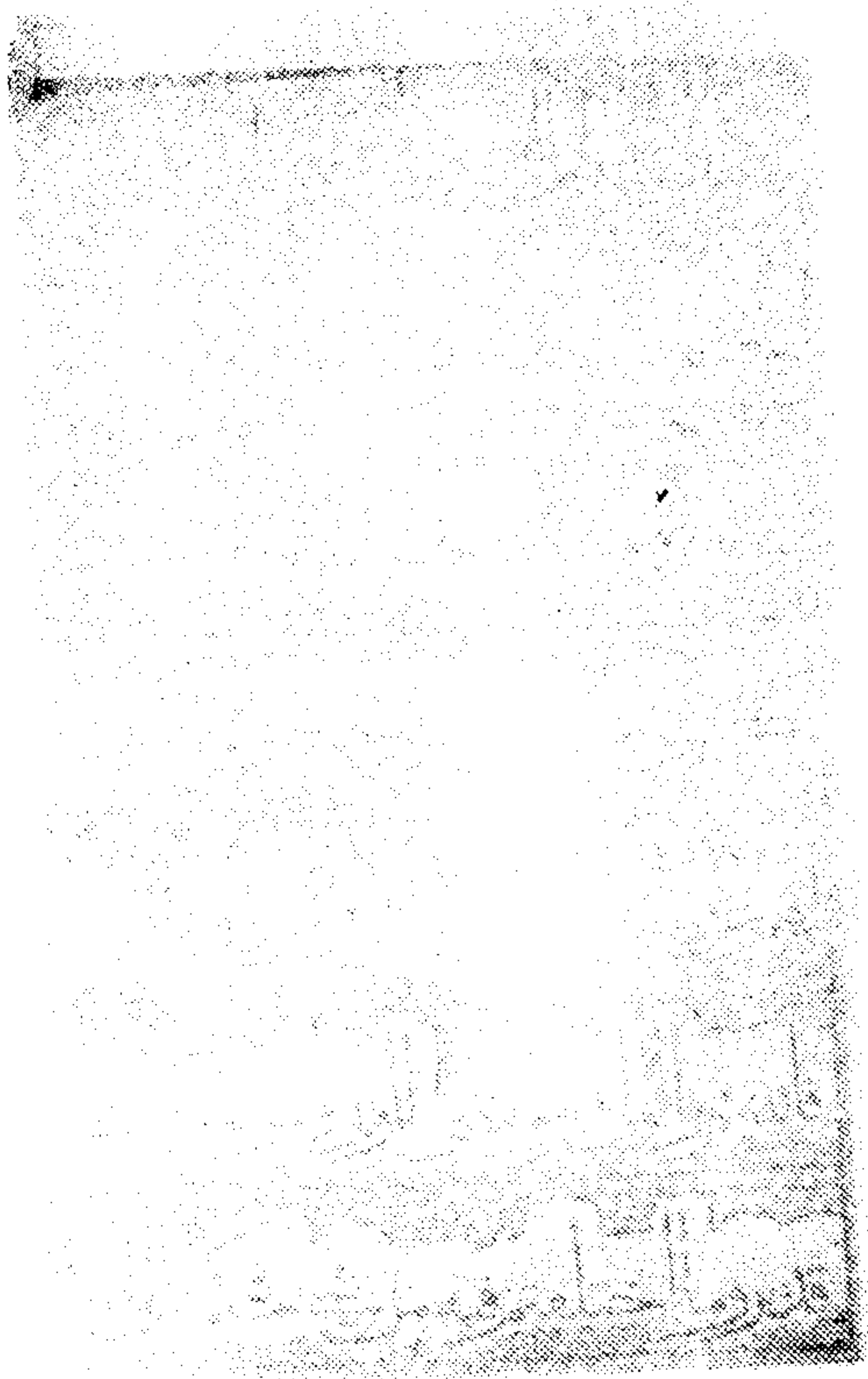
میرزا احمد شاه اول بن محمد حسین شاملوا از خورشید و پسران قرن سیزدهم در دخواست نویسی شهرت یافته است . خط دستملیق را خوش و شکسته را عالی می نوشت . تاریخ میرزا احمد شاه ( قدمات بعد الخط ) یافته است که سال ۱۲۶۴ م شروع تاریخ مذکور در المآثر دالانار و منتظم ناصر و تاریخ التواریخ است و در آن مرگ او را در مشهد ذکر کرده اند .

میرزا احمد ظاهراً عمری دراز داشته و سالهای متعددی خوشنویسی کرده است و قدیم ترین اثری که از وی دیده ام يك نسخه رساله ( ذخیره الاخره ) در کتابخانه سلطنتی است که تاریخ شوال ۱۲۱۷ دارد .

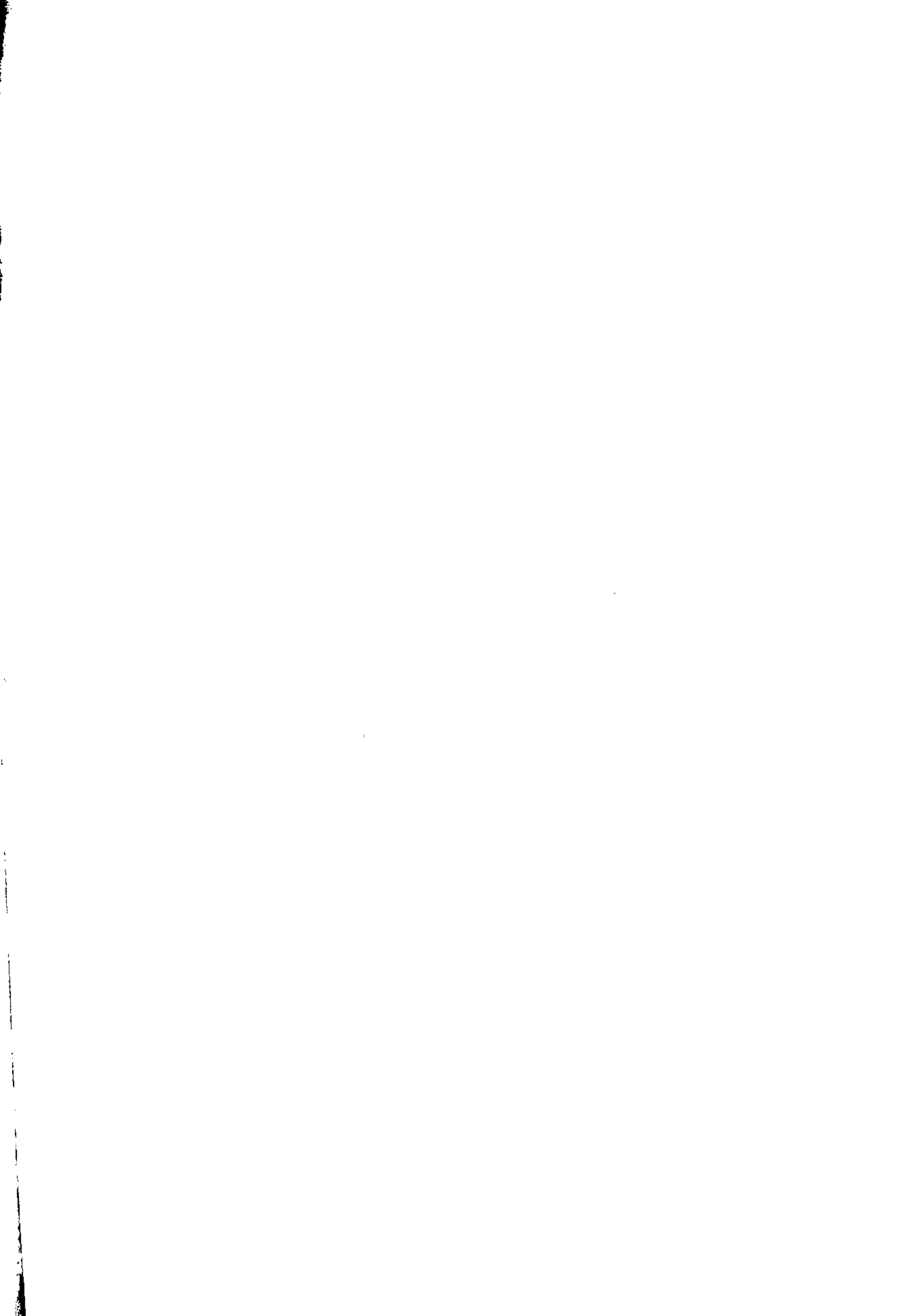
تجسسور : جمله ای ( قدمات بعد الخط ) که درین جا هزار و دو صد شصت چهار به حساب آمده است و حساب کل آن هزار و دو صد شصت و شش ( ۱۲۶۶ ) می شود . میرزا عبدالملکی شایق

(۱) صفحه ۱۲۲۲ کبر نامه طبع هند .

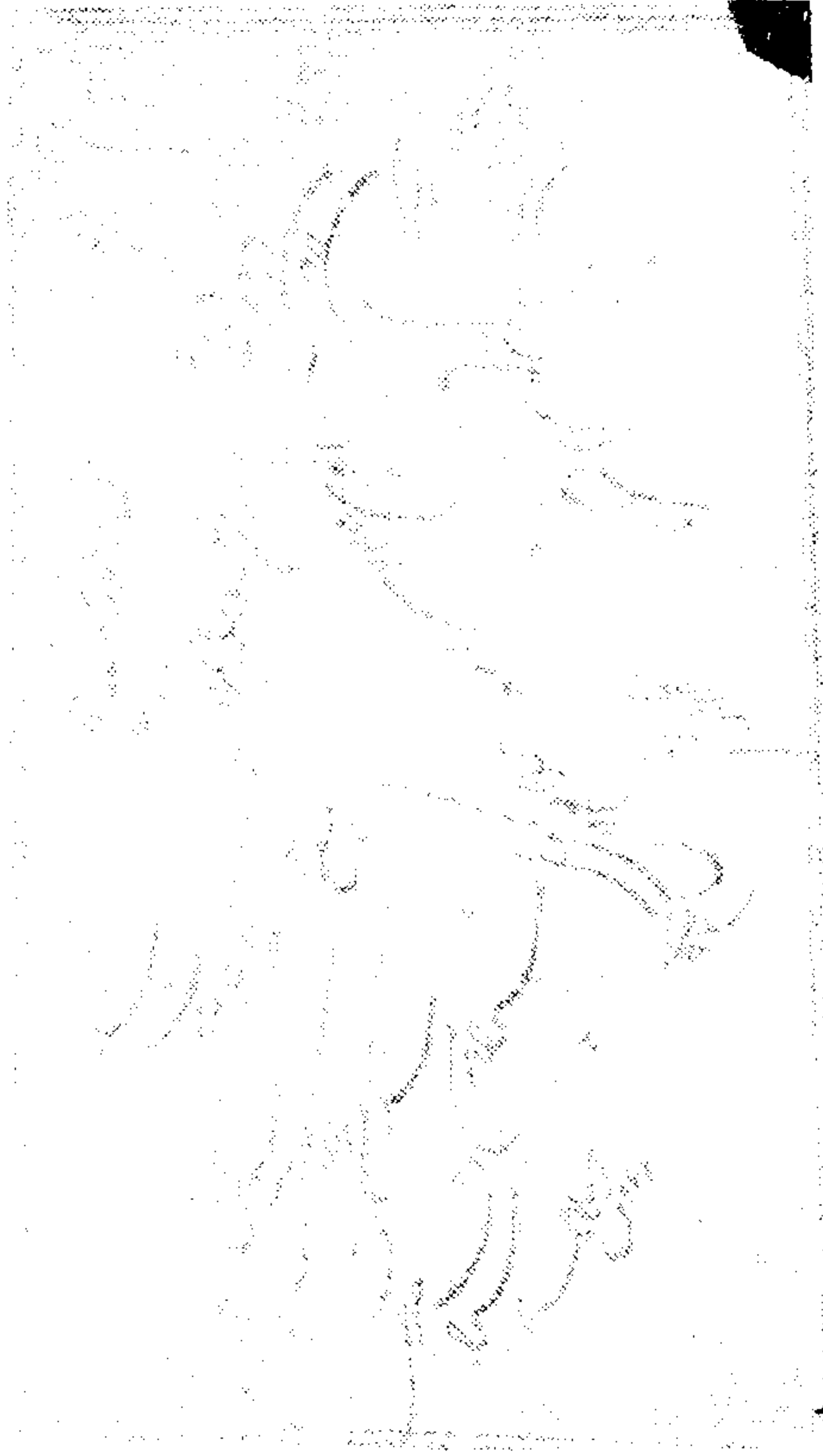
(۲) دونه الصفاء حبیب السیرس ۴۳ ج ۳ جزء ۳ . کتب التواریخ مولفه بهی قزوینی صفحه ۱۹۱ طبع تهران . اماد درانشاه سمرقندی در تذکره خود سنه تولد پسر میرزا را ۸۰۲ هـ - می نویسد که بسن ۲۵ سالگی در سنه ۸۲۷ وفات یافته است .



خط محقق اثر باسنفر میرزا  
شاهرخ تفضیل در صفحه ۷۸







نمونہ خط شکر کے لئے احمد شاہ اولی  
تفصیل در صفحہ ۶۸



در سنه ۸۱۷ شاهرخ حکومت ولایات طوس و مشهد و ابیورد و شملقان و جرمغان و خبوشان و نشا و تمام مازندران و استرا با د و شالسمان و کیود جامه و مضافات و منسوبات جرجان را بدو تفویض نمود . اما بعد از چندی چون عقل و کاردانی و ذکا و حسن سلوک و رو به او را شاهرخ تقدیر و در سنه ۸۱۹ امور و وزارت را که طبق تشکیلات امروزی عبارت از رتبه صدارت و رئیس الوزرائی باشد بدو سپرد (۳) بایسنغر در هنر پروری و ادب دوستی شهره بود . همیشه با علماء و دباء و شعراء و هنرمندان و صنعتگران مصاحبت داشت خود شایسته

گاه گاهی شعر میگفت این بیت را از او نقل میکنند :  
 گدای کوی او شد بایسنغر  
 گدای کوی خوبان پادشاه شد  
 بایسنغر در هرات کتابخانه بزرگی تأسیس نمود که در آن چهل نفر از خطاطان و خوشنویسان و چهره کشا یان معروفی به استماع کتب و مصور نمودن آنها اشتغال داشتند . یک عده صحافان و چاپخانه در آن در زمره همان نفر شایع بودند .

مولانا جعفر خوشنویس حیثیت رئیس کتابخانه مذکور را داشت بایسنغر از شعراء و علماء و هنرمندان بسیار عزیز و محترم بود . مولانا معروف خطاط را که بجرم همدستی با احمد لنگر که شاهرخ را

صفحه ۶۶۲ مستملیق نویمان دکتور بیانی

(ب)

بایسنغر میرزا :

فرزند محمود بن احمد بن ابی سعید که گمانی است که از سال ۷۷۰ هجری در ناحیه بدخشان حکومت داشت و بفضل دانش و حسن تدبیر شهر میگفت و (عالی) تخلص میکرد در مجالس القابیس آمده است که بایسنغر بکرات خط مستملیق ویرا ستوده است .

از آثار وی قطعه ای در مرقع بهرام میرزا در کتابخانه اوقافی استانبول است که بقلم دو دست خوش نوشته است و رقم تاریخ دارد : مشقه المید با بایسنغر . نباید این ها سطر را با بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ بن امیر تیمور اشتباه کرد این با بایسنغر بسال ۸۳۷ در کاشغر و همه اقلام جز مستملیق را خوش می نوشتند .

صفحه ۶۴۲ مستملیق نویمان دکتور بیانی

در مسجد جامع هرات زخم زده بود معروف است که او را حبس کردند و میخواستند اعدام کنند اما بایسنغر وی را از مرگ نجات داد و تنها به حبسش اکتفا نمودند بایسنغر شهزاده ظریف و خوش طبع بود و موسیقی را نیز در ضمن دیگر صنایع ظریفانه دوست میداشت و در بار او را مشگران و خنیاگران زیاده تر بیه شده بودند - حکایت کنند که خواجه یوسف اندک آنی بر او رگبار بایسنغر در گویندگی و مطربگی در هفت اقلیم نظیرند است. لحن داودی یوسف دل میخراشید و آهنگ خسروانی او برجگرهای مجروح نمک می پاشید سلطان ابراهیم میرزا (برادر او) از شیراز چند نوبت خواجه یوسف را از بایسنغر خواست نمود که بجهت او بفرستد بایسنغر این بیت را بجواب او نوشت :

ما یوسف خود نمی فرود شیم تو سیم سیاه خود نگهدار (۱)

خلاصه بایسنغر در سن ۳۹ به دارالسلطنه هرات در باغ سفید به صبح سه شنبه ۷ جمادی الاولی سنه ۸۳۷ هجری قمری پدر خود حیات گفت و دل والدین و اخوان را بداغ حسرت کباب کرد شعراء در مرثیه او

صنعة ۶۵۹ مستملیق نویسان دکن و بیانی .

( میر محمد ) باقر هروی فرزند میر علی هروی :

خط مستملیق را خوب می نوشت و به خط تعلیق نیز دست داشته است ، متأخرین تذکره نویسان گویند که در علم کلام و حکمت بی مانند بود و بشرح اشعارات خواجه نصیر طوسی اعتراضات دارد صاحب مناقب هنر ودان محمد حسین هروی و محمد امین را از شاگردان وی دانسته است .

از آثار وی يك قطعه بقلام سه دانگ جلی و نیم دانگ عالی با رقم : کتبه العبد محمد باقر بن میر علی هروی غفر الله ذنوبهما در کتاب خانه ملی پاریس يك قطعه از مرقع بقلام سه دانگ خوش بقیه اب اعلی با رقم و تاریخ :

فی سنه ۹۸۲ باقر الهروی نیمه دیگر این مرقع بخط بدروی میر علی است که رقم

فقیر علی دارد .

(۱) تذکره دولت شاه سمرقندی .

که یگانه مشوق و حامی ایشان بود مرائی ز باد سرودند از جانیان  
 سلطان سعید بایسنغر سحر م      گفتا که پیر باهل عالم سحر  
 من رفتم و تاریخ و فاتم اینست      بادا به جهان در از کس پادشاه  
 اما امیر شاهی سبز واری با این رباعی بر همگان فایز آورده  
 در ماتم توه هر کسی شیون کرد      لاله همه خون دیس بر درون  
 گل چست قباى ابروانی بدرید      قمری نمود سیاه در کوه کوه  
 شعرا نیکه در زمان شاهرخ سلطان بملازمت بایسنغر امیر شاهی  
 با با سودائی - مولانا یوسف اموری - امیر شاهی - میرزا ابوالفتح  
 و امیرالدین نزل آبادی - امیرزا بایسنغر سه پسر هاله امیر شاهی  
 ۱- میرزا علاءالدوله ملقب بر کنالدین که در کوه کوه کوه کوه  
 الاولی سنه ۸۴۰ متولد و در سنه ۸۵۰ هجری موفقیان را در  
 عراق و آذربایجان رفت به نیابت سلطنت در هر ات قهر و کوه کوه کوه  
 در سنه ۸۶۵ وفات کرد و در مدرسه گوهر شاه بیگلر بیگانه کوه کوه کوه  
 ۲- میرزا سلطان محمد که حکم بر فارس و عمان و کوه کوه کوه  
 ۸۵۵ فوت کرد .  
 ۳- میرزا ابوالقاسم با بر که در سنه ۸۵۴ هجری کوه کوه کوه  
 از سلطان محمد در سنه ۸۵۵ حکم بر فارس و کوه کوه کوه  
 سنه ۸۶۱ فوت کرد . بایسنغر را باید سلطان کوه کوه کوه

در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول

و يك قطعه نیم دو دانگه و کذا بت رنگه خوش باار کوه کوه کوه  
 باقر الکاتب الهندی در مجموعه نگارنده

( مولانا ) پارسی :

مولانا پارسا هندی الاصل بوده غلطی در خود می نوشته اند و این را  
 از و در دست نیست .

(۲) صفحه ۲۰۸ لب التواریخ مولف بجز قزوینی طبع کوه کوه کوه

امیر علی شیر نوائی نسبت بشعراء و هنروران محتاج به تذکار نیست  
بنائنی هم به نوبه خود مورد الطاف و نوازش دربار هنر پرور هرات  
و رفیع شده سهم و حصه خود را گرفت. مگر در اخیر بین امیر علی شیر  
و بنائنی کدورت خاطر پیدا شده موجبات دلسردی و دوری جستن بنائنی  
در بار هرات فراهم آورد علل، مخالفت و رنجش خاطر امیر علی شیر  
با بنائنی تذکره نویسان و مورخین شکل و رنگ مختلف داده اند  
که بعضی آنان بسبب صورت حقیقت را از خلال آنها پیدا نمودند.  
در بعضی صاحب تاریخ رشیدی میگوید :

در بعضی از امیر علی شیر داریم مناقضات می بود و ظاهراً  
در بعضی از بنائنی گذشته است از جمله آنکه امیر علی شیر دو مطلعیکه  
در بعضی از بنائنی صاحب است از وی به التماس خریده میر تمام ساخته  
بعضی از بنائنی دیگر از مولانا لطفی است که پیش از امیر کسی مقدار  
خریده تمام نگرده بوده است امیر آن مطلع را خوش کرده آنرا تمام  
خریده است که متأسفانه آن مطلع بدست نیامد.

در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی

در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی

در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی  
در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی در بعضی از بنائنی

بنائی از جهت آنکه به امیرعلیشیر ظرا فتهایی برنگذارد و بعد از آن  
 میر نیز در مقام ظرافت شده فرموده است مولیانا انانی دیوانه بود  
 است او را به دارالشفاء برده بکف پای او نخورد آب علاج نماند او را  
 جهت گریخته بعراق رفته بود و از سلطان یعقوب فریبدها یافتند و در  
 مدبر کمی باز بهرات آمده بوده است میرعلیشیر کسی که میخواست  
 نموده در مقام لطف و آشنائی شده است و به اعدام او از آن کسی  
 و بعد از آن قات گذشته کرده است و این نیز در همان زمان که  
 به هم نیک برآمدند در محل خوش پرستی نما میور بر سر آن  
 عراقی را چون یافتند بنامی گفته است که بنام میرعلیشیر  
 خوب یافتیم که ایشان مطلقاً شعر برائی میرعلیشیر نماند  
 شیار شده از بگذار این مرصعات را بجا آرند و این مرصعات  
 را بگویی در دیوانهای ما تمام مطلع تو بجز شاعران  
 مولانا را خوانده است

میر گفته عجب مرد هنر سنی این مطلع منور در حق  
 که ما خریدیم و او بصدای او برآید هر آن که میخواند  
 تعرض را ترک نخواهد کرد هر دریا بر سر آن که میخواند  
 مدارک دیگر مانند خزانه عامره علت آرزوی امور سنی  
 را از مولانا بنامی چیز دیگر دانسته می نویسد معمار طایفه  
 بنای سخن بلند ساخته و مهندس اندیشه او طرح معنی  
 بقول میر غیاث الدین منصور ملای شاعران و شاعران  
 قصیده در مدح علی شیر گفته گذرانیده وصله جا  
 لاجرم بعضی الفاظ قصیده را تغییر داده بنام سلطان  
 زاده سلطان حسین میرزا بود کرد و این قطعه را به امیرعلیشیر  
 فرستاد

دخترانیکه بکر فکر من اند هر یکی را بشو هری دادم  
 آنکه کابین نداد و عین بود زو گرفتم بد یگری دادم  
 امیرعلی شیر برنجید ، بنائی جلای وطن اختیار کرده به نزد سلطان  
 یعقوب رفت بعد از فوت او به راه برگشت چون گذورت خاطر امیر

هنوز صفا نیافته بود بماوراءالنهر شتافت .

چنانچه فوقاً دیدیم بهر علتی که بود بنائنی از ترس و خوف اینکه مبادا امیرعلیشیر وزیر به اذیت می برساند هرات را ترک داده سیاحت تبریز نموده و در آنجا رسوخ و اعتبار کامل پیدا کرد زیرا سلطان یعقوب بن حسن بیگک بن علمی بیگک بن قرا عثمان که از امرای محلی خا نواده آق قویونلوئی تبریز و شیفته علم و صنعت و شهرت مولانا بنائنی بود از ورود او بد آنجا مسبوق گردیده مورد اطفاف و احترام و مهمان نوازی خویش قرار داد .

مگر از آنجا که حب وطن و غرور ملی از اختصاصات فرزندان کشور است بنائنی با قرا عثمان است مولانا بنائنی پس از مرگ سلطان یعقوب (۸۹۶ هجری قمری) سیاحت خویش در فارس و آذربایجان و توقف نمود در تبریز خا آمده مجدداً هرات که سر چشمه آنها مات نامی است که و ذوقی صنعتی او بود مراجعت کرده بر حسب تذکره صاحب تاریخ رشیدی اینمهرآبه باز طرف توجه و اطفاف امیرعلیشیر و زیر نظر وی و دانش پرور هرات واقع شده، پس از اقامتی چند سراز نو فضایی صمیمیت آنها تیره گردیده این دفعه برای اینکه زنگ کدورت را از صفحه خاطر خود دور کرده باشد آهنگ مسافرت بسوی ماوراءالنهر نمود چون بمرقند که امور آن بتوسط سلطان علمی میرزا ابن سلطان احمد میرزا نواسه خواهر سلطان حسین میرزا اداره می شد رسیدمدتی رحل اقامت افگند از آنجا که سلطان علمی میرزا مانند مامای خود سلطان حسین میرزا و دیگر اسلافی خود علم دوست و هنر پرور بود بنائنی را مجذوب اطفاف و قدر دانی های خود قرار داده وی را نه قهر بلکه از روی لطف و مهر بانی مجبور ساخت که مدتی وی را از فیوض شهر و ادب و صنعت خویش مستفید گرداند، چند گاهیکه بنائنی در خدمت او مصروف و مشغول شعر سرائی و خوشنویسی بود مدتی از خیال و طن زیبای خود هرات فارغانه نشست و در حالیکه آرزوی وصول و مراجعت را به وطن در دل می پروراند روزگار با همان کج روشی ها نیکه شیوه اوست متأسفانه بنائنی را امان نداد که جامی از آب خوشگوار رود بارهری پر نموده تلخی روزگار مفارقت را



را از کام خود بزاید ایغت که در حدود ۹۰۶ هجری سمرقند  
مورد حمله محمد خان شیبانی قرار گرفت سلطان علی میرزا به  
نسبت قلت عساکر و قوا سمرقند را به امید فتح ثانی تخلیه و با  
همراهان و حواشی و سپاه محدود خود عقب نشینی اختیار نمود در این  
وقت بنائی فرصت بیرون رفتن از شهر سمرقند را نیافتد در حمله غنائیم  
گران بها بدست شیبانی اسیر گشت - اگرچه محمد خان شیبانی مرد درشت  
طبع بود و چندان با شعار و ادب و صنعت را بطه نداشت مگر با آیین  
بادلیل اینکه قیمت و ارزش جواهر از نظر کسی پوشیده نیست طبع سرشار  
فوق شاعرانه بنائی چون قطرات باران نیسانی که درشت و چمن  
مساو یا نه سرسبز و شاداب می نماید روح محمد خان شیبانی بی  
بی تأثیر نمانده در نظرش محترم و عزیز گشت. اختلاف سمرقندیان  
ازو احترام و تقدیر کرده اند و در همین فرصت بود که بنائی از  
خواجه استقبال کرده تخلی خود را از بنائی به (جانی) کوهسور  
آثار قلمی و صنعتی مولیما بنائی متأسفانه خیلی کم از آثار  
زیرا طوریکه دیدیم هر ای سراسر بسواخت در گشت و گشت  
شده و هجواره مانند کواکب سیار در گردش بود که در  
سرزمینیکه چیزی نوشت از دست دیگتری انتقال نمود و  
بغماگر بالاخره آنرا از بین برد  
دیوان اشعار او در همه جا و مخصوصاً در ما ویران شده  
عزیز بود و اشعار آبدارش در سینه خانی و عام محفوظ

« ت »

صفحه ۶۷۰ مستملیق نو بسا ن در کتو در بسا ن

( محمد ) تقی هروی

از خوشنو بسا ن زبر دست قرن دهم و بخط وی يك نسخه منتخبات اشعار  
متفرقه در مجموعه آقا مهندس دیدم بقلم کتابت عالی با رقم تاریخ  
کتابه محمد تقی الهروی فی سنه سبع و تسعين و تسعمائة -

بیشتر اشاره نمودیم بنائی آرزوی خاک هرات را با خود بخاک برد  
 و موفق نشد که در زیر آسمان پر فیض و طین جان داده در دل خاک  
 نرسد خیز آن مدفون گردد به این معنی که در حد و د ۹۱۸ مو قعی که  
 کتاب اسماعیل صفوی از ضعف و نزاع امرای ازبک در بخارا و سمرقند  
 تصدیه کرده لشکری به سرکردگی امیر یار یا ریا حمد اصفهانی  
 به آنسو فرستاد و آن را بتصرف خویش در آورد درین هنگام بنائی  
 در هرات و شیخ میرزا حاکم قرشی بود، چون آن ناحیه نیز مورد تاخت  
 شد و هراتیان فرار گرفت تقریباً پانزده هزار کس از مردمان ملکی  
 و کشمیری قتل رسیدند مولا نا بنائی و شیخ میرزا نیز از تیغ ظلم و  
 کشتار آنها جان سلامت نبرده بقتل رسیدند.

بناید بنائی آثار و مؤلفات دیگری نیز داشته مگر آنچه از او معروف  
 است بجامع و بهر تراواست در علم موسیقی و ریاضی نیز رسائلی دارد.  
 این رسائل گفته میماند که بنائی از صنعت معماری و کاشی کاری  
 نیز آشنایی بسیار داشت و در این باب نیز مؤلفاتی بجا مانده است  
 که در این باب نیز مؤلفاتی بجا مانده است.

(( ج ))

مولانا جامی :

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی آفتاب علم و فضیلت هرات است  
 پسر نظام الدین احمد بن محمد است جامی باندازه ی نور و بهر ت دارد که  
 حاجت بمعرفی نیست ولی در دیده هائیکه بجانب او نگران اند تفاوت  
 و اختلافات موجود است یکی او را شاعر بزرگ و زبردست دیگری مطابق میل  
 خود پیر روشن ضمیر عالی مرتبت میباید، یکی او را قدوة در باب  
 علم و دیگری عمده صاحبان قلم میدانند.

نه دیوان شعر است این بلکه جامی کشیده است خوانی بر رسم کریمان  
 زانوان نعمت در او هر چه خواهی بیای مگر مدح و ذم لشیمان

در باب جامی هر چه بگوئیم و بنویسیم باز هم کم است ما نمی توانیم

حق صفات جامی و اندازة مقام بلند شخصیت او را بزبان  
یا قلم بیان نمائیم در باب جامی هر چه بخواهید مانند جام جم خواهید  
دید، ما هم به این عقیده مولانا را دارنده خط خوش و زیبا  
خواندیم و بران موفق آمدیم لهذا اگر ما در اینجا ذکر از مولانا  
کردیم فقط و فقط از نقطه نظر خط و خوشنویسی بوده نه علم و مقام او  
مولانا عبدالرحمن جامی که لقب اصدیق عثمانی است این لقب  
معروف شان نورالدین است در شب بیست و سوم شعبان ۸۲۷ در قریه  
جام متولد شده چنانچه خودش میگوید.

مولد جام و رشحه قلمم جرحه جام شیخ الاسلامی است (۱)  
طفلی و صباوت مولانا جامی در همان قریه جام سپری شده و در  
عنفوان جوانی شروع به تحصیل علوم نموده قدم بر مدارج زهد و تقوی  
گذاشت. در رشحات مرقوم است که جامی در صغر سنی با والد خویش  
وارد شهر هرات گردیده در مدرسه نظامیه آنجا اقامت نمود و در  
علمای زبده عصر ما نزد مولانا جنید اصولی و مولانا خواجه علی سمرقندی  
و غیره کسب علوم نموده ملای زبردست شد جامی از عثمان رفیقانکه  
داخل مدرسه گردیده زبان به تلفظ الف باء کشود زکاء بی پایان

ج - (حکیم) جعفر مروی: فریدالدین جعفر معروف به حکیم جعفر مروی و جعفر  
بایسنفری از خطاطان نامی هرات و ملقب به فریدالدین و عین الامیان مشهور  
بی جهت تحصیل خط از هرات بتبریز رفت نزد استادان آن دیار خطاطی  
میر عبداالله خلف میر علی تبریزی خطوط سبعمه را فرا گرفت و در تبریز  
کرد بواسطه مسافرت طولانی و اقامت به تبریز به تبریز مشهور گردید و او  
هاگردان زیاد داشت و از آن جمله آخند ملا ظاهر مروی است. وفات حکیم  
جعفر ايسا الهای ۸۶۳ و ۸۸۰ و ۸۸۵ در هرات نوشته اند و او را پسری بود بنام  
جلال الدین محمد بن جعفر مشهور به جلال جعفر که در خطوط سبعمه مخصوصاً ثلث در روزگار خود  
فرد یگانه بود. کتیبه ایوان مزار شیخ زین الدین تاپیادی بخط ثلث زیبای او است  
فکری گوید. آنرا دیده ام و الحق که بسیار عالی نوشته و امضاء نموده.

(۱) در بعضی دواوین رشحه جام شیخ الاسلامی است

و نبوغ فوق العاده خود را آشکار نمود، جامی در خوردی طفل ذکی و هوشیار در جوانی عالم و شاعر زبر دست و در پیری و افتادگی شیخ بجا رسیده بود.

در زمان ابوالقاسم با بر پسر بایسنغر اشعار مولانا شهرت یافت و همه او را تقدیر نمودند در همین وقت بود که رساله کبیر خود را در معما نوشت و بنام ابوالقاسم میرزا اهداء کرد. در ایام سلطنت سلطان ابو سعید صیت زهد و دانش او بهمه جار رسید و سلطان مذکور بی نهایت در احترام و تکریم او کوشش میکرد. چنانچه مشهور است که شبی یا روزی جامی به دربار سلطان ابوسعید رفته و چون او را به مغول عیش و طرب یافت باز گشت و از سلطان دیدن نکرد چون این خبر بگوش ابوسعید کورگان رسید بمحض احترام و مراعات خاطر جامی سامان و آلات طرب را رفع کرد و ملازمی را بطلب مولانا فرستاد مگر با آنهم جامی از حضور بهم رسانیدن انکار ورزید تا این وقت بیت را فی الجمله به سرود:

که رهند آمد مرا نفع نبرم عشرت اندیشان غم خود دور میدارم ز بزم عشرت ایشان  
 بهجانی که اطمینان نشاید فرزند عاशा که راه قرب یابد دلگردد آلود درویشان

(مولانا) جمشید کتا بدار مروی :

گویند یکی از اجداد او از روز بهرات آمده لذا او را جمشیدی  
 درمی میگفتند. او از شاگردان ملا اظهر مروی است، نستعلیق را خوب می نوشت  
 و شعر خوب می گفتند و در فن معما و حل آن فکر قوی داشته. جمشید بسال ۹۱۸  
 در هرات وفات یافته.

پس از جمشیدی مروی :

مولانا جعفر حبیبی در عصر حسن خان شاملو و عباس قلی خان در هرات میر بسته  
 در نستعلیق شیوه خاص داشته. فکری بکقطعه خط او را دیده میگویید :  
 کتبیة حوض انبار داخل صحن مزار سلطان میر عبد الواحد شهید بخط نستعلیق  
 او به ملا حظه میرسد.

درین دور مولانا کتب و آثار زیاد نوشت، از جمله دیوان اول و بعضی از رسایل تصوفی او.

در عصر سلطنت حسین میرزا با بقدر احوال و لا نسبت جامی بیشتر از پیش مقبول عام و خاص گشت و آن سلطان علم دوست را با قدر معنایسی بسوی خود جلب نمود. امیرعلیشیرنوائی خیلی ها محبت و ارادت مولانا را بدل می پروراند و مولانا هم او را فوق العاده عزیز میداشت چنانچه در اکثر آثار و اشعار مولانا مدح و تمجید آن وزیر دانشمند دیده میشود. جامی را که آنها سلطان حسین و امیرعلیشیر دوست میداشتند بلکه تماماً شهبانگان دارا کین و علماء و مشایخ عصر مراتب احترام و عزت او را بجای آوردند. بیشتر از آثار گرانبهای جامی در زمان سلطنت حسین میرزا بوجود آمده اند. زیرا درین عصر علم و ادبیات بیشتر ترقی داشت و از آثار و مؤلفات او درین دوره زیاد تر تقدیر و ستایش بعمل می آمد. بالاخره مولانا در هرات به روز جمعه دوازدهم محرم سنه ۱۰۱۸ هـ شهادت و یک سالگی جهان نایبدار را بدرود گفت و از آن پس چشم پوشید. فردای آنروز یعنی در ۱۹ ماه مذکور خود سلطان حسین با شرف و معیت امیرعلیشیرنوائی و سایر اراکین مهم دولت و علماء و فضلاء و روی مسافرت بمنزل شخصی مولانا تشریف برده و پس از مراسم تهنیت و تکلیف نعش او را به مسجد بزرگ عیدگاه هرات نقل داده نماز جنازه را خواندند و بدین تشریفات دفن گردیدند در زمان امیرعلیشیرنوائی شهید مقبره‌ی جهت او بنا شد و قنات مشهور به خسر در آنجا بنا شد. آن نمود. آثار و مؤلفات مولانا جامی قرار شد که در کتاب ۱- شواهد النبوة ۲- اشعة اللمعات ۳- شرح قصص النبوة ۴- شرح

جمال الدین محمد مشهدی :

شاگرد بابا شاه اصفهانی یعنی شاگرد شاگرد امیرعلی هروی است که در مشهد بکتابخانه سلطان ابراهیم بحر بهرام میرزا کتابت میگردد و در آنجا دفاتش مجهول است.

۵- شرح بعضی ابیات گائیه فارضیه ۶- تفسیر تا به آیه کریمه «وایای فارهبون» ۷- شرح رباعیات ۸- لوائح ۹- شرح دو بیت مثنوی مولوی ۱۰- شرح حدیث ابی ذر غفاری ۱۱- رساله فی الوجود ۱۲- ترجمه از بعین حدیث ۱۳- رساله لا اله الا الله ۱۴- مناقب خواجه عبد الله انصاری ۱۵- رساله تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم ۱۶- رساله سوال و جواب هندوستان ۱۷- رساله مناسک حج ۱۸- هفت اورنگ که مشتمل است بر هفت کتاب: اول سلسله الذهب، دوم سلامان و بسال، سوم ترجمه الاحرار، چهارم سبحة الابرار، پنجم یوسف و زلیخا، ششم لیلی و مجنون، هفتم خردنا مه اسکندری.

۱۹- رساله در فایده ۲۰- دیوان اول ۲۱- دیوان ثانی ۲۲- دیوان ثالث ۲۳- رساله منشور بهارستان ۲۴- رساله کبیر در معما ۲۵- رساله متوسط در معما ۲۶- رساله صغیر در معما ۲۷- رساله اصغر در معما ۲۸- رساله عرض و ضم رساله موسیقی ۳۰- منشآت ۳۱- فواید الضیاء ۳۲- شرح الکافی ۳۳- شرح بعضی از مفتاح الغیب منظوم و منشور ۳۴- نقد النصوص ۳۵- تفصیلات الانس ۳۶- رساله طریق صوفیان ۳۷- شرح بیت خسرو مولوی ۳۸- مناقب مولوی ۳۹- سخنان خواجه پارسا.

این بود مختصری از سوانح و ترجمه حال مولانا - طوریکه پیشتر گفتیم علاوه بر داشتن صفات و ممیزات دینی و علمی مولانا جامی خطاط نیز بود یعنی خط خوش و زیبا نیز مینوشت.

مگر در بین خوشنویسان مولانا جامی و دیگر خطاطان و خوشنویسان معاصر او و فرقی موجد است.

اکثر خطاطان که درین نامه کوچک از ایشان ذکری شده یا به دوایر رسمی دولت کاتب و خوشنویس بودند و یا خود شخصاً کتب و دواوین شعرا را استنساخ نموده بعد از منقش و مذهب کاری آنها را بقیمت های گزاف بفروش میرسانیدند و رویهمرفته ازین راه امری همیشه میکردند ولی مولیفا نه ازین راه نان بدست میآورد و نه تنزل میکرد که تا ایفات و دواوین دیگران را استنساخ می نمود و علاوه بر آن وقت

گرا نیهای مولانا نیز برای اینکار بقدر کافی مساعدت میکرد فقط خوشنویسی و خطاطی او محدود به نقل و رو نویسی کردن مؤلفات و رساله های خودش بود مولانا اشعار، قصاید، غزلیات و مؤلفات خود را به خط زیبای خویش که شیوه و اسلوب مخصوصی دارد نقل میکرد چنانچه بعضی از نسخه های او تا کنون موجود است از جمله سلسله الذهب و سبحة الابرار او میباشد که بخط خود مولانا جامی در موزه کابل محفوظ است این دو کتاب در یک وقایه جلد شده اند.

این نسخه بدون تذهیب و سایر نقوش و مجاسنیکه در دوره تیموریان هرات و مخصوصاً در عهد سلطنت سلیمان حسین با پسران در اینگونه کتب بکار میبردند می باشد و خط آن سر تا پا بیست شیوه و اسلوب نوشته شده و تقریباً شکل آن همین خط حر و فی مطابق است ولی باغلی سرور خان گویا اعتمادی سبک خط آنرا هایل بطرز شکسته میداند (۱)

علاوه برین نسخه معلوم میشود که نسخه های دیگر نیز بخط مولانا جامی در افغانستان موجود بوده. چنانچه در صفحه ۱۹۹ خیر سبحة الابرار و فی الذکر یک ورق علیحده بخط امیر حبیب الله خان شهید و ناصر الله خان نائب السلطنه ضم گردیده که این مدعای ما را تأیید مینماید. مضمون ورق

صفحه ۱۲۸ - تعلیق نویسان دکتور بیانی

جمشید معانی هروی : سپهر گوید که فرزند احمد رومی بوده و در

و نما کرده در فن معما ماهر بود و تعلیق را با موزون و پند و اندرز و کلام قواعد خطوط و گلستان هنر و برا از اولاد مولانا جلال الله بن بلخی دانسته اند تاریخ وفات ویرا سلطان حسین جمشید عیالی ( که خود از خوشنویسان است ) چنین یافته است :

جا کرد بکنج بی لوائی جمشید

با خلق انکو و آشنا بی جمشید

جان داد به محنت جدایی جمشید

گردید جدا از جان و شد تاریخش

(۱) صفحه ۱۷۷ مقاله بعضی از نسخه های نایاب قلمی موزه کابل

مذکور قرار آتی است :

( ارجمند عزیز الوجود نائب السلطنه !

بخط حضرت مولانا جامی چند رساله نزد شما است . نوشته این کتاب را به آن رساله مقابله کرده عرضة حضور بدارید . سراج الملت والدین جواب :

اعلیٰ حضرت سراج الملت والدین را غلامم !

قبل برین هم نوشته بودم حال هم مقابله شد مطابق خط خود حضرت مولانا است . باقی غلام شما نصرالله ۲۵ شعبان ۱۴۴۶ )

علاوه برین درین نزدیکی به کتابخانه اعلیٰ حضرت یک جلد کتاب دیگری از رسائل مولانا جامی افزوده شده که سر تا پا بخط خود مولانا موصوف است این نسخه نیز مانند نسخه های سبحة الابرار موزه کابل بشکل ساده و عاری از تزئینات و نقوش است .

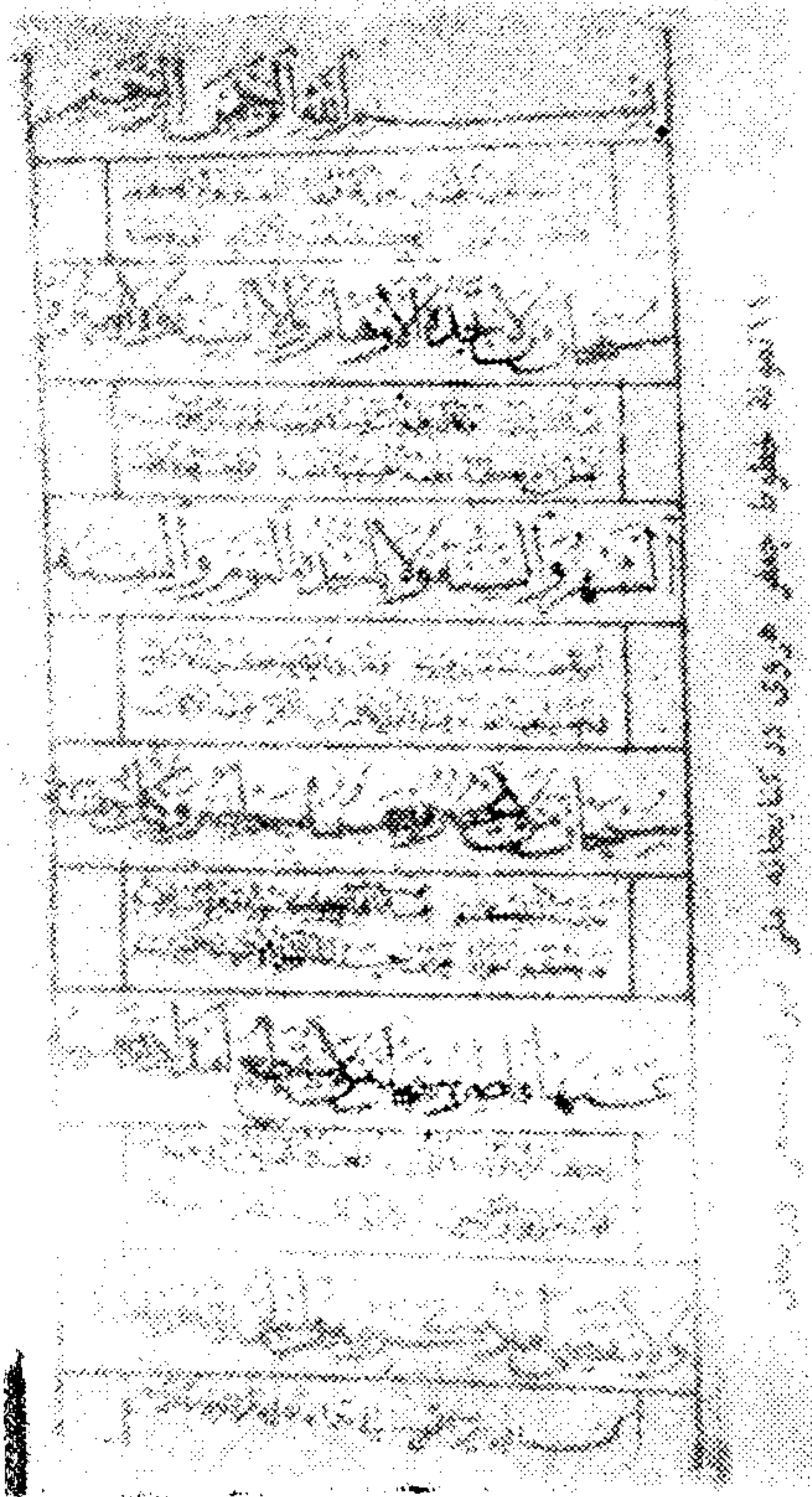
خلاصه مولانا جامی نیز از جمله خوشنویسان و هنروران هر ات محبوب شده می تواند . خط او فوق العاده خوانا بوده و بخود یک سیاق و سلوب بکلی جداگانه دارد و خیلی پخته و قرص بنظر می خورد . حضرت میرزای : مولانا جعفر گرچه اصلا تربیزست اما در هرات

که کانون نقاشی و خوشنویسی بود تربیت یافته در زمان شاهرخ میرزا (۸۰۷-۸۵۰) میرزاست صاحب حبیب السیر ترجمه حال او را توضیح مختصر داده و از سنه تولد و تاریخ وفات او ذکری نکرده است در نوشتن انواع خطوط استاد بود اما نسخ تعلیق را طوری می نوشت که دیگر خواه نویسندگان نه توانستند آنرا به پایة او برسانند . اکثر خوشنویسان و خطاطان آنوقت مانند مولانا اظهر و مولانا شهاب الدین و عبداللہ آشپز و شیخ محمود که هر یک آنها در خوشنویسی خود را ابن مقله و یاقوت وقت می دانستند شاگرد او بودند .

که می شود سال ۹۵۳ وای - بهر طور معمول خود با لسان مع تاریخ مرگ او را

سال ۹۱۵ ضبط کرده است .





نمونه خطوط جعفر با ۱۰ سطرها  
تفصیل در صفحه ۹۵



جعفر جلال :

از صنعتگران و خوشنویسان خیلی معروف قرن نهم هرات است در زمان شاهرخ میرزا بن تیمور (۸۰۷ - ۸۵۰ هجری قمری) در هرات میزیست در عصر خویش به خوشنویسی و خطاطی از جمله استادان بشمار میرفت، خطوط متداول را عموماً و ثلث را خصوصاً زیبا و استادانه مینوشت از نمونه آثار خطی فنا ناپذیر او یکی کتیبه‌ی است به خط ثلث که برای مدرسه گوهر شاد نوشته زوجه شاهرخ میرزا در ۸۴۱ نوشته و بروی سنگ مرمر حک شده است و در موزه هرات محفوظ میباشد.

(ح)

حافظ (هروی)

اسم و سینه تو لدای دست نیامده بعد از مرگ سلطان حسن باغرا یعنی پس از سقوط نهضت علم و فن و صنعت در هرات در سنه ۹۱۹ هجری قمری بدروود حیات گفته است (۱)

حکیم جعفر هروی :

نخستین استاد است که در ساحت هرات خط نستعلیق نگاشته و این روش را بیان شمار گذاشته است.

جعفر هروی خوشنویسی است که در اکثر خطوط و مصنفات مهارت و استادی کامل داشت - بعضی را عقیده بر آنست که جعفر در خوشنویسی شاگرد خواجه میر علی کمالی است و از نظر چنین است که به شاگردی خواجه میر علی کمالی استقران میر خواجه موصوف رسیده است (۲) اما شاخه‌ی هروی نویسنده معاصر ما می نویسد که بنحیث هر دو رسیده است (۳)

(۱) شماره دوازده سال ۳ مجله ادبی هرات  
 (۲) ص ۴۲ تذکره خوشنویسان طبع هند  
 (۳) کلمکسیون سال ۴ مجله ادبی هرات

حکیم جعفر در اوایل شهرت خویش در هرات به مرقع نگاری و  
قطعه آرایشی مشغول بوده ولی بعد ها بسوی بلخ و خوارزم

«ح»

حسن خان شاملو :

خانن دین شاملو از قدیم در هرات میزیسته . گویند طایفه شاملوا از شام به آذربایجان  
آمده و از آنجا با طرافی خراسان پراکنده شده اند . حسن خان پسر حسین خان  
شاملو است و امیر خراسان و بیگلربیگی هرات بوده و سالها بنام بیگلربیگی باشی  
در هرات بعیت حکمران می بود .

او از جمله استادان زیر دست خط نستعلیق بوده یک قطعه سنک مرمر عالی بعظ  
او بسایز چهار دانگ در کتیبه پیش روی تربت حضرت حواجه اعمار قدس سره نصب  
است که از نفایس روزگار است بکقطعه خط حسن خان شاملو در کتابخانه ارگ که بل  
دوچون است .

حسن خان شاملو بسال ۱۰۵۲ هـ وفات یافته و در کتبه مزار سید عبد الله  
بن مملویه (رض) پهلوی پدر خویش حسین علی بخان مدفون گردیده .

ص ۱۳۳ نستعلیق نویسان دکتور بیانی :

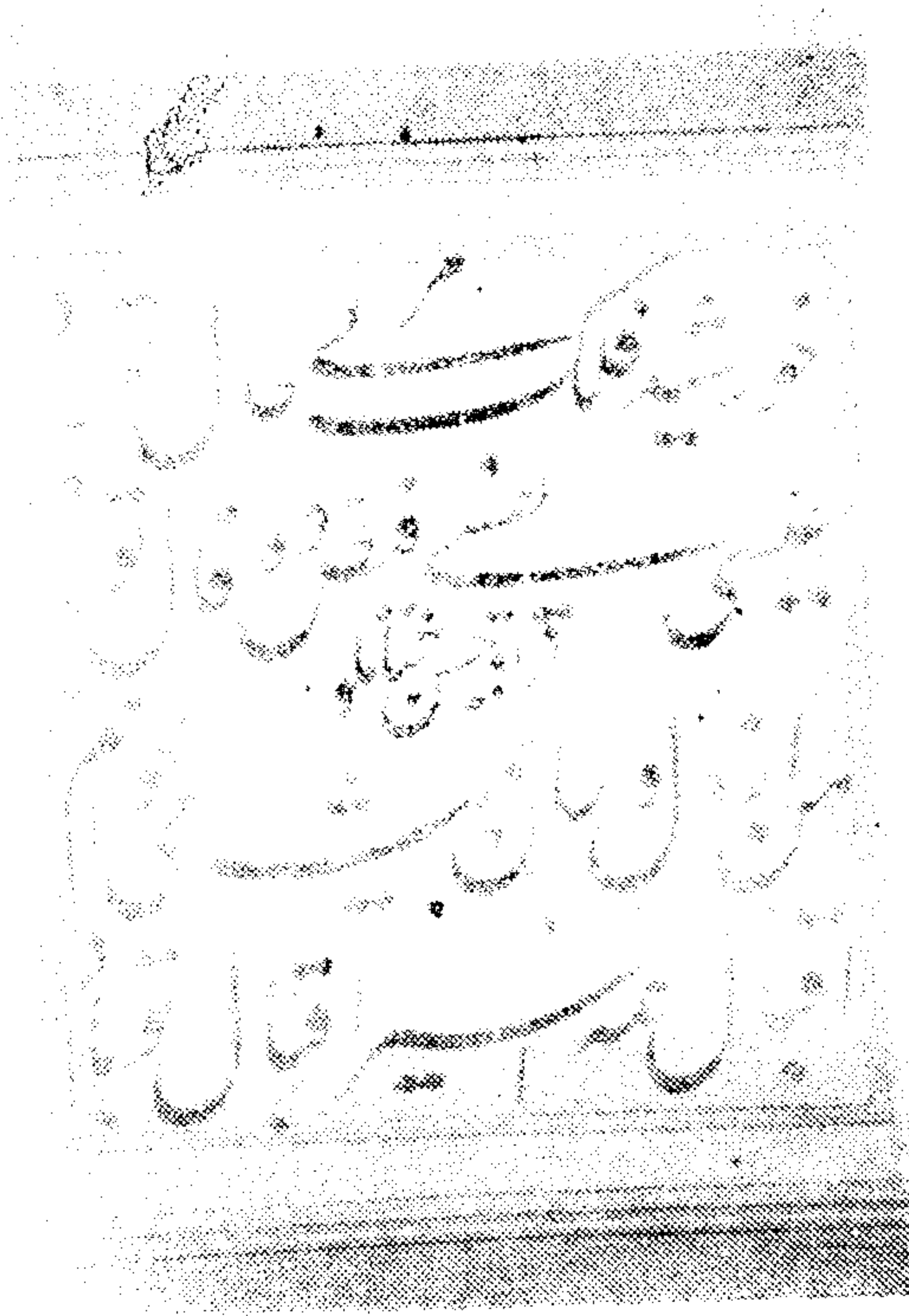
( حواجه ) حافظ هروی :

صاحب مرآت العوام گوید که از فضل و هنر بهره داشت و سوای نستعلیق همه  
اقلام خط را بیایه اعلای رسا نیده بود از مخصوصان امیر علی شیر نوائی بوده است و  
خطابه جامع شریف هرات و پیش نمازی مسجد نوائی را داشت شعر هم میگفت . بسال  
۹۲۴ در گذشت .

ص ۷۰۰ نستعلیق نویسان دکتور بیانی :

( محمد حسین بن غیاث الدین علی )

از کتابان خوشنویس قرن دهم و بعظ وی یک نسخه دیوان جامی در کتابخانه  
کابل است بقلم و کتابت خوشش با رقم و تاریخ :  
کتبه العبد المذنب الراجی الی رحمة الله الملك الولی (محمد) حسین بن غیاث الدین  
علی غفر ذنوبهما و ستره یوبهما سنه ۹۰۰



خط نستعلیق حسن خان قاسمی

تقدیم میل در صدفیچہ ۱۹۶۶



وسمیر قندمسافرت کرده و با لآخره به بخارا را متوطن گشته است  
و در آنجا هم کتابت می نمود. میگویند که او این دقیقتی بلخی را  
به امیر امیر بخارا بنهایت وقت نگاشت و پس از آن به اتمامات و  
قوازشات ملوکانه مشغول شد و مدتی در آنها بیت عزت زیست. تاریخ  
تولد و سنه وفات او معلوم نیست.

سر (۷۰۹) استملیق نویسان دکتور بیانی  
(محمد) - حسین هروی :

در مناقب هنرور آن است که وی شاگرد میر محمد باقر بن میر علی هروی بوده  
تاریخ وفاتش معلوم نیست.

صفحه (۱۲۸) استملیق نویسان دکتور بیانی :

حسین هروی :

در تذکره مورخ (دیمان استملیق) آمده است که از خود حدیثی در  
هروی است که من از شاگردان میرعلی هروی بودم در کثرت اوقات در حین  
میر می نمودم و در آن کلام تذکره حسین هروی نامی در بیرون شهر  
تیا ورده است.

حسین شهابی هروی :

او را بعضی بلخی و شاگرد محمود بن اسحق نوحه از ادیبان بیضا پس حدیثی از  
در ذیل احوال محمود بن اسحق شهابی می نویسد :  
محمود شهابی پس از چندی توقف در بخارا به هرات برگشت و بگردد  
تحت درین وقت شاه حسین شهابی بلخی در هرات بود چون مراد  
خط خواجه محمود را دانست او را بخواند و فوازش نمود و او را در  
حسین شهابی مندرجا خواجه محمود شهابی بلخی شهرت یافت . شاه حسین بلخی از  
شاه حسین شهابی هروی فرق دارد . شاه حسین بلخی از امرای بود ولی خوششویس نبود .  
خواجه محمود شهابی چون در محله خواجه شهاب سیاهوشان سکونت داشت شهابی  
تخلص می نمود . اگر شاه حسین شهابی به نسبت شاگردی محمود شهابی  
معروف نشده باشد در آن صورت بطور قطع او نیز از سیاهوشان هرات و از محله  
خواجه شهاب و هموطن و هم قریه استاد خود محمود شهابی بوده .

## (( خ ))

خازن :

نامش ابوالفضل و از خطاطان و خوشنویسان معروف قرن  
ششم خراسان (افغانستان) است در مرگ او اختلاف است زیرا  
حبیب افندی صاحب خط و خطاطان ترکی آنرا در سنه ۵۱۸ هـ ق  
و ابن خلکان در سنه ۵۴۲ هـ ق مینگارند و ایشان متفق بر آن  
اند که او را از جمله شاهان ابراهیم بن هلال خطاط معروف عرب  
که با ملوک دنیا همه معا صر بوده همیشه رند، این امر بکلی  
غلط است میشود زیرا فاصله مدتی که بین خازن و ابن هلال بوده  
بسیار از یکصد و پنجاه سال است یعنی ابراهیم بن هلال در سنه  
۴۸۴ هـ ق وفات کرده است .

در حال ابوالفضل خازن از اعجوبه خوشنویسان زمان بشمار  
میرفت چنانچه بقول صاحب پیدایش خط و خطا در مدت عمر خویش  
۵۰۰ نسخه از قرآن عظیم الشان نوشته و از زمره مخترعین خطوط  
رقاع و توقیع بحساب میرود طبع شعر نیز داشته و مخصوصاً در  
عربی نظر به ایجا پات زمان اشعار زیبایی سروده  
است که تا حال بنام او باقی است .

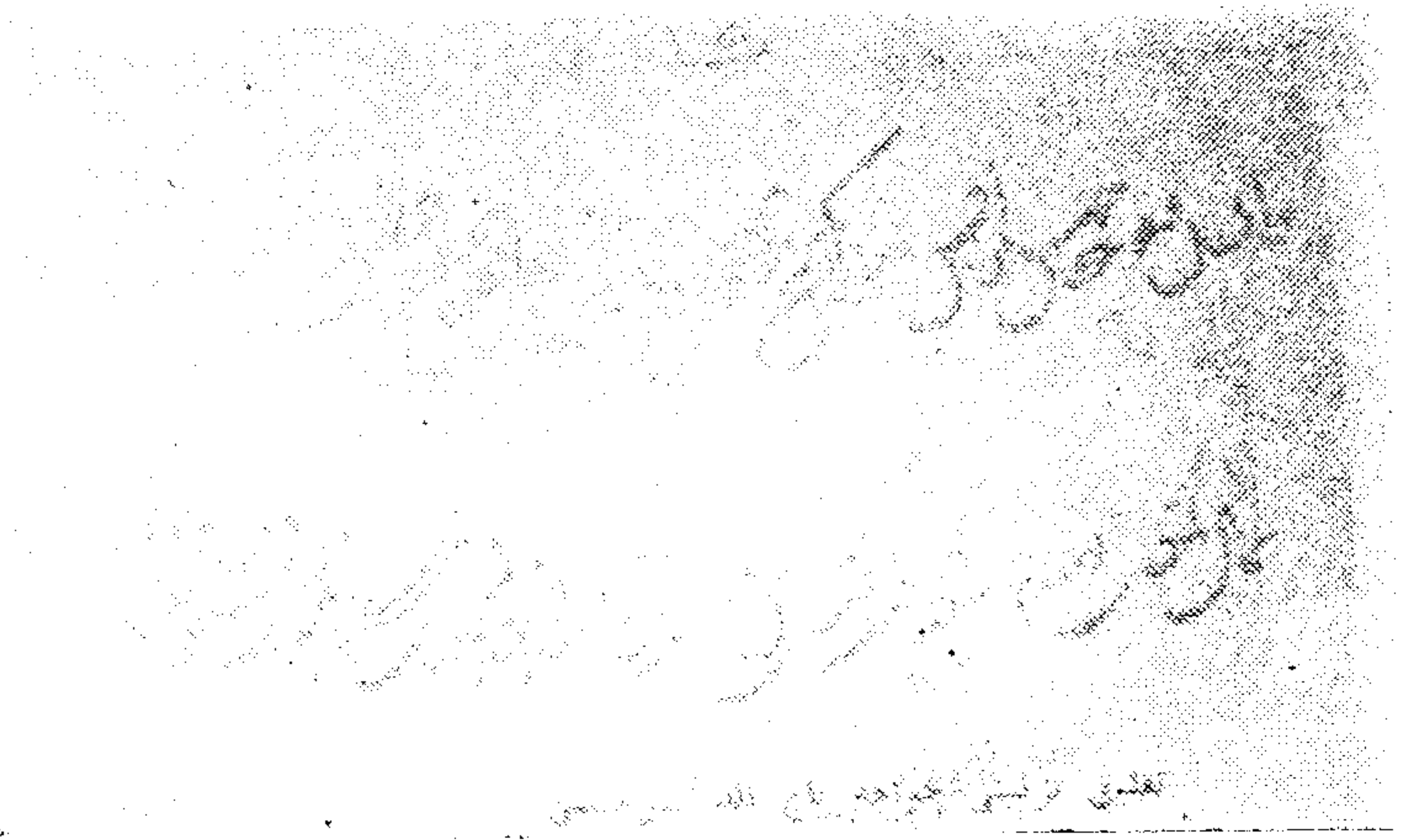
فکری سلجوقی صفات العاشقین غلالی هر ای را بخط محمود شهابی دیده که به  
کتابخانه خان شاسلو نوشته و بصراحت (حسین شهابی هروی) امضاء نموده است .

## « خ »

## خواجه جان سیاوشانی :

پسران محمود شهابی و شاه حسین شهابی وی سومین خوشنویس سیارشان هرات  
از حاکماتش اطلاعی در دست نیست زندگانی او تا سال ۹۲۹ که نسخه تحفة الابرار  
جامی را نوشته و در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور موجود است مشخص  
نمیشود در اخیر تحفة الابرار چنین رقم نموده ( کتبه . . . . . ) خواجه جان بن  
سلطان احمد سیاوشانی ستر عیوبه و غفردنو به (





خط نستعلیق خواجہ تاج الدین ہمیشی تصحیح در صفحہ ۹۹



خوش مردان :

میر محمود خوش مردان پسر خواجه علاء الدین حسن بن بابا علی خوش مردان و از مردمان سبزوآر هرات است پدر کلان بابا علی خوش مردان یکی از رجال صاحب حال متصوف معروف است از خود خاندان بزرگ و مریدان زیاد داشت - شاهرخ میرزا او را فوق العاده محترم و بزرگوار میدانست و پیوسته و را مورد اطف و عنایات شاهان خود قرار میداد .

میر محمود خوش مردان که از طرف پدر و جد خویش رسوخ و اعتبار زیادی در بین مردمان داشت مرد بسیار فاضل و هنرمند بود در قسمت خوشنویسی اشتهار زیاد داشت و چندین خط متداول را با بیعیف اظافین و زیبایی بصورت استادانه می نوشت این مرد دانشمند در زمان سلطان حسین بایقرا عزیزست و سلطان و وزیر او یعنی امیر علی شیر نوری بایوی التفات و عنایات بی پایانی داشتند، میر محمود طبع شعر هم داشت اشعارش روان و متین اند .

قراریکه میگویند میر مذکور از اشخاص عادی نبود و در بعضی گماهی عصبانیت نمیکرد طبع حلیم داشته و شخص با صلاحیت بود مردمان آثار خطی او را به بسیار احترام حفظ و نگهداری میکنند و خط نستعلیق او مخصوصاً تعریف و توجیه بی پایانی است و آثار بی اندازه زیبا مینوشت .

رساله در حدود سنه ۸۹۷ هجری در خصوص خط نستعلیق و در آن نوشته است و در آن اصول نگارش خط نستعلیق را شرح داده است و در آن اصول نگارش خط نستعلیق را شرح داده است و در آن اصول نگارش خط نستعلیق را شرح داده است .

خواجه تاج سلمانی مروی :

از اولاد سلمانی فارسی (رض) بوده از آنرد سلمانی تغایر میکرده بودی کتابی بنام شمس الحسن در تار یغ زندگانی شاهرخ میرزا و گاه نام او را

در قسمت اخیر این رساله خود چند بیت برجسته در تعریف  
خط و خوشنویسی سرا نموده در بیت اخیر آن تاریخ تا لیف کتاب  
را نشان داده است آن بیت اینست :

چون اصولش قلم کردم رقم گشت تاریخش « اصولش قلم »

### خندان

هرات تقریباً مدت يك قرن یعنی از زمان سلطنت شاهرخ  
بهرزای الی فوت سلطان حسین با یقرا مرکز و کانون صنایع جمیله  
بود که در آن صنعتگران و هنروران زیبا دی از قبیل نقاشان  
مینیاتور سازان، معماران، خاتم کاران و خوشنویسان بوجود آمدند. ما بنوبه  
خود چند نفر ازین هنروران را صفحات گذشته نوشتیم اینک  
بویار جمعه عامل سلطان محمد خندان که در زمره استمادان بزرگ  
خوشنویسان معروفی آنجا است می پردازیم .

سلطان محمد خندان از ناموران هرات است که میتواند  
در باره بوستان صنایع زیبای آن سامان گلی سر سبد نامید مشاور الیه  
در اواخر قرن نهم هجری یعنی در زمان سلطان حسین با یقرا  
با بهره و جود گذشته و از مقدم او نگارستان معروفی هرات

ادنا لیف کرده از اشعار او قصیده معروفی است که در توصیف شهر هرات سرود.  
که افراد ذیل از آن قصیده است :

هرات چشم و چراغ تمام بلدان است	جهان تن است و به نسبت هرات چون جان است
شده است سینه روی زمین خراسان لیک	هرات از ره معنی دل خراسان است
نسیم خلد ز باغ مر و حشی مظهر	بهاک طینت او مظهر آب حیوان است
صنای او بصفت غیرت صفای بهشت	هوای او بفرح رشک روح و ریحان است
همان چرخ بنایش معبد الارکان	مثال سدره اساسش رفیع بنیان است
نعیم ناز بهشت است سر سر آنجا	مجادرش همثل نیز مثلی رضوان است
از آن گذشت بر فمت آسمان که کثون	مقام سلطنت آفتاب تا بان است

رونق و شکوه تازه یافت این استاد جلیل القدر تعلیمات ابتدائی و انتهای خود را در علوم متداوله آن وقت بهرات بی پایان رسانیده چون ذوق مفرطی به صنعت خوشنویسی داشت به نزد خطاط معروف سلطانعلی مشهدی خوشنویسی را فرا گرفته مهارت بی پایان یافت بالاخره در رمزه خوشنویسان رسمی دربار سلطان حسین بایقرا داخل شد چنانچه امیرعلی شیرنوائی وزیر نامدار هرات در تذکره معروف خود می نویسد : (سلطان محمد خندان خوشنویس شهر ممالک خراسان است و بدین قلم بلیت فریدمان ونگارنده دوران است شهر خط سلطان محمد خندان عیناً همان روش خط سلطان علی بوده و بی نهایت پخته و متین است اگرچه چندین خط را نیکو می نوشت ولی در مشهورترین او زیبایی و قشنگی مخصوص دارد این استاد معروفی و وطنی است که خوشنویس است بلکه در شعر و ادب و تاریخ ما نیز صاحب دست و پند است چه دائماً شعر نمی گفت و اشعار زیاده از او باقی نمانده است و آنست که از وی نقل میکنند بقول وزیرهاست :

بیرت و اخلاق او بی اندازد محبوب و ترنویز خاندان گمشده چون در عالم عالی بود صحبت شیرین داشت در درستی و در بافت رسمیه بی نظیر در آشنایی و صحبت تکلمی و شعرینما ت را نمی چسبند بلکه در سنه تولد و تاریخ وفات او همانند اکثر شعرا و بزرگان آنوقت در دست نیامده و در باب اینکه مسافرتی در ممالک همجو از هموست یا نه در هیچ یک مأخذی تذکار نشده است صاحب حبیب السیر میگوید :

سلطان محمد خندان با وجود حسن خط به لطف طبیعت در صحبت و به صحبت اهل عیش و طرب مشغوف و حالا در بلده خندان هرات در آنجا دارد . گاهی به نسخ شریفه مینگارند و از این چند سطر مختصر معلوم

خواجه موصوف در عصر تیمور گورکان خط تعلیق را از خط توقیع و رقاع اختراع کرد و از آن پس فرامین و تعلیمات را باین خط نوشته خط تعلیق در ترقیعات و فرامین جای خط توقیع و رقاع را اشغال کرد و سال وفات خواجه موصوف محقق نیست .

میشود که وی تا سال ۹۳۰ هـ سنه اتمام حبیب السیر است حیات داشته در دهات هرات میزیسته است ذوق سلیمان محمد خندان در صنایع ظریفه تنها محدود به خوشنویسی و شاعری نبوده بلکه در موسیقی نیز دستی داشته و از جمله آنرا ما هراتی می نواخته است .

((س))

درائت :

اسم او عبد الله است، پدرش محمد جعفر هروی متخلص به کفایت است که در دوره سال ۱۰۰۰ در ردیف کاف مطالعه خواهند فرمود .  
عبد الله لقب درایت خان را از شاه جهان شاه مغلی هند دریافت نموده است خط شکسته را بقول مولانا غلام محمد صاحب تذکره خوشنویسان در پدر خویش جعفر کفایت وجد خویش محمد حسین بمراتب بهتر در بیاناتی نوشت و در آن چندین طرز دیگر اختراع نمود و بود

شکری سلجوقی در مقدمه تطبیقاتش دوست محمد را چنین معرفی میکند لشکر کشی شاه اسماعیل صفوی به سلطنت افغانان تیموری خاتمه بخشید و هنروران هری را اغلباً شاه اسماعیل بقزوین کوچانید و از آنجا به نیریز برد و بقیه را عبدالله خان بغالت گرفت و کرمان به بخارا کوچ داد که از آنجمله استاد میر علی هروی و میر سید احمد آهو چشم و محمود بن اسحاق شهبانی بودند که در بخارا به دلتنگی پسر میبردند و از آن جمله آنچه باقی ماند خود سفر هندی اختیار کردند و تن از امر که بیرون کشیدند بکرا از آن هنروران نیکه از هرات بقزوین فرستاده شد همان خطاط و نقاش جوانی بود از گواشان هرات که آنرا استاد دوست محمد می گفتند .

این استاد هنر مند در نگاشتن خط ثلث و نستعلیق و آن تصویر و تندیس و تجلید کتب یگانه روزگار بود و اولین کسی است که قرآن کریم را بخط زیبای نستعلیق نوشت شرح حال دوست محمد را سام میرزای صفوی در تحفه سامی چنین مینویسد :

غلام محمد موصوف در تذکره خویش میگوید: (جریده دستخطی  
عبدالله رایت را مطلا و مذهب بخط خفی و جلی که بنظر فقیر  
در آمده کسی ندیده باشد. (۱)

دوست محمد:

اسم پدرش سلیمان و از خوشنویسان معروف قرن دهم هجری است  
در خوشنویسی به تمام خراسان (افغانستان) و فارس شهرت زائد انوشیروانی  
حاصل کرده بود از خطوط عمده اول چندین خط مخصوصا نستعلیق را  
بسی اندازه مقبول و زیبای نوشت  
در عصر صفویان فارس مسافرتی به فارس نموده و به نزد بهمان  
صفوی تقرب جسته است چنانچه این امر اثر خطی گرانسباهی است  
که در موزه زیارتگاه قم محفوظ است واضح میشود اثر مذکور خراسان  
از نسخه قلمی قرآن کریم است که بر حسب فرما امین شاه بهمان  
صفوی در سنه ۹۶۸ هجری قمری نوشته شده است (۲)

دوست محمد گواشانی:

گواشانی دهی است در حوالی هرات و مولانا جوانی و آدمی است که در  
صحبت، خطاطی، حلیق را خوب می نویسد و در شعر و عروض و معنی مهارت دارد  
و گاهی بصحافی نیز می پردازد و تخلص او آکامی است و این مطلع از او است  
تا چند بحسرت در دیوار تو بینم از خانه بیرون آی که دردیست  
سام میرزا که تعلقه سامی را در عصر پدر خویش شاه جهان در  
دوست محمد را جوانی هنر مند دیده و بهمان مابده در آن روزگار از وی نوشته  
و ظاهرا مولانا دوست محمد تا عصر شاه بهمان در تبریز بود و در سیاحت بهمان

- (۱) تذکره خوشنویسان مولفه مولانا غلام محمد هفت قلمی دهلوی  
(۲) کتاب پیدایش خط و خطاطان شماره ۱۸۶۷ مورد بحثه یوم شنبه ۲۰ خرداد  
سنه ۱۳۲۰ سال ۷ روز نامه فراشوی ژورنال، تهران طبع تهران مقاله (۱) شماره  
محفوظ در موزه زیارتگاه قم (مراجعه شود)

## (ذ)

ذوالکمالین :

میر باقر ذوالکمالین پدر خطاط معروف میر علی هروی بود (۱) و از مفاخر قرن نهم هجری و از ستارگان آسمان فضل و هنر آن عصر بشمار میرود چندین خط را بکمال زیبایی می‌نوشت و بکلمیه آنها مقام استادی را احراز نمود بود - میر باقر نه تنها خطاط و مصنف مگر بلکه دارای تألیفات و تصنیفات زیاد بود از جمله کتابی نوشت و در آن شرحی را که خواجہ نصیر الدین طوسی بر اشارات شرح الکرام و منطق ایوان اورا از همین اثرش میتوان در آن

پیدا نمود و وفاتش معلوم نیست و حیات با افتخارش در بوده و او را موشی مجهول مانده آنها اینقدر معلوم است که زمانی از شهرات عازم هندوستان گشت و به نزد جیپال نام حاکم لاہور اقرب حاصل نموده است، جیپال مذکور از میر باقر در خواست مرقمی نمود و میر هم آنرا پذیرفته نسخه‌ی بغایت نیکو تمام کرد و بصورتی آجند بوی تقدیم داشت جیپال از در یافت آن در گرا آنها به بی اندازه مسرور گردیده با اعطای چهار هزار دانه

از تبریز بمشهد آمده و بکتاب بخانه بهرام میرزا مشغول هنر نمائی شد و باین وسیله خود را بهرات نزدیک کرد زیرا شاه تهماسب طبعی داشت که با هنر و دان

ماؤک دل سازگار نبود . چنانچه میر محمد حسین هروی معروف به باخرزی از روی برنجید و رخصت خواست و رخصت نیافت و کمال الدین حسین واحد العین هراتی از وی رنجید و از دربار وی بخراسان فراری شد و همچنین شاه اسماعیل ملا محب علی هروی پسر خواهر زاده بهزاد را بمعایت بدخواهان قهر کرد و او را چون غلامی به سید منصور بیک بخشید .

(۱) ص ۱۴۵ خط و خطان مؤلفه عبدالعبد ابرائی طبع شد .



طلای سرخ از وی تقدیر نمود چون میر صاحب همت بلند بود از قبول نمودن انعام پادشاه امتناع ورزید - قرآن کثیفه صاحب خطاطان بعد از ۸۷ سالگی در هند و سنان وفات کرده است

( ر )

رسنم علمی :

در هر ماخذ و مدرکیکه بسراغ این اسم مرا جمع نمیکاریم به جز يك یاد و کلمه مختصر چیزی بیش در باره آن نمی یابیم ولی با آن هم مطلب کلی ما که عبارت از مناقبت خوشی و استاد بهزاد هر وی باشد از همه جا بدست نمی آید در بعضی کتب خواهر زاده کمال الدین بهزاد هر وی و از طرف پدر از آنجمله در تاریخ کرات بشمار میرود .

مشار الیه خطاط و خوشنویس معروف بوده و این هم در بعضی کتب نیست که در نقاشی و صورتگری دستی داشته باشد .  
مگر تا جایکه یقیناً میتوان نظریه داد رسنم علمی مندرج در این بوده زیرا اکثر خطاطان و خوشنویسان قدیم کتب و خطاطیهای خود را قلمی خود را شخصاً خود آنها منقش و طلاکار رسیده بودند .  
تاریخ وفات و سنه تولد او بدست نیامده ولی از روی حدسی که به یقین نزدیک باشد میتوان گفت که باید در زمان سلطنت حسین پادشاه یا بعد از او باشد و چون عصر فرخنده آن پادشاه بود .

خلاصه مولانا دوست محمد در کتابخانه بهرام پور در تاریخ مشهور در هنر نمائی بود و سال وفات و چگونگی آخرتش پیدا نیست و از آنجا که بعضی در تهران وجود است پیدا است که پدر وی سلیمان بوده و وی دوست محمد بن سلیمان امضا می نمود .

بسیار سال قبل یکی از متنویات جامی را که فراموش نموده ام کدام یک از متنویات او است و ندارم که سلسله الذهب باشد از کابل چپته موریم مرا به خریداری نمودم که در پایان کتاب بنام :

همردوست هرات یکی از دوره های پر خشان و مشعشع صنایع ملی  
افغانستان بود رستمعلی صنعت خوشنویسی را بر حسب ذوق خود  
با مصلحت مامای خویش استاد بهزاد به نزد استادان وقت که همه  
از مکتب و آراء اجداد تمندان بهزاد بودند آموخت و در این فن  
سرآمد استادان شد این خوشنویس معروف هرات پس از دوره  
سلطنت سلطان حسین بایقرا بر حسب شهادت تواریخ به تبریز  
رفت و در آنجا فوت کرده در آنجا به خوشنویسی مشهور گشته است  
چون آنچه مولانا دوست محمد کاتب بنام بهرام میرزای صفوی از او  
نویسد چنین میگوید :

« بعد از کتاب فی زمان نگارنده خط خفی و جملی مولانا کمال الدین  
خوشنویس که در تبریز نویسی زیب و زینت کتاب زمان و بحسن تمکین  
سرآمد دوران و در همه فرتر رستمعلی فارسی شاید از روی کدام  
نفرین بسیاری نبوده باشد بلکه میتوان گفت که از هرات بقصد دیدن  
مادای خوش استاد بهزاد بدان دیار رهسپار گردیده است چون  
در دیار اسماعیل صفوی مهران فی گشت و بواسطه صنعت مطبوع خود  
مورد اعتبار او واقع شد مدتی در آنجا اقامت گزید ذوق مندان  
بخوان خط زیبای او را به دیده اشتیاق میکشیدند و چون او آنها  
در هر کجا سراج میکردند از روی بعضی احتمالات می توان گفت که  
رستمعلی در حدود سنه ۹۴۴ بعد از پدرود حیات گفته زیرا صاحب  
عالم آرای عباسی در ضمن تذکار خطاطان و صنعتگران عصر تهماسب  
صفوی میگوید :

« از زمره خوشنویسان که در آن عصر قلم بر خطوط سایر

( بنده در گاه دوست محمد اولان ) در قم دارد من آن وقت پنداشته بودم  
که بخط دوست محمد گواشانی است با آنکه خطش بشیوه عصر تیموری است و  
بدین نوشته چون خط نستعلیق مولانا دوست محمد را بسیار تمریف می نماید گمان  
میکند که دوست محمد اولان سوای دوست محمد گواشانی باشد .

ای ستادان کشیدند از نستعلیق نویسان جمعی بوده اند که در آن عهد  
جهان فانی را پدرود کرده بودند، از آن جمله مولانا دوست محمد شاکری  
و مولانا رستم علی خواهرزاده بهزاد مصور است  
علاوه بر این چیز دیگر یکی ما را بیشتر به سنه هجری است  
نزدیک میسازد اینست که (ارمناک بیگم) عضو وزارت معارف و اوقاف  
ترکیه در ضمن مقاله خود در روز نال آن یانک میگوید که  
بهزاد و بهلوی خواهرزاده خود رستم علی خطاط و استاد  
دین شد از این معلوم میشود که رستم علی پیش از این در  
است و چونت بهزاد در سنه ۱۲۴۳ هجری پدرود شد گمانی  
وفات رستم علی از این بعدتر یعنی در حدود سنه ۱۲۵۰ هجری  
رضای برنا بادی میرزا

پدرش محمد کاظم است که در سنه ۱۲۵۰ هجری در سنه ۱۲۵۰ هجری  
هرات بوده است، محمد کاظم پسر پسر طالب پسر پسر  
بن محمد هاشم بن محمد طاهر پسر پسر پسر پسر پسر پسر  
حمام، خانه سنت قیله و باغچه مزار خواهره و حیدر پسر  
ترمیم مسجد جامع و تعمیر شاخه از حضرت پسر پسر  
پسر جلال الدین ارشد است که در زمان سلطنت حسین پسر  
هرات بوده است

تولد میرزا محمد رضای برنا بادی در سنه ۱۲۶۴ هجری  
و از شش سالگی الی شا نزد سالیگی به تحصیل  
بیگم قاری و میرزا عبدالله مفتون مصروف آمدند  
و عربی بوده است پس از فراغ تحصیل حیدر پسر  
غوریان مقرر گردید

در سال ۱۲۰۶ بعوض پدر وزیر خالصه جات هرات شد در سنه ۱۲۰۷  
یعنی بعد از خیر وفات تیمورشاه مورد تاخت و تاز و استیلا شاهزاده  
محمود واقع گردیده و مدت ۲۳ سال را در تحت فشار فقر و بیچارگی  
بسر رسانید بالاخره در سنه ۱۲۴۰ هجری وفات یافت و در قریه برنا بادی

مربوط به مجال غوریان مدفون شده در رسم الخط فارسی و عربی از خطاطان خوب بشمار میرفت . تذکرۃ الشعرائی هم نوشته و به تعداد شصت حدیث مبارک نبوی (ص) را برشته نظم در آورده است  
 فخر او در جنب مزار خواجه وحیدالدین محمد واقع است (۱)

رها بی (مولانا) :

در انشاء و خطوط دست تمام داشته آباء و اجداد او تورانی بوده اند به سبب حوادث زمان و انقلابات دوران به شیروان افتادند ، و از آنجا بهرات متوطن شدند . رها بی در اوایل حال به خدمت سلطان سلجوقی در روانی بوده گویند جوان خیلی زیبا و خلیق بود . در اخیر دوره تورانی بهرات آمدند و با شهزاده های سلطان حسین میرزا آشنا شده در مجالس آنها انس و تر بیت یافت .

شهرزادگان سلطان موصوف و اراکین دولت به او تکلیف خدمت نمودند . و حتی خواستند او را بوزارت یکی از شهزادگان نصب کنند قبول نکرد . علاوه بر خوشنویسی مولانا رها بی طبع و قریحه شعر نیز داشت . (۲)

(( ز ))

زینب شهیده : دختر صاحب کمال احمد مفرج از بیوردی خراسانی بوده در فضائل و حسن خط از اکثر مردان آنوقت فضیلت و برتری داشت . چنانچه یا قوت مستعصمی در نزد او تحصیل نموده است . علاوه بر خط خوش و زیبا دارای حلاوت بیان و فصاحت زبان نیز بوده بعمر هشتاد سالگی در سنه ۷۲۷ هجری وفات کرده است .

(۱) کلکسیون سال ۳ مجله ادبی مرآت

(۲) س ۶۴ مجمع الافلا نسخه قلمی .

((س))

سائلی :

بقول امیر علمی شیر نوائی اصلاً از عراق بوده و شی لر بیت یا فیه هنرستان هرات است در شعر و خوشنویسی و معما شهرت کاملی داشت . در موسیقی نیز استاد ما هر روز بردست بود . و معلوم میشود که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری نیز زیسته است : (۱)

سلطان علمی او بهی :

حافظ سلطان علمی از مردمان پاکیزه نهمان درات و مستحقاً از نویسندگان او او به است . او به یکی از مضامین و توابع خلیلی معروف و حاصل خیز هرات است که نظر به قدمت و نام تاریخی خوبی در آن است . قدیم از ای نامی برده شده از این ناحیه مردمان نامی که در آنجا زبیر دستی بوجود آمده است .

حافظ علمی مرد با تربیت و سلیقه بوددی قریباً از دور نیست . حتماً علمی و خوش طبعی خلیلی ها معروفی است اکثر خطوط تاریخی خوب می نوشته ولی نمتعلیق او بسیار جذاب و زیبا بود ، در زمان سلطان حسین بایقرا شهرت بسزائی پیدا کرد ، و وی را با امیر علمی شیر نوائی شعر شناس و شناسایی زیادی بوده است .

((س))

سلطان علمی مشهدی :

نگارستان هنر که سلطان علمی مشهدی را شاگرد حافظ حاجی محمد شمس الدین بمقیده نامه تذکره نویمان سلطان علمی مشهدی شاگرد ملا فضل مو لیمان اظهری هروی است .

حاجی محمد که شاگرد ملا اظهر است نزد تذکره نویمان شهرتی ندارد .

(۱) آثار هرات مو لفة خلیلی افغان .

صحبت سلطانی علمی خیلی شیرین و جذاب بود در لباس پوشیدن و  
نظافت طبع انگشت نمای عصر خود بود، در شعر و شاعری هم استاد مهربانی  
بوده و گاهگاهی که از کتابت و خوشنویسی فراغت حاصل می نمود  
شعر می گفت و غزل میسر آید .

این شهر ازو است :

پستون را اگر کند سیل فنا بشیاد دست کسی تو اند نقش شیرین از دل فرهاد دست  
راجع به سنه تولد و تاریخ فوت او هر چه تجسس شد کمتر بدست  
آمد ولی چیزی یکه ثابت شده اینست که مولانا حافظ سلطان علمی  
(۱۰۰۸) سال عمر کرده چنانچه صاحب تذکره مذکور ا حباب (۱)

ممكن است که از همان مولانا حاجی محمد نقاش مریدی باشد که مخترع صندوق  
ساعت کتبی پشانه امیر علی شیر است نگارستان هنر که سلطان علمی مشهوری را  
شاگرد او میگوید او را شاگرد مولانا اظہر دانسته است که رئیس دارالکتب  
سلطان حسین باقر و استاد اکثر خوشنویسان هرات است .

ملا اظہر در دهم ربیع الاول سال ۹۲۶ وفات یافته .

ملا اظہر به سلطان علمی مشهوری این فرد را نوشت :

در مشق کوتاهی ممکن پیوسته ای سلطانی علمی

در روز کن مشق خفی در شام کن مشق جلی

سلطان علمی مانند باقوت شش نفر شاگردان داشت که هر کدام از استادان  
خط نستعلیق بشمارند صاحب ریحان شاگردان او را هنر قیب ذیل مبرفی  
میکنند :

۱ - مولانا سلطان محمد خندان - هر گاه مولانا خط او را که بدون امضاء  
بود میدید میگفت خط او آنست و با اسم خود امضاء میکرد .

(۱) صفحه ۲۰۸ نسخه قلمی که در نزد فاضل دانشمند ماشم شایق افندی  
موجود است .

این ادعاه را تا بیحد میکنند و آنچه در تذکره مذکور در حق  
 به حافظ سلطانه علی مذکور است در اینجا عیناً نقل نمائیم  
 «حافظ سلطانه علی از بهی از جمله فضلاء مشهور و متدین و با ادب و  
 پنج واسطه به حضرت سید کائنات و سند مکتوبات علییه و فضل العالی  
 کامل التحیات حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و سلم مع الشیخ  
 العمر ارض) مع الشیخ ابن العباس مع الشیخ شهاب الدین احمد مع الشیخ  
 زین الدین الخوافی مع الشیخ شمس الدین محمد ثانی گمانی مع ابی القاسم سلیمان  
 او بهی رحیم الله تعالی و اعزذ بخاراییشتری شرفی منسا فیروز شرفی  
 گشته اند و فقیر مزید التذات داشت و بهر مصداقچه معذرت  
 در وقت نزع ابن فقیر بملازم منشی رسید رساله اشراک با ب خطاش  
 فقیر لطف نمود و بحفظ آن وصیت فرمود .

اگر خطوط را نیکو بینوشد مولانا سلطانه علی مشهوری که  
 الکتابست متعرضانه بهامله میگرد و این شعر او ناطق به این معنی است

- ۲ - مولانا سلطان محمد نور از دا مولانا اظہر ثانی میگفتند در تمام
- نا تمام از دا مولانا میر علی به تکلیف هید الامیر خان با تمام رسالت
- ۳ - مولانا علاء الدین محمد هروی فکر ی میگوید خمسة امیر خرد دا بهی  
 او د یدم .
- ۴ - مولانا نظام الدین د ا ما د ( زین الدین محمود ) شریف مستور  
 کلیات میر شیخ سہیلی که از ملا یسوی ( سلطانه علی ) نا تمام رسالت  
 با تمام رسالت نیدر ۹۳۵ وفات یافته است .
- ۵ - مولانا عبداللہ نیشاپوری .

۶ - محمد قاسم شادی شاه که در فراکت و نظامت خطیبی نظیر بود  
 گرچه قرار فوق صاحب ریحان در مستملیق قاسم شاه دیشاه در سلطانه علی  
 معرفی میکنند در حقیقت قاسم شاه دیشاه شاگرد سلطانه محمد نور است و شاگردی  
 سلطانه محمد خندا را نیز نمود. ولی صاحب ریحان از شاگردان موردی سلطانه علی  
 مشہدی حرفی نزده ما اند مولانا محمد ابریشمی در حا لیکه او اصلاً از مشہد و ز  
 شاگردان سلطانه علی میباشد و در کتابخانه امیر علی شیر بکتا بن مشغول بود و این

گر چه آن سلطان علمی از مشهد است لیکن این سلطان علمی از او به است  
حضرت خان شیبانی آیه کریمه (فسیکفیکهم الله) را بقلم جلی نوشته بود  
و از فضلی خراسان طلب تحسین نموده حافظ در تعریف آن گفته : -  
ای خان جهانگیر که از لطف الهی بر مسند اقبال تویی خسر و جمجاه  
تا لوح و قلم هست کسی در همه عالم ننوشت بخوبی چو خط خوب تو دلخواه  
بر خوبی خط دو گواه بعد ازت کافیست دو کافی فسیکفیکهم الله  
طبع رفیق داشت و این رباعی را لطیف گفته :

تحلیمت لبت که زیبا قوت آراست در جی است دهانت که لبالب گهر است  
بر ماه رخت که یک هلال از ابروست هر موی ز ابرویت هلال دگر است  
در سحر صدونه رحمت نمود و ...

از سطور فوق معلوم میشود که حافظ سلطان علمی در بخارا مسافرت  
کرده و با سید حسن خواجه نقیب الاشراف بخارا صاحب تذکره مذکور  
بخراب دستگیر و محبت زیاد داشته است و در بخارا را قبل از ۹۷۴ که  
تاریخ تالیف تذکره مذکور است فوت نموده و در آنجا دفن شده است .

ز با هی که از طبع سلطانی علمی مشهدی است بلوح مزار سلطانی علمی بخط  
او است :

عین عدم و عالم بود عالم دون زنها درو مجوی آرام و سکون

چون اکثر جزء نام عالم الم است در فتم ازین الم ولی فرقه بخون

وفات مولانا سلطان علمی مشهدی را ۹۰۹ و ۹۱۹ و ۹۲۰ نوشته اند که  
میچیک درست است (و) است صحیح آنست که در دهم ربیع الاول سال ۹۲۶  
وفات یافته .

احمد بن سلطان علمی بنام احمد خوشنویس معروف بوده که تذکره هارون  
نام برده اند ولی مرحوم فکری میگوید :

خوشنویس نه اسفند نقیسی از دیوان حضرت حافظ شیرازی بخط زیبای احمد  
بن سلطانی علمی مشهدی در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور موجود است



سلطا نعلی قاینی :

اگر چه اصلا از قاین است ولی در هرات تحصیل کرده و در آنجا میزیسته است از اجله خوشنویسان عهد سلطان حسین بایقرا بوده چنانچه با مولانا جامی رفاقت تام داشت و هر چه مولانا میخواست برای سلطان حسین بایقرا می نوشت او بخط خوش خود نقل میکرد . و هم تذکره مجالس المنقاس امیر علی شیر نوابی را خیلی زیبا و خوش خط استنساخ نمود . ( ۱ ) تاریخ تولد و وفات او مجهول است .

که متأسفانه فقط تا تاریخ کتابت از صفحه آخر کتاب پاره شده و غیر محفوظ است . نام کتاب باقی مانده و تنها این کتاب فیس و این رقم ناقص نام این مشرفه را بار دیگر زنده ساخته و بهتر درستان معرفی نموده شیوه خطش بسوی خط سلطا نعلی شبیه است که اگر کلمات ( احمد بن ) را برداری هیچ نقادی نمی تواند تصور نماید که این کتاب بجز سلطا نعلی مشهدی به خط دیگری نوشته شده است .

سلطا نعلی هروی

اگر مولانا سلطا نعلی سبز هروی همان سلطا نعلی او بهی نباشد پس در هرات چهار نفر سلطا نعلی خوشنویس میزیسته . در آن عصر بنام سبز و سرخ بسیار اشخاص معروف بوده اند مانند سرخ و استا د محمد سبز . . . و سلطا نعلی سبز چون سبز هروی بنام سبز القاب شهرت یافت . مرحوم فکری در کتابی بخط او دیده که بنام سلطا نعلی هروی امضاء داشته و عقیده دارد که هر دو کتاب بخط سلطا نعلی سبز است . ازین هنرمند پیش ازین معلوماتی در دست نیست .

سلطان علمی :

مولانا سلطان علمی از خطاطان و خوشنویسان معروف هرات است که خطوط و آثار او مانند میناتور های بهزاد قیمت و اشتهار دارد اگر چه به شهدی معرفی است ولی تماماً عمر او در شهر هرات به خدمت سلاطین آن ولا گذشته است مرد پاکیزه سرشت و خوش صحبتی بود و در زمان سلطان حسین با یقرا شهرت زیادی حاصل کرد در

سلطان محمد خندان :

سلطان محمد خندان هروی شاگرد سلطا علمی است در خط نستعلیق مقام استادی داشته و در شعر و موسیقی نیز دارای مهارت بوده و بی نهایت نیکو میخواند در نازک دلی خوش صحبتی او را ستوده اند و بیخنگی و استحکام خط او را قابل قدر پنداشته اند .

سلطان علمی قاینی :

وی از شاگردان ملا اظهر هروی است اما شیوه خط او با سلطا علمی شهدی تفاوت کلی دارد گر چه هر دو شاگرد يك استادند .

سلطا علمی شهدی رئیس دار لکنت سلطان حسین بوده و موافق سلطا علمی قاینی در کتابخانه امیر علمی شیر کتابت می نموده و قبل ازان در تبریز نزد یعقوب بك ترکمان برده و شاید پس از قتل وی به هرات برگشته و بکتابخانه امیر علمی شیر به کتابت مؤظف شده باشد .

در کتابخانه امیر علمی شیر وظیفه کتابت تا لیفات مولوی عبد الرحمن جامی بدوش او بوده . و هم چندی معلم و مربی یکی از فرزندان سلطان حسین با یقرا بوده تا اینکه در هرات وفات یافته :

سال وفات او را ( ۹۱۴ ) گفته اند .

در آن عصر دو سلطا علمی خوشنویس در هرات میزیسته که هر يك بخط نستعلیق مقام استادی داشتند که یکی از آنها سلطان علمی او بیی بوده که بوسف و زلیخای

نگارستان هرات با استاد بهزاد همکار بود و او را یکی از دوستان مشرب این استاد میدادند چنانچه هر کتاب و نسخه‌ی را که بخط این استاد می‌نگریم با تصاویر شگفت بهزاد زینت شده است و آنچه را که بهزاد تصور کرده ضرور اثر خطی سلطان علی در آن مشاهده می‌شود. این استاد از جمله هنروران بزرگ هرات بشمار میرود. گرچه زندگانی او بشکل روشن معلوم نیست مگر می‌توان گفت یقیناً گفت: سلطان علی در هرات نشو و نما یافته و هم در آنجا تعلیمات خود را فرا گرفته است.

این مردوشهیر نه تنها خطاط بلکه شاعر نیز است و عالم منجمی نیز بود چنانچه میر علی شیر نوایی در تذکره معروفی خود از وی یاد کرده است. در تمام کتب و مآخذ از سلطان علی ذکر شده است و می‌گوید: «او جاهت صورت و محاسن سیرت مو صوفی بود و در خطاطی و تعلیق آن مقدار مهارت حاصل نمود که خطوط استادان مشرفان

حضرت جامی را خیلی زیبا نوشته و تدویب شده و تنها سلطان علی امضاء کرده است. این اثر را در سال ۱۳۲۸ دیده‌ام است. (میر) سید احمد غزالی العین (آمر چشم)

از مشهور بود. از شاگردان میر علی هروی است. بعزم تحصیل خط از مشهور هروی آمد و بشاگردی میر علی بهرتبه استانی رسید او را نیز همراه میر علی هروی بردند چندی بکتابخانه سلطان عبد العزیز خان بغداد متعلقه میر علی هروی بود پس از مدتی به مشهد برگشت و باز بهمازندران آمد و در آنجا در وفات یافت.

#### سلطان محمود هروی

سلطان محمود (میرزا حبیب) او را بخارایی و شاگرد میر علی هروی معرفی نموده صاحب گلستان هنر و هدایات الله لسان الملك او را پسر محمد ابراهیم استرآبادی و از خوشنویسان خط نستعلیق معرفی نموده اند اگر سلطان محمود تعلیق او پس از سلطان محمود استعلیق نویس مردو یک نفر باشند بقینا هروی الاصل است.

متأخرین را منسوخ ساخت و در زمان خاقان منصور (حسین بایقرا) همواره با اشارت آنحضرت و التماس امیر نظام الدین علی شیر بکتابت نسخ شریفه پرداخت و گاهی به نظم و اشعار نیز زبان میکشاد (۱) طوریکه در سطور متذکره فوق می بینیم سلطانعلی در زمان تألیف حبیب السیر یعنی در سنه ۹۰۰ به قید حیات نبوده است .

بعضی تاریخ فوت او را سنه ۹۰۴ هـ - (۲) برخی سنه ۹۱۹ (۳) و گروهی سنه ۹۴۹ نگاشته اند (۴) بهر حال عمر دراز و طولانی داشته و متجاوز از شصت سال حیات کرده است چنانچه خود میگوید :

در آن عصر شصت و دو شد بیش و کم هنوزم جوان است مشکین قلم  
 ترا هم نوشتن خنسی و جلمی نویسم که العبد سلطان علی  
 معلوم است که مولانای موصوف تا نفس اخیر و ایام کهولت و  
 پیری دست از نوشتن نکشیده است در حالات هنروران از و چنین

است زیرا اکنون مثنوی مولینای بلخی قرار نوشته گفتاری در نزد مایل هروی است که در ختم دفتر اول چنین امضاء نموده : (تمام شد دفتر اول مثنوی مولوی در شب جمعه خدا پیا مر زد که دعای خیر کند کتاب را الفقیر سلطان محمود کتاب الهروی)

در دفتر دیگر نوشته : (تمت الکتابة مثنوی معنوی المولوی فی جمادی الاخر سنه تسع و تسع مائه علی يد العبد الفقیر الامد نب سلطان محمود الکاتب تجاود الله عن سیآنه)

بهر حال وی از شاگردان میر علی هروی است و شك نیست که بمعیت اسقاده

(۱) س ۲۴۴ حبیب السیر طبع هند (۱۸۴۷ ع) .

(۲) س ۴۹ تذکره خوشنو یسان مولفه مولا نا غلام محمد هنت قلمی دهلوی

بحواله مرآت العلوم .

(۳) س ۳۳۰ جلد دوم حبیب السیر .

(۴) س ۶۹ تحفة سامی طبع تهران .

تعریف شده: «مولانا سلطان علی» با وجود فضایل مثنی شهر حمواره  
 فن ادوار و حسن اخلاق و اطوار خط نستعلیق را بر حدی رسانیدند  
 که از ابتداء این خط تا غایت هیچ کس بدان فایز نگذشته و بقدم  
 سعی بر آن وادی نگذشته و نام نامیش یوماً فیوماً بر صفحه روزگار  
 خواهد بود (۱۰)

سلطان علی علاوه بر آن که چندین خط را بنهایت خوبی و استادی  
 می نوشت و به عده زیادی از شاگردان خود درس علمی میداد رساله‌های  
 هم در اصول و قوانین رسم الخط نوشت (۳)  
 آثار و نسخه‌هایی که از این استاد زبر دست باقی مانده خیلیها  
 زیاد است و نمونه‌های دنیا به آن زیغت گرسیده اند فن و ادب همیشه  
 مقدس رضوی است .

### سلطان محمد نور :

از مشاهیر خطاطان و خوشنویسان عراق است پادشاه دهلوی و نورالدین  
 نامدار و ازین سبب در بعضی از آثار خط بنام سلطان محمد نور پادشاه است

صفحه ۷۲۷ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

### (محمد) سعید مروی :

از کاتبان دربار قطب شاه هنسی و بختوی یک نسخه ثمانیه امیران  
 دهلوی در کتابخانه ارگ است بقلم کتابت غنی که چنین تمام میشود  
 ثمانیه خسرو دهلوی بر رسم خزانة . . . علیحضرت قطب . . .  
 بندگان درگاه محمد سعید بن مسعود الهردی در سال . . .  
 مانند دیگر شاگردان به بخارا رفته و آنجا اقامت گزیده باشد و در نیست که آنرا  
 همان محمود هیشی مروی معاصر امیر علی شیر نوا می باشد سیم .

(۱) ص ۱۶ حالات هنروران طبع هند .

(۲) ص ۶۸ شماره ۶۱ سال ۶ مجله کا بل .

این مرد هنرمند همیشه در عمارت میبود و در خارج از آنجا نماز فرستاده است و بنا اگر گاهی هم کرده باشد معلوماً نمی بدست نیست . میر علمی شیر نوائی و سلطان حسین با یقرا او را بسیار دوست داشتند سنه تولد او معلوم نیست سلطان محمد در جمله کارمندان نگارستان حسین با یقرا سهم بزرگی را در قسمت خطاطی و خوشنویسی دارا بود مشارالیه بر علاوه آنکه در صنعت خطاطی و خوش نویسی مقام ارجمندی را در تاریخ هنر احرار زنده یکی از شعرای صاحب قرینه آن سرزمین با فیض نیز بشمار می رود از اوست :

بدوران عقده زلف ترا خواهم که بکشایم

ازین سودا شدم دیوانه و زنجیر می خایم

سلطان محمد در خطاطی و خوشنویسی شاگرد معین الدین واعظ بود و آثار او در اثر تربیت این استاد بحد کمال رسانید .

مولانا سلطان محمد نه تنها با مرکب سیاه خط مقبول و زیبا می نوشت بلکه با اقسام رنگها انواع خطوط متداول زمان مخصوصاً نسخ تعلیق را با اندازه ی قشنگ و صافی می نوشت که از خط مرکب و سیاهشی او بهتر می بود چون سلطان محمد مرد نیکو سیرت و خلیق بود و صحبتش فوق العاده شیرینی و عذوبت داشت همه او را دوست و محترم میدانستند .

سنه مرگ و تاریخ وفات سلطان محمد نور نیز معلوم نیست ولی چیزی که ثابت است اینست که عمر طولانی داشته و بسن ۶۳ سالگی وفات کرده است (۱) و ازینقرار بصورت تخمین می توان گفت که باید در حدود ۹۴۰ - ۹۵۰ جهان فانی را بدرود گفته باشد .

نسخه ها و آثار قلمی این استاد شهیر و وطن خیل می ها کم یاب و نادر است قطعات و نمونه های خط او چه در عصر خودش و چه در زمان ما بعد خیل می ها قیمت و ارزش داشتند و مردم آنها را با پول و قیمت گزافی

(۱) س ۱۶ حالات هنر و دان طبع مند .

بدست می آوردند . يك قطعه خط او که با قلم نستعلیق نوشته شده در عوزه بوستون موجود است . درین قطعه خطی دو رباعی و دو غزل که یکی آن غزل امیر شاهی است به خط سلطان محمد نور و یک رباعی به خط محمود مذهب و رباعی دیگر بخط مولانا یاری مذهب نوشته است سلطان محمد نور در زیر هر رباعی و غزل بصورت جداگانه امضاء نموده و مضمون امضای او در زیر غزل امیر شاهی چنین است :

(مشقه العبد الفقیر سلطان محمد نور) و (سلطان محمد نور بعد بنه البهران)

((ش))

شیلی (مولانا) :

از او به هر آنست و به حسن خلق و سیرت نیکو اشتهار تمام زمین  
 اشعار خوب میگفت و از جمله خطوط مروجه آنوقت چندین خط و جمله  
 نستعلیق را خوب می نوشت .  
 ظبع شعرش روان بود و جز کتابت و استفساخ کتب و کتب علمی در  
 سرائی و وظیفه ی نداشت . در زمان سلطنت او سعید بن سلطان بن محمد  
 میرانشاه بن تیمور (۸۵۴-۸۷۴) از بدگئی موگردی تا اوایل سلطنت سلطان  
 حسین بایقرا نیز حیات داشت این دو بیت را از او نقل میکنند .  
 دی سگی را رقیب میزد چوب  
 گفتمش چیست با تو او را گشت  
 سگی همی خورده چو پله و می تا است  
 بجز از خود نمی تواند ببرد

«ش»

(خواجه) شهاب الدین :

شاید همان مولوی عبدالله طباطبائی باشد از مشهوران آن زمان که در  
 شاگردان حکیم جعفر هایدگری بودند . در زیر امضای او این رباعی  
 در دست نیست :

شهاب الدین عبدالله بیانی :

شهاب الدین عبدالله خلف شمس الدین محمد کرمانی است شمس الدین محمد  
 وقتی سفارت بحرین رفت مقداری مروارید را با خود آورد بیوزگان عصر خود

شفیقا :

میرزا شفیعاً ملقب به پیشوا و از خطاطان هرات است در هنرهای زیبا و کمالات مختلفه مقام بزرگی داشت یعنی علاوه بر آنکه چندین خط مخصوصاً خط شکسته را بکمال زیبائی می نوشت از نقاشی، رسامی، تذهیب کاری هم بی بهره نبود در قرن یا زده هجری میزیسته و سفری به هندوستان کرده است بالاخره به هرات باز گشته و هشتاد و پنج سال عمر نموده است . (۱)  
و در سنه ۱۰۸۹ هجری فوت کرده و در هرات مدفون شده است (۲)

شفیق :

از سادات هرات است . در خوشنویسی و خطاطی شهرت زیاد داشت . اقسام خطوط مخصوصاً شکسته را با اندازه‌ی قشنگ و استادانه می نوشت که می توان گفت یگانه عصر بود . و اله داغستانی صاحب ریاض الشعراء می گوید :

« شفیق در کاغذ حلوا که بخط جلی بر او قلم گذاشتن مشکل است در کمال شیرینی بخط شکسته خمی به نحوی می نوشت که بسحر میرسید راقم حروف کحل الجواهر خطش را به جهت ضیاء بسیار بدیده حیرت کشیده است » شفیق مرد متدین و ریاضت کش بوده ، طبع شعر نیز داشت .

هدیه میداد لذا بشهاب الدین مراد رسید معروف گردید .

خواجه شهاب الدین عبدالله در هرات بدنیای آمد و در هرات نشو و نما و تحصیل نمود او در موسیقی مهارت تام داشت و در قانون نوازی بسی نظیر بود و در هفت رقم خط مقام استادی را دارا بود او در خط شاگرد عبدالله طباطبائی است و تعلیق را بشیوه تاج سلمانی نهایت عالی می نوشت .

پس از استعفای امیر علی شیر چندی بر تپه صدارت رسید لذا او را خواجه عبدالله صدر نیز میگویند . خواجه شهاب الدین تا ایفات زیاد دارد . او در آخر عمر از او گزید و در سال ۹۹۲ در هرات وفات یافت ،

(۱) ص ۲۳۰ پیدایش خط و خطاطان .

(۲) ص ۴۰۶ تذکره نصیر آبادی طبع تهران ۱۳۱۲ شمسی .



شمس الدین الهروی :

از خوشنویسان و خطاطان شهیر عصر شاهرخ میرزا است پس از اکتال تحصیلات ابتدایی و انتهای در خوشنویسی شاکر و مولانا معریف خطاط شد. بایسنقر میرزا از او حمایت و تقدیر زیادی نمود و همیشه بدر بار او مورد ملاحظت و نوازش واقع می شد چنانچه به همین مناسبت

مرحوم فکری منقوی مؤلف الاحیاء تالیف او را دیده است . او دو فرزند داشت که اول مولانا عبدالوہاب و دوم مولانا محمد علی بود هر دو شاعر و خوشنویس و نقاش بودند امام میرزا محمد موسی از اولاد شاکر بود و در غزویں نزد شاه اسماعیل بهر توفیق و اعزاز رسید و هروی بنگر در سن ۹۴۸ در سن وفات یافت . صنعت افشان بیوزی از معتمدان است .  
مولانا) شمس الدین بایسنقری هروی :

الغریک کورگان خط مولانا شمس الدین : این کتاب می باشد که به خط کورگان در دیوان قاضی شمس الدین طبعی را که به خط شمس الدین هروی تکمیل شده است . بسیار تو سیف میگرد و میگفت که شعر شمس هروی به خط شمس هروی بسیار شایسته و موزون است . شمس طبعی که بعد از او از طبعی او شایسته بودی در هرات میزیسته . بنام شمس الدین طبعی و شمس هروی شهرت داشتند . دو نام باد میشده .

خواجہ شمس الدین چون در خدمت بایسنقر مصروف بود او را بایسنقر بهر مرتبه در وفات شمس الدین بایسنقری را بعضی مورخین بسال ۸۰۰ قمری در هرات شاه قاسم هروی :

شاه قاسم در عصر حسن خان شاملو میزیسته و کتاب کتابخانه حسن خان بوده . وی در خط استملیق مهارت خوب داشته . مکرری سلجوقی یوسف و زلیخای امام را در قندھار دیده که شاه قاسم هروی در کتابخانه حسن خان شاملو نوشته بود . راجع به شرح حال و سال وفاتش معلوماتی در دست نیست .

اورا اکثر شمس الدین الهروی با یسنفر میخوانند بسیار احتمال میرود که شمس الدین یکی از اعضاء و ارکان مهم چهل گانه نگارستان هرات باشد که در زمان با یسنفر تأسیس و بنیاد یافت در تعریف خط او صاحب حبیب السیر میگوید :

بحسن خط بمراتبی ترقی نمود که بسیاری از خطوطش را بنام باقوت مستعصمی گرد و معبصران نکته دان این معنی را قبول فرمودند .  
تاریخ دستخط باقوت او بدست نیامد .

شیخ عبداللہ کاتب :

از نویسندگان و خطاطان قرن دهم هرات است و او غیر از عبد اللہ آشپز و شاعر به عبد اللہ معروفید میباشند . در دوره فرمانروائی سلطان حسین باقری میزیسته و مدت مدیدی بخدمت امیر علمی شیر نوازی وزیر معروف هرات معروف بوده - است صاحب خلاصه الاخبار می نویسد که قریب ۴۵ سال است که مولانا شیخ عبد اللہ خدمت و ملازمت امیر عالیقدر را نموده و شرف مصاحبت و موافقت دارد .  
از اساطیر شاهپرو و فضلاء محسوب است . (۱)

شیخ موصوفی خط تعلیق و نستعلیق را به نهایت زیبایی و لطف

(میر محمد شفیع هروی او بی) :

بگمان قوی وی همان شفیعی حسینی شکسته نویسنده است . او بر حسن خان و برادر میر محمد صلاح است . فکری خطوط نستعلیق او را مکرر دیده که محمد شفیع حسینی امضاء نموده است .

چون خطوط شکسته زیاد نیز بنظر فکری رسیده که با مضای محمد شفیع حسینی که به شفیعی هروی معروف است بوده لذا فکری مصمم است هر چند که محمد شفیع شکسته نویسنده و محمد شفیع نستعلیق نویس هر دو یکنفرند .

هم اکنون لوح بالای سر مزار حسن خان او بی پدر محمد شفیع و محمد صلاح

(۱) کلاکسیون سال ۳ مجله ادبی هرات .

می نوشت و در شعر و ادب و نشان نیز قریحه خوبی داشت، در سال ۹۴۸ هجری قمری در هرات وفات نموده است .

### ((ص))

#### صا لحنی :

هروی الاصل است در هند بسر برده و در زمان اکبر شاه مغربی هند شهرت بسزا یافته بود، در شعر طبع خوبی داشت از اغلب علوم ناخبر بود، خطوط متداول خوب می نوشت و او را از خوشنویسان درجه دوم می شمردند مدتی در سملک منشیان اکبر بوده (۲) بالاخره به وطن ما لوف خود یعنی هرات باز گشته و وفات یافته است .

بخط نستعلیق محمد شفیع حبیبی در ادب و ادب که هر دو زیر حسن و عالی ادبی دو لوح بجاک بدر خود ما نوشته اند و لوح بابان مقبره میرزا حسن میر صلاح است .

((ص))

#### مولانا صادقی افشار :

صادقی در نستعلیق از شاگردان میر علی هروی و در تصویر و تفسیر شاهان مظفر علی هروی است وی کتابی در فن نقاشی نوشته و بر شقه نظم آورده است و فاش معلوم نیست .

صفحه ۷۷۹ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

#### محمد صالح هروی :

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است و بخط وی قطعه‌ی دارم بقلم سه دانگ و نیم و دو دانگ به خط خوش با رقم و تار و بیخ و مشقه محمد صالح هروی غفر ذنوبه ۱۰۸۸ .

(۲) ص ۲۵۸ جلد ۲ منتخب التواریخ بدوایی طبع شد .

## (( ض ))

ضیاء الدین یوسف :

از جمله خوشنویسان هرات و پسر مولانا عبدا لرحمن جامی است  
 (۱) علاوه بر فضل و کمال که در عروض و زبان فارسی و غیره  
 داشت در چندین خط استاد بود مخصوصاً نستعلیق را بطرز واسلوب  
 مبر علی کاتب هر وی فوق العاده زیبا می نوشت در زمان  
 سلطان حسین با یقرا زندگانی میکرد . در حدود سنه ۹۰۰ هجری  
 وفات کرده است .

## ( ط )

طاهری :

از ناموران هرات است با سلطان حسین با یقرا همعصر بود و در  
 زمان او شهرت یافته است - اگر چه ابتداء به شعر کفش دوزی مشغول

صفحه ۱۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

صالحی هروی :

در نفل صاحب هفت اقلیم و شمع انجمن وی در تحریر انواع خطوط و در چه  
 زمان داشته مدتی در سلك منشیان دربار اکبر پادشاه هندوستان ۹۶۳ ر ۱۰۱۴  
 پسر صیبره است .

گویند سلیقه تمام در شعر و انشاء داشته در آخر عمر بهرات موطن خود  
 باز گشت و همانجا در گذشت .

صفحه ۷۷۴ نستعلیق نویسان دکتور بیانی .

محمد صالح بخارایی :

از شاگردان محمود شهابی سیاهپوشی و از خوشنویسان زمان دولت اسکندر خان  
 و عبد الله خان تانی امرا ایمن شیبان (۹۶۳ - ۹۹۱) بوده هنگام تالیف مناقب  
 همدان سال ۹۹۵ درگذشته بود .

(۱) بن ۷۸ تذکره خوشنویسان .

بوده اما در اخیر نظر به ذوق و استعداد فطری که داشت تغییر شغل داده به خوشنویسی و شعر سرایی پرداخت (۱) در شعر طبع خوب داشت و در خطاطی مهارت کاملی حاصل کرد. سنه وفات او بدست نیامده.

## ((ع))

عارف :

از استادان شعر و خوشنویسان هرات است. در قسری نهم هجری زندگی میکرد و با سلطان حسین با یقرا همعصر بود. از جمله خطوط مخصوصاً نستعلیق را خوب می نوشت. ۱۴۱۰ هجری عبدالله میرزا :

از خوشنویسان و خطاطان معروف قرن (۱۳) و ۱۹۱۰ میل قرن (۱۴) هجری هرات است. با اعلی حضرت امیر عبدالرحمن خان معاصر بوده است. چندین خطوط مخصوصاً خط ثلث و ریحان و کوفی را فوق العاده خوب می نوشت، در سنه ۱۳۹۶ هجری شمسی پدر و دنیای گشته است و نمونه خط او در موزه کابل محفوظ است.

عبدالعزیز صاحب پیدایش خط و خطاطان که به تعقیب از میرزا عیوب الداد پورینی معرفی کرده ولی در ذیل حالات سلطنت اعلی مشهدی مولانا اظہار بن علی که استقامت سلطنت اعلی مشهدی بوده هر وی معرفی می نماید سال وفات ملا اظہار در ۸۰۰ هجری نوشته اند.

از بحری بنام میرک مانده که مانند پدر خویش نویسنده بوده فکری به یک قطعه به خط نستعلیق بقلم سه دانگ با امضای میرک نورنگ است. می توان گفت که ممکن است از خطوط میرک بن اظہار باشد اما شیوه خط این میرک عنایتی بشیوه خطاطان هند است.

نوت :

اظہار هر وی در ردیف الف اصل کتاب ذکر شده. همین مولانا اظہار است ولی در شرح حالات او در بن نوشته فکری معلومات مزید است. شایب .

(۱) ص ۱۹۲ تذکره حسینی طبع لکنهور .

(۲) تذکره روشن طبع هند .

عبدالکریم (امیر ابوالفتح) :

امیر ابوالفتح عبدالکریم بن احمد الحاتمی الهروی از مشاهیر علمای هند و هندوان است. تواریخ و تذکره ها کمتر در خصوص او سخن را زده اند آنها محمد عوفی در کتاب لباب الالباب خویش میگوید :  
 «عالمی که حالت عهده و حاکمی از باب جهد بود بر عوام و لایق  
 و از آنکه در باب فضل و قدر را داعی افضل کتاب عهد و اکمل  
 در فضل بود با حلی چون در مکتوب و نظمی چون زر مو زود  
 و در شهر و میدان و والی هر دو بیان بود (نادر فارسی و نازی  
 در کتاب فی الفی فی قصیده در توصیف بهار از او است :

و از استمشات باد جهانرا بهشت ناز	و از شهر و شهر و فرخنده روزگار
هر قطره ز آب گشت همه در آب دار	و از آنکه در مشی غمه یا قوت گشت و در
گویی بر آب عکس ستره است بی شمار	و از آنکه در بیان از آنکه در روز و سوز و سرخ
قمری سرود گوی شده بر سر چنار	و از آنکه در بیان از آنکه در از اشاط
از نزد یار خویش مرا هجر یار یار	و از آنکه در بیان از آنکه در فراق دوست
می توان گفت که از خی شکر ایسان	و از آنکه در بیان از آنکه در اینها

عبدالحسن (امیر) :

از خطاطان معروفی است که پس از میر عماد خط نستعلیق را گسی بهای او زیبا و مقبول نوشته است .

«ع»

عبدالمخالق :

عبدالمخالق بن حبیب الله هروی در ثلث در قاع و نسخ استاد بود . تا در بیخ  
 وفات و شرح حالش مجهول است اینقدر گفته میتوانیم که تا سال ۹۸۴ در دایره  
 ایران باستان بکتابت قرآن کریم مصروف بود .

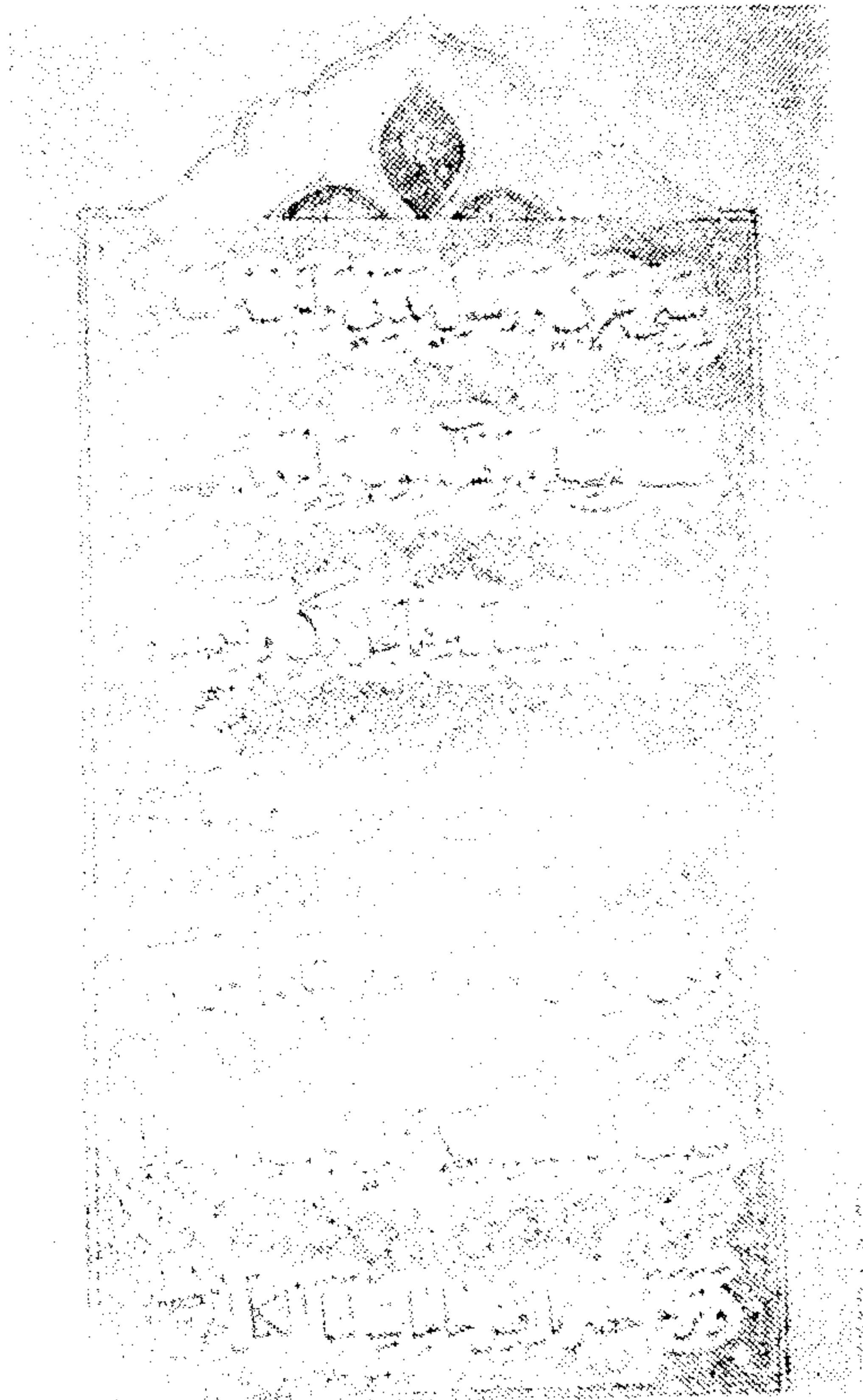
(۱) س ۳۴-۳۵ جلد ۲ لباب الالباب عوفی .



دعوت الی خیر و نہی عنکر حلال اور حرام  
اور اللہ کی رضا و نرسخہ الی







خط نسخ، کتب و اسناد  
۱۳۷۰



میر عبد الرحمن گرچه از معاصرین شاه محمود سمرقانی و سمرقانی  
 همزاده کامران بوده و با ایشان مصاحبت و الفت یافت که این کتاب را  
 با آن مراد در وی منسوخ و متواضعی بوده است. <sup>(۱)</sup> در  
 خوشنویسی ما گردن چند ما نند ملا حسین مطهری در خط  
 و خطه آنجا بود که در آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا  
 میزنند و مراد بی بضاعتی میر بوده است. <sup>(۲)</sup> در خطه آنجا  
 در آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا  
 چنانچه آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا  
 مراد بی بضاعتی میر بوده است. <sup>(۳)</sup>

کار قلم بر اثر از اعظم اجل کاتب فیما

معشر کاتبی ما در آنجا خطه آنجا

شاه اقلیه خطی ماه فکات جام

چون آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا

آنکه از کلمات در آنجا خطه آنجا

آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا

کلمات و قطعا - خطه آنجا خطه آنجا

راج آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا

حق بشر دوش از آنجا خطه آنجا

طایفه هر عصر خطه آنجا در آنجا خطه آنجا

چون بخرمان آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا

ما ند از آنجا خطه آنجا در آنجا خطه آنجا

آنجا خطه آنجا

عبد الغفور (۷۸) :

از مشاهیر خطاطان خراسان است که به انواع کلمات آراسته و خط  
 نسخ و ثلث معروف بود اما نسخ را نسبت به اکثر نسخ نویسندگان  
 بهتر می نوشت .

با میر عبدالرحمن هروی معاصر و انیس بود میگویند قرآن مجید را به خط نسخ با نهایت زیبایی و استادی جهت پادشاه وقت (شاه محمود سدوزائی) نوشت و ترجمه آنرا میر عبدالرحمن هروی که سمت استادی وی را داشت به خط نستعلیق زیبا ارقام کرده است این هدیه مبارک نهایت مطلوب طبع واقع گردیده نگارنده آن بنوازشات زیاد نایل شد. یکی از قطعات زیبای عبدالغفور که در چهار قلم یعنی بخط کوفی، مقلی، ثلث و نسخ نوشته شده معروفست و در آن این فرد خوانده می شود :

دایم که خط نسخ بنامش منور است عبدالغفور کاتب قرآن داور است  
 بیشتر اوقات او به کتابت قرآن کریم صرف شده تاریخ وفات او معلوم نیست و در یکی از قطعات خود چنین امضاء نموده است :  
 (کتابه الادعی لدام الدوالة الباهرا لقاها عبد لغفور فی سنه ۱۲۴۹هـ)

### عبدالله مروارید :

خواجه عبدالله مروارید متخلص به بیانی پسر خواجه شمس الدین محمد مروارید کرمانی است. خواجه شمس الدین محمد که از جمله اشراف و اعیان کرمان بوده در زمان تسلط میرزا جهانشاه ترکمان (که طبعاً بعد از سنه ۸۵۰ هجری که تاریخ وفات شاه رخ است اتفاق

### عبد الرحیم خوارزمی :

مولینا عبدالرحیم خوارزمی متخلص به (انیس) از خطاطان نامی خط نستعلیق و شاگرد ملا اظهر هروی است او با سلطانی عملی مشهودی معاصر و هم مکتب بود. بعضی مورخین خط او را از خط سلطانی عملی مشهودی در صفا ترجیح داده اند ولی در پیشگی خط سلطانی عملی را بهتر از خط او ستوده اند. قاریخ وفات مولینا عبدالرحیم واضح نیست.

(۱) کلکسیون سال ۴ مجله ادبی هرات.

افتاده) بهرات آمده در سنه ۸۶۴ موفعی که سلطان ابوسعید کورثانی  
 برای دفعه دوم از بخارا و سمرقند بجانب بهرات حرکت نمود و آنرا  
 از دست میرزا جهانشاه بدر آورد.  
 در کتاب سلطان ابوسعید گریزنده در سبک و ذریع با اعتماد ابوسعید  
 در ۸۷۴ سنه که سلطان ابوسعید بعزم تسخیر عراق و آذربایجان در شمس  
 گریزید خواه شمس الدین محمد بن موجب فرمان ابوسعید سمرقند سرک گریز  
 چون سلطان ابوسعید در آنسوی چنگ ترکستان آنرا در بلاد گریز  
 خواه شمس الدین مدنی در بخارا، اتمهر ساخته و ابوسعید سلطان سمرقند  
 با یقرا بر تخت سلطنت بهرات سلطنت نمود تا پس بهرات را بعد از آن  
 ای بصورت دایمی گریزید بر تخت سلطنت بر تکیه کرد و در آن  
 چندی از رقبه وزارت رسانید و در آن وقت که در آن وقت که در آن  
 حسین با یقرا منصب شیخ تونیت بر آن خواه شد و در آن وقت که در آن  
 بند سپرده شد و تا آخر عیادت به حسین و شیخ تونیت در آن وقت  
 در سنه ۹۰۴ فوت کرد.

(مولانا) عبدالکریم خوارزمی معروف به پادشاه

او برادر عبدالرحیم خوارزمی بوده در دو پسران عبدالرحیم خوارزمی بوده  
 اند و او را عبدالکریم نیز مانتند برادرش عم شاعر و هم خورشید بن خوارزمی  
 به خط دماغی مبتلی بود خود در پادشاه میگفت و در نوشته ما پیش و بعد  
 گاهی مینوشت (کتابه پادشاه) در زمانی (کتابه خدا) (عبدان آید) (کتابه  
 در افه) همین ترتیب امضاء ما میکرد. فکری مینویسد که در آن وقت که در آن  
 دانشمند حسین پادشاه نوای در تهران رساله (گوی و جوگان) عارفی و استاد نامه  
 و روشنای نامه حکیم ناصر خسرو در آن در یکجمله بقطع و حجم کوچک بخت شوی  
 عبدالکریم پادشاه دیدم که بصراحت عبدالکریم بن عبدالرحمن خوارزمی  
 امضاء کرده بود الحق کاتب هنر مند بوده و بشیوه مخصوص مینوشت و گویا پسر  
 شیوه جعفر بایسنقری ظاهر مروی بوده.

خواجہ عبداللہ مر وارید پسر او کہ از جملہ ہنروران بزرگ و خوشنویسان زبر دست بشمار میرود در ہرات قر بیت یافته و بزمان سلطان حسین بایقرا میزیستہ است، با اثر تعلیم و توجهات استادان ہرات و همچنین بر حسب شفقت و مراحم شاہانہ این سلطان ہنر پرور و وزیر فرزائہ او میر علی شیر

عبد الرحمن :

میرزا عبدالرحمن حبیبی اول غزنہستعلیق وشکستہ را نزد لشکر نویس ہروی مشق میکرد تا در ہر دو خط از استاد برتری یافت .

از مرحوم حبیب محمد عمر بیلہ کش کہ نواسہ میر عبدالرحمن است شنیدہ شدہ کہ میگفت : جدم میر عبدالرحمن پارہا در لشکر نویس کہ استاد او بود بخیر یاد میکرد و میگفت : روزی کاغذ مشق با استاد بردم تا مشق گذشتہ ام را اصلاح نماید و بمن سر مشق تارہ بدہد .

چون بمشق گذشتہ من بدقت نظر کرد ، قلمدان و کاغذها را جمع کرد و بر دست و روی من ہوسہ داد و گفت :

ای مخدوم زادہ ہر چند مرا بر توحق استادی است از امروز بتو خط شاگردی میدہم . پس ازین پورا نہ سر ہوای مشق مرا در سر افتاد مرا بہ شاگردی قبول کن .  
 ز پورا نہ لچہ پی و روشنی ولد تیکہ در خط تو دیدم بر دفتر تہستعلیق نویسان خط مطلق کشیدم . . . . . آنقدر مرا نوازش نمود کہ از لطفہای پدرم فراموش کردم پس از آن پخانہ نشستم و ددر بر روی ہمہ ہستم و از روی خطوط میر علی ہروی و میر عماد و عبد الشید بدقت تمام مشق میکرد .

معیشت ما در حالیکہ پدرم چندی قبل از آن وفات یافته بود بعمرت سپری میشد و مادر پیرم بمن خدمت میکرد روزی نان خواستم دادم دستہ ی از نوشته ہایم را پوشم گذاشت و گفت جز اینہا چیزی در بساط نیست .

با تأثر از خانہ بر آمدم و بفکر گزار افتادم ابتدا بمیرزایی اقدام کردم و رشتہ کار را ادامہ دادم . میرزا محمد علی سنگلاخ خراسانی در کتاب تذکرۃ الخطاطین خود میرزا عبدالرحمن را از شاگردان خود معرفی میکند .

میرزا سنگلاخ در عصر شاہ محمود سدوزائی بکافر در ہرات آمدہ و مدتی کم

نوائی خواجه عبدالله نه تنها در خوشنو یسی از سرآمدان عهد خود  
 شد بلکه در شعرسرائی و غزل خوانی و آواز مو سیقی نوازی هم از  
 استادان بزرگ بشمار میرفت . اشعار بسیار خوب دارد و بیانی  
 تخلص میکرده از او است :

خوش آن زمان که خط گرد آنعداد نبود

میان حسن تو و عشق من شبها نبود

نبود چون تو گلی در مه کیو دی چرخ

و میگه باغ رخت را بنفشه زار نبود

بشب رساند خط روز بقراری من

و هر نه بیتو مرا روز و شب فراموش

عبدالله مروارید بی اندازه مورد الطاف سلطان حسین باقر  
 میر علمی شیر نوائی واقع بود در بهار شباب و جوانی که  
 صدارت نایل شد بعد از چندی خدمت و جان نثاری با آخرت شیرین  
 گردیده از وزارت و صدارت دست کشید و مدت سه سال بدون آنکه

در هرات توقفاشته ممکن است میرزا عبدالرحمن از روی هم مسالکی بصحبت او  
 باشد . اما شاگرد او به میرزا سنگلاخ بعید می نماید زیرا دو آن که  
 میرزا عبدالرحمن از خوشنویسان معروف بشمار بود و از طرفی شیوه خط او  
 میرزا سنگلاخ روش موافق ندارد میرزا عبدالرحمن نزد شاهان  
 خصوصاً شاه محمود و شاه کامران مقرب بود اما بنایا بی علاقه بود  
 سلسله خطا طان کنونی خط نستعلیق وطن همه بمیر عبدالرحمن  
 شیوه مرغوبش تا کنون نزد بها نستعلیق نگار آن مقدم اول و محبوب است  
 میر عبدالرحمن بسال ۱۲۶۸ وفات یافت و هداخن کنبد سید عبدالله در واقع  
 پایان بای مزار مدفون است .

الواح بسا از قبور کاذرگاه و مزار سادات مصرخ بخط میر عبدالرحمن  
 میباشد که بقلم دو دانگک و سه دانگک نوشته و هیچیک امضاء ندارند و نیز لوح مزار

به منصبی باشد بحضور حسین میرزا مصاحبت داشت بقول صاحب  
 عهدیهب السیر مجدداً بر حسب فرمان شاهانه بمنصب رسالت و پروانه  
 که در زمان سلاطین تیموری از مناصب بزرگ دولت بود سرا فراز  
 گردید و بعد از چندی از آن رتبه هم ارتقاء جسته به رتبه امراء  
 نظام رسید و جای امیر علمی شیر لوایی را احراز نمود. (۱) ولی بعد از

این زمان محمد خان و برادرش سردار شیر محمد خان در خیابان نود یک دهنه و  
 در آن که بکسر کلاغ معروف است از بهور بن شاکر ریهای خط میرزا  
 را در حضور است که بطور بی اعتنائی به خاک افتاده فکری میزویسد :

... تا که اولاد وزیر مرحوم قدر این الواح انجلیس را ندانسته و اعتنائی  
 نمیکنند. دیرینه نخواهد گذشت که آن الواح بی مثل همانند به خاک بر اعتنائی  
 نداشتند. در آن الواح بر ارزش دیگر تلف و نابود شود و از خاک و زبر  
 آثاری باقی نماند.

... فکری در تاریخ وفات میر عبدالرحمن در تعلیقات خود راجع به کلمه  
 (خط خوب آن) که ماده تاریخ است تردید نشانداده و چنین نوشته :

{اگر الف را مدد و بتاریخ گیریم هزار و دویست و شصت و نه میشود و مرا معلوم  
 نشد که ۱۲۶۸ درست است یا ۱۲۶۹} (۲)

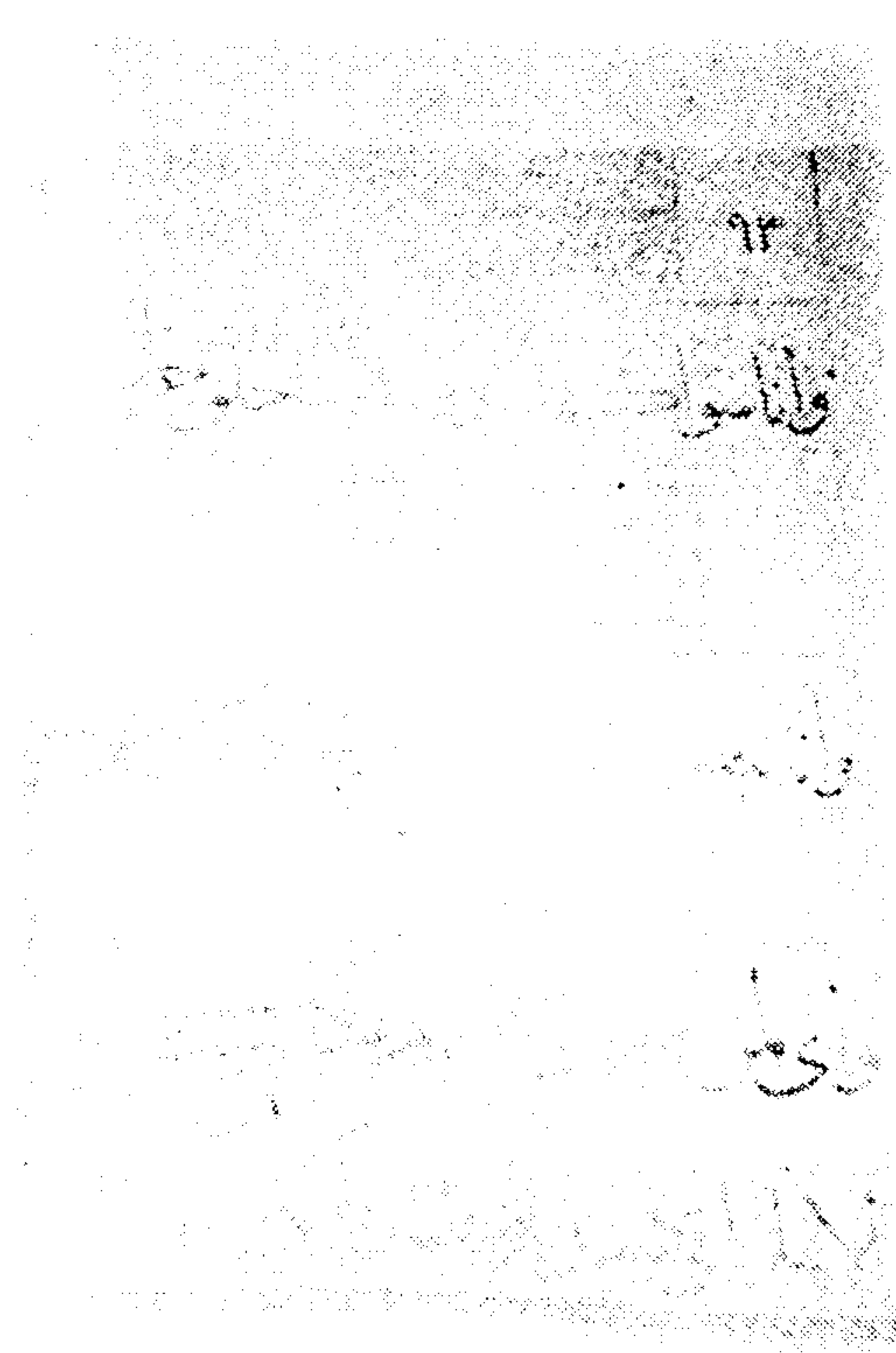
(شیخ) عبدالله کاتب :

در خط تعلیقاتی استناد بود در خط شناسی نیز او را بر رتبه استنادی می شناسند  
 در کتابخانه امیر علمی شیر و سلطان حسین میرزا مدت ۴۵ سال و وظیفه کتابت داشت  
 از همین سبب تمام شیخ عبدالله کاتب شهرت یافت در خلاصه الاخبار خواوند میر

(۱) ص ۳۳۰ عهدیهب السیر جلد سوم .

(۲) چون قانون مواد تواریخ چنین است که نقش کتابتی آن مورد اعتبار است  
 جمله (خط خوب آن) اگر الف مدد هم باشد در کتابت يك الف است و مدد مر  
 صرف نیست بلکه حر و حرکات است لذا تاریخ آن بدون اشتباه (۱۲۶۸) صحیح است  
 است. (سابق)





خطاتك و نسخ عينك لا يبرهن  
 تفصيل في نسخة ١٣٩٩



فوت سلطان حسین میرزا اکثر اوقات را به کتابت قرآن مجید و در این شهرای بزرگ می گذرانید تا آنکه در سنه ۹۴۴ فوت کرد.

عبدالله آشیز :

از هنروران و خطاطان معروف هرات است تحصیل آن خود را در اصفهان به هرات تکمیل نموده و بعد بسوی بغداد عریضت کرده است در آنجا نتواند گره بدهد در پی تحصیل خط زحمات و مشکلات زیادی را در راه گذراندی متحمل شده است این هنر را با اندازه های رسانید که کسی خط او را

هردی شرح حال او ذکر شده بعضی مورخین مدعی آنست که او را در اصفهان نوشته اند.

(مولیت) عیسی هروی :

در عصر امیر علی شیر بولاقی از جمله کاتبان بوده در خط نستعلیق و کوفی در شعر نیز طبع خوب و قریح عالی در احوال پروردگار آیه های شریفه و کتب بختانه سلطان ابراهیم بکتابت مشغول گردیده و فغان او در این کتابت يك قطعه از آثار او بخط نستعلیق مرصع در کتابخانه مرادنگری است که حاضراً در موزه منقش بوده چنین رقم نموده :

(مشقه عیسی)

(ملا) عبدالرحیم هروی :

او ملقب عبد الرحیم عزیزین قلم بوده و از خوبان اصفهان است که در هند شهرت یافته و در عصر جهانگیر میزیسته سال و هفتاد و پنج سالگی در هند درگذشت.

عماد هروی :

فکری مینویسد : نگارنده قطعاتی بخط عماد دیدم که کاتبه عماد یا مشقه امضاء داشت بدون کلامه حسنی یا حسینی و در قرصی و پختگی آنکه از خطوط عماد حسینی نبود ولی اندک تفاوت از شیوه و اسلوب خاص میر میرور عماد حسینی داشت که در اصالت آنان مردمی بودم اخیراً این اشتباه به آسانی حل شد که در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور مثنوی حضرت مولانا در هند و ملا محیی هروی و عماد والدین بن محیی هروی بخطی عالی که در نهایت لغات

از خط یاقوت مستعصمی فرق نمیتوانست . چنانچه به همین معنا سبب معروفست که وی مدتی شاگردی یاقوت را نیز نموده ولی این حرف بکلمی غلط و بی اساس ثابت می شود زیرا یاقوت در ۶۶۷ هجری وفات کرده و در بین او و عید اللہ آ شیر تقریباً یکصد و پنجاه سال فاصله هو خود بوده است .

عید اللہ کا تب :

هراتی الاصل و از خطاطان معروفست معلوماتی در باب زادگانی او بدست نیامده تنها اینقدر معلوم است که در ۸۴۹ و وفات کرده است (۱)

عید اللہ کا تب در هراتی :

علاوه بر آنکه از خطاطان و خوشنویسان معروف کشور است و در چندین خط مقام استادی داشت و سبقتی را نیز نیکو می نواخت

کتابت یافته و در دفتری از آن تنها بنام عماد بن محیی الہروی امضا نموده و در دفترهای دیگر عماد بن محیی امضاء کرده و این کتاب فیس که بخط ابن بشر و بسوی یعنی معین و عماد کتابت یافته از نگار روزگار است که در قیمة الاسلام بلیغ یا در عهد المومنان بادشاه بلیغ کتابت یافته و در نهایت نفاست تذهیب و رقابہ شد و در آغاز آن مقدمه در دو صفحہ بخط استملیق عالی بک دادیم و بعد از آن در عهد المومنان نگاشته شده که غایباً بخط محیی کا تب دفتر اول بوده باشد .

خطاطان هم قرن اخیر که اطلاعات شان کمتر بود میر عماد حسینی قزوینی نامش را معرفی می نمودند و معروف است که عماد حسینی قزوینی قبل از آنکه در بار بادشاه عباس برسد مدتی در هرات اقامت جست و بمشق و تبریز خط پرداخت بهر حال محیی مرادی و پسرش هر دو تن از معاصرین میر عماد حسینی قزوینی بوده اند .

(۱) س ۲۵ پیدایش خط و خطاطان .

و شهر متین هم می‌گفت پس از اكمال تحصیلات ابتدائی و انتهای آن در هرات به اوایل جوانی رهسپار بغداد گردیده و نظر به لیاقت و اهلیتتی که داشت سلطان احمد جلایر پادشاه آنوقت او را بدر خود بار داد و از جمله مقربان‌خون گردانید چنانچه در مجالس خصوصی آن سلطان حق مداخلت داشته و همیشه از طرف او به اسم یار عزیز خوانده می‌شد. چون سلطان احمد جلایر که آخرین پادشاه سلاله جلایر است وفات نمود خواجه عبدا لقادر هراتی دعوت میرزا میرانشاه بن تیمور که از

وفات محیی طبر در یکه بیشتر هم نگذکر یافت (اگر محیی بن شادویس در سال محیی باغدشتی بکنفر باشند) در سال ۱۰۲۸ هجری قمری در هرات بود و در هرات و در باغدشت مدفون شد. اما سال وفات عباس هروی معلوم نیست در سال ۱۰۰۳ و ۱۰۰۵ یعنی کتابت معانی مشهوری مؤلفه زاهد گلی بن سلطان استوار از آن معلوم نیست.

عباس قلی خان شاملوی هروی :

بسر نواب حسین خان شاملوات که در خط نستعلیق استاد بوده و در هرات در هرات بافت و در مدرسه‌ی که خودش در آنجا بناء نموده مدفون گردیده و قطعه خطی بر او فکری سلجوقی داشته خطی را فکری مماثل بخط طان هند معرفی می‌کنند.

عبدالحی منشی هروی :

خواجه عبدالحی از شاگردان خواجه تاج سلمانی است و در هرات در کور گانی میزیسته و منشی دربار او بوده او را هروی الاصل دانسته اند که در اصل استر آبادی است و در هرات نشو و نما یافته در زمان وفاتش در هرات بوده. در خط نستعلیق شاگرد تاج سلمانی است. تاریخ وفاتش معلوم نیست.

(در ویش) عبد الله سلطانی بلخی :

اصلاً از بلخ بوده و در هرات بسر می‌برد. از شاگردان خواجه عبدالحی منشی است و استاد و شاگرد هر دو در عصر سلطان ابو سعید بوده اند.

سنه ۸۰۷ الی سنه ۸۱۰ در آذربایجان و عراق حکمرانی داشت قبول نموده به حلقه اطرافیان او در آمد و هنگامی هم به دربار خود ایهور کورگان راه یافته بود ، در سنه ۸۴۸ هجری وفات نموده است .

خواجه عبدالقا در گوینده :

در انواع فضایل شهرت کامل داشت و در موسیقی و علم موسیقی و همچنین در علم ادوار از سر آمدان عهد خود بود در قرائت و تلاوت قرآن عظیم ایشان و شعر سرایی و خوشنویسی بغایت اقتدار داشت و در کتیبه نویسی بر روی سنگ بی مانند و بی همتا بود در اوایل زندگی به بغداد بوده به مصاحبه حضرت سلطان احمد جلایر بسر میبرد و سلطان از وی بسیار احترام نمود و تازی و محشر مش میداشت چون سلطان احمد جلایر در گذشت خواجه عبدالقادر گوینده در سلك مصاحبان و ملازمان میرزا میرا نشاہ بن ایهور که در موقع حیات پدر والی و حاکم عراق و بغداد بود در آمد و مورد نوازشات شاهانه و هنر پرورانه و واقع گردید .

درویش عبداللہ تا پایان عصر سلطان حسین حیات داشته تاریخ وفاتش در ۹۲۰ هجری قمری است .

ص ۵۲ استملیق نویسان دکتور بیانی

علی حسینی : از کاتبان خوشنویس قرن سیزدهم بوده و بخط دی بک نسخه کلمات سعدی بقلم کتابت نفی خوش بکتابخانه مجلس شورای ملی تهران موجود است که چنین رقم و تاریخ دارد :

تمام شد بخط فقیر گمنام قراب اقدام مؤمنین ابن معین الدین علی الحسینی فی سنه ۱۲۳۲

ص ۵۳ استملیق نویسان دکتور بیانی

ملی حسینی :

خوشنویس گمنام قرن سیزدهم است و بخط وی مرقمی دارم بقلم نیم دود دانک خوش که رقم و تاریخ دارد : مشقه علی الحسینی ۱۲۷۸

در موقعیکه میرزا میر انشاہ نظر به عارضه دماغی که برای او پیدا شده بود بر پدر شورید، و امیر تیمور کورگان راه تادیب او پیش گرفت و اکثر آند ما و مصاحبان او را کشت خواجه عبد القادر مجال یافته فرار کردند و بعد از چندی در لباس قلمند را ن

صفحه ۳۵۶ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

عبدالله زیارت گامی :

از خوشنویسان زبر دست گمنام اقلام شش گانه قرن نهم است که مستملیق در این خوشنویسی در انقوشیم ترین خوشنویسان این خط و معاصر جمعی با شیخ غفری است بخط وی دو قطعه در مرقع امیر عیب بیک در کتبا بخانه حرم پناه ای قلمی است با رقم و تاریخ: کتبه . . . . . لعید . . . . . عبد القادر زیارت گامی احسن الله احواله و لاستاذه و لمن نظر فیہ و دعاهم با ارحمة فی سبیلہ و توفی بکرامتہ و تمامه الہجر بہ .

س ۴۵۲ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

میر علی حسینی : خوش نویس زبر دست گمنامی است که چندی از دوران آخوند گامی

میر علی حسینی هروی را درک کرده و مانند وی کتاب السلطانی رقم می نمود و بشیوه شیوای میر علی هروی کتبا بت می کرده است بک نسخه دیوان امیر شاهی بقلم و کتابت خفی خوش با رقم و تاریخ «وقف کتابتہا افقر عبان الله تمامه» .  
میر علی الکاتب السلطانی . غفر الله ذنوبہ و ستر عیوبہ سنہ ۱۰۰۸ .  
دانشگاه استانبول .

س ۴۵۰ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

علی جامی - فخر الدین :

از کاتبان گمنام دیگر قرن دهم است و بخط او یک نسخه یوسف و زلیخای عهد افراسین جامی دارم بقلم کتابت متوسط با رقم و تاریخ قی سادس شهر ربیع الاول سنہ ۹۹۱ بدار السلطنه هرات واقع شد و علی بد العبد الضعیف فخر الدین علی بن محمد اصغر الجامی غفر الله ذنوبہ و ستر عیوبہ .

به نزد تیمور شتا فته معذرت خواست و طلب عفو نمود تیمور هم او را نوازش کرده تحت تربیه خود بگرفت بعد از فوت امیر تیمور بملازمت پسر او شاه رخ میرزا در آمده در خدمت او کار میکرد تا آنکه در سنه ۸۳۸ هـ - به مرض و باو طاعون مصاب گردیده در گذشت .

ص ۵۳۹ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

عماد افراهی :

از خوشنویسان گه نام قرن و دهم بخط وی قطعه ای در مرقع بهرام میرزای صفوی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است . بقلم دودانگه و کتابت خوش بارقم مشقه عماد افراهی :

ص ۵۱۶ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

(میر) علی هروی :

ظاهر آنندکی پس از دوره خوشنویسی میر علی هروی مذکور میر علی دیگری که او لقب عنوان «سلطانی» داشته و در هرات میزیسته بوده است که حتی شیوه خط او شبیه شیوه میر علی هروی و کاتبی زبر دست بوده است از آثار ابن میر علی هروی يك نسخه بوستان سعدی در کتابخانه سلطنتی تهران است بقلم کتابت جلی خوش نوشته است و چنین رقم دارد در دارالسلطنة هرات صورت اتمام پذیرفت الفقير الحقیق میر علی السلطانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۹۰۷۰ است زیرا که این نسخه نفیس مصور و چند تصویر میخاتور عالی است که نوشته است با امر الفقاری عبد الله خان بهادر تصویر شد .

۱۹۷۰ است .

صفحه ۵۱۷ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

علی کاتب - میر :

شما کرد سلطانعلی مشهدی و اظهر بوده يك نسخه طب یوسفی هروی در کتابخانه مدرسه سپهسالار است بقلم کتابت خوش و رقم دارد الفقیر الحقیق میر علی غفر ذنوبه ۸۸۱ و بسال ۹۲۵ در گذشت .



عبدالحق :

از سبزواری هراتست شش نوع خط را بعد کمال رسانیده بود و از  
اجله خوشنویسان بشمار میرود، شرح حال او مجهول مانده و به استثنای  
آئین اکبری به هیچ مأخذی از او ذکر نشده است .

صفحه ۵۱۲ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

علی مروی حافظ :

فرزند نورالدین محمد از مردم غور بیان از توابع هرات است که چندین سال  
منصب صدارت و استادی ابو تراب میرزا فرزند سلطان حسین میرزا با بقرای در دست داشت  
این شاهزاده در زمان حیات پدر خود در کتبت حفظ علمی را بحدی کمال رسانیده بود  
ستوده اند ، و گویند اکثر خطوط را خوش می نوشت و در علم عروض و سجع  
اشعار و بحر داشت چنانکه قصیده سلمان ساوجی را چهار بیت تقیید کرد و در هرات  
چند صنعت بان افزود، صاحب مناقب هنروران و بر جر و کاتبان جاهل کاتبان  
بایسنفر میرزا آورده است تاریخ در گذشت او معلوم نشد ولی در زمان سلطنت  
حبیب السیر سال ۹۳۰ در قید حیات بود .

صفحه ۳۳۸ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

عارف مروی :

فرزند میر روح الله حسینی است صاحب خوشنویسان هرات و در دوره سلطنت  
شمرای دوره سلطان حسین میرزا با بقرای متولی سال ۹۱۱ شمسی در دست داشت .

صفحه ۳۵۹ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

(شیخ) عبدا لله مروی :

از کاتبان مقرب هرات بود و مدت ۵۰ سال با امیر علی شیر توایی بسر برود و  
مصاحبت او بسیار یافت در سلاک و فضلا و طرفا بود و گفته اند که از خطوط  
مستملیق و نسخ و تعلیق را در غایت لطافت می نوشت و شعر میگفت تاریخ در قافیه  
سال ۹۴۸ در هرات در گذشت .

علاقہ الدین علی میکال :

از وزرای قرن نهم هر آتست در زمان سلطان حسین با یقر ا زیست میگرد . این وزیر دانشمند علاوه بر آنکه به اکثر علوم و فنون آراسته بود در امور کشوری و مملکت داری نیز کفایت و لیاقت بسزا داشت خطش در خوبی و زیبایی معروف بود و از جمله خوشنویسان زبردست بحساب میرفت . بقول خواوند میر صاحب ، تاریخ حبیب السیر و کتاب دستور او زرا از کار مندان دیوان شاهی سلطان حسین با یقر ا بود ولی بعد ها بر حسب صفات و سجایای نیک به رتبه وزارت ارتقاء جست و تا اخیر شمر بدان رتبه رفیعۀ اشتغال داشت . (۱)

صفحه ۴۵۱ - مستملیق نویسان دکتور بیانی .

علی جان هرودی :

فرزند حیدر علی از کاتبان کم نام قرن دهم و یازدهم و به خط وی نسخه ی از دیوان او حدی است در کتاخانه مدرسه سپهسالار کتابت خفی هارقم و تاریخ تمت الکتاب علی بد العبد . . . علی جان بن حیدر علی الپرووی فی شهر جمادی الثانی سنه خمسین و الف (۱۰۵۰) .

صفحه ۴۶۶ - مستملیق نویسان دکتور بیانی .

عبدی هرودی :

نقط در تذکره روز روشن آمده است که شاعر و معاصر و مصاحب جامی و از کاتبان هرات بوده وفات وی معلوم نیست .

عبد الواسع نظا می :

مولانا عبد الواسع نظا می در عصر سلطان حسین میرزا میرز یسقه منشی ما هر وزیر دست بوده رسالهی در شرح حال حضرت جامی با مرسلطان حسین انشاء نموده تاریخ وفاتش معلوم نیست .

(۱) صفحه ۴۴۲ دستور الوزراء مؤلفه خواند میر طبع تهران .

علاءالدین :

از خوشنویسان هرات است در آئین اکبری در جمله اجله خطاطان  
تستعلیق ذکر شده است .

علی الحسینی :

از خطاطان معروف قرن دهم هرات است و شخصیت او غیر از میر علی  
هروی است چندین خط متداول مخصوصاً تستعلیق را فوق العاده  
خوش می نوشت در واقعات بابری به توصیف او گفته شده است که قوت  
دست او معلوم نیست کسی گذشته باشد (۱) تاریخ اولد و سنه و قیامت  
او معلوم نیست نسخه ای از بوستان سعدی به خط او در موزه تاتاری  
محفوظ است که در سنه ۹۴۱ هجری قمری نوشته شده است و نویسنده  
معلوم میشود که تا اواسط قرن دهم هجری حیات داشته باشد .

عهدی :

از هرات با مولا نا حامی روح معاصر بود است که در هرات  
مبصرانید در کتابت و خوشنویسی نیز شهرت داشت . (۲)  
عینی : از هنروران و فضایی خراسان که در هرات  
و پرورش یافته است امیر علی شیر نوائی وزیر سلطان حسین در هرات  
با او آشنائی و دوستی کامل بود مولا نا عینی علاوه بر خط و شعر  
دارای خط خوش و زیبا نیز بود تستعلیق را خوب می نوشت و شاید  
به استنساخ دو اوین شعرای نامور اشتغال داشت امیر علی شیر  
معروف خود از او یاد کرده است .

علاءالدین منصور :

خواجه علاءالدین منصور هروی شاعر همان میر منصور است که یادش از سید کریم  
میرزا کافی هروی است در خط تستعلیق در تابه استادی بوده . سال وفاتش را نمی نوشته اند .

(۱) نقل از صفحه ۱۹۸ سالنامه ۱۳۱۴ کابل .

(۲) صفحه ۱۲۲ قد کره - عینی طبع الکنه .

# (ع)

## شہر یانی ( حافظ علی )

انسانی حیرات و قسمت صنایع و ادبیات و روئہای بزرگی بازی  
 و تامل و ناموری وجود آورده است بلکه قدم ب قدم و قریب بقری به  
 بزرگی و وطن تقدیم کرده و ناموران چیره دستی در صنایع  
 و تامل و ناموری وجود آورده است

بزرگی و وطن تقدیم کرده و ناموران چیره دستی در صنایع  
 و تامل و ناموری وجود آورده است

بزرگی و وطن تقدیم کرده و ناموران چیره دستی در صنایع  
 و تامل و ناموری وجود آورده است

شہر یانی

شہر یانی

شہر یانی و ناموران چیره دستی در صنایع و تامل و ناموری وجود آورده است

باشد بهر حال شهرت و نام او در زمان سلطان حسین میرزا بلند شده  
 قراریکه از قراین معلوم گردیده ناسنه ۹۳۰ که منہ تالیف حسین علی  
 است حیات داشته است  
 چنانکه گفتیم حافظ علی شاعر زبردست نیز پیرایه مضمون  
 در صنایع شعری او را استاد بزرگی مرقوم اند و هرچند که در  
 صنعت مقلوب مسدوی که مشکلات معنی نامی در آن مرقوم است  
 داشته از عمده آثار و اشعار مشهور است چندی قصاید و  
 استقبالی و نظمیون قصاید در سلما بر ما و غیره مرقوم است

(تسلی)

فائز علی

(۱) حمدی مقلوب نامی در زمره شاعران مشهور است که در  
 خوشه بسی بزرگان شایسته است و در این مرقوم است

توضیح

طردیکه در مرقوم بر او در مرقوم است  
 در غزل گفته به دستم گرفته و نگارم در مرقوم است  
 بعدا فظ در مرقوم  
 غوطه زد در غزل مصرع آن حسرت کفر بود حسرت  
 جعفر که فغان مرقوم

در مرقوم مرقوم است که حسین علی در مرقوم است  
 آن قصیده به این جمله مرقوم  
 (با بسطی جان با بسطی در مرقوم است که در مرقوم است  
 بوده از بین رفته است)

شعر موصوفی شایسته همین قصیده و مرقوم است و مرقوم است

(۱) صفحه ۱۳۲ پودا بیس خط و خط طالی

کامل داشت در خطاطی به تمام افغانستان و حتی سراسر ترکستان و فارس و ماوراءالنهر شهرت زیاد حاصل نمود، وقت خود را به نوشتن قطعات و ترتیب مرقعات قشنگ و زیبا میگذراند تا آنکه در سنه ۱۱۴۵ هجری وفات نمود .

فراهی :

مولانا معین الدین الفراهی پسر دوم مولانا شرف الدین حاجی محمد فراهی بود . مولانا حاجی محمد در ملک اعظم فقهای زمان ابوالقاسم بابر شامل بود، برادر بزرگ مولانا معین الدین قاضی نظام الدین نام داشت که در زمان سلطان حسین با یقرا قاضی دارالسلطنه

«ق»

قصیده شروی :

شاعران اصفهانی از شعرا دارباب هنر است در عصر حسن خان شاملو زیسته و در او تقرب حاصل نموده بود تا حدیکه حسن خان او را ملک الشعراء خطاب میکرد و همعصر ناظم شروی و میرزا ارشد بر نابادی است که با او شان روحی در مصاحبت داشته از منشی لایق بود و در نوشتن خطوط تعلیق و نستعلیق یکسانه زمان شرف بود .

این سرمنده در خط زینتکار بی سابقه بهرج داد و اصول خط تعلیق و نستعلیق را در این شکست و خط شکسته را بوجود آورد که در اواخر اختراع خط شکسته پیدا شد . شاه عباس ثانی او را از هرات با خود باصفهان برد و از اصفهان به هندوستان رفت و بعد از چندی در هند وفات یافت .

فکری سلجوقی قطعه ذیل را از یک جنگ خطی نقل کرده که بمنوای آن چنین آورده بود :

(تاریخ فوت ملک الشعرا میرزا فصیحی هندی )

بدهن فضل فصیحی که خرد  
پیش او در س فصاحت خوانده  
شاققی سال وقا نش میگفت  
( بحر دانش از تعوج مانده )  
فکری میشود پس :

از مصرع اخیر ۱۱۳۱ بدست می آید اگر این قطعه صحیح باشد و از فصیحی دیگری نیاید یا بدست میرزا فصیحی متجا و از یکصد سال عمر طولانی آن را در یاد داشته .

(۲) مجمع الفضلا مولفه ملا محمد عارف متخلص به شفاغی که در سنه ۹۹۶ کتاب خود را در اندخوی آغاز کرده و در هند و ستان بمهد جلال الدین اکبر تمام کرده است نسخه مذکور متعلق به دست قاضی گو یا اصفهانی است .

هرات بود معین الدین فراهی در بسیاری از فضایل و کمالات آنها  
وقوف می نمود . (۱)

در زهد و تقوی درجه علیا داشت و اکثر خطوط را با نهایت بساطت  
و قشنگی بر روی صفحه کاغذ نقش می بست بقول صاحب آیین انجیری  
از شش خط از جمله استخوان معروف بشمار میرفت . (۲)

بعد از مرگ برادر خود یعنی قاضی نظام الدین با سرمدستان حسین بن علی  
بر مسند رسمی قضاوت در شهر هرات مقرر و بعد از آن سال ۱۰۰۰ هـ  
امیر سوریه بوسف (ع) و شهپور به تفسیر مقرر آثار و تدوین انجیری  
از آثار و تألیفات گرا نبهای اوست در سنه ۱۰۰۴ هـ در هرات  
جهان را و داع گشت و در هزار خود وجه عین الله و شمار به  
برادر خود مد فون گشت .  
فرخ شاه (مولانا) :

عرووی الاصل احمد (۳) اما در شهر فغد نوالک یا کلمه از شهر هرات  
عاشقی است پدرش میرزا حسین نام داشت و پدرش کاتب و کاتبان  
مهیشت می نمود . فرخ شاه در کتب فضایل او ضمیمه کرده است  
و مهمان دست خوب داشت از سیاقی بر زبان نهر و دیوانه در دست  
را خوب می نوشت ، روزی بیفتد و بر زمین افتاد و در دست  
سلطان تقرب حاصل شد و به منصب انشاء مقام نهر و دیوانه  
وفات یافت در شهر سنه ۹۸۷ هـ خود را به تالیف خط انجیری  
یار افکنده در سلك ملازمان او داخل شد ، در هرات  
دماغ پیدا نمود .  
فخر الدین :

غیر از اینکه از هدر ماندن هرات ، دستگیر کردن او  
بوده و در موعظه زبان گویا داشته است ، در این موعظه  
پایه تقریر و تحریرش بیشتر بود ، سوال صاحب انجیری  
زمان عوفی را دریا فته و ازین فرود می توان گفت که  
۶۰۰ هـ الی سنه ۶۵۰ هـ و میزیسته است .

(۱) صفحه ۱۰۰ تذکره روز روشن طبع هرات

Marfat.com

فتاویٰ الدین علی

فصل اول در بیان صفات و احوال کاشفی هر وی است در هرات تولد یافته  
 در زمان سلطنت حسین بایقرا زندگانی میکرد مانند پدر خویش در  
 شهر هرات زیاد داشت چنانچه درین فن جای نقیون پدر  
 کاشفی را در هرات و هرات هندی بود و از مؤلفین زبیر دست قرون  
 اولی قرون اولی است و در کتاب اشعار میر و در کتاب ریحا عین الحیاة  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)

در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)

در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)

در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)  
 در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)

چون پدر نا قدر ل و منکوب است  
 لیک اگر نقل میکند خوب است

(۱) در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)

(۲) در بیان او آمده است که در آثار او است (۲)



(ق)

قاسم شاہ شاہ

از اعظام فضلاء و شاعران کرام و شایعہ و خوش ذہن و سلیقہ دار  
 در عصر سلطنت اہوسعد کور گانی (کہ بالی سندھ سے تعلق رکھتے ہیں)  
 شہرت پائی کہ ہر وقت ان کے ہاں کتب خانوں کی خوشبو  
 باوی ہوتی اور ہر بکری میں سے ہر طرح کی نسیب کی کتابیں  
 ہرگز ہوتی نہ تھیں۔ ہر صوفی و شاعر کی کتابیں ہر وقت  
 ایشان کے پاس تھیں اور وہ ان کی نگہداشت فرماتے تھے۔

پہلی کتاب

کتاب تہی :

مولانا محمد بن عبدالقادر غزالی کا کتاب تہی ہے جو  
 معروف شہر ایشیہ نامی ہے اور اس کا تعلق ہے ہندوستان سے  
 کتابت اشعرت دارت اور اس کی تصنیف ہے مولانا غزالی نے

قرآن و شہدہ ہرگز نہ کرے بلکہ ان کے ہر ایک کلمہ کو  
 برفان اور اس کے ساتھ ہر نوشتہ دلی سے پہنچے اور اس کا  
 اطلاع اور کثرت کتابت کی ہے کہ اس کا تعلق ہے ہندوستان  
 آخر جنوں رقم نمونہ (۱) نمٹ (۱) کتاب ہندوستان کے  
 الراجی الیہ سبحانہ اللہ محمد قاسم شاہ شاہ نے اس کی  
 کتابت سنہ ۱۹۰۱ء

و نیز دیوان امیر شاعر سہروردی مولانا غزالی کے دیوان  
 کی ۹۵۵ ہے۔ یہاں اس کے بعد مولانا غزالی کے دیوان  
 از شاہ کور دین قاسم شاہ شاہ ہے۔ یہ مولانا غزالی کے  
 عین ہندوستان کے خیر اور اس کے ہر ایک کلمہ کو ہندوستان

نگردیده آنها آشکاره آذر چند کلمه در باب او نوشته که آنهم بکلمی  
مجموع است و از آن چیزی بر نمی آید آنها اینقدر مفهومی میشود که  
مولانا کاتبی یکی از فضیلت معروف عصر خود بوده و در شاعری دسترس  
خوبی داشته است آشکاره آذر میگوید: (۱)

در اسمش یوسف شاه و در هر ات او قات به کتا بت میگذرا نیده  
این مطلع از او است:

این چند گفته که دوری ز بر هم نشسان د مادرین شهر با این روز تو در شهر کسان  
ساختن او در استر آباد و در سنه وفاتش کمی اختلاف است بعضی  
سال ۸۳ هجری می نگارند.

کافی

تور را کافی از مردمان شراتست در همین بلده فاخره نامیم  
تاریخ یافته و خانواده او از جمله نجیب زادگان هر ات است  
تور را پدر او به وزارت بدیع الزمان میرزا بن سلطان حسین بایقرا  
تعمیر داشت (۲) میرزا کافی در ابتدا به تحصیل علوم و کمالات  
تعمیر شده و در اول وقت از قبیل ادبیاء عروض و خوشنویسی  
تور را آموخت.

کافی مولانا کافی خیلی خوش زیبا بود و نستعلیق او مخصوصاً  
برای آن دروغی تازه داشت چنانچه صاحب تحفه سامی او را چنین  
می گوید: در خوشنویسی مسلم روزگار و در انشا سرآمد فضیلت بلاغت  
تعمیر بود و حقیقتاً انشاء و اشعار کافی خیلی بلند و با مزه بوده

کمال الدین حسین

کمال الدین حسین شروی صاحب الامین (یک چشم) در خطر طشتکانه  
بود و در آن کسب را به حفظ داشته و فقیر مشرب و نمد پوش بوده شاه تهماسب  
تو در موسم خواندن ما قبت از شاه تهماسب رنجید و به خراسان برگشت به سال  
۹۷۵ و بقول ۹۷۲ در مشهد وفات یافت.

(۱) تحفه سامی ۱۵۵ آشکاره آذر طبع بهیشتی.

(۲) تحفه سامی ۱۴۱ طبع تهران.

و هیچ کمی از اشعار شهرای استاد ندارد. از و است :

آمد بر من قاصد آن سر و سهی      آورد بهی تا نبود دست آبهی  
منهم رخ زرد خود بدان مالیدم      بعضی ز مرغن نهاده ام رو به بهی

میرزا کافی در عصر صفویان میزیست و در زمان نهماسب شهری  
تألیفی حاصل کرد و همیشه مصاحبت او با بزرگان و بزرگان خان زمان  
بود چنانچه سام میرزای صفوی در تذکره خود می نویسد : (۱) از قریب  
با میرزای مذکور سه باغ میرزا در طهران بطریق کتک در خانه  
و در خانه‌ی که مشهور به بیت العشرین است منزل کرده بودیم آن روزی که  
مطلع را در بدیبه گفته بدیوار خانه نوشت :

در داکه گل امیدم از باغ مراد      هرگز بهر آن حال شوگون کشاد  
افسوس ز هجر یار جانی افسوس      فریاد ز دست آن سرای بی کربان

گرچه کافی خوشنویسی و شاعری را به پنا به پندار ما استادان  
بمسلك عسکریت دوق پیدا کرد در عسکر شد شدنگامه بیست و نه  
گفته سام میرزا از طرف نهماسب سپه سالار که در آن زمان  
ریاست خراسان مدبر و بود، کافی تصاحب منصب بود و در  
جنگ شای خونی که در بین شیبک خان و نهماسب در سال  
( ساله شیبانی) و شاه نهماسب مداری بر سر آن عمیر شادان  
در گرفت در حمله دوم تبیین خان مذکور شهر مراغه را  
بخانه خواجه حبیب الله نام که یکی از خواجگان بختیاری  
بدست ترکان مقتول گشت و چشم از جهان پوشا نبود.

(میرزا) کافی مردی

نسب خود را به خواجه نصیر الدین طوسی در آن زمان  
همه خطا طان بوده .  
سام میرزای صفوی میگوید : کافی با میرزا نهماسب  
رفته در خانه‌ی که به بیت العشرین شهرت داشت بهای گرفتیم  
فی البدیبه سرود در دیوار خانه نوشت :

(۱) صفحه ۷۱ تعقیب سامی طبع تهران ۱۳۰۵

کفایت :

اسم آن محمد جعفر و از خوشنویسان هرات است پدرش محمد  
 مقیم خان نام داشت و محمد مقیم نبیره میرزا محمد حسین خان  
 خوشنویس است که ترجمه حاشی را در جای خودش مطالعه خوانند فرمود  
 محمد جعفر کفایت هر دو محاسب نیز بود از جمله خطوط تعلیق و  
 تکریم و سایر کتب عالی رسا نبوده بود و در عهد خود شوی را از  
 دست میرزا حسن میرزا در دربار شاه جهان کاشاه مغلی هند زندگی می کرد  
 در آنجا در کتب آموختن شاه به لقب کفایت خان رسیده بود و تقریباً  
 در آنجا در کتب آموختن شاه به لقب کفایت خان رسیده بود و تقریباً  
 در آنجا در کتب آموختن شاه به لقب کفایت خان رسیده بود و تقریباً

سایر آثار حسین هراتی :

مجموعه کتب و خطاطی و قاری قرآن کریم و خطاط معروف هرات است  
 در کتب خطاطی و سایر کتب تعلیق از سایر خطاطان  
 در کتب خطاطی و سایر کتب تعلیق از سایر خطاطان  
 در کتب خطاطی و سایر کتب تعلیق از سایر خطاطان

ای بیتو گورد فلک کجمدار حیف باشد زمانه و تو نباشی هزار حیف

این کتب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در همان نزدیکی بخانه خواجه حبیب الله

(سازگار) بدست قلمی چند شهید شد تاریخ شهادت ۹۲۲ بود چندی بعد مولانا شوقی

نموده مذکور را در چشمش تفسیر نمود

در کتب خطاطی و سایر کتب تعلیق از سایر خطاطان

بودی و در زمانه نظری نداشتی ای بیتو گورد فلک کجمدار حیف

تا که ز گردن فلک خون بر بختند باشد زمانه و تو نباشی هزار حیف

(۱) این کتب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در همان نزدیکی بخانه خواجه حبیب الله

و ندیمی شد و در سنه ۹۷۰ در حالیکه میخواست به هر دو شهر حج  
کند بمشهد رسیده مریض گردید و در همانجا و آن باقری

(۴)

مجنون

استش میر علی (۱) و اسم پدرش مولانا کمال الدین صاحب  
یا جمال الدین محمود (۳) مشتمل بر فقه و حدیث و کلام و اصول  
و صنعتگران معروف شهر است خطوط فنی و معانی و کتابهای  
بسیار متواضع شکره نظر و تکریم بود تا آنکه از آنجا  
در باره مجنون در کتابها و اشعار و کتب و کتب و کتب  
خوشنویسان اشتمالها و اشعار میر علی هر دو در کتب  
ذکر کرده یعنی همگرا است از کتب میر علی هر دو در کتب  
باشد صاحب پیدا ایش خطاطی و کتب و کتب و کتب  
قرار داده و می گویند که این کتاب در کتب و کتب  
اینست که میر علی مجنون در کتب و کتب و کتب  
و مجنون در او آخر قرین و کتب و کتب و کتب

معین الدین واعظ

مولانا معین الدین واعظ سمرقانی از اصحاب میر محمد باقر صاحب  
است ما نزد معاریخ النور و در ذمه الواعظین و سمرقانی  
و غیره نوی مانند معین الدین اسفا الدین در شرح معنی  
تفاوت که معین الدین اسفا الدین واعظ است و کتب و کتب  
مشهور و معروف بوده اند

(۱) صفحه ۹ و تذکره خوشنویسان طبرستان

(۲) صفحه ۳۰ جلد سوم حنیف السیر

(۳) صفحه ۲۱۵ پیدا ایش خط و خط طاب و طاب و طاب

Marfat.com

و آخرینیمه اول قرن دهم جهان را وداع گفته است همصغر سلطان حسین با یقرا بوده و در حبیب السیر هم او را در ضمن علماء و مشاهیر و خوشنویسان زمان سلطان مو صوفی ذکر کرده اند چندین خط متداول آن زمان را خوب می نوشت و از جمله استادان درجه اول بود چنانچه خود میگوید:

هر کس که بصفحه خطم دیده کشاد دل بر خط دلبران مهوش نه نهاد

در عالم خط منم مسلم امروز استادان را چندین خطی دست ندان

ملازم بر خطاطی و خوشنویسی طوری که از رباعی فوق هم معلوم میشود هم در آن و قریحه توانایی در شعر داشته این رباعی از او است:

خوش آنکه به عشق مبتلا گردیده بیگانه از خویش و آشنا گره یده

تجربا که از قید خورد و آریسته در میگذرد بی روی وریا گردیده

در عهد سلطنت سلطان محمد اول که در آن زمان که خاندان سید علی و رنگ های سلطان سلطان ز بر دستنی بوده است - طوری که استنباط میشود بعد از آنکه سلطان حسین سفیری بنهارس کرده و در آنجا بواسطه خط خوش و طبع لطیفش مقام نزد یکی را نزد شهزادگان صفوی مخصوصاً شاه هیرو و سایر گردیده بود یکی از استادان های او در صنعت خطاطی و خوشنویسی اینست که با هر دو دست یعنی دست

شرفی بغدادی

مولانا شرفی بغدادی شاگرد مولانا سعیدالدین عراقی است و بعضی او را شاگرد حسن الدین خطاطی نوشته اند در عصر میرزا سکندر کورگان بشیر از رفتن آن روز وی معجز بود و هر روز در کتابخانه وی پنجاه بیت کتابت می نمود وقتی که از آن کتابت بازماند و فارغ شدت میرزا سبب تقصیر از وی بر سید سلطان گشتند و او هم در یکروز کتابت سه روزه نمایم و بدستور میرزا مشغول کتابت شده و شاگردانش قلم تراشیدند آنروز تا نزد یک عصر یکپاره پنجاه بیت کتابت کرد و بهر آنکه سکندر فرستاد و فواش شاهانه دید.

مولانا شرفی را شامرخ از شیراز بهرات آورد و از وی قدردانی میگردد و چون

راست و چپ خطوط یکسان زیبا می نوشت خط او همان یعنی خط او  
 طرفه را او ایجاد نموده چنانچه خورش میگویند :

تو امان مخترع مجنون است      کز قلم چهره کشائی کشا کرد

ناشدم مخترع و صورت کش      عظام صورتش ز کف پودا کرد

از تالیفات مجنون سه رساله مستقل در اصول و قواعد این خط و تالیفات است که در  
 اول او رساله خط و سواد . دوم قواعد خط و طبع و سه سررسم الخط و تالیفات است که در  
 یکی ازین سه رساله خود را بنام سام میر رای معروفی (تالیفات او) کرده است و در  
 خود شهزاده مذکور در تالیفات سامی باین عبارت اشاره نموده است :

مولانا مردی درویش نهاد و انواع عمارت بر سر او نهاد و عمارت او  
 که داشت اشعار عالی می سرود و در آن گمان هم نمیشد که او در این  
 رفتی با بسفر او را بنوشته کنایه رنگارنگ کرد و آنرا در این  
 مدت یکسال گذاشت را نگاه داشت تا وقتیکه فرستاد به پایتخت و در آنجا  
 راستن کران آمد و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا  
 از بیروان طریق صوفیه در مسجد جامع کران گذاردی پس از آنکه  
 میفتاد و همان زمان احمد از در گذشت اما بعد از آن که در آنجا  
 طا قیه فرزندشان هرات پیدا کردند معلوم شد که احمد از راه بعضی از  
 عصر هرات تردد میکرد از آنجمله سید قاسم انوار را باین بهانه از هرات  
 نمود و مولانا معروفی نیز باشنائی احمد از مشهم شد و قتل شد

محمد بن علاءالدین رزقی، وی سخنت مشهور است آثار او کتب است

می آید آثار او از بهترین نمونه های تعلیق خفی است و در آن کتب  
 و شیرین تر نوشته ، خمه امیر خسرو و د هاری و خط او در آنجا  
 خطی وزارت اطلاعات و کلتور موجود است نگاری می گویند که در آنجا  
 می آید و من تا کنون کتابی بخوبی آن خط ندیده ام که باین کتابت  
 سرای یا یکدست نوشته شده باشد درستی تراشیدن و قطع نمودن قلم باین  
 کتابت نمودن کتابی بزرگ بآن قطع و آن قلم از قدرت بشر خارج است اگر

(۱) صفحه ۸۴ ته کره نجف سامی طبع تهران .

آثار فوق‌الذکر نه تنها در تعریف خط و اصول آن است بلکه حاوی نسخه های گرانبهایی در ترکیبات رنگها و ساختن سیاهی خوب می باشد از جمله در ترکیب یکی از رنگهای خوب جهت نگاشتن خط زیبا می گوید :

رنگیکه صفای خط در آنست از آب و حنا و زعفران است

از جمله دلالتیکه تا بت می کند مولانا مجنون بر خلاف قول صاحب یونانی خط و خطاطان در قرن دهم هجری زندگی می کرده با سلطان محمود بن طغرل هم عصر بوده است، اینست که خودش در ماده تاریخ رساله رسم الخط مکتوب می یابد :

چون از رسم خطش تاریخ دادم از آنش نام رسم الخط نهادم

بعصبان ایجاد رسم الخط سنه ۴۰۰هـ را نشان میدهد .

مجموعه هر کتابی را که استنساخ می نمود تاریخ تمامش را نوشته

زبان مستعربان را اشتباه دست نداده و با کاتب محمد بن علاؤالدین رزه می را علاؤالدین محمد تبرک نموده باشد بقین دارم این نسخه می است که صاحب دربان مستعربان آفریده و محمد معصوم خان ( صاحب تاریخ معصومی ) آنرا خریدار است .

در آخر نسخه چنین امضاء نموده : تمت الكتاب بمولانا الملك الوهاب تحریر افی شهر رجب المرجب سنه اثنان و ثمانین و تسعمائة کتبه الامیر الامیر فقیر محمد بن علاؤالدین رزه می لفر ذنوبه و ستر هیو به بولايت در قریه نشقان و این نسخه چند مجلس تصویر دارد و در یکی از مجالس نوشته شده که تصاویر از اول تا آخر کتاب بقلم محمدی است این محمد رزه می را فرزند علاؤالدین شاگرد سلطان علی مشهدی معرفی نموده اند و اگر علاؤالدین هروی و علاؤالدین رزه می دو تن بوده اند پس سلطان علی دو شاگرد بنام علاؤالدین داشته و اگر علاؤالدین هروی اصلا از باغروز بوده و در هرات بدنیآ آمده ، نشو و نما کرده و به هروی مشهور شده باشد، وی پدر محمد رزه می است و نیز در قدیم رزه باغروز



در اخیر آن بطور واضح امضای نمود چنانچه مجموعه خطوط او که  
جهانگیر پادشاه هند آنرا بصورت مرقعی تدوین نموده بود به امضای  
روشن و مزین بود . (۱)

امروز از نمونه های خطی مجنون و همچنان از نسخه های رسائل  
و تالیفات او کمتر اثری بدست می آید از مصنفات و آثار او تنها  
دو نسخه در بریتش موزیم لندن موجود است، یکی نسخه قلمی رسم الخط  
و دیگری خط و سواد . در سنه ۹۵۰ هجری وفات کرده است . (۲)

### محب علی :

مولانا محب علی یکی از صاحبان ذوق و قریحه خاك ناك كه در آن  
كه در نواختن موسیقی و مخصوصاً بی و همچنان در اوقات طبع و خوشنویسی  
شهرت تامی دارد دو پسر مولانا رستم علی خطاط معروف هرات می باشد . (۳)  
در ولایت فارس مسافرت های زیادی کرده و تقریباً نصف آنجا را  
او در آنجا ها گذشته است دوره جوانی شهرت او متعلق به  
بازمان سلطنت اسماعیل اول و تهماسب صفوی چون مولانا در  
خط نستعلیق را بر علاوه دیگر خطوط مخصوصاً خوب می نوشت

تا بیاد و حتی خود باخر جزو قصبات هرات شناخته می شده و الله اعلم  
سال وفات علاءالدین هروی بارزه می و پسرش محمد معلوم نیست

### مولانا محمود هروی :

ملقب به قطب معیشی سلطانی ملقب بوده و معاصر عبداللہ خطاط  
ششگانه خاگرد جعفر هروی بایسنقری است او اظهر هروی را در تاریخ  
تاریخ وفاتش نامعلوم است .

(۱) ص ۴ تل کرم . خوشنویسان طبع هند .

(۲) ص ۴۵ تل کرم . خوشنویسان طبع هند .

(۳) ص ۲۲۲ خطاطان مؤلفه عبدالمحمد ایرانی طبع مصر .

حرف شاری در بدیهه گوئی و شعر سرائی داشت مورد لطف شاه اسماعیل  
 و تهماسب واقع گشت و مدت مدیدی بحکم سلاطین و وقت به مصاحبت  
 مام میرزا پسر اسماعیل اول که از باب فضل و هنر را بی اندازه دوست  
 میداشت مقرر بود ولی بعد ها هنگامیکه سلطنت به تهماسب رسید  
 منصب علی را از سام میرزای برادر خود گرفت و جبراً به سید بیات که  
 یکی از شوانین و صاحب رسوخان عصر بود سپرد زیرا تهماسب تمام  
 بزرگان صفوی را نظر به حسن جاه طلبی چندان خوب نمیدید  
 چون سید بیات مذکور که مشهور به سید منصور است ذوق شاعرانه داشت  
 و تهماسب علی را محترم داشته پیوسته با او لطف و شوخی می نمود  
 و در آنچه لطف و خوشطبعی های این دیو خیالی معروف است . اشعار  
 سید علی بدین گونه بوده و نمائی آنخمس می کرده است . از اوست :

تا اول عشق تا نهایت عشق	توست شیراز بالامرات عشق
تا برم پیش او شکایت عشق	توست چمنون عاشق پیسته کجاست

( ملا ) محمد علی مروری :

در اوایل قرن یازدهم از جمله نسخ نویسان بوده . فکری می نویسد :  
 که بجز مانی قطعه ای از خط نسخ او در دست من بوده و بکدفقر از روضه الصغای  
 امیر خوانده و بخط نسخ محمد علی نامی در کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور  
 موجود است که حسب الامر شاه حسین صفوی نوشته شده که شاید خط او باشد .

( ملا ) محیی ( محیی ) باغدشتی :

از خوشنویسان بزرگ هرات است در خطوط ثلث و رقاع و نسخ و نستعلیق  
 استاد بوده . پسرش ملا محمد حسن در خوشنویسی شهرت زیاد داشته ثلث و نسخ و  
 نستعلیق را عالی می نوشت وفات ملا محمد حسن مذکور را ۱۱۳۰ نوشته اند .  
 بقایای کتیبه ثلث ایوان مزار حضرت پیر هرات بخط محیی بن محمد حسین تاکنون  
 باقی است و واقعا در کتیبه نویس از هیچ استادی دست کم نداشته بلکه برتری می نمود .  
 در ایوان گازرگاه چنین رقم نموده : ( کتیبه محیی ابن محمد حسین ۱۰۱۴ )

خلاصه چگونگی اوائل زندگی و زندگی علمی در پاره‌ها و کتب و در تمام تزک و تواریخ از او ذکری فرشته است - مگر آنکه در پاره‌ها معلوم است در سنه ۹۷۳ هجری قمری پدر و جدش در کتب و کتب علمی را در نوشتن اکثر خطوط مخصوصاً در نگارش خط نستعلیق می‌دانند -  
تعریف کرده اند -

محمد الکاتب بلخی :

عوفی در لباب الالباب خویش او را چنین می‌سراید :  
جوانی که شرح نظیر او ندیده و گردون درین کوهستان عالی است  
تر او نشنیده در خط پدر چندی که ابن ابی اسفندیار در کتب  
بهاد و ابن مقله دیده در خط خود در کتب و کتب و کتب  
و شرح قلمی ، که باز جوانی در کتب و کتب و کتب  
در شعر عدیل انوری - خط نظیر او در کتب و کتب  
عظا دل بساعت خلق و کرم طبع دانات است - در کتب و کتب  
و مردم داری موسوم و حال آنکه آن فاضل است (۱)

محمد اکبر :

پسر محمد جعفر کنایت ( بهر دین - در - هر جعه - بود )  
درایت ( بهر دین - در - هر جعه - بود ) است - جعفرین خط و کتب و کتب  
و بقول مولانا غلام محمد دهلوی صاحب آینه کبری او را  
( طبع هند ) با شاه جهان و عالمگیر شاهان مغلی جعفرین

محمد او بهی :

مولانا محمد او بهی از استادان و ناموران و خطاطان و کتب و کتب  
چندین خط دیگر را نیز خوش می‌نوشت صاحب آینه کبری او را  
مولانا احمد او بهی یاد کرده است (۲) راجع به شرح حال او معلوم است

(۱) صفحه ۴۲۰ و ۴۲۱ جلد اول لباب الالباب عوفی

(۲) ص ۷۵ آینه کبری

بیشتر بنظر نرسید لیکن اینقدر معلوم شده که علاوه بر خوشنویسی در نشر نویسی و انشاء نیز شهرت زیاد داشته است.

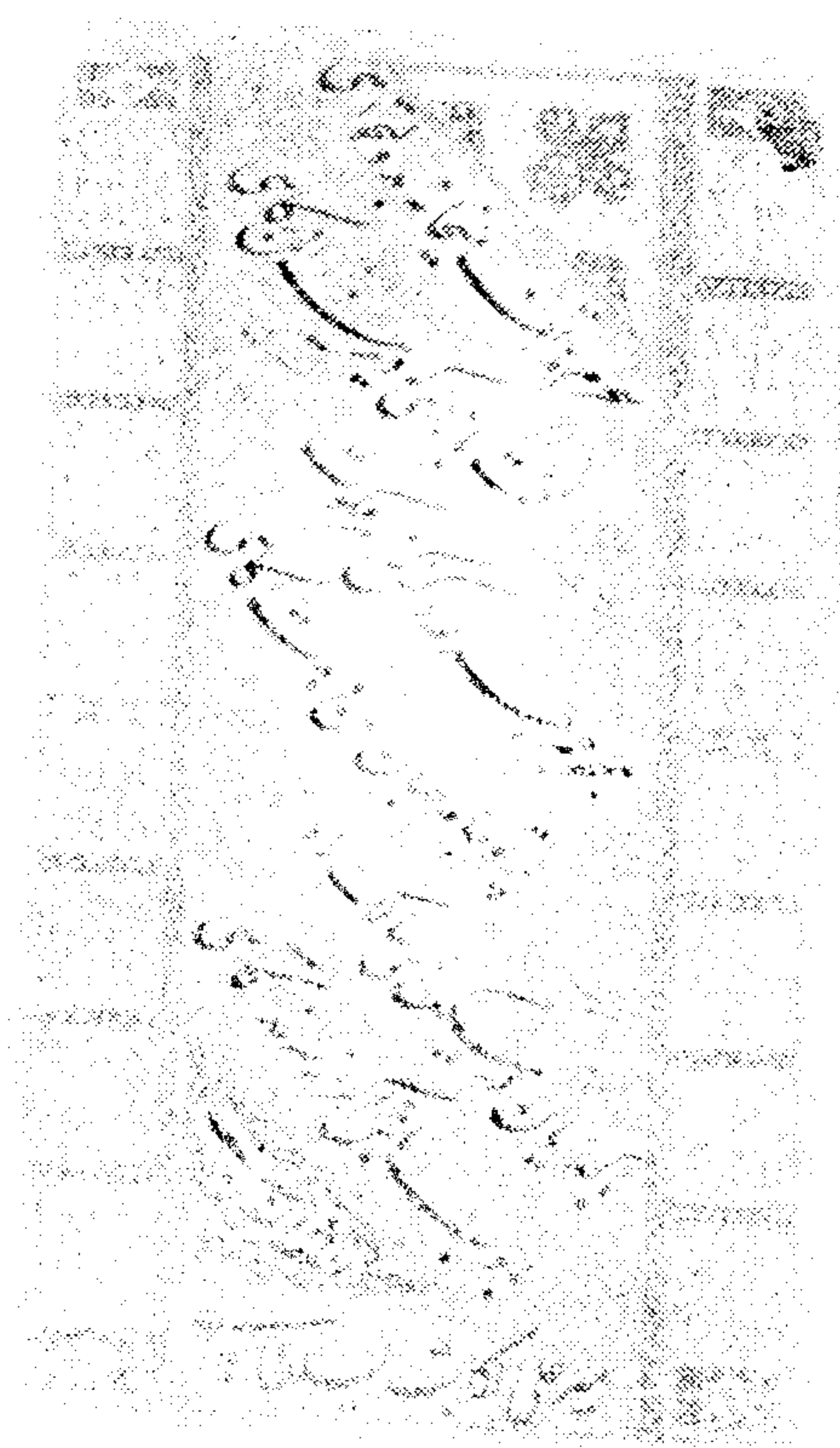
محمد حسین (میرزا) :

از خوشنویسان هرات و فرزند باهنر میرزا شکرالله است میرزا شکرالله از خوشنویسان و اقارب غیاث الدین خواند میر مولف حبیب السیر بود و خواند میر نواده خواند شاه (میرخواند) معروف صاحب روضه الصفا است که اجدادش از هرات به بلخ آمده و از مشاهیر آنجا گردیدند (۳) میرزا محمد حسین بنامیر حسدوحس جاہ طلبی تخلصی ز امرای صفوی در زمان سلطان محمد خدا بنده بن شاه تهماسب بن شاه اسماعیل صفوی از هرات و خراسان به هندوستان فرار نمود و در بار سلطان محمود پادشاه کورگانی هند مورد اعزاز و اکرام واقع گردید و بعد از در سلطنت امرا ی اکبر منسلک گردید و کمی بعد جهان را بدرود گفت .

(مولانا) میر علی هندی :

دوست محمد گوا شانی او را کمال الدین میر جان معروف به علی العسینی معرفی نموده و او بناهای مختلف : میر علی هروی ، علی العسینی ، علی الکاتب و علی ، امضاء می نموده . پسر میر باقر هروی ملقب به ذوالکمالین و از سادات جلیل القدر حسینی بوده ، میرزا سنگلاخ صاحب تذکره الغطاء طین میر علی را طوریکه تذکر یافت پسر میر باقر میداند ولی چنانچه ثابت است میر علی هروی پسر ی بنام میر باقر هروی داشته که مانند پدر در استملیق مقام استادی داشته که او را

(۳) ۲۵۱ افغانستان در عصر کورگانیان هندوستانه قلمی مولف عبدالحی خان حبیبی



نمونه‌ی از خط عبور علی شمس  
مرکز خط استوا از ۱۳۵۰

۴

محمد قاسم :

اصلاً از هرات است اما در کابل و غیره ولایات افغانستان مدتهای زیاد مسافرت کرده است در خوشنویسی شهرت داشت اقسام خطوط متعدد اول مخصوصاً تحت تعلیق، ثلث و کوفی را خوب مینوشت - در سنه ۱۲۴۰ هجری و قمری در کابل وفات یافته است آثار خطی او در کلاسیکون های شخصی زیاد است .

محمد موسی :

پسر محمد جعفر کفایت و برادر عبداللّه درایت و محمد اکبر احمد چندین خط را خوب می نوشت و از خوشنویسان عصر شاه جهان و عالمگیر شاهان مغلی هند بود .

بامیر علی به بخارا بردند .

درین صورت اشتباهی وارد می شود و محقق نیست که آیا پدر و پسر میرزا مروی نامشان میرزا باقر بوده و یا نوشته میرزا گلکلاخ - چه باشد غیر باقر در کتب میرزا علی شهرت دارد آنرا در اترسپه کاتب و ولد میر علی هند اشتباه است میرزا علی مروی طولانی داشته و در بخارا بکنایه بخانه سلطان عبدالعزیز میرزا محمد ازبک مصروف کتابت بود . تا چشمش از بیخایی افتاد دستگیره نویسان سال ۱۱۸۰ او را ۹۶۶ و ۹۷۶ نوشته اند که درست نیست که آنچه تذکره الاحباب از عبارت میرزا علی فوت نموده ( ۹۵۱ می نویسد صحیح است .

میر علی از همه خطاطان عصر خویش حتی از سلطانی علی مشهورتر بوده بود . بهترین نوشته بعضی تذکره نویسان که او را میرزا علی میخوانند در کتب میرزا علی نوشته اند غلط است زیرا خودش در رساله مدار الخطوط در آداب مشهوری تعلیم خط که تألیف نموده در آغاز رساله خود خودش را چنین معرفی نموده :  
 حقیر فقیر میرزا علی مروی در اشرافتی چند ساخته و سطرهای اند در قراعت و قوانین خطوط مضبوط که آساندان پیرامون آن نگینند و در پنداره نا طالبان صورت خطوط را حظی باشد .

فنگری می نویسد : من چندین کتاب و رساله و قطعات چه در هرات و چه در

محمد مؤمن :

بحر عبد الله مروارید و مانند پدر در هرات نشو و نما یافته و صاحب فضل و کمالات شده است . اکثر خطوط را مانند پدر فوق العاده خوب و زیبا می نوشت :

چون سلطان حسین با یقرا پدر و د زند گمانی گفت و بعد از وی بهمرشد بدایع الز بر تخت سلطنت جلوس نمود طوریکه تاریخ شاهد است شرح و شرح های زیادی جای گیر نهضت و صنایع هرات شد و شهرندان از دست ظلم و جور و کشمکش و قتل و غارت امرای و جوانان این بلوک انطوائی فارس و ماوراءالنهر آن شهر زیبا و نامور را ترک گفته بهر طرف گشتند محمد مؤمن بجانب فارس و قزوین مسافرت نمود . شاه اسماعیل صفوی از هنر خوشنویسی و سلیقه نگارنده پدر بهر شیویشش خواند و مورد عنایت خود شد . کتاب های پدر جمله خوشنویسان کاتبان سلطنتی مقرر شد .

کتاب درجه و درجه های دیگر بخط زیبای میر علی دیده ۲۱ که هر یک از آنها بجهانی منقذ شده از آن جمله مرثیه شامل ده نظم که منسوب به حضرت امیر المومنین علی (ع) است ( کتاب الحمد و یاد الوجود و المعجذ و الملکی ) را بقلم یک دانشمند و نیم درجه آنرا بخط خفی نوشته بکتابخانه مرحوم قاضی ملامحمد صدیق قاضی مراغه هرات دیدم و مدتی نزد اینجانب بود که در آخر آن چنین امضاء کرده بود :

کتابه العبد المذنب میر علی الکاتب بتاريخ شهر شوال سنه ثلاثین و تسعمائة .

و در دیگر نسخه های کتابی که علی الکاتب امضاء نموده با جلد مرتبه دار و خفی که بکتابخانه در کتابخانه ارگ دیده ۲۱ .

در دیگری مشقوی گل و نوروز خواجهوی کرمانی با امضای علی الحسنی در مشهد دیدم . هم اکنون در کتابخانه نسخ خطی سه کتاب بخط میر علی مروی یا میر علیان مروی موجود است اول نسخه ایست عالی از بوستان سعدی دارای چار تابلو مناظر دور نمای بدون تصویر انسان و حیوان که در آخر چنین تمضا نموده است علی بد العبد المذنب العبد علی الحسنی الکاتب فی اواخر شهر الشوال احدى و عشرين و تسعمائة بقدمه الثریة العبدیه (۹۲۱)



مسکن گزید معین الدین پس از مرگ پدر به سرزمین دکن بسر میبرد .  
 به فضل و هنر و خوشنویسی شهرت داشت در زمان شاه جهان با  
 شهزاده دارا شکوه بقندهار آمده پس از مدتی واپس  
 بهند مراجعت نمود در سنه ۱۰۶۴ هـ - از طرف شاه جهان به منصب  
 دیوانی و بخش گیری ( که شاه دستوفیت باشد ) و واقعه نویسی محمود  
 ملتان مقرر شد در عهد عالمگیر به رتبه دیوانی کابل مغور گردید  
 لقب امانت خان به او داده شد علاوه بر آن معین الدین احمد در عهد شاه عالمگیر  
 به مناصب و وظائف دیگری نیز رسید که ذکر آنها در سوره بعد از  
 لزومی ندارد خلاصه معین الدین احمد در جمله خطوط شاهان و  
 آن عصر خط شکسته و نستعلیق را زیبا می نوشت و کتابها نیز جمعی از  
 الاسلام که در آداب شریعت نسخه ای است جامع از مؤلفان است و است  
 در ۱۰۹۵ هـ بهند مسافرت نمود (۱)

مقصود هروی :

یکی از رجال دربار حاکم بنگال در ۹۹۳ هـ هجری در بنگال  
 هندی بود، خطار قناع و نستعلیق را خوب می نوشت و در عهد  
 بزرگ بود استرلاب و کوره برهنه ای چندا جدا بر سر کوه  
 بشگفت در آورده و در دوره اکبر پادشاه در این خط و سوره  
 هنر های خود بکتا بود . (۲)

ابن مردودمی مغربی دیوانه خواجه دود بکشویه دهم ما در  
 ۱۰۱۸ ثمان شهر دالت من الهیة النبویه برده است و در  
 علی بن میر کاخواجه علی سمرقندی و در خط بزرگ  
 الحاق شده که چنین خوانده میشود در این خط  
 سمرقندی .

(۱) صفحه ۲۵۸ - ۲۶۸ ماثر الا ارا حلف اول طابع هند

(۲) صفحه ۳۱ آئین اکبری .

مقصود هر وی تا سال ۹۵۱ هجری در هرات و فراه بسر می برد  
ولی هنگامیکه هما یون پادشاه هند برای دفعه دوم بکمک تهما سپ  
صفوی بقصد هرات و فراه و سیستان و قندهار حرکت نمود در سنه  
۹۵۴ هـ مو قعی که به فراه و قلاع فراه رسید  
سید مقصود را که در علم و کمالات و خوشنویسی معروف بود با خود  
گرفته بهند برد چنانچه مولف اکبر نامه در ضمن ذکر احوال بعضی  
از ناموران هرات و فراه و سیستان و قندهار که هما یون ایشان را  
به همراهی خود تعیین نموده بود درباره او می نویسد :  
(حواحه مقصود هر وی مرد پاک طنیت و پاکیزه روزگار بود . به  
ایمان و دیانت و صدق و صیانت اتصاف داشت و از ملازمان حمیده صفات  
حضرت مریم مکاتبی بود علمی الدوام در حوالی هودج آنحضرت  
بوده التزام خدمت داشت از او دو فرزند سعادتمندمانده که نسبت  
کوکلتاشی حضرت شاهنشاهی دارند . یکی سیف خان، و او در سال  
فتح هرات در رکاب اقدس شربت خوشگوار شهادت نوشید، دیگر  
دین خان کوکله که بهزید ارادت و اخلاص و نور عقل و کیاست و علوفهم  
و ادرالدو فرزند فرزندانگی و مردانگی از منظور ان نظر عا طفت حضرت شاهنشاهی  
بوده و او را یکی که با ر منسلک است (۱) متاسفانه سنه فوت خواجه  
مقصود بدست نیامد .

ملا محمد حسین (خلیفه):

از خوشنویسان قرن دوازده و اوائل قرن سیزده هجری هرات است .  
پدرش ملا عبدالاحد نام داشت تحصیل علوم را به نزد پدر خود نموده  
در فن خوشنویسی از شاعر دان میر عبدالرحمن هر ویست .  
از آثار خطی او یکی دشنوی مولانا جلال الدین بلخی است که با  
نهایت زیبایی به خط خفی نگاشته و به سردار محمد عمر خان حکمران

(۱) صفحه ۲۲۲ اکبر نامه طبع کلکته .

هرات اهداء نموده است از شعر و ادب نیز بهره کافی داشته و در سنه ۱۲۲۳ هـ ق وفات یافته است (۱)

ملك حا فظ :

پسر ملك غياث الدين كرت است كه بعد از برادر خود ملك شمس الدين كرت از سنه ۷۳۰- الی سنه ۷۳۳ هـ ق والی هرات بود . جوان نيكو سيرت بود از فضل و علم و هنر بهره کافی داشت و به خصوصاً خطوط متداول عصر را نيكو می نگاشت (۲)

منشی مولانا عبدالحي :

منشی هراتی الاصل و در خط تعلیق سرآمد خوشنویسان هرات بوده . سلطان ابوسعید کورگانی مدت مدیدی در رأس دیوان انانگ داشت و بنوشتن مفاصیر قیام مینمود پس از آنکه سلطان ابوسعید در سنه ۸۷۲ هجری در سرکسجیر بلاد عراقی عجم و آمد در راه در قرا باغ بقتل رسید از هرات بطرف فارس مسافر بود که در نظر امیر حسن بیگ آق قویونلو واقع شد و تا اخیر وقت به آنجا نرسید . ترکمانان آق قویونلو به همان رتبه منشی دیوان منصوب بود .

میان لعل خان :

برادر محمد موسی فوق الذکر و پسر محمد جعفر کنگانی است . ما نندد بیگر برادران خود و با شاه جهسا و با هم عصر بوده است .

میر علمی هروی :

صنعت خوشنویسی و آو چه لخط خوب با مری است طبیعی و خوشنویسان و خطا طان در مما لك اسلامي عمومًا در هرات خصوصاً نظر به انانگ

(۱) کلمکسیون سال ۴ مجله ادبی هرات .

(۲) رساله ملوک کورت مولف پناغلی گویا اعتمادی نسخه غیر مطبوعه است .

بمدیریت عمومی تاریخ .

اوقات عزیز خود را صرف قرآن نویسی و استنساخ کتب الهی می نمودند و برای اینکه علما و امرای آن ها را رضی بودند از همه محترم تر و مقام ارجمندتری را احراز نموده بودند به همین جهت حسن خط و خوشنویسی پیشرفت بسزایی نمود و ذوق نظر فاضلی و خوش سلیقه‌گی در سلاطین و سایر رجال خطه هرات پرورش یافت .

انسان خطوط متداوله در اسلام چنانچه آثار و بقایای آن ها مشهور در آبادات تاریخی هرات و نسخ خطی که از آنجا بدست آمده است نشان دهنده شهرت و در هرات و در نهضت و ترکی خود را طی کرده است و آن معروف هرات هر يك بذات خود خواه یکی یا چند تای آن را عتقا با اندازه‌ی خوب می نوشتند که شهرت و اعتبار آنها تا کنون زیاده از حد است و تاریخ کشور است خط نستعلیق نیز که در اوایل قرن نهم هجری بطهور رسیده و از خط تعلیق زاییده شد و مخترع آن میرعلی میرزای را میدانند منتهای ترقی خود را در هرات پیموده است استادان این خط از آنجا به میان آمدند که اگر هر کدام از آنها در گوی شهر کاری و ابتکار را بنمایند حق دارند از جمله کسانی که در هرات به نوشتن خط نستعلیق شهره آفاق گردید مولانا میرعلی هروی خطاط و خوش نویس معروف وطن است این استاد مشهور پسر محمد باقر ذوالکمالین است که خود نیز از اجلاء خوشنویسان هرات بشمار میرود .

میرعلی بدوادر هرات بکسب علوم و فضایل پرداخته و در اثر کوشش و مجاهدت های خستگی ناپذیر پدر خویش از علمای برجسته گردیده در عرض و ادبیات سرآمد شد سپس به نزد پدر خود به تحصیل علوم خطی پرداخته بعداً آنرا به نزد سلطان علی خطاط معروف بحد کمال رسانید بعضی مورخین و تذکره نویسان مانند میر حیدر صاحب تاریخ رقمی و همچنان صاحب تاریخ کشمیر او را از شاگردان زین الدین محمود خوشنویس میدانند .

واقعیت که میرعلی در میدان خوشنویسی گوی سبقت را رانده

به ذروه اعتبار و اعتماد خود رسید در هرات هرج و مرجی به اثر جنگهای  
 خونین که در بین اسماعیل صفوی و محمد خان شیروانی در گرفت  
 رو نما گردید (در حدود ۹۴۳ هـ - ق) درین وقت خواجه نصر الله بن  
 عبدالله که از اجله بزرگان و اشراف هرات بود جمعیتی را ملزم خود  
 قرار داده بجانب ساور و انهر شتافت (۹۴۵ هـ - ق) از جمله اساتید  
 با او همراهی نمودند یکی میر علی مروی بود -  
 چون به بخارا رسیدند خواجه نصر الله بن محمد الله در حق او قوی نگذاشتند  
 احرام نسوه مکانی مطلوب برای ایشان تعیین کردند و ایام مسجول کتاب  
 گردیده اغلب اوقات خود را بکلمات عظیمه و کلمات الهیه و شریفه  
 صاحب تحفه سامی می نویسد درین اوقات در شهرت کتابت و تالیف  
 زیاد قوه باصرد اش صمیمت گردیده بود تا آنکه چون در کابل رسید  
 چندین خط مقدم اول آن عصر را در آنجا می نویسد که در آن وقت  
 در نگارن خط نستعلیق بود و اساتید میر علی مروی در آن وقت  
 خوش نویسی و خطاطی در صنایع شیرین تیر از جمله کتب کتب کتب

( ایرو ) مالک دبلای :

از شاگردان میر علی مروی است . او لا یزید بود و در کابل خطاطی  
 کرد و بعد از آن هر شش قلم خط را آموخت و یاد بهر آن آمد جمله تالیفات  
 خط نستعلیق نزد میر علی مروی که شید تا بمقام استاد رسید و در  
 و به کتابخانه سلطان ابراهیم مکتوبات مشغول شد تا سال ۹۶۹  
 فزون برد . بحال ۹۶۹ و فات یافت .

معینی باغدشتی :

ملا یحیی مشهور به معینی باغدشتی از معینی مروی است . هرج و مرج  
 کتیبه مزار حضرت خواجه انصاری (رح) در اواخر ۱۰۰۰ بخط کاتب عالی نوشته شد که آن پیش  
 باشیده و در بیان آن چنین اسماء نموده : کتیبه معینی بن محمد حسین مروی  
 و در زیر آن بخط کوفی نوشته شده : عمل امام فلی خاتم این

خود بود اشعار او خیلی رنگین و بدیع است از روی بعضی آثار منظوم و اشعارش معلوم میشود که پیوسته به نسبت دوری و جلای وطن و زحمت بوده و از حیات بخارای خود خیلی شکایت داشته است چنانچه میگویی :

همری از مشق و تا گشت قدم هم چون چنگ

تا که خط من بیچاره بدین قفا نون شد

از این کتبه آنچه باقی است از بهترین خطوط نکت کتبه نویسن هرات بشمار است کتب و قطعات زیاد بخط نستعلیق با مضای معینی هروی دیده میشود که تاریخ آنها بمسال ۱۰۱۶ کتبه گا زر گاه نزدیک است .

اینکار دارد که معینی ثلث نویسن و معینی نستعلیق نویسن همان یک نفر بوده باشد دیگر چنین باشد معینی هروی بهر دو خط ثلث و نستعلیق مهارت تام داشته است . یک نفر صوفی در باغدشت شهرت داشته که علاوه بر شهرتیکه در عام داشته تشریفاتی او نیز ستایش میشده و نسبت به خطاطی شهرت او بفلم و تصوف زیاد تر بود و آن به شیخ معینی باغدشتی شهرت دارد .

صوفی موصوف دیوان شهر صوفیانه دارد که در هند سهواً بنام شیخ عبدالقادر گیلانی خورشیدالاعظم طبع شده و نویسنه عالی بنام فتح الحرمین در مناسک حج دارد که آثار شهرت بنام شهرت جامعی معرفی می نماید چندین سال قبل نسخه ای از آن بخط نستعلیق معینی هروی دیده شده که باین بیت آغاز یافته :

ای دو جهان غرقه آلائی تو کون و مکان قطره در پای تو

این نسخه فتوح الحرمین ۱۲۷۹ هجری در بمبئی بخط نستعلیق زیبا طبع شده و نسخه ای از آن در کتابخانه فکری موجود بوده این چند فرد را که در نعت شریف است از آن نقل کرده است

این چه زمین است که عرش برین	در شك بر د با همه رفعت برین
نخل نبوی سر زده ذی آب و گل	کش نعره بوده همه جان و دل
دسته ازین باغ بسی گل زنجیب	کش شده جبریل امین عند لیب
علت غامبی همه عالم او است	سر در او لاد بشی آدم او است

طالب من همه شاهان جهانند و مرا  
 این بلا بر سر من است و خط آمد امر و ز  
 در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد  
 و ه که خط سلسله پای من معجزون شد  
 که ازین شهر مرا نیست ره پیرون شد

و ا سطره فیض و جود همه  
 نیا ز دم بر تخته مکتب قلم  
 ای شرف عرش بسه نعلین تو  
 خطبه در آن روز بنام تو بود  
 معجز تو تا باید چو نکه هست  
 آن نکه شرف یافت به دید از تو  
 ما نه تو دیدیم و نه آنکو تو دید  
 خود بخود از تو بخیا لی خو شیم  
 محنت مجنون و غم کور هکوی  
 ما ز تو محروم و موز آواز تو  
 تو بهمه لطف و عطا و کرم  
 محیی از افسانه دل لب بیند

ز ا بطینه بود و نسودت مصیبت  
 هر خط پیشینه کشیده از قلم  
 و ی گهر فقر و غنا از این  
 که نه زبان بود و نه گفتمی سینه  
 در و نق دین تو نیا بد شکست  
 چنان چه بود تا گمده این  
 او دگری هم که با تو بود  
 پیش نظر از تو منای این  
 این در نظر خا سته آن از تو  
 گشته چنین عا شق نیا این  
 چشم عطا جو بر تو ای  
 کو دل تو با از آن ها بود

فکری علاوه میدارد: برخی از مناخرین منظومیه‌ها به همین سبب  
 بنام مناسک حج، جامی منسوب داشته‌اند. شایر بهیچ‌اندک حدس نزنیم  
 نیز در ذیل رساله فتوح الحرمین نوشته شده این رساله در اوجاصر در سال  
 شاید تخلف محیی را بجایم بدل کرد، باشند.  
 عارف جام نیز چنین منظومه‌ی داشته شاید هنگام طبع  
 رساله را بهم آمیخته باشند.

وفات شیخ محیی باغدشتی سال ۶۲۸ هـ قمری در اوجاصر  
 تاریخ وفات او است. نیز فکری می‌نویسد:  
 توان گفت شیخ محیی باغدشتی در محیی مروی یکی بوده زیرا رساله فتوح الحرمین  
 محیی باغدشتی را طوریکه تذکر یافت بخط محیی مروی دیدم گرچه از رفیق آن واضح  
 نبود که شاعر و نویسنده یکی باشد و هم از امکان دور نیست که فتوح الحرمین  
 محیی باغدشتی را محیی ام خوشنویس دیگری نوشته باشد. بهر حال محیی باغدشتی

در سنه و محل وفات و مدفن میر علی هر وی اختلافات فاحشی موجود است .  
 چنانچه از جمله سید حسن خواجه نقیب الاشراف بخاری صاحب تذکره مذکور احوال  
 که یک نسخه قلمی آن به نزد فاضل محترم هاشم ذابقی مشاور وزارت  
 معارف موجود است تاریخ فوت او را به سنه ۹۵۱ هـ نشان داده می نویسد :  
 (میرزا بیگک دیوان) او را بخواب دیده و از تاریخ وفات او پرسیده ، ملا  
 میرزا ابوبکر گفته که (میر علی فوت نموده) میرزا بیگک مذکور  
 این تاریخ را تنها من نظم پوشا نمیده :

میرزا ابوبکر نقیب الاشراف بن محمد حسین نیک نوبس کشیبه گارزگاه شریف بطن قوی  
 و شکر است ، مکر ملا مجیدی باعدستی پدر ملا محمد حسن خوشنویس خط نیک  
 و کاتب بوده است تذکره نویسان سال وفات محمد حسن را ۱۱۳۰ هـ نوشته اند .

محمد بن سلطان شهابی

میرزا ابوبکر نقیب الاشراف بن محمد حسین نوبس کشیبه گارزگاه شریف بطن قوی  
 و شکر است ، مکر ملا مجیدی باعدستی پدر ملا محمد حسن خوشنویس خط نیک  
 و کاتب بوده است تذکره نویسان سال وفات محمد حسن را ۱۱۳۰ هـ نوشته اند .

محمد حسن کاتب سرودی شرح حال او در حصه اول کتاب آمده چون بنام کاتب شهرت  
 در شهرت یافته خطاطی قوی و درت بسزا دارد در این حصه هم او را ذکر کردیم . چون محمد  
 کاتب در هر دو جنبه نقاشی و خطاطی بدرجه استادی رسیده در هر دو حصه نقاشی و  
 خطاطی قابل قدر و توصیف است .

اما شهرت او در هر دو جنبه هنری همین د بو ان حافظ او که با امر  
 رسیدن حسن پسر سلطان حسین با بقرا نوشته و تصویر و تندعیب آنرا نیز خودش  
 نموده است ثابت میکند ولی با شهرتیکه در هر دو جنبه هنری داشته از شرح حال  
 پیش ازین معلوم نیست و سال وفاتش نیز مشخص نیست .



در واقعه دیدیم یا تلوار ستون  
گفتا که بگو: میر علی فوت نموده

آن بحر فضایل سرار باب هنر را  
گفتیم که تاریخ و فات تو چگویم؟

میر محمد حسین هروی :

میر محمد حسین همان ما ما بازار خا لوی (امیر خلیلی هروی است) در روز پانزده  
خواجہ صالحی وزیر است که اصلاً از باخرز رسیده و بعد مرآت از لنگر بیگریم  
از خاندان باخرزیان مقیم هرات است که از قدیم تاریخ نام خیرین را آورده و در آن درود  
میر علی هروی است، شاه تیمانش در راه قزوین خوارزمشاه علی گریز از او بگریز  
آن شخص خواست شاه تیمانش به هراتش از راه بلخ و پارس به هرات برسد  
بعد از فوت شاه تیمانش میر حسین در گشت و باز آمدن به هرات و در آن  
مصرفی بود و سال وفاتش را شیخ است

در کتابخانه نسخ خطی که بل بلخات و اولیانا سرود (از معین هروی) در آن  
است که در آن عبارت ذیل آمده است: (کتاب اولیانا سرود) در آن  
الله الولی محمد حسین بن تیمانش از معین علی گریز از او بگریز  
سه نه ... که تنها از باقر سلسله سلطنت معشوقین شده و در آن مورخین  
شا بد ۹۸۰ یا ۹۹۰ بوده باشد.

محمد حسین تبریزی :

ملا محمد حسین تبریزی از شاگردان میر سید احمد آهو تبریزی است  
تحصیل خط از تبریز بخراسان آمد و کوشید تا به کربلا بیاید  
و چون میر عماد قزوینی شاگرد وی بیمار آورد که در آن وقت  
خط کرد بد.

سال وفات ملا محمد حسین در ۹۸۶ نوشته اند.

میر محمد صالح هروی :

محمد صالح از معاصرین جعفر حبیبی و شاگرد قاسم خوشنویس بود و کتیبه  
گریاس مسجد سعید به هرات بخط او بود که بسال ۱۰۱۸ نوشته بود و بیست و

و باز صاحب تاریخ کثیره او را چنین توصیف و تاریخ و فاش را به

قبول که حاجی محمد سرور تا جر مرا تی مسجد سمد به را سر از او آ باد  
کیر د آ و کثیره را حرك و عو ض آن شماری بخط نستعلیق منو سط  
نوشته است .

این مصنف صالح که صریحا بنام محمد صالح هر وی امضاء میکند تنها بد  
عنوان محمد صالح خوشنویس پس مور ذرا اوتراپ اصفها فی ومیرزا محمد صالح  
خاتون آباغی تا گردان میر عماد اشتباه شود .

اثران ایران سمد با مدرسه مذکور کثیره ی بخط ثلث بسیار عالی با مضای  
مستند است . کثیره ی گنج پسری شده . بود آن نیز میان رفت .

میر محمد صالح او بهی

او شاعر بوده قاضی تخلص میکند ، او برادر شفیعای خو شنویس است خطوط نستعلیق  
و بسیار دیده از آن جمله قر در نوشته فکری مثنوی مر لوی بلخی در  
کتابخانه چاغلی صالح خط بر و نقا موجود است نیز کلیات عرفی شیرازی  
بخط او نگاشته است . آنگاه محمد علی خطا طموح داشت که چون در آخر امضاء  
قرده (تتمت بران الفصح المتکلمین افضل المتأخرین فی شیرازی کتبه العبد المذنب  
محمد صلاح الاویسی قور بر آ به در سلطانه مرات ۱۰۳۴ ه نیز فکری می نویسد : اکنون لوح با بان  
پایه حسن خان او بهی پند میر محمد صلاح موف در او به بخط او موجود است که عالی نوشته .

میر محمد شفیع حسینی او بهی هر وی

میر محمد شفیع بالی قوری همان شفیعای حسینی شکسته او پس است او نیز بحر  
حسن جان و بر او در میر محمد صلاح میباشند فکری میزند پس : خطوط نستعلیق  
او را مکرر دیده ام که میر محمد شفیع حسینی امضاء نمود . چون خطوط شکسته  
نیاید نیز موجود است که با امضاء محمد شفیع حسینی که بنام شفیعای هر وی  
نوشته است در نام او تصحیح نام با اینکه میر محمد شفیع شکسته او پس و  
محمد شفیع نستعلیق او پس هر دو یک نفرند هم اکنون لوح بالای سر حسن جان (او بهی  
پند میر محمد شفیع و میر محمد صلاح بخط نستعلیق محمد شفیع حسینی در او به موجود است  
که در دو سر دو لوح بخاک پند خود ما نوشته اند .

سنه ۹۵۴ هجری قمری قرار میدهد در ترکیب خط از مشهور قاعده کتب شاکر

( مولانا ) معین الدین اسفزاری

از اسفزار ( شین دود ) هرات است . کتاب روضه الجماعه فی احوال و تدوین الیهودین تألیفات او است در خط تعلیق روش تاج سلمان و خواجه عید العلی شش در اسفزار میگرد . از شاگردان عید العلی است تاریخ و قاتش معلوم نیست .

مولانا محمود اسفزاری

لقب از ( قطب مذهب سلطانی ) بوده و با عبداللہ صاحب مذهب بود . خطوط ششگانه شاکر جعفری بنا شده است . از الیهودین اسفزار است . همپایه با قوت دانسته اند . شان و قاتش مجهول است .

محمد اکرم اسفزاری

محمد اکرم از غو شنو بسان نیمه قرن ۱۲ و در خط تعلیق در اسفزار داشت قطعه و نوشته او کمتر بنظر رسید . یکقطعه سنگی در اسفزار در جاه مدرسه سعدیه بدیوار ایوان نصب است و باقی کتب بخط او در آن آن حک شده که قدرت دست و قلم محمد اکرم از آن بختیبر معلوم میگردد . این چاه که چون زمزم بیت الله است آبش موش و عاب و در اسفزار در سال هزار و یکصد و پنجاه و هشت با نیش محمد اکرم شاکر از اسفزار مناسفاً نهنگام تخریب و تعمیر جدید مسجد سعدیه این سنگی تعمیر گردید . بخط ثلث محمد امین نالینی که در داخل ایوان بود اسفزار

صفحه ۸۷۵ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

محمود بن سلطان نعلی

از خوشنویسان کم نام قرن دهم است و نام او کمالک از سلطان علی شاکر خوشنویس سابق الدکر است اگر چه ممکن است که سلطان علی بود . محمود اصلاً خوشنویس نباشد ولی خوش خطی او موهب این است که بارها در اسفزار

## زین الدین محمود کاتب بوده در خدمت استاد قدم چون قلم از سر

نشر مندان خوشنویس باشد از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه دوران امیرشاهی سبزواری بقلم و کتابت خفی خوش بارقم و تاریخ: کتبه العبد  
الذلیل محمود بن سلطان علی سنه ۷۶۹ که ظاهراً مقصود ۹۶۷ می باشد و ارقام ر.م از  
راست بچپ نوشته است در کتابخانه سلطنتی تهران .

یک نسخه دوران قاسم انوار بقلم و کتابت جلی عالی بشیوه میر علی هروی و سیا رشید  
و استوار که چنین تمام می شود :

یک دفعه انوارج من کتابتی فی شهر ربیع الثانی سنه ثمان و خمسين و تسعمائیه  
در کتابخانه سلطنتی تاریخ علی بن الفقیر الحقیق محمود بن سلطان علی سنه ۹۵۸ غفر ذنوبه دستر عیوبه  
و در کتابخانه اسلامی ترکستان است .

نسخه ۱۷۹۹ استملیق نویسان دکتور بیانی .

محمود الجعفری - شیخ :

خوشنویسی گنگنام قرن دهم و بخطوی یک قطعه از مرقمی در کتابخانه خزینه  
سلطنتی است بقلم کتابت خفی متوسط بارقم کتبه شیخ محمود الجعفری  
نویسنده تهران گذرگاه هرات .

نسخه ۱۷۹۹ استملیق نویسان دکتور بیانی .

محمد حسین هروی :

در مناقب هنروران است که شاگرد میر محمد باقر بن میر علی هروی است تاریخ  
رفاتش معلوم نیست . (۱)

ابوالقاسم رفیعی :

ملا محمدملی هراتی متخلص به هراتی از اساتید زمان و مشاهیر دوران دوازدهم  
نویسان بنام روزگار بود پدرش ملا دستمعلی از فضلی متبحر در علوم  
و فنون آن عهد بود و پسر خواهر بهزاد نقاش که از مفاخر قرن نهم است  
می بود در آغاز در کتابخانه سلطنتی سلطان ابراهیم میرزا کتابت بود  
و بسیار از کتب مهمه را بخط خود نوشت و بیشتر آنها را برای ابراهیم میرزا

(۱) صفحه ۱۱۸ خط و خطا طان

گرده هم چون نئی خامه کمر فرمان برداری بر میان جان بسندگی گویندگان را مدن

تر جدا میگرد چون شهره آفاق کرد بد آوازه اش بگوش شناسان بهمان سبب  
 اول (۹۳۰ - ۹۸۴) رسید ملا محمدعلی (از مریدان طلبیه در قزوین و عضو مجلس  
 مقرب گردید و در کتابخانه شامی بکتابت مشغول شود و بعد از آن از طرف  
 شاه و دربار بان مورد الطاف گویند گوی دافع میگردید با دشمنان و عیال  
 و کتاب زندگانش در هم ریخت و در سال (۹۷۳) رفقای گردیدند هم ملا  
 از این مصراع است :

(ملا محمدعلی را خافیا ما ندانیم)

صفحه ۸۱۴ - تعلیق نویمان در کتب دیوانی

محمد قلی کتاب هردی :

بخط ای يك نسخه چون عهدت در موزه کتابخانه دولت بهمن در شهر تبریز  
 خوش نامت در لادن عین علمی و در تحقیق محمد علی کتابت عمر در تبریز  
 شهر ربیع الاول سنه ثلث و خمسين و تسعمائة ۹۵۲ هـ  
 من ۹۱۱ - تعلیق نویمان در کتب دیوانی  
 مظهر محمدالله :

از کاتبان نیمه اول قرن نهم در دربار سلطان ابراهیم میرزا بهودی در تبریز  
 بخط وی يك نسخه کلیات سعدی که بنام امیر در عهد یقلم کاتبان کتب  
 نوشته است و چنین تمام می شود ، تمام شد دیوان المصلح الشعریه  
 ناصر الملوك و السلاطین الفصح المتکلمین از بدقا امار فین شیخ مصطیح الله  
 بسعدی رحمة الله علیه در عهد خلافت حضرت سلطان محمد اول  
 ابراهیم سلطان ... در بار شاد جناب مخدوم و استاد ... از این  
 فرج الله مد ظله و علی بد العبد مظفر بن محمد الله المصلح الله شاهما ... شهر  
 سنه تسع و عشرين و ثمان مائه در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور  
 صفحه ۹۴ - تعلیق نویمان در کتب دیوانی

محمد هروی مذہب :

از هنر مند ان خوش نویس کم ناز قرن دهم است که جوانی در بخش ...

زحمت سواد خطه خط را بدستیاری نیزه قلم چنان در زیر نگین خرد  
در آورده که خوشنویسان صحیفه عرصه عالم چون خامه سر از خط فرمان

خوش می نوشته است و بخط وی دیدم .

يك نسخه سبعة الا براد جامی بقلم و کتابت خوش بارقم و تا و بیخ: کتبه العبد  
محمد المذهب الهروی فخر الله فر شهر سنه ۹۵۱ در نزد کتابفروشی تهران و يك قطعه  
از مرقع رقم دودانگك خوش بهار قم: کتبه محمود المذهب و کتبات مولانا جامی قدس سره  
در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول و يك قطعه بقلم دو دانگك بسفید آب بارقم: کتبه  
المذهب محمود المذهب غفر ذنوبه و شرعیو به در مجموعه نگارنده .

صفحه ۱۶۱ مستملیق نو بسان دکتور بیانی .

محمد هردی :

از خوشنویسان زیر دست گم نام قرن دوازدهم است و بخط وی دیدم .  
يك قطعه از مرقعی بقلم بهار دانگك خوش: کتبه محمد هردی سنه ۱۱۲۲ در  
کتابخانه سلطنتی تهران يك قطعه بقلم دو دانگك خوش: کتبه محمد هردی سنه  
۱۱۲۲ در مجموعه نگارنده .

صفحه ۱۶۱ مستملیق نو بسان دکتور بیانی .

محمد هردی شیخ :

از شاگردان جعفر بایسنقوی است مستملیق را خوش و اقلام شش گانه در بسان  
بنام دار شاه از من نوشت شیخ محمود ابتدا نزد پیر بود آق بن جهان شاه  
فرا قو یو نلو و با مراد کتبات مشغول بود . همین مناسبت در بعضی آثار خود پیر  
دو اقر صدقم کرده است پس از آنکه حکومت از خاندان فرا قو یو نلو به آق  
قو یو نلو منتقل شد سال ۸۷۴ شیخ محمود بدر بار سلطان یعقوب بن او زن حسن  
بن محمد بن کتبات را در این امر مشغول کرد . کتبات برداخت مر قعی  
بسیار از پیش از من و کات سلطان یعقوب اکثر آن در کتابخانه خزینه اوقاف  
استانبول است این مرقع ۳۹ قطعه بقلمهای مختلف و با دقها و تار بچه دارد از  
جمله کتبه العبد المذهب المحتاج الی رحمة الملك الباقی شیخ محمود پیر بودا قی  
بن محمد بن کتبات فی سنه احدی و ستمین و ثمانی و ثمانی رقم دیگر: کتبه العبد المذهب

۱۷۹ بیرون نکردند خصوصاً نستعلیق که چنان نوشت که کتاب زمان از حیرت سر خامه به کز لک دندان قطع میکردند و در تاریخ نهصد و بیست و پنج

شیخ محمود الکاتب اصلاح الله شأنه اهدا و کثیره العید اقریبه شیخ محمد  
اصلاح الله شأنه اهدا فی شهر الله الاصل و حیدر اهرجیه سنه ۱۰۰۰  
و سیمین و ثمانیا و یک دیگر کثیره العید شیخ محمود فی سنه سبع و سیمین و ثمانیا  
و چند رقم مختلف دیگر هم دارد که صرف نظر نمودیم

صفحه ۹۱۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

مظفر علی شیرهانی

از کاتبان کم نام قرن دهم و یک نسخه هشت بهشت بخط وی در کتاب  
است بقلم کتابت متوسط و تاریخ در رقم است الکتاب بعون الملك الوهاب  
اوایل شهر رجب المرجب سنه امدی و تسعین و ستمائة که کتبت و در  
مظفر علی شیرهانی

صفحه ۸۳۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

محمد محسن هروی

از خوشنویسان کم نام قرن دهم است از شاگردان میرزا محمد باقر هروی  
یک نسخه نویخت نامه خواجه انصاری بقلم دو نیم دانگه خوش یادگار کتبت  
غفر ذنوبه و یک قطعه از مرقع بقلم دودانگه و نیم و ده دانگه  
هرات تحریر یافت فقیر المذنب محسن الکاتب الهادی  
صفحه ۸۳۲ نستعلیق نویسان دکتور بیانی

محمد محسن مصوری

از کاتبان خوش نویس ثور دست کم نام قرن نهم و دهم و بخط وی یک نسخه  
حافظ در موزه کابل است که برای سلطان حسین منتهای تاریخ الکاتب  
کتابت جلی عالی نوشته کرده است

بواسطه انقلاب زمان از خراسان برسم الخ خط سر خط تعلیم روزگار دیدا ما  
 ما فی کما جریده عمرش با انجام رسید در شهور سنه ۵۹۵۴ ق کرام الکاتبین

صفحه ۸۹۱ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

محمد مو من هروی :

برادر محمد حسین مجلد صحاف رپر دست و پسر شاه محمود هروی است که سالها  
 در ادر خود در کتابخانه خان خانان بکام های هنری اشتغال داشتند محمد مو من  
 مستملیق حلی و نفی هروی را استنادا در می نوشت . محمد مو من همچنان  
 در خدمت خان خانان بود تا در گذشت ر بنا بر این در سال ۱۰۲۵ تاریخ  
 دیف مآ در رسمی در گذشته بود از خطوطی يك نسخه شاهنامه فردوسی در سو  
 مجلد ز سلسله کتابهای که برای خان خانان نوشته است بقلم کتبات عالی هارقم :  
 مستملیق من شاه محمود الهروی فی شهر سنه ۱۰۱۳ در کتابخانه ملک تهران  
 يك نسخه دیوان امیر شاهی بقلم کتبات خوش بنا تاریخ در رقم دست الکتاب معون  
 انالک الکتاب تاریخ شهر محرم الحرام .  
 سنه اعدی و جمعین و قسما که علی هدایع المذاب محمد سوم بن محمود الکاتب  
 هر دو و بهما و ستر عیو بهما بدار السلطنه هرات حمیت عن الآفات و ابلیات  
 در مجموعه آقای مهندس عباس میرزا .

تهران يك نسخه رساله موجو دات فارسی از میر سیدشر بف بقلم کتبات خفی که  
 چنین تمام میشود این نسخه شریفه فی شهر در سنه ثمان عشر و الف من هجرت  
 الهروی کتبه المهد محمد مو من الهروی در کتابخانه مرحوم حاجی سید نصر الله  
 تقوی تهران .

صفحه ۸۹۱ مستملیق نویسان دکتور بیانی .

محمود هروی :

کاتبی است معا صر شیخ محمود هروی داین يك شاعری است که هنگام  
 در کتب مجالس النفایس سال ۸۹۶ جوایفی برد . است نوایی گوید که  
 مستملیق را خوش می نوید و لی دماغش ضعیف و سود ایش قوی است .



روزنامه حیاتش را بتوقیع مemat ختم گردانید. در ولایت بخارا در  
 مزار فائض الانوار قطب الاخیار حضرت شیخ سیف الدین مشهور  
 بخواجه فتح آباد مدفون گشت میرزا بیگ دیوان بیگنی از علمای  
 زمان بود تاریخ فوت مولانا را بخامه باقوت همم و بسلام ما در تقویم  
 رقم کرده : در اینجا هم ما آن رباعی کفری و تذکره از تذکره  
 از تذکره مذکور احباب ذکر کردنیم تذکرات مهمانید معلوم میشود  
 که خود صاحب کتاب هم بهو ۹۵۱ را ۹۵۴ نوشته است مگر تذکره  
 صاحب کتاب پیدایش خط و خطایان بطور یقین می نویسد که  
 مروری در سنه ۹۶۶ هجری فوت آنرا در تذکره مذکور و مروری  
 مدفون گشت درین معلوم میشود که اسناد این تذکره  
 مجدداً حرم و عن کرده که در تذکره مذکور و اسناد این تذکره  
 زمانه که میگویند میرزا بیگ دیوان بیگنی است.

میرزا علی :

اصلاً از سادات جلیل المولد سرشتی است که در سنه ۱۲۱۰  
 چهاردهمی از مضافات آنجا بنام بوده است که در سنه ۱۲۱۰  
 ۱۲۱۰ زکابل در فوات یافته است.

(۱۰)

نامی :

مولانا نامی از سر سادات سیزدهم است که در سنه  
 نایقر اشم گاه گاهین پار می نوشته است که در سنه  
 با نشاط و خمدان می بوده در زمان سید  
 بعضی ها شایع به نسبت و تفاوت در سنه ۱۲۱۰  
 در آن بود که گاهین پار می نوشته است که در سنه  
 خود می گویند : (۱۱) و مولانا نامی از سر سادات سیزدهم است

(۱۱) صفحه ۱۷۷ پیدایش خط و خطایان

(۱۲) صفحه ۱۶۲ لطائف نامه

Marfat.com

خط نستعلیق شهرت تام داد اما او را هیچ منشی پسند نمی کند  
به تخریب مولا ناعید الواسع و خط نستعلیق او را هیچ خوشنویسی  
قبول ندادند .

در این شکلی نیست که مولا ناعید خط را خوب می نوشت مگر اینکه  
چرا آنرا پسند نمی کردند چیزی نمی توان گفت جز اینکه خوشنویسان  
زور باو می رقابت و حسدورزی داشتند .

تیموری سادات

تیموری سادات بصر یکی از ستمورین جمله حوض کشمیر بان بلده هرات است  
که در سن ۱۰۰۰ هجری قمری در بصر پیدا شد استادی در سن ۱۰۰۰ هجری قمری  
در بصر پیدا شد که با برادر مسعود قبول نوشتند .  
قائم مقام شد بصر من نجفعلی

تیموری سادات که نجفعلی خطوط خورد را بنام میر عبد الرحمن مضا میکرد وقتی  
بصر آمد استادی بکسوع کسناخی نمود میر ازو سخت درجهید و او را نفرین کرد بعد  
از آن تیموری سادات در بصر چون سیرانی کرد بد چون قدری بهوش آمد از خطاطی  
مست کشید و هر مقام امام بد لاکمی مصروف گردید ازان است که او را نجف  
بنامی با بصر لاکمی میکردند .

گفته میشود که چون میر عبد الرحمن وفات یافت به نجف علی تکلیف کردند  
که لوح مناد استادی را بنویسد از شنیدن این تکلیف بشدت گریست و قبول  
نکرد هر قدر روز زیاد با و اجرت قابل شدند پذیرفت .  
بالاخره نوشته لوح مقبره استادش را باین شرط پذیرفت که هر قدر  
مطلبی که از میر عبد الرحمن مانده باشد بنویسد خطوط استادش را گرفت و لوح را نوشت و خطوط  
مدکور را در یک جزو دانی تا باین عمر محفوظ میداشت . یکی از بچان که  
با نجفعلی آشنایی داشت گوید :

دردی نجف بدکان بچادیم آمد ، با دلنگی تمام بنشست و میگرد بست ازو سبب  
گریه اش را پرسیدند جواب داد اخیراً قلمدان کشمیری نهایت زیبا را از جیب خود  
کشید که با دوات قرمی و قلم تراش و قلم قطع مهیا بود ، تیشه بچاری را گرفت  
و قلمدان را با همه وسایلش به تیشه نرم کرد بعد از آن دست خود را با لای چوب نهاد



نمونہ خط نستعلیق نجف علی تفصیل درصحنہ ۶۸۴



بنو امیہ بن عبدمنذر  
 بنی شیبہ بن غوث  
 بنو امیہ بن عبدمنذر  
 بنی شیبہ بن غوث  
 بنو امیہ بن عبدمنذر  
 بنی شیبہ بن غوث  
 بنو امیہ بن عبدمنذر  
 بنی شیبہ بن غوث  
 بنو امیہ بن عبدمنذر  
 بنی شیبہ بن غوث  
 بنو امیہ بن عبدمنذر  
 بنی شیبہ بن غوث

خط زور الدین بن ملا محمد قیسانی  
 تفصیل در صندھ ۱۸۳



نجف سلما فی :

نجف علی هر وی الاصل و در خوشنویسی شاگرد میر عبدالحسن میرزا و فیاض  
 پدرش اورا به آن استاد جلیل القدر جهت تحصیل خط سپرد و با اندک  
 زمانی بکرسی استادی نشست و وزیر میر عبدالحسن یکی از قطعات خطی  
 اورا ملاحظه و با سرودن این مصرح از وی تواریخ نمود ( قلم من نجف علی )

روش او در خوشنویسی مخصوصاً در نسخ و لایق عیناً اسلوب استاد کاتبان است  
 گاه گاه نجف علی از ای انگار از کوشش خط و طبع خود را در کمال  
 باشد در زیر قیامات و میر قیامات خود میر عبدالحسن هر روز در کمال  
 اما استاد بزرگوار او از کوشش و زحمات آنگاه گریز کرد و معلوم است  
 سرزنش کرد .

و پیشه را بلند کرد تا انگشتان بر قلم کشد تواریخ از آن استاد  
 بحالت مصروع و بجهت افتاد و سال وفاتش معلوم نیست .

(مولانا) نورالدین هر وی :

این مولانا همه خطوط مخصوصاً نسخ مهالین در دست کسی سلوین هر وی  
 وقتی ورقی را بخط نسخ لایق از قلم موصوف یافتند که تخریب در آن نگاشته  
 چنین امضا کرده بود : (نورالدین محمد القوریانی) اگر نورالدین امضا  
 و نورالدین محمد غوریانی یک نفر بود پس استاد کاتبان  
 دست داشته .

وفات نورالدین هر وی در سال ۹۵۰ هجری قمری است .

(مولانا) نظام الدین :

او داماد زین الدین محمود است شنیده میشود که کلیات میر شیخ سبیلی  
 که بخط ملا یعنی (مولانا سلطانی) تا تمام مانده بود وی با تمام آرسا  
 در سال ۹۳۵ وفات یافته است :

نجف در آخر عمر را به عسرت و پریشان حالی گذرا نیده چنانچه  
از همین سبب است که پسانها خوشنویسی را ترک گفته و به شغل  
سلمانیه پرداخته و به نجف سلمانی معروف گشته است .

نگاهی :

مولانا حاجی علمی نگاه از مشاهیر خطاطان هرات است شخص  
بسیار نامور که محترم بود در زمان سلطان حسین بایقرا زندگی میکرد  
در هرات و در شهر هرات به مجله مقربان وقوع داشت .

پس از این مشاهیر ما هر و شاعر خوش طبعی بود میر علی شیر نوائی او را  
بسیار دوست و عزیز میدانست چنانچه از جمله کاتبان و خوشنویسان  
هرات بود از جمله خطوط مختلفه خط نستعلیق را خوب  
نویسید و در بعضی کتب خطش بسیار پخته و محکم بود . لطافت  
در کتب و کلمات او معروف است . مکتوبین شخص فوق العاده پاکیزه  
و زیاده بود . اگر چه صورت زندگی او مفصلاً معلوم نیست  
مگر از کتب می توان گفت که در حدود ۹۶۵ هـ و یا زیاده بر آن حیات  
پیدا کرد و در آن صاحب تهنیه ما من میگوید (۱)

در این کتاب در قلم بگفتند که گذرا نیده و هر روز چهار بار فیروز  
نویسید و این کتاب را در ۹۶۷ هـ که علمی از آن  
نویسید و این کتاب را در ۹۶۷ هـ که علمی از آن

نویسید و این کتاب را در ۹۶۷ هـ که علمی از آن

(۱)

در این کتاب در قلم بگفتند که گذرا نیده و هر روز چهار بار فیروز  
نویسید و این کتاب را در ۹۶۷ هـ که علمی از آن

نویسید و این کتاب را در ۹۶۷ هـ که علمی از آن

نویسید و این کتاب را در ۹۶۷ هـ که علمی از آن



نمود بلکه اشعار او نیز رنگین است و میتواند او را از جمله استادان شعر نیز محسوب نمود . از او ست :

بتان دل شرح در دبی نوائی میکند دردمندی از درد لایها کدائی میکند

ویسی : در هرات دو ویسی میزیسه که هر دو هم خطا طو هم شاعر بوده اند

و اینکه در دوره سلطان حسین با یغرا از ندگی میگرد و دیگری نمود که بفرموده که زمان حیات هر دو از هم زیاد فاصله نداشته

و یکی که بعد از دوره سلطان حسین بوده هر دو سطر شعر میگویند

بجز ادا شده و طبع او در شعر کوفی الهامی میکند و در کوفی

چنانچه این قول او مدعای ما را که همیشه از

مدام چهره ام او چون دیده رنگین است

کلمی که همیشه ام از ادبها

و چون همیشه از شعرا چون در حال است

که شمع باند و شاعران

بسی است کتوت در لاجوردی

حالا و به سبکی

مثال یا ر که بگرم بر چرخه

بجای و در شاعران

نگو بنظم او حسین نگر و

که این کلام را

اعتیادها می داد آن بود که

که در شمار روزهای صفحه در

بعد از آن که فوق مر حوا

حال ویسی که خوردن از

نوشته واضح میشود که

میزیسه حیات بودا

معرفی شده که هر دو

مولانا و یسی تا مدتی بهرات می بود سپس بعزم کعبه شریفه  
 نمود و قرار لطافنامه فخری ازین مسافرت بازنگشت و در حین  
 جهات نگردی جهات را و ادع گفت (۱) مگر از روی بعضی ما خذد بگر  
 چنانچه بر می آید که ویس در این راه مراجعت از کعبه شریفه  
 فوت نکرد بلکه بعد از ادای فریضه حج بزارت مدینه منوره  
 رفت و در آنجا متوطن شده و یسی فقیر و بی بضاعت بود و ما نزد  
 او نشستیم و شکرش نمودیم و بسیار نحمدت جاه و مقام می را

در این زمان که مذکور است مولانا سید حسن بخاری است  
 که در این نسخه آری در مؤلفه بر این حفظ است و نقل آن قرار  
 گرفته که در این نسخه آری در کما بخاری فاضل هاشم شایق افندی  
 در این نسخه آری در کما بخاری فاضل هاشم شایق افندی  
 در این نسخه آری در کما بخاری فاضل هاشم شایق افندی

در راه نیامد کمتر از خاک قدم  
 در راه نیامد کمتر از خاک قدم

او را بدعا یاد کنند اهل گرم  
 ازین روایتی که از خود مولانا ویسی است ثابت است که تا سال ۹۸۴ ه  
 مولانا ویسی مهاجر حرم بوده و تذکره مذکور را در زمان مجاورت خود  
 استنساخ کرده است بعضی میگویند: مولانا بعد از مدت طولانی  
 اقامت در عربستان با الاخره عزم هندوستان نموده و در آنجا  
 وفات یافت.

و اولی در عصر سلطان حسین میر بسته .  
 مینی بر آن نگارند که این کتاب را برای طبع دوم مهیا می سازم قرار تذکر  
 فوق که مولف داده نوشته او را از روی نوشته مرحوم فکری تصحیح و صورت صحیح آنرا  
 فوقاً تکمیل شدم . شایق

(۱) ص ۶۰ لطافنامه فخری .

Marfat.com

حسب نوشتار استاد فکری سجلاوقی که در مجله آریانا نگاشته و پس  
هر وی نسخه نفحات الانس حضرت مولانا جامی را نوشته که در  
موزه هرات بخط او محفوظ است و آنرا بخواهدش شاعری متخلص  
بشفاقی در سنه ۹۷۴ در مکه نوشته است چنانچه تاریخ آنجا  
محل کتابت آن چنین ثبت شده است.

یافت این نسخه چو در مکه ز اتمام شریف

ز یاد هاء لکه بتا کتبه انما لی

دیسی بی سر و پا کرد کتابت آنرا

بشفاقی که همین بود نویسنده آن

بعد ازان جمعی از اصحاب مذاکره کردند

بخط حنیف ت مخدوم در مکه

ساخت کتاب ز ( کتاب انصاف جامی )

سال تاریخ کتابت آنرا

( از جمله کتاب نفحات جامی که ۹۶۹ هجری قمری است )

را ۴۳۵۴ هجری شمسی که کنیم ۹۷۴ هجری قمری

فکری که بوجود دو نفر دیسی هر وی قایل است طوری که در هر دو نسخه  
نگاشته است نفر اول همان است که فوقاً شرح داده ایم نفر دوم دیسی  
است که با سلطان حسین بایقرا معاصر بوده شرح حال او قرار آنجا  
لطائفنامه قخری در باره او می نویسد :

« و »

( مولانا ) ولی الله هر وی :

او به ملالای قلندر معروف بود . هم مدعی و مشهور و هم شطاعت بود و با  
نویسی می نمود .

در عصر سلطان حسین و امیر علی شیر نوایی میزی بسته و علاقه بر نقاشی و  
نگاشتن اقسام خطوط خصوصاً ثلث استاد ماهر بوده . کتیبه ثلث سردر مسجد  
زیارتگاه امونه هنرمندی او در خط ثلث است که مفاصفاً از میان رفته و این  
از آن باقی است .

مولانا ویسی بکاتبی شہرت داشت اما شعر ہم میگفت با وجود آن سادہ و گول بود چنانچہ فقیر بلکہ اکثر یاران تعجب کرده می گفتند کہ آیا او بدین سادگی نظم چون میگوید .

غزلہایش بدست نیست دیوانی ہم دارد و این مطلع از اوست :

رفتم بسیر مرغ و طوای بنفشہ زار آمد زہر بنفشہ مرا بوی زلف یار

کوی بند لایسی سفر اختیار کرد و در آن سفر بہ منزل تجارت رسید .

بطریقا آشنا شد با فخری در شرح حال مولانا ساغری چنین می نویسد :

مجلسی کہ حضرت سخودی می نور از مراد حضرت جا می آمد در وقت سفر مکہ نمود ویسی و ساغری اظهار کردند کہ در آن سفر بہ وقت رفتن ویسی بہانہ کرد کہ در از گوشہ ای نام و ساغری شرم بہ آنی بر آنکیخت و ہر دو از دست رفتند . بعد از آن امیر و شیخ ہم پہیلی این قطعہ را برای ایشان گفت :

بسی در ساغری بزم حرم

گشتہ بودند ہر دو شان سفری

آن وقت از ہر دو ما نداند

آن یک از بی خری و این ز خری

((۱))

مولانا ویسی

تخلص

در وقت قبل از ہر آن ہفتاد و ہفتاد بعضی ہا مانند دو لٹشہ

سہ آندوی (۱) و (۲) و (۳) غلام مجدد ہفت قلم و ہلوی (۴) اور از

مولانا ویسی کہ بعد از آن چاہ بیانی .

آن وقت از ہر دو ما نداند .

نیشاپور میداند .

او هم عصر شاهرخ میرزا بوده در خوشنویسی و شاعری شهره زمان خود  
نثر را فوق العاده روان و زیبایی نوشت و در اشعار خود به چندین اسم  
متخلص بود: گاهی، واسطی، زمانی، اسرار، چندی، آنجا حی، و موقعی  
فما حی و خماری تخلص کرده است از اشعار اوست :  
آن ترک که صدخانه کمانش روی آن داشت سویت فیکم فکت خدنگی و اینک فکت  
و اسب

اینکه نوری لاله ما غر جانی از من می گئی در فت عصر این هاجج علم است از روزگی هیکشی  
از سر آئل بی لانا بعدی یکی مدظلمه اشرا بنامه است که با من فرود شهرت شده .  
ای بر روی صفحی ز تصویر در کلام ۴۴۵ و ابصار و روح از پیام  
و از مؤلفات مشهور او دو رساله معروفند: یکی شمس الثماله  
دیگری حسن دل . در سده ز فوات این خلاص فوات است .  
در سده ۸۵۱ (۱) و برخی در سده ۸۵۰ (۲) بود گذاردن (۳)  
بشیخی :

مولانا یحیی از نوادگان شیخ بلستان شیخ است در تالیفات شیخ  
قریحه سر شاعر آنکه شیخ بنام شیخ است که در تالیفات  
و خوشنویسی نیز معروف است خط نستعلیق را منجمله خطهای جامع در آن  
زمان خوب می نوشت و در عصر فرخنده شهر است یعنی در زمان سلطان حسین  
حسین با یقرامرا از حیات داشت چون ابیات را که در سوره اولی ذکر شد  
یوسف شاه کاتب :

از جمله خوشنویسان هر اوقات بود حاکم شیخ در تالیفات کاتب  
تخلص می نمود اقام خطوط منسجم از جمله سوره می نوشت و با  
سلطان حسین با یقرامرا می نوشت (۲) خاتمه عالی است بعد

(۱) س ۱۶۸ تذکره دولتشاه تبریز

(۲) س ۱۴۸ جزوه سواد سواد حریف السور

(۳) س ۸۶۱ ریاض اشعار ص ۱۰ که در اقصای شمس



مجلس

العلماء

بدمشق

الشيخ

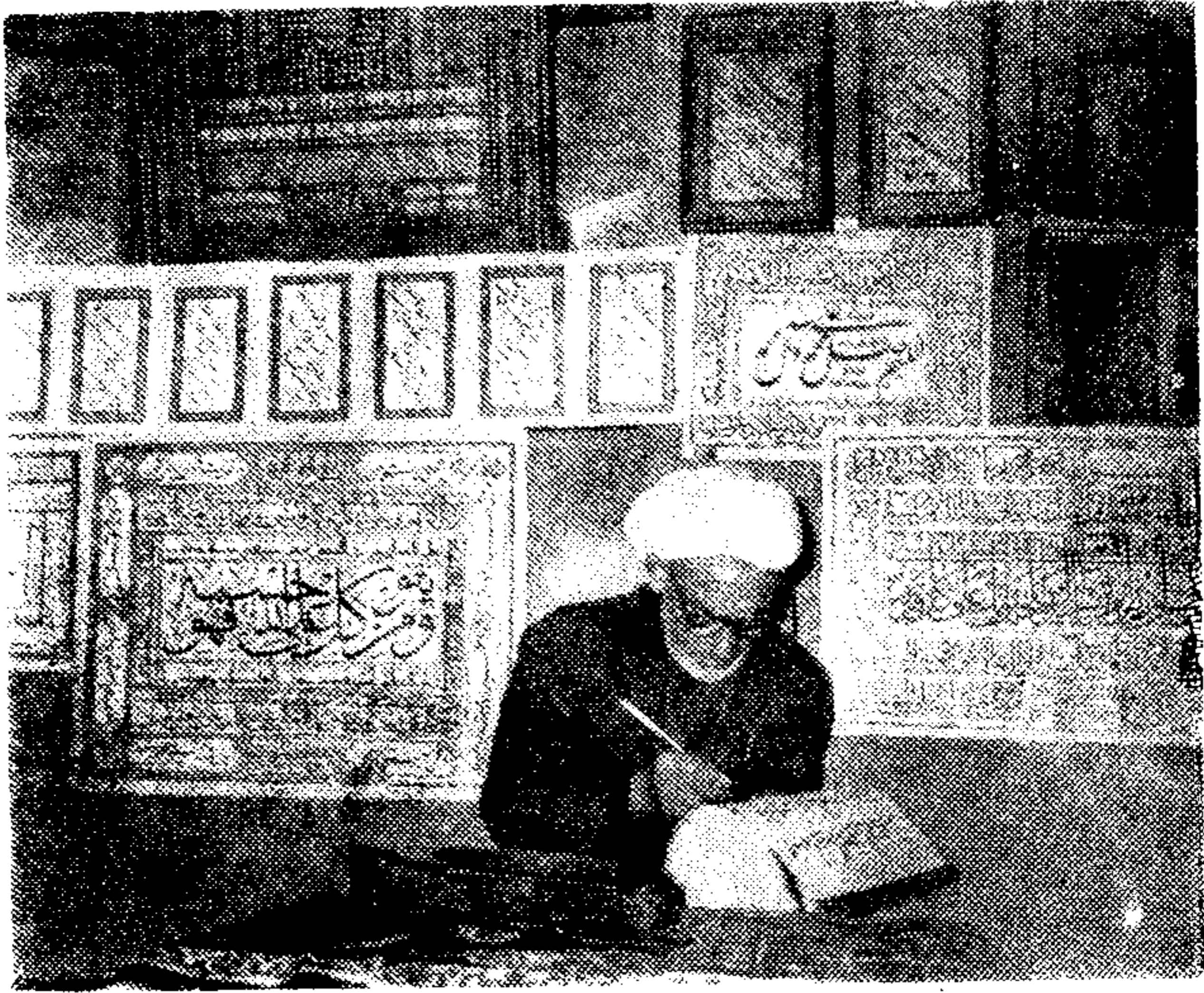






استاد محمد سعید مشعل با فضلی احمد منصور و شاگردان در اطاق کارشناسی





استاد محمد علی عطار در اطاق کارش





## مقدمه

مخبر و روان معاشر که در این مجموعه معرفی میشوند همان ذواتی هستند که در قرن اخیر میزیستند اعم از آنانی که تاکنون در قید حیات بوده اند و یا آنهایی که از وفات ایشان زاید از یکصد سال نگذشته است. در این مجموعه ما سعی کرده ایم تا در حالات شان از اولاد و فامیل شان و نیز آشنایان آنها آگاهی پیدا کنیم تا این تصدیق برای آن است که بتوانیم در حفظ این آثار تاریخی و علمی در خدمت انجمن دهم که برای نسلهای آینده یک منبع ارزشمند باشد. و تعدادی بدست آید که از آنها اثری نگذرد. در این باره به حال تاریخ مملکت ما که بزرگترین سرمایه افتخار ما است و تعدادی از آنها به صورت مجبور انحصاری ما اند و دیگران او شان را از دست میدهند.

در این مجموعه تاریخی از اینست که در قرون سالفه ذوق تاریخ نویسی کمتر بود و به خاطر حال تاریخ مملکت در دوره حیات خودها نمانده اند و در نتیجه مشاهده شده اند و روی هم رفته معاصرین آن زمان و نیز معاصرین هر قریه اند و بعد از آنکه مدتی از دوره تاریخ نگاری ما سپری شده دورخین در جستجوی نام و نشان آنها بر آمده اند و اگر چه بزرگترین ذمتری اگر از معاصرین شان در باره سوانح آنها یا فامیل آنها آرازی در این سند تاریخ خودها قرار نگیرد و در سوانح آنها از ایشان اختلاف مورخین بجای است که حقیقت را در عمیق ترین پاره خفاء مانده است.

موفق بر آنست که در این مجموعه معاصرین را روشن تر معرفی کنیم و نیز معاصرین از سوانحی که در هر یک از خدمات اجتماعی

موجود است که مهم ترین آنها کم ذوقی محیط است، باین غایه طوریکه شاید رسیده نتوانستیم و تا آن حدی که توانستیم همین است که خوا نندگان محترم از آن استفاده می نمایند .

در مقدمه متذکر شدم که دو استاد بزرگ نقاشی و خطاطی داریم که امروز بازار هنر هرات را بحدی گرم دارند که در دستگاه نقاشی و خطاطی این دو تن هنر مند معاصر ، دوره های پر افتخار آثار بخشی زمان استاد بهزاد و استاد میر علی هر وی پیش نظر ما تجسم می نمایند .

این دو استاد یعنی حاجی محمد سعید مشعل و ملا استاد محمد علی سلطان از کدام رادر ردیف نامهای شان بخوانندگان محترم معرفی خوا هم کردیم .

اینک بیاری خداوند «ج» درین بخش مختصر اشاره می شوم و آنچه گرد آورده ام بمطالعه ذوقمندان میرسانم .

و از آن ذواتی که فوتو و اثر هنری شائرا وقتاً بدست آید به توانستیم و کلیشه اش بدسترس ما رسیده البته قیافه و نمونه هنری شان نیز عرضه خواهد شد و آنانکه بدرخواست ما که در روزنامه وقتاً نشر شده ملتفت نشدند و فوتو و نمونه اثر شان تا زمان معین بر ما نرسیده و از نشر باز مانده معذرت ما را خوا هند پذیرفت .

نا گفته نماند که درین بخش بمعرفی و نشر آثار همان هنر مندانی اقدام کردیم که یکی از دو استاد بزرگ که تذکر دادم می باشد ارتباط رشته هنری ، او شائرا هنر مند دانستند .

شعبه نشر و اطلاع رسانی



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## حصه اول

نقاشان معاصر

### ((ب))

#### باختر کا بلی :

زلزلہ کشی اور کما بل صورت گرفتہ اما در ہر ا ت میز بستہ و  
 بز شاگر دان مورزا رضای ہروی معروف با زر با بجائی ہونہ  
 کہ اور ٹیوٹو از زمرہ نقاشان معروف ہرات است .

کاور (ک) مرحوم فکری سلجوقی تذکرہ ادب (۱) از نقاشان قرن  
 اخیر است .  
 رنگہ ہر ا ت اور معلوماتی در دست نیست .

#### بلیقہ مشعل :

بلیقہ مشعل است و محمد سعید معروف کہ مخبر مشعل بز رنگت معاصر  
 ہر ا ت است . تو لدا از دور  
 شان در ہر ا ت صورت گرفتہ و



(بلیقہ مشعل)

تصویر جامی اثر بلیقہ مشعل

از صنف ۱۳ دارالمعلمین هرات فراغت حاصل نموده و هم زمانه فی  
فطری که در زمان این سر زمین همزواج است و هم استعداد او در  
ورائی و هم روش فائیلی محرز است که همزواج او را بیشتر  
از سایر تلامذین مکتب مجمل فراگیرد امید است در آرزوی  
یکی از هنروران نامی این محیط بار آید.

## ( ح )

حمید و اعتماد

حمید و اعتماد صاحبان شریف و نامدارین این شهرند و در  
هرات این دو شرح و تفسیر در مکتب خود آموخته و در  
صنف ۱۳ دارالمعلمین هرات فراغت حاصل نموده و هم  
په چینه همزواج او را بیشتر از سایر تلامذین مکتب  
ذی قرار و استعداد او را در این مکتب  
ذوئی همزواج او را بیشتر از سایر تلامذین مکتب  
و تشویق استاد مشعل این شهر را فراگیرد  
و از شوق سرشاری که در شعر دارند امید است  
درین رشته مرآت کمال را بیاموزد

## (( خ ))

خلیل احمد:

خلیل احمد ولد مرحوم مولوی یار محمد ساکن قریه عنبر مر بو ط و اسوائی



عروسی شهزادگان تیموری  
اثر خلیل احمد

گرخ فارغ التحصیل  
صنف ۱۴ دارالمعلمین  
هرات میباشد .  
در رسم و مینا تور از  
تلا مید با فوق مکتب  
استاد مشعل است .



خلیل احمد تیموری

(میر) خلیل احمد :

ولد میر غلام احمد اصلا از گازر گاه شریف که فعلا در دا خل  
شهر هرات سکونت دارد .  
وی فعلا متعلم صنف ۱۴ لیسه سلطان هرات میباشد . در سال ۱۳۴۱ هـ ، ش  
در گازر گاه شریف ولادت یافته . میر خلیل احمد در رسم و مینا تور  
مشق قوی دارد و آثارش ارزنده و قابل قدر است . آثار او ارزش  
عملی داشته و بسا از محصولات هنری خود را در بازار بفروش



میرساند و خریداران و ذوقمندان می موجود است که در خواست آثار او را دارند .  
 او از شاگردان لایق استاد مشعل است استادش راجع بآثار او  
 نهایت خوشبین است و او را بر بسا تلامیذش رجحان میدهد و ذوقی  
 سرشار او را در هنر می ستاید چنانچه در زیر یکی از آثار



صحنه شکوه آهو ات  
 اثر میر خلیل احمد



میر خلیل احمد

رسامی او عبارت ذیل را نوشته و تار یخ دا ده و ایضا... است  
 «ا ر جهند عز بزا ! استعداد و ذوق شما را صمیمانه تبریک  
 میگویم شما بهترین آثاری را بآینده بسیار بسیار نزدیک بجامعه  
 تقدیم میکنید و اثر مو جوده شما را نیز بنظر قدر و تمجید  
 مینگریم کوشش کنید و دلسرد نشوید که هم اکنون شما نقاش مبتکر  
 در زیباترین هستیید من مو فقیت شما را آرزو مند م با احترام  
 امضای محمد سعید مشعل ۱۶ - ۱ - ۱۳۵۰»

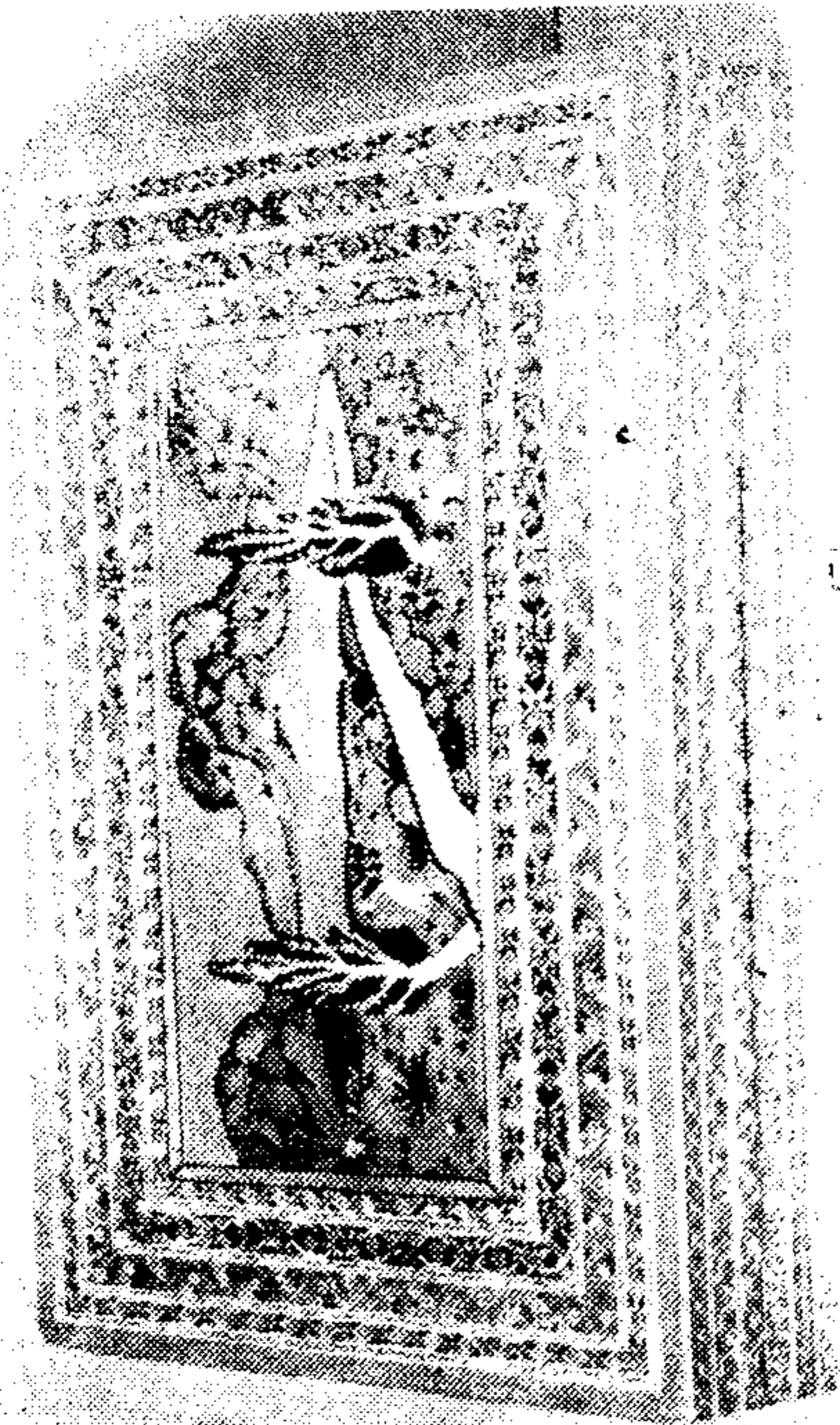
(د)

رضای هر وی :

میرزا رضا معروف بآذر با یجانی از نقاشان هرآت بود . نسب خود را به علی رضای عباسی تبریزی خوشنویس میرساند بآن نسبت رضای آذر با یجانی امضاء میکرد . وی از زمان امیر دوست محمد خان تا دوره امیر عبدالرحمن خان عمر طولانی سپری نموده و از نقاشان مشهوران ماهر هرآت بشمار میرود .  
از جمله آثار او صحنه جنگ مرحوم امیر دوست محمد خان و سلطان احمد خان است که حسب الامر امیر شهنو از خان کشیده در تاریخ هرآت محفوظ است . سال وفات او روشن نیست .

پیشینه

پیشینه هرآت در تاریخ و جغرافیا بسیار است و در این باره مطالب بسیار نوشته شده است . در این باره نیز مطالب بسیار نوشته شده است . در این باره نیز مطالب بسیار نوشته شده است . در این باره نیز مطالب بسیار نوشته شده است .



رحیمه مشعل

تا بلوی صندوقچه آرایش اثر رحیمه مشعل

قریحه وراثی خاندانی اور ابصوب کسب هنر کشا نیده و بمکتب سینما توری استاد مشعل شمولیت ورزیده و در قطار تلامیذا این مکتب قرار یافته است و آینده در خشان باو پیشبینی میشود .

رمزیه مشعل :

رمزیه بنت الحاج استاد محمد سعید مشعل در سال ۱۳۳۷ بن ایبا آمده دوق قطری زادگان این آب و خاک و قریحه وراثی افکار او را بخود جلب کرده و در ردیف تلامیذا استاد از رنگ بمشق و آمر این هنر سینما توری پرده خسته و روز بروز به کام های سریع بسوی مقام استادی پله های نردبان عروج را امری بوماید

و فعلا بصنف ۷ نهمه مهری

مصرف تحصیل است .

البته چون هنر زیبای سینما توری در

خانه شان رنگ و رونق خاص

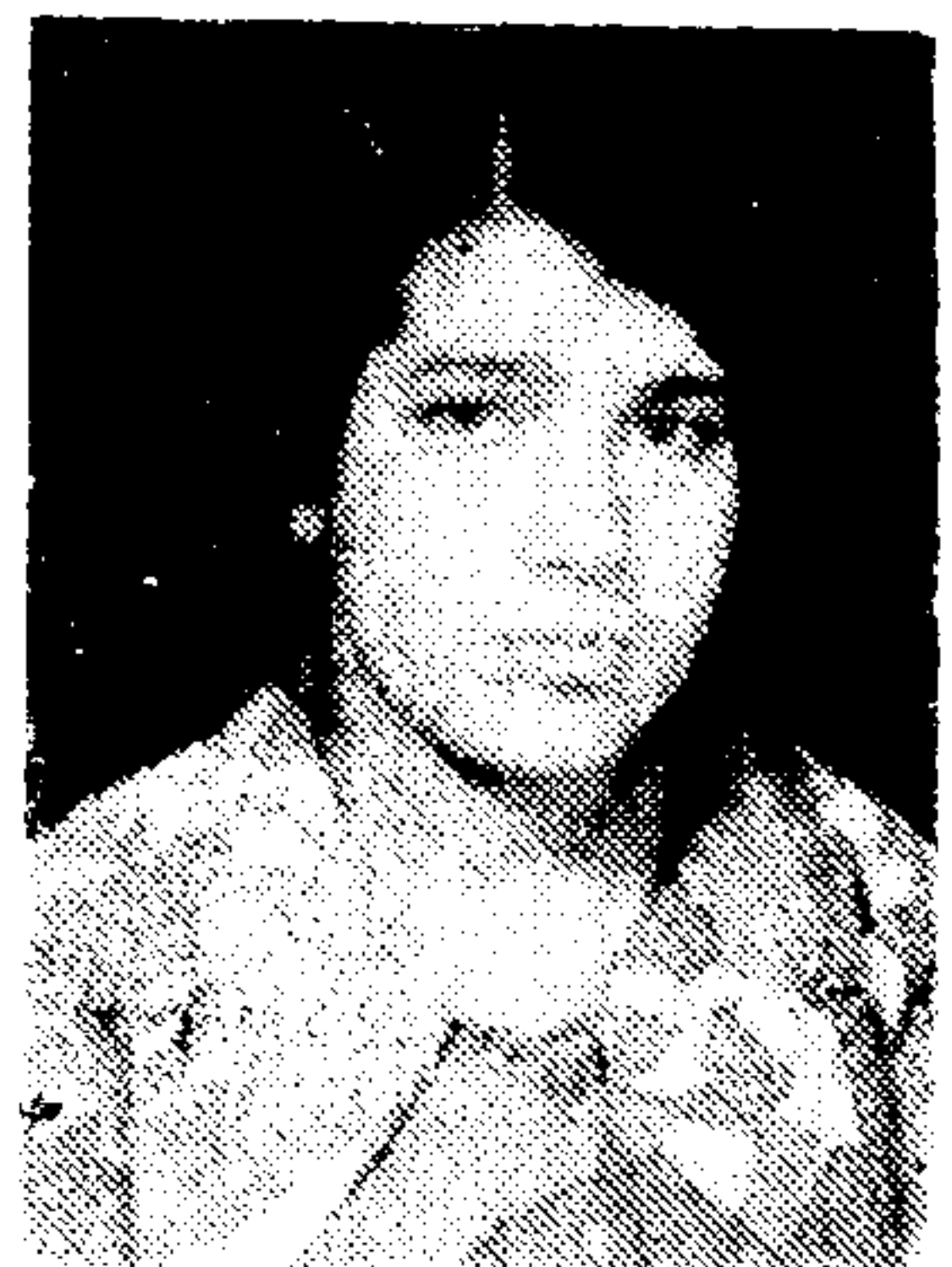
داده فوق او را نیز ما نقد

ذوقهای بر سایر اعضای فامیلش

آشفتله هنر ساخته است .



نقاشی بر روی طراحان اترار  
رمزیه مشعل



رمزیه مشعل

رجب علی :

رجبعلی فعلا بکاشی کاری جامع شریف مصر و فاست .  
پیش ازین ازو معلوماتی نداریم .

( ز )

زبیر مشعل :

زبیر ولد حاج استاد محمد سعید مشعل بسال ۱۳۴۹ متولد  
شده فعلا بصنف ۵ مکتب جبلی رشته تحصیلات ابتدائی پیش را  
می پیماید چون خانه او شان ساحه مجمل علم و هنر است هنرمینا نور  
و عوج رنگهای مجمل را در نظرها جلوه میدهد و هر بیننده  
خصوصاً طبقه کم سن را بخود جلب میکند و ذوق هنری مخمردر  
آب و خاک هر ات را سریعتر جنبش میدهد این کودک نیز با استعداد  
سرشارش رشته هنر مو روئی را بدست گرفته و در ردیف آلا میزد  
پسر هنر پرورش اخذ موقع نموده است و روزی مقام استادی را  
احراز خواهد کرد .



مهری هر وی اثر زبیر مشعل



زبیر مشعل

## (( س ))

سکندر نقاش :

میرزا سکندر برادر فقیر نقاش و از شاگردان میرزا فقیر بود در سال ۱۳۱۵ ش وفات یافت .  
مرحوم فکری سلجوقی نزد دو استاد مشق نقاشی کرده بود که قرار نوشته وفای سلجوقی یکی میرزا بایقر نقاش و دیگری میرزا سکندر است . فکری می نویسد : که بمرنگ فقیر نقاش و سکندر نقاش چراغ هنر نقاشی در هرات خاموش گردید و وفای سلجوقی در حاشیه همین نوشته اظهار شاگردی پدرش را با این دو استاد نموده است (۱)

سعد الله جوز جانی :

سعد الله ولد باگل در سال ۱۳۵۰ ش - ه از دارالمعلمین هرات فراغت یافته است .  
سعد الله از همین دارالمعلمین هرات هنرمینا تورا از استادان مشعل که معلم این مکتب بود فرا گرفت و فعلاً آثار مینا توری او در مکتب موجوده مینا توری که استاد مشعل تازه تاسیس نموده موجوده است آثار موجوده او عبارت از یک کوزه و چهار تابلو است .

سعد الله فعلاً در سر پل مزار شریف بو ظیفه معلمی در آنجا مشغول است .  
دارد .

سید محمد :

سید محمد ولد سید کریم در مسجد جامع شریف بکاشی کاری مصر و فی است و از زمره نقاشانی بشمار است که در رشته کاشیکاری بتجربه هنرمند حاصل کرده اند

(۱) ص ۱۰۹ تملیفات فکری

سید محمود گیلائی :

وی از فارغ التحصیلان صنف ۱۳ مملکتی دارالعلمین هرات و در هنر سیناتور از شاگردان استاد مشعل است و در ناز و خیالی های هنری ورزیده و رسیده است .

سلطان محمود پهلوان :

سلطان محمود فارغ التحصیل صنف ۱۴ دارالعلمین هرات است و سکونت او در کابل میباشد ، هم تحصیلات معارف و هنر میناتور را از هرات کسب کرده و از شاگردان مکتب استاد مشعل میباشد . آثار نقاشی او در اطاق استاد مشعل که مکتب مجمل هنر معاصر است موجود میباشد .

(( ش ))

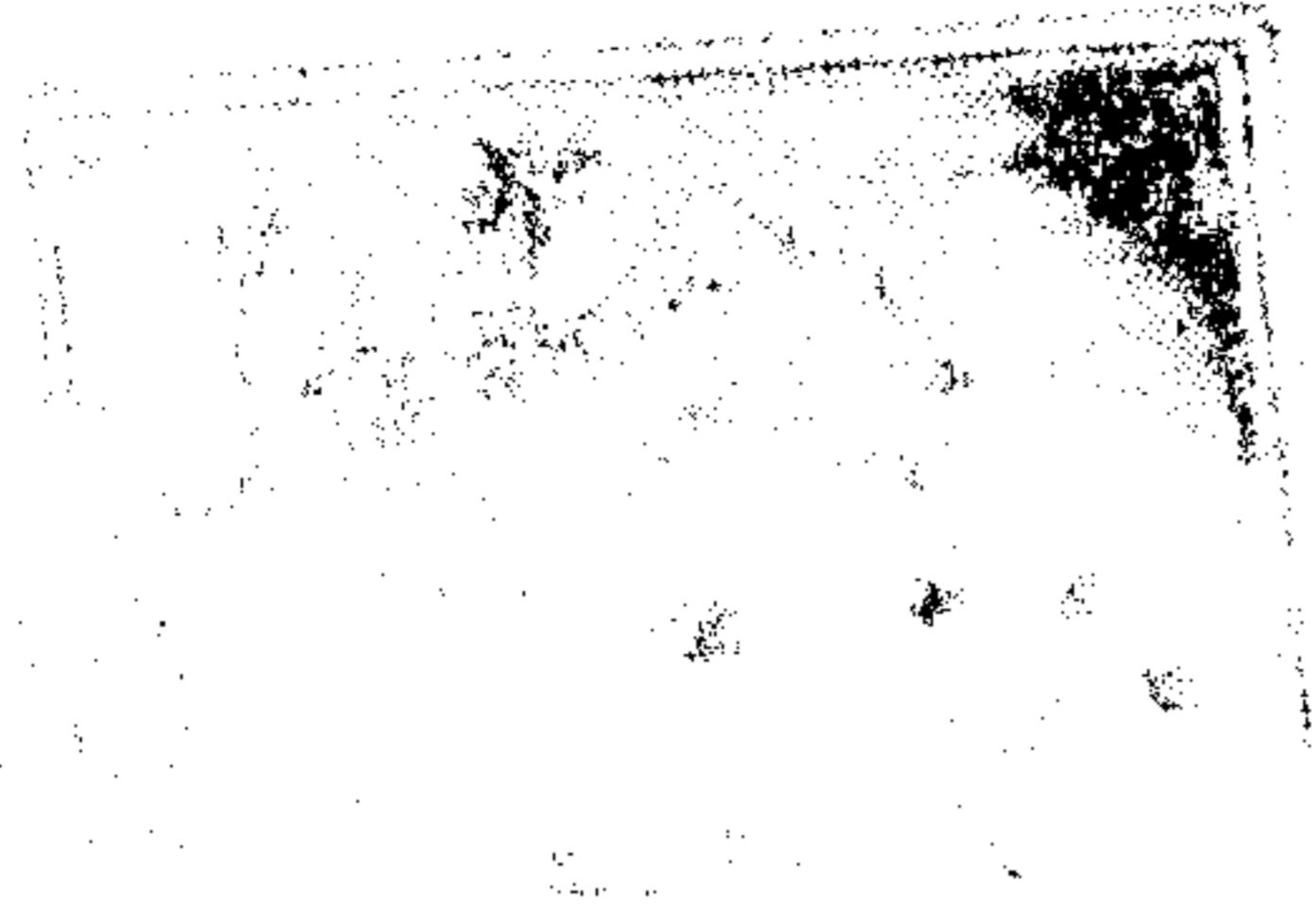
میرزا محمد عیسی فارغ التحصیل صنف ۱۳ مملکتی دارالعلمین هرات از جمله شاگردان مکتب استاد مشعل است . در هنر نقاشی ، تدوین ، حکاکی روی فلزات ید طولی و مهارت فراوان دارد .

شهرین گل مقصدی :

شهرین گل بنت نور محمد با شنده حصه شش شهر هرات قریب بیت الامان ولادت او در سال ۱۴۴۳ ش . در دوره تحصیلات ابتدائی بسال ۱۳۴۹ ، ق به مکتب پهلوان باغدشت شامل شده و فعالان مکتب در صنف ۳ مصروف و تحصیل است .

درین دوره کوه کبی ذوق نقاشی و میناتور که در سرشت زادهگان این آب و خاک مخمراست از قریحه طفلانه او جلوه نمود و پرورش بسا

اعضای فامیلش که بکا غذ  
 و کتاب و رنگر جوغ داشتند  
 این ذوق توو به شده بود همه آن  
 و تشویق استاد مشعل در قیام  
 را رنگر جان دانه و بشکست  
 آن استاد و خوار ساختی ما  
 حاصل کرده است از این راه  
 از آن استاد و بهر



غیرین گل مشهوری

۱۳۴۸ هـ . ش شامل مکتب گردید . چون اعضای فامیلش در طهران  
 میمانتور ضرورت داشتند استعداد فطری این سر زمین و کتابهای  
 فامیلی او را جاب نموده در اثر تشویق استاد مشعل بمکتب میمانتوری

فامیلی او را جاب نموده در اثر تشویق استاد مشعل بمکتب میمانتوری



تصویر خیالی اثر ضیاء گل

او افتخار شاگردی کسب  
کرد و هـمین ذوق سر  
شار کون کا نه او  
روشنترین آینه است که  
موفقیت مجلال آینه اش را  
انگشکاس پیدا کند .

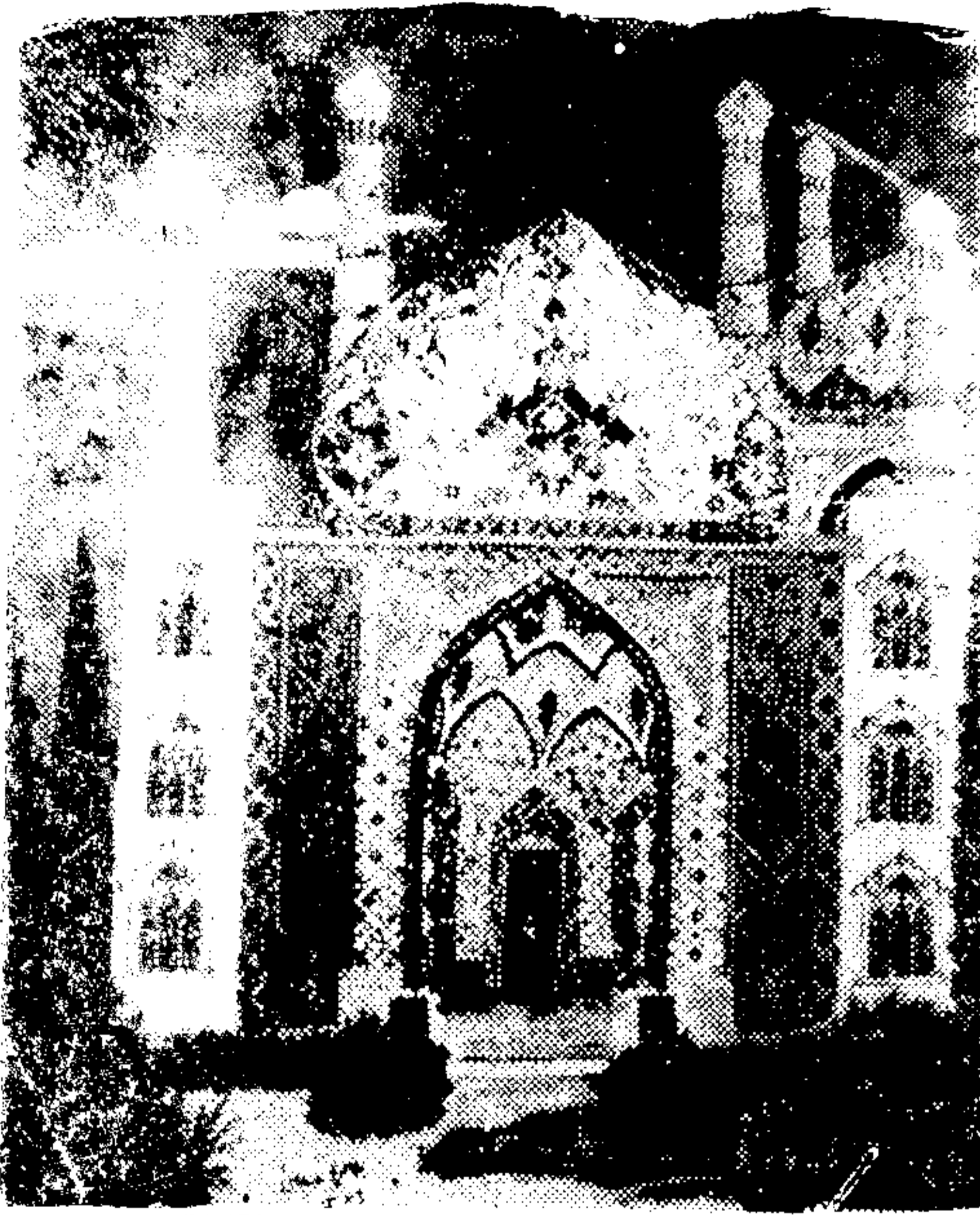


ضیاء گل مقصودی

طاہرہ بنت خادم حسین :

وی ساگر ناچیه ۳ شہر ہرات است و معلمہ مکتب ابتدائیہ لیسہ  
ہراتی است تولد او در سال ۱۳۳۱ھ ش واقع شدہ او از سنین کودکی  
برسامی شوق مضطرب داشتہ و باین ہنر دست زدہ بعداً با اثر تشویق استاد  
مشعل این ذوق سرشارش را دنبال کردہ و در ردیف تلامیذ استاد شمولیت  
ورزیدہ و موفقیت قابل قدر کسب کردہ است .



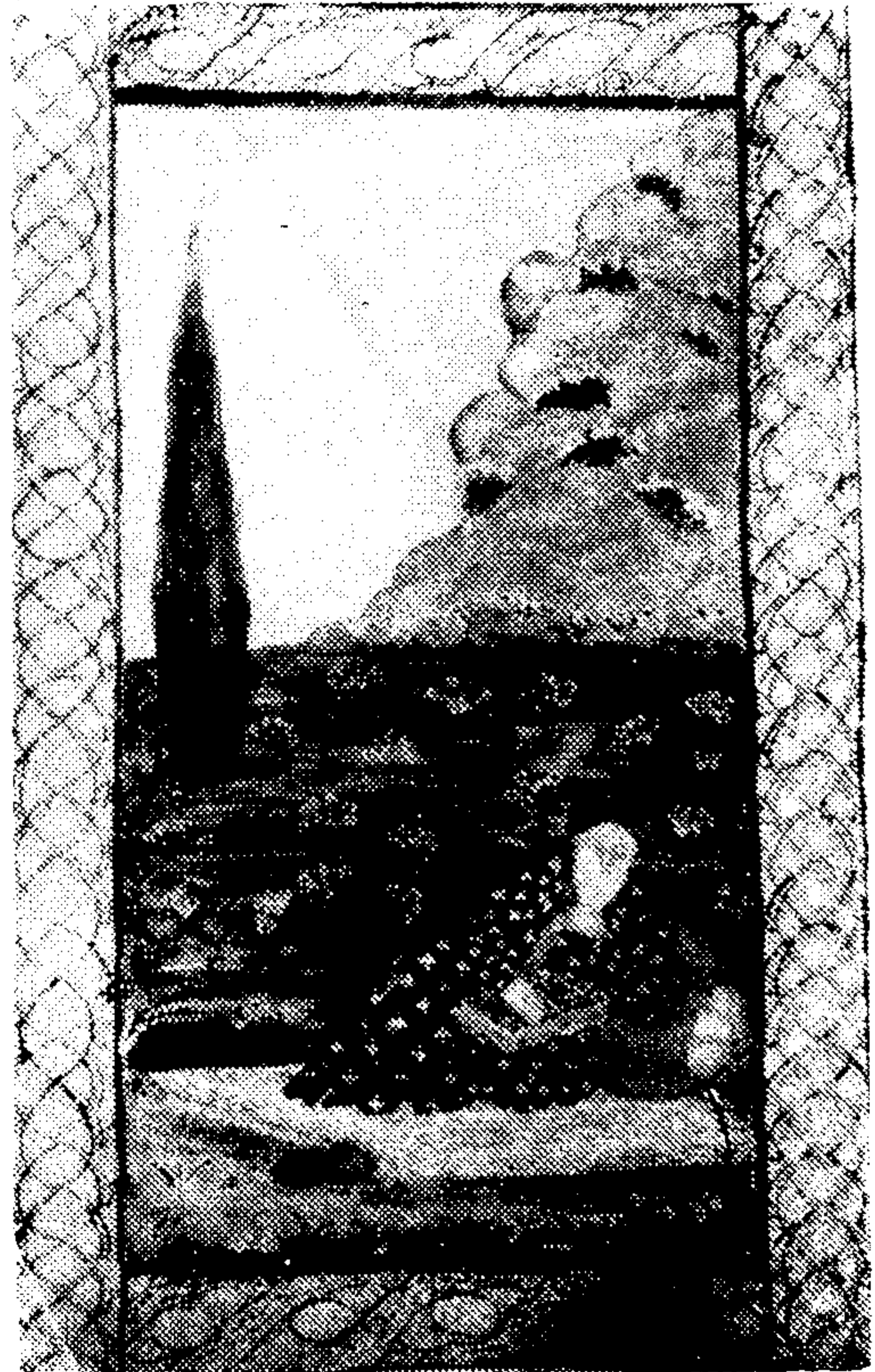


طاہرہ عطائی

ایوانہ - جڈاٹر طاہرہ عطائی  
 مر بو طصفہ ۲۰۲



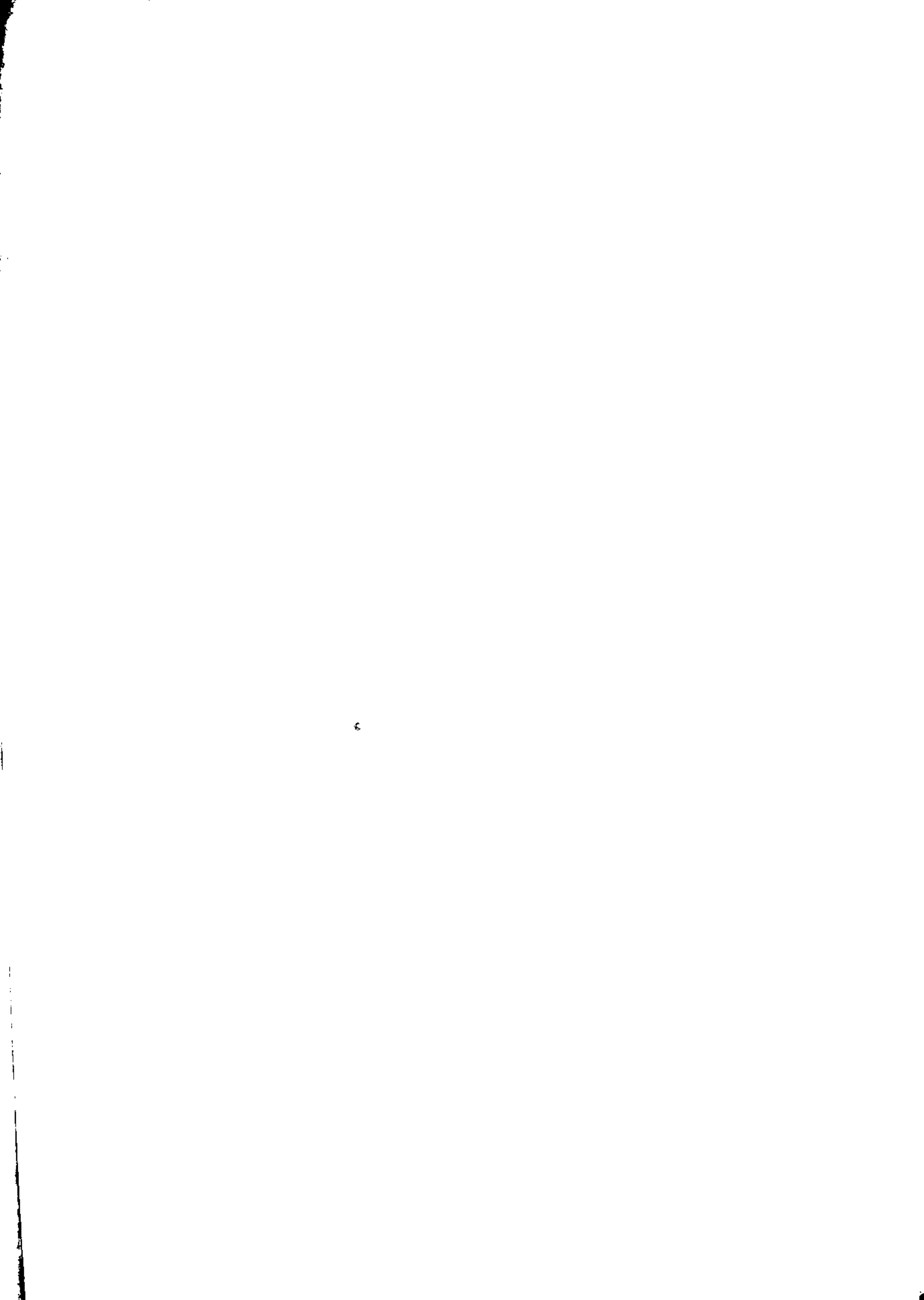
جلیل احمدی



ڈا. جلیل احمدی - ام مر بو طصفہ ۲۰۷



محمد ناصر  
 ڈا. جلیل احمدی - ام مر بو طصفہ ۲۷۰



طاہرہ بنت شیخ غلام سول :

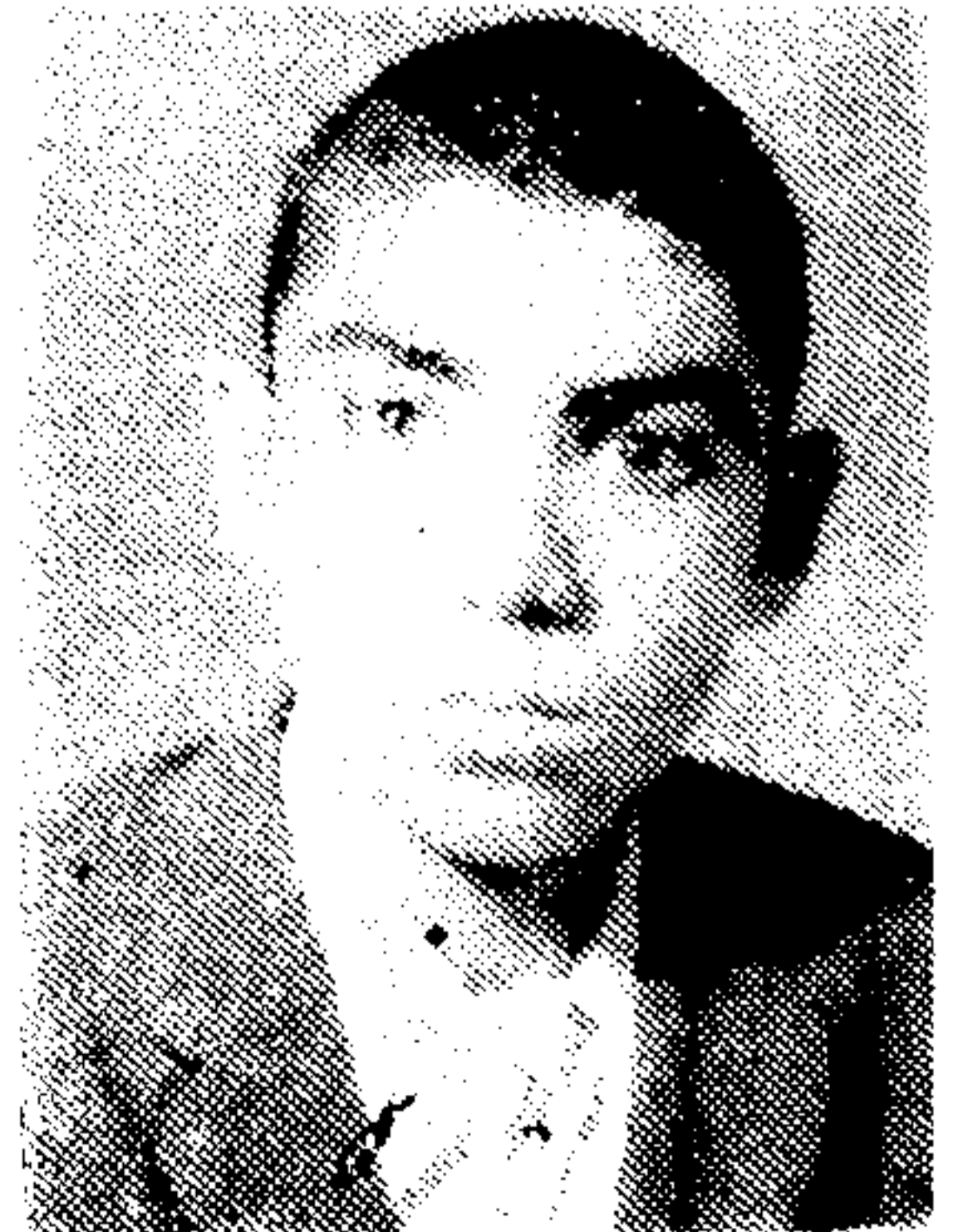
طاہرہ فارغ التحصیل صنف ۱۳ دارالمعلمین عالیہ و معلمہ لیسہ  
مہری است وی از تلامذہ لایق مکتب عینا توری استاد مشعل است و با  
کمال شوق و دلچسپی در تحصیل هنر میخانہ توری مشغول است و در  
طاہرہ از باب زادہ :

وی نیز از زردبف شاگردان مکتب استاد مشعل بوده و در هنر میخانہ توری  
سرگرم تحصیل است و او هم فارغ التحصیل صنف ۱۳ دارالمعلمین  
ہرات میباشد و بعد از تعلیمات دوره ابتدائی بہنر میخانہ توری مشغول  
یافتہ و در زردبف تلامذہ مکتب استاد مشعل شمولیت و تدریس است.

( ع )

سید عبد القادر رحیمی :

او در سال ۱۳۳۵ھ شہر فاجیہ  
اول شہر ہرات متولد گردیدہ در  
مکتب موفق دورہ ابتدائی او بہ پایان  
رسیدہ و در سال ۱۳۴۹ھ



سید عبد القادر رحیمی



الہام از شعر حافظ اثر سید عبد القادر رحیمی

لیسه سلطان شامل و فعلا در صنف ۱۱ لیسسه مذکور مصروف تحصیل میباشد  
در سال ۱۳۵۱ در حالیکه بصنف ۹ لیسسه مزبور شامل بوده در  
مدرسه تارا میوند استان مشعل شامل و به تحصیل هنر نقاشی آغاز نموده و  
تا اکنون نیز تحصیل خود را در این رشته ادامه میدهد.

تجدید الکریم آتیه :

تجدید الکریم آتیه همواره از محکم ایوب از ، و بی مطالعه بعضی مقالات که  
در مجله های هنری نشر شده بدون رهنمایی کدام استاد و عشق و تمرین  
در هنر عموماً قادر به کسب مهارت نموده و از روی بعضی  
نقشه ها پیشروی و یا لیونز نشانه برداری کرده ، عکس خودش را بزرگتر رسم  
و یا با استفاده از دوربین عکاسی این هنر استاد جوان که کم سن است فقط ذوق فطری  
و استعداد است که بر او وارد می آید اما در حقیقت علم و هنر پروردگار است عمده می باشد  
این هنر را در میان جوانان آینده جهانی پیش بینی میشود و اکنون اثر  
تجدید الکریم آتیه :



تابلوئی شکار نخچیر اثر عزیز



عزیزه مشعل

مباحثی که در این شماره به بحث درآمده است

یکی از اینها به نام «اندرواز» است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است

و در این شماره به بحث درآمده است



عبدالکریم خوشنود

صفحه‌ی از عشق اثر عبدالکریم خوشنود

مکتب متوسطه یار تاجا بسال ۱۳۵۲ بو وظیفه معلمی موظف گردیده . وی از همین صغارت به میخاناتور شو و مفرط داشته و در اثر همان ذوق فطری در ردیف تلامیذ استاد مشعل بمشق و تمرین هنر پر داخته و آشوبتی سنان شوق هنری او را دوبالاجا خته و تاکنون درین رشته متمرکز است .

اسحاق (عبدالعزیز) هر وی :

او با اسحاق عبدال شهرت دارد پسر میر میرزا باقر کابللی میباشد و این پسر کابللی هر دو شاگردن میرزا رضا بودند . استاد عبدال مصوری زبیر است بوده در سیاه و علم و نقطه پرداز مهارتی بسزا داشت و آثار او پندرا بلای ننگه و سیاه کار نزد فکری موجود بوده (۱) از آن جمله تصویر سلطان احمد خان پدر امیر تهنو از خان از شهکارهای او است که در سیاه کار با نخ با اندازه تقریبا ۸ و ۶ سانتی با مداد سیاه کار کرده که رنگ آمیزی نشده .

عبدالعزیز فراهی :

در سال ۱۳۵۱ هـ ش از دارالمعلمین هرات فارغ التحصیل شده هنر میخاناتور را از مکتب استاد مشعل آموخته آثارش موجود است .

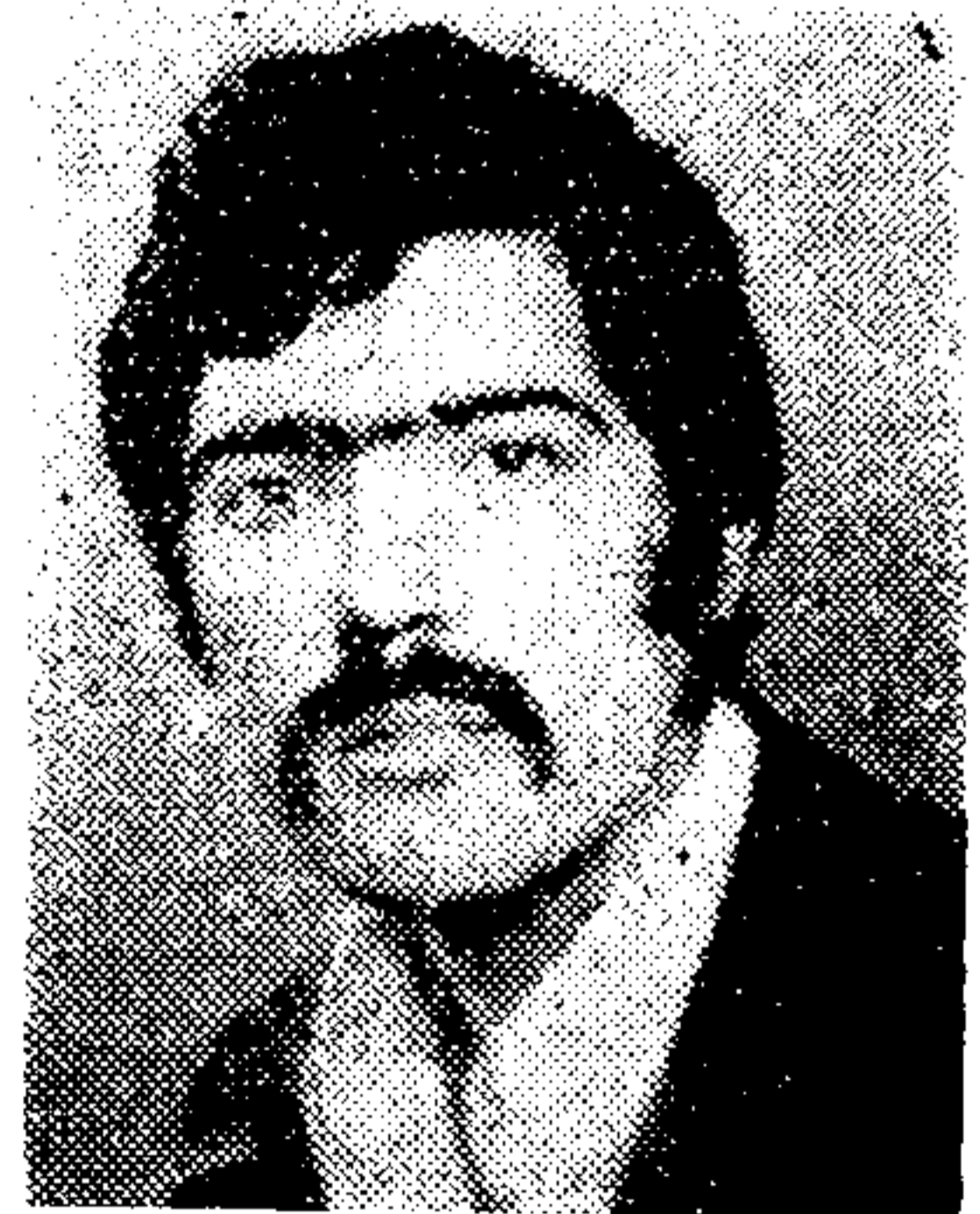
عبدالمصیر ولد عبدالقدوس غور یانی :

باشنده و لسوالی غور یان هرات در سال ۱۳۴۴ هـ ش تولد یافته در مکتب برنا باه دوره تحصیلات ابتدایی را طی نموده بعد از آن فراغت حاصل کرده در دارالمعلمین هرات شامل شده و بسال ۱۳۴۹ که استاد مشعل در آن دارالمعلمین حیثیت استادی را احراز و مکتب



آبا بلوی عبد البصیر

هنری باستانی هرات را  
 سر از نو پرریزی نمودوی نظر  
 بعلاقه زیاده که به عینا توری  
 هنرهای زیبا داشت بشاگردی  
 استاد معروف این هنر زیبارا  
 فرا گرفته است



عبد البصیر غوریانی

عبد الجلیل تاجر:

ولد حاجی احمد خان متولد در سال ۱۳۳۴ هجری قمری در هرات  
 تحصیلات خود را در مکتب ابتدایی لیسه سلطان پوری نموده و تعلیمات  
 ثانوی خود را نیز تمام گذاشته و دنبال کسب و کار را گرفته و بعداً  
 در سلك تلامذہ استاد مشعل به تحصیل هنر میخا توری پرداخته است

عبد الکریم رحیمی:

عبد الکریم در ۱۴۹۴ هجری قمری از دارالمعلمین هرات فراغت یافته بو وظیفه معلمی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

وبعد فقد حضر

الاجتماع

الذي عقد

في

الوقت

المذكور

في

المنهج

المذكور

في

الوقت

المذكور

في

الوقت

( غ )

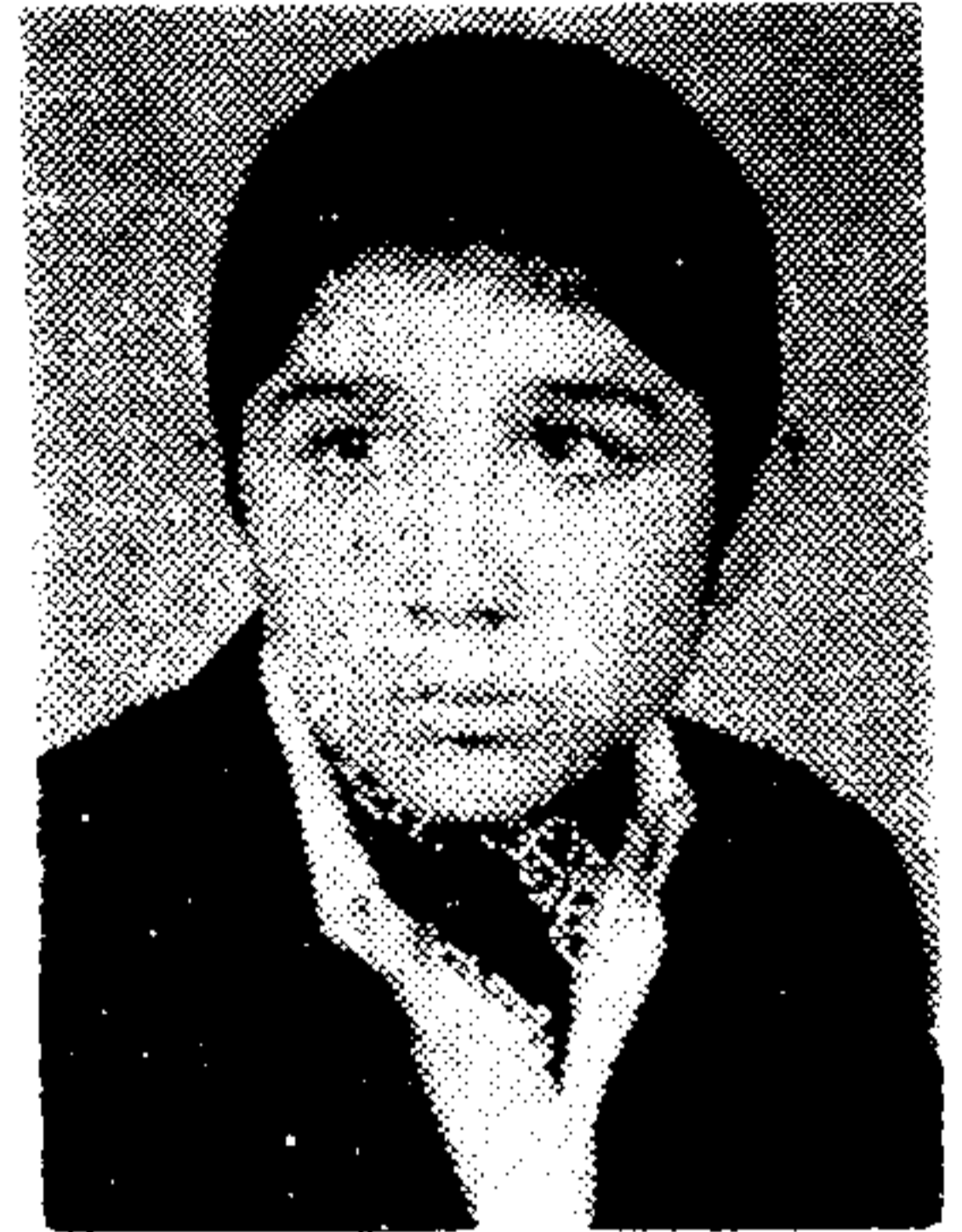
غلام رباني نيموری :

ولد غلام محمد فایق با شند ه ناحیه ۳ شهر هرات فعلا متعلم





صنف ۸ مکتب موفق هرات  
میباشد در اثر ذوق فطری  
که درین آب و خاک بورا  
استادان هنر باستانی موجود  
است در مکتب استاد مشعل  
افتخار شاگردی را حاصل نموده  
و مصرف تحصیل است.



غلام ربانی ایمروری

تابلوی برم (حمام حافظ) از غلام ربانی

غلام حسن :

ولد حاجی رمضان از جمله نقاشان کاشی کاری مسجد جامع  
کاشی کاری مسجد جامع شریف مصر و فی است.

غلام حیدر سلجوقی :

شاگرد میرزا رضا بوده و در نقاشی و کاشی کاری مسجد جامع  
مدتی کار کرده. موصوف در سنین جوانی وفات یافته است.

غلام جیلانی عثمانی :

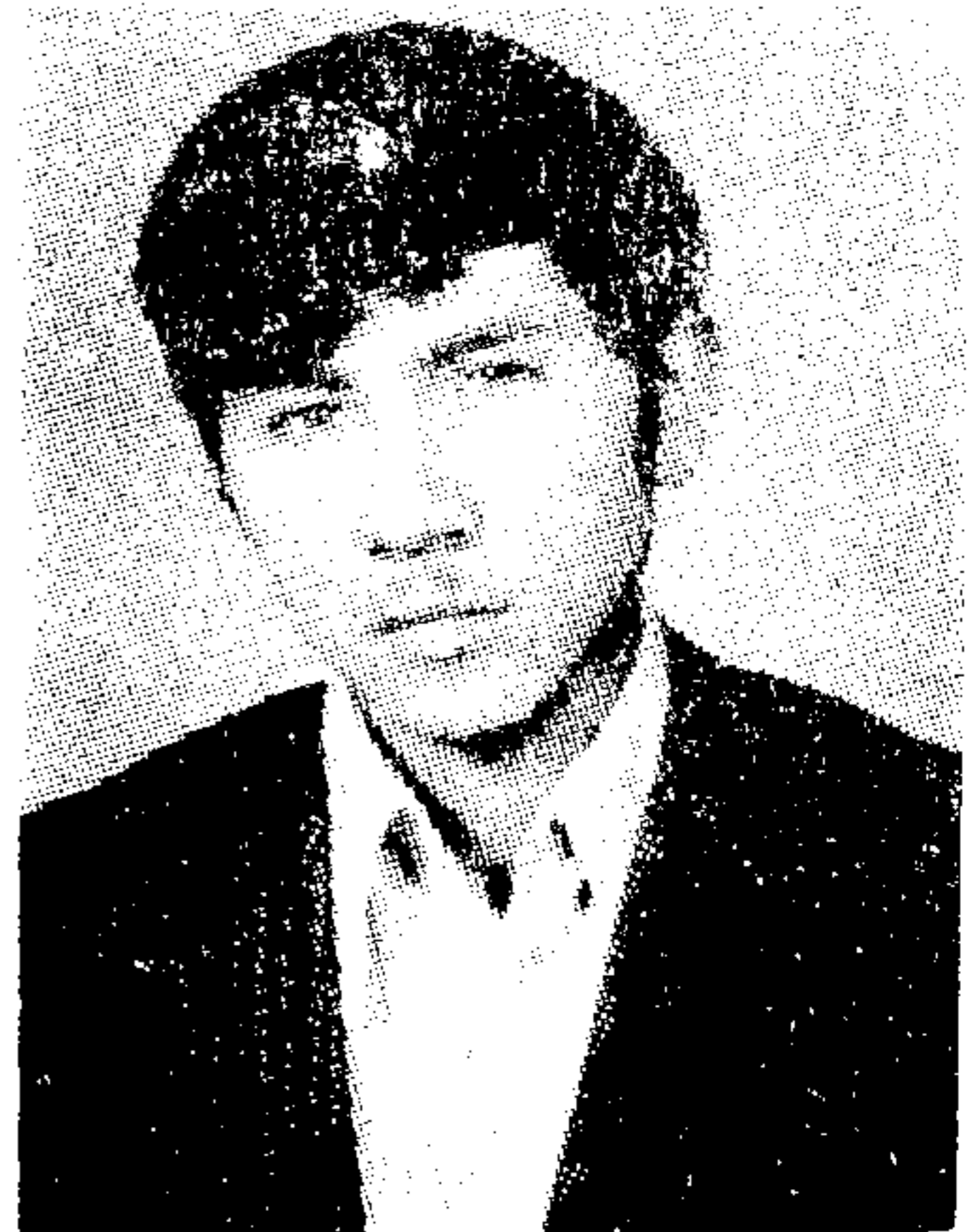
ولد مجنون در سال ۱۳۴۲ هـ.ش در قریه بیت الامان متولد گردیده که مربوط ناحیه ۶ شهر هرات است تعلیمات ابتدائی را در مکتب انصاری و دوره ثانوی را در لیسه جامی طی نموده .  
چون از زمان کودکی بهر

نمایشی ذوق مفرط داشته در اثر تشویق استاد مشعل در فرا گرفتن این شعر اقدام ورزیده شامل مکتب هنری استاد مو صوف شده است .



قا بلود ختری که در پای شکوفه تار میخواند

اثر غلام جیلانی



غلام جیلانی

غلام فاروق حبیب زاده :

در سال ۱۳۴۵ در هرات متولد گردیده تعلیمات ابتدایی خود را در مکتب سیفی هرات تکمیل نموده و بعد از آن دوره متوسطه را در

مکتب ابن سینا پیاپیان رسانیده بعداً بمکتب صنایع کابل شامل شد .  
 در آن مکتب استادانش عبارتند از پنا غلی غوث الدین رسام  
 عبدالصمد ، برهان الدین و محمد سعید مشعل بودند که همواره  
 از طرف این استادان مورد تشویق و توصیف بوده است .  
 چون از صنف ۱۳ مکتب صنایع فراغت حاصل کرد بحیث معلم آرت  
 بولایت هرات معرفی شد و تاکنون وظیفه آرت را در هرات ایماهمند  
 اعلا در لیس و زیر فتح خان مر بو طولسوالی گذره بوظیفه شامل است .  
 در مدت مصروفیت خود بوظیفه آرت و هنر در حدود دوحد تا بلوچ  
 هنری ترمیم و از خود بیادگار گذاشته که از آن جمله ۳۵۰  
 نزد خودش موجود است که مشهورترین آنها خودش نگاره از امام

وی سبک مینا تور را  
 تعقیب میکند و علاوه بر آن  
 در موسیقی علاقه و ذوق سرشار  
 دارد و در اوقات فراغت  
 باستعمال آلات موسیقی از  
 قبیل آرمونیه طنپور و تار  
 می پردازد ( شرح فوق  
 از روی نوشته خودش  
 تذکر یافت ) .



غلام فاروق حبیب زاده

یک درویش اثر غلام فاروق حبیب زاده

## (( ف ))

فخر الدین :

حاجی فخر الدین نقاش خلف میرزا رضا در سال ۱۳۱۸ هـ، ش در حالی که از فن تصویر دست کشیده بود و فات یافت . وی مصور ماهر و مشهور بود .

فقیر نقاش :

میرزا فقیر نقاش شاعر و میرزا رضا بودند . در زمان امیر حبیب الله خان تهرانی که مزار حضرت خواجه انصار قدس سره ترمیم شد تمام نقوش بر نوشته ها از قلم او بود که چون نما مآرنگ آمیزی بوده و کاشی کاری نبود تا اکنون اثری از آنها کمتر باقی مانده . موصوف سال ۱۳۰۷ هـ ش و فات یافت .

فضل احمد مقصودی :

در سال ۱۳۴۱ در قریه بیت الامان ناحیه ۶ شهر هرات متولد و تعلیمات ابتدائی خود را در مکتب انصاری و تعلیمات ثانوی را بمکتب دارالمعلمین هرات پایان رسانیده بعد از آن بر اثر تشویق و ترغیب استاد مشعل صنایع نقاشی ، میخا تور ، جبری ، کند کاری بر روی چوب ، روی چرم تذهیب ، سواد کاری و دیگر صنایع ضروری را فرا گرفته و در قطار آثار یکی در آتلیه استاد مشعل موجود است از وی آثار ارزنده نظر زیبایی می نماید .  
وی از برارنده ترین شاعران استاد مشعل است و علاوه بر علاقه

خاص در کتب هنر از خود نشان میدهد و ازین عشق و علاقه نسبی می  
او بهر که او همیشه بمکتب استاد مشعل مصروف در آن ایامه و روشنی با و  
پیشبینی میشود.



فضل احمد مقصودی در حال کار

و فعلا هم بحیث معلم در دارالمعلمین عالی هرات ایجابی تطبیق می نماید  
و بالفعل یکی از هنرمندان این رشته هنری شمار است که از آن  
او هویدا است .  
یکی از آثار مقصودی تا بلوی سیاه مو و جلالی است که  
استاد مشعل مشاهده میشود .

(( ل ))

لطف الحق فضل :

ولد فضل الحق متعلم صنف ۱۳ لیسه سلطان هرات .



تصویر چو پان اثر لطف الحق

وی بسال ۱۳۳۴ هـ ش در  
هرات متولد شده و اکنون  
۱۸ سال دارد، در اثر فوق  
فطری که زادگان این آب و  
خاک به ندرت دارند در زمره  
تلامذہ استاد مشعل بغرا  
گرفتند همواره میثاق تورشمولیت  
در زبده است .



لطف الحق

( م )

استاد حاجی محمد سعید مشعل :

استاد حاجی محمد سعید مشعل از همان شخصیت های ممتاز  
تاریخچه فطری است که گذشت زمان نه تنها بر نام و شهرت  
آن خدمت وارد کرده نمی تواند بلکه روز بروز و سال بسال بر شهرت  
او افزوده خواهد شد و او را اگر بهزاد معاصر بگوئیم میباید  
تکریم کنیم .

استاد مشعل و اقرباً در شهر میثاق تورید طولی دارد و نیز وی

هنریش از يك عشق سرشار و سرچشمه میگیرد که با تمام قدرت بشری کوشش است تا ذوق هنر را در محیط و ساعت هدایت و هنرمندان تر بیه کند که هر يك تا مقام خودش بلند بر و ند و هنر کدام مکتبی بلکه مکتب های هنری تا سپس نمایند و هنرورانی تر بیه کنند .



این عشق سرشار و نظر کیمیا اثرش در این سرزمین پر فیض بسا نهالهای مثمر غرس نموده که عده زیبا داز آنها بشمر رسیده و در بساز اطراف و نقاط کشور شاگردانش بساط هنر را پهن کرده و مکتب ها تا سپس نمودند و از مکتب های خود ها هنرورانی به محیط تقدیم کرده اند .

حاجی محمد سعید مشعل

حاجی محمد سعید مشعل و ا قعاً مشعل فرزانی استاد مشعل در نو ر پاشی میزما ید وی علاوه بر صنعت میزما نویسی خطاطی نیز مهارت بسیار دارد . خط نستعلیق را نهایت زیبا می نویسد :

استاد مشعل در شعر و ادب نیز قریحه سرشار داشت و در اول معاصر بشمار است . اینک نمونه ی از اشعار او : غزل دین از آثار سابقه پس میماند که در سال ۱۳۴۰ سروده است :

آمد بهار و صحن زمین شد گلاب رنگ

گوی جهان گرفتار فتنه شمشیر گلاب رنگ

یا آنکه داده صفحه گزینی بر ننگ آفتاب

دست قدر که ریخته هر جا آب رنگ

بس برگزیده تر بود از رنگ انتخاب

صفتگر قضا چو کند انتخاب رنگ

رنگی که نیست بهتر از آن رنگ در جهان

رنگی که پیش او نبود در حساب رنگ

رنگ بشر بود که ز تا ئیر انجرا فی

بروی نباشد از عمل تا صواب رنگ

این آیه می که یافت جهان آب و رنگ ازو

واحررت از بیاخت بیوم الحساب رنگ

از آب و آتش مشعل راه هدایتی

وز شعله اش بده برخ شیخ و شاب رنگ

از آب عفو نامه اعمال ما بشوی

وز نور لطف ده برخ این کتاب رنگ

چون هو اوقی ترین شرح حالات شخص همان است که خودش یا یکی

از آن میزند مکتبش بشوید نوشته خودش را که بخوایش من سوانح خود را

نهر بر نموده است با شرحی که یکی از شاگردانش در نقش مکتب

هدری او داده ذیلامی نگارم :



(نقش مکتب و شرح حالات شخص همان است که خودش یا یکی از آن میزند مکتبش بشوید نوشته خودش را که بخوایش من سوانح خود را نهر بر نموده است با شرحی که یکی از شاگردانش در نقش مکتب هدری او داده ذیلامی نگارم)



من حاجی - احمد سعید پسر مر حوم حاجی محمود عربی

با داشتن وظایف رسمی نظر به عشق و علاقه‌ی که برای رانده ساختن  
ساختن مکتب بهزاد داشتیم همواره درین راه بذل مساعی نمودیم  
وقتیکه صنایع فنون ملی در هرات تأسیس شد و آقای ملکیار توجه  
خاصی داشت من رئیس صنایع گردیدم شعبات میناتور سازی، حکاکی  
حجاری، سرامیک، مجسمه سازی، سراجی و امثال آنها را تأسیس و  
مدت کمی به تربیه شاگردانها توجه شد اما بسیار روزی به توسعه مکتب  
و منحل گردید -

بار دوم به مکتب لیسه سلطان کورس میناتور تأسیس نمودم که در  
دوام نکرد و زود ازین رفت. بار سوم در لیسه سلطان کورس  
نمودم باز هم بر کوه سواره سلطان کورس رفت  
در حین تصدی ریاست ساروالی هرات در جوانی ریاست  
صناعتی نام نهادم و در زمان ریاست مکتب کورس در  
چاهه نقل دادم و از توجه بلد به ایالت میانی رسیدن  
قرضه کمک شد آهم بعد از سپری شدن دور در ریاست  
و نتیجه آن فقط بعضی اشخاصی هستند که بعد از  
های حلبی می سازند و نقاشی میکنند.

احیراً وقتیکه دوره و کالتم از مجلس سنا ختم شد  
مامور سابقه دار بودم و در هر وزارت که  
وزارت معارف خواهش کردم که مرا به وزارت معارف  
در هرات متوقع بدهند تا کدر محبت اکثر همکاران  
خواهش مرا پذیرفتند و من در سنه ۱۳۴۸ بحیث معلم میناتور  
آمده و بد ار العلمین هرات صدوق ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ تحت  
گرفتم، از سنه ۴۸ به بعد در هر سال یک تعداد که از صدوق ۱۲  
شده اند در شق میناتور و نقاشی نیز بهره کافی داشته اند

از صنف ۹ الی ۱۲ و صنف ۱۳ مسلکی از من استفاده کرده نقاشی های خیلی ماهر و تا جاییکه درس فرا گرفته اند در هر ولایتی که هستند می توانند بمعارف آنولایت معلم خوب و قابل استفاده باشند. هر ظرف مدار که بمعارف کار کرده ام از شاگردن معارف و غیر معارف در حدود بیش از ۴۰۰ نفر در نقاشی تربیه کرده ام که به تمام ولایات و ممالک بخش گردیده اند و امروز آثار شاگردان من از قبیل کوزه و صراحی و مسدوقچه های نقاشی شده و تخته های شطرنج و امثالها در هر ولایت موجود و در هر بازار دیده می شود.

بسیار از آن در دست است و بوی شخصی خود چند نفر شاگردانی دارم که کار می کنند و خودم هم مصروف آنها و اولاد خود هستم.

بسیار از آن در دست است و بوی شخصی خود چند نفر شاگردانی دارم که کار می کنند و خودم هم مصروف آنها و اولاد خود هستم.

مکتب میرزا آقاخان مستاد محمد سعید مشعل:

از قضاوت حضرت مقبولی

بسیار از آن در دست است و بوی شخصی خود چند نفر شاگردانی دارم که کار می کنند و خودم هم مصروف آنها و اولاد خود هستم.

بسیار از آن در دست است و بوی شخصی خود چند نفر شاگردانی دارم که کار می کنند و خودم هم مصروف آنها و اولاد خود هستم.

هنری ما را آنگاه که ب خفا و فرا می نشینی ندویدند و ما را  
 بیگانه نگان جز آن آرا انداشتند که مکتب هنری ما را بگسار  
 بنام خود بگردد اندواید خود بدانند اما آثار پنج شاهد آقا حسین  
 برای ای سرور ما بودند این مکتب قدیمی منبت در همیشه  
 افنخا رات هنری کشور عزیز خود را با ما در بگره چنانچه  
 ما ده به چها نیان می شناسد ما آمد

یکی از آن شخصیت‌های عظامی در همین اصناف عجمی است  
 است که برای حفظ و زنده نگه داشتن هنر منگام ظهور  
 و خن و تا آخر این رموز در راه هنر و آفرینش  
 خستگی تا پذیر خارا در صحنه هنر و آفرینش  
 را درین رشته هنری ادای خود داد است

من هم یکی از خاگر و آفرینش هنر و آفرینش  
 همتی در صحنه مکتب هنری ما را آفرینش  
 گفتن کاری روی چهره آفرینش هنر و آفرینش  
 چیزهای خنری آفرینش هنر و آفرینش  
 است که در گره هنر و آفرینش هنر و آفرینش

تعارف چنانچه سالها در هنر و آفرینش هنر و آفرینش  
 چون عشق به هنر و آفرینش هنر و آفرینش  
 نیان آفرینش هنر و آفرینش هنر و آفرینش  
 فرا آفرینش هنر و آفرینش هنر و آفرینش  
 که هنر و آفرینش هنر و آفرینش هنر و آفرینش

نگار و آفرینش هنر و آفرینش هنر و آفرینش

مکتب هنری عجمی

سکونت او در شهر دشتی است که در این شهر  
 فعالیت در شوق و اندیشه و آفرینش هنر و آفرینش  
 استاد شعل است که نشان می‌دهد که هنر و آفرینش هنر و آفرینش

محمد یوسف مانند سایر ها گردان مکتب مشعل میتواند این هنر زیبا را در آن منطقه وسعت دهد و شاگردانی جلب کند و هنرمندانی تربیه نماید که آثار ارزنده از خود بیادگار بگذارد .

محمد نادر مشعل :

محمد نادر ولد حاجی استاد محمد سعید مشعل تولد او در سال ۱۳۳۵ فعلا متعلم صنف ۱۲ لیسه سلطان هرات است چون

نقاشی در فامیل او برارنده ترین مشعل هنری است در این رشته به شاکر دی و پیروی از بلدش طرح ریزی و عشق بر آفرین می نماید و درین رشته پیشرفت شایان نسو است .



تصویر یکی از سرداران غورا اثر محمد نادر

محمد نادر مشعل

محمد کبیر حمید :

وی متعلم صنف ۸ تجربہ بوی دارالمعلمین ہرات است صنعت مینا تور  
ونقاشی را از احتیاد مشعل آموخته است و از زمره قلا مہند  
اوست .

محمد جعفر :

وی ولد غلام رضای تقی زاده با شہدہ قر یہ غور در و ا در  
بتا ریخ ۱۳۴۸ متولد شدہ در متوسطہ تجربہ بوی دارالمعلمین عالی  
ہرات مصروف تحصیل است در حالیکہ استاد مشعل در دارالمعلمین  
درس نقاشی و مینا تور را آغاز کرد محمد جعفر از تدریس او  
با استفادہ اعظمی تصمیم

گرفت و خود را با تمام قوی  
به تحصیل و فراگیری فتن ابن ہنر  
آمادہ ساخت و طوریکہ مدعی است  
ہنر مینا تور جزہ لاینفک زندگی  
او گردیدہ و آیندہ درخشانی  
باو پیشبینی میشود .



محمد جعفر تقی زاده

صراحتی مینا تور شدہ اثر محمد جعفر

## محمد وای کشکی :

وی کشکی یا مشعوف تخلص دارد و در سال ۱۳۵۴ از مکتب دارالعلمین هرات فراغت یافته و از صنف ۹ تا ۱۴ تحت تعلیم و رهنمایی استاد مشعل هنر مینا تور را فرا گرفته و آثار او در شعبه مینا تور استاد مشعل موجود است که عبارت از یک تابلو و یک کوزه است .

## محمد عثمان قاضی زاده :

نام محمد اعظم اصلا اهل پغمان در سال ۱۳۱۶ در کابل تولد شده و بدست هدی است که در هرات اقامت دارد و در هرات تأهل نمود و در کابل در گنجینه شریف سکونت دارد .

وی سنگهای حجاری مفصل در جاده شمالی مسجد جامع شریف روی کار نموده و سنگهای الواح مزارات مرا به مهارت تام میتراشد .  
علاوه بر آن غوری نان خوری ، کاسه ، پیاله ، خاکستر دانی و غیره ساخته و از سنگ می تراشد .

در فن نقاشی دست فوری دارد ، نقاشیهای ظریف در بعضی غوریهای سنگ عریض میکند در ساختن ظروف سنگی صنعت فوق العاده از خود نشان میدهد که ظروف سنگی مطابق بحجم ظروف چینی می سازد که وزن آن نیز از ظروف چینی زیاد نیست و با ظروف چینی هم حجم خود هم وزن است . کار سامان حجاری او ساخت داخلی است سنگها را از پغمان ، گانر گاه ، زیار تجا ، کرخ و خواجه چشت بدست می آورد نام برده از هنر مندان خونبختی است که از پیشه خود کمال رضایت داشته و بازار هنرش فوق العاده گرم است و یکنوع ابتکار و تحول نیز در صنعت خود میدهد .

او صنعت نقاشی و حجاری را از پدرش آموخته و قرار نوشته خودش تا کنون بیست نفر شاگرد تربیه کرده است :

انواع سنگها را از مناطق کوه های هرات بدست آورده در محل تجربه قرار میدهد و هر نوع را برای سامانی اختصاص میدهد .

((ن))

محمد نسیم پروانہ :

خلف مرحوم حاجی محمود برادر استاد مشعل ، وی ہم خطاط است  
 و ہم است نقاش در خطاطی و نقاشی از استاد مشعل پیروی و استقامت  
 نموده در خط نستعلیق و شکست بد طولی دارد ،  
 وی مدتی بدی اثر حکوی مت شامل بوده و چو کبھی حکوی مت در  
 در بساطی آنکمال داشتند در پیش دررنگ کمال انشوری را نیز طی نموده است  
 سکو ات اصلی او در رنگی مر بوط و نسوانی نموده میباشد ،  
 در منطقه غور مصر و افغانستان است .

نثار احمد :

وی فرزند محمد یوسف متعلم مکتب پستون  
 زرغون در سال ۱۳۳۷ در فریده شادی پستون  
 زرغون تولد یافتہ و در سال ۱۳۵۱ از  
 دارالمعلمین ہرات فراغت حاصل نمود و  
 در صنف میناتور شاگردی استاد مشعل  
 این هنر زیبا را فراگر فتنہ است .

Marfat.com

حصه دوم

## خطا طان معاصر

(الف)

الله بردی :

خلیفه الله بردی خلفا لصدیق حضرت صوفی اسلام شهید نور الله مرقد ه بوده مدتی خلافت و اولد بزرگوارش را بعهدہ داشت .

هو صوفی ذریعه ناخن خویش خط خوش مینوشت و این خط ابتکار و اختراع او است، معزی الیه بخط نستعلیق مهارت بزرگ داشت چو مصروف و ظیفه ارشاد بود بنوشتن کدام کتابی باوشان فرصت میسر نبود .

در سال ۱۳۱۱ ه، فی دار فنا را وداع گفتند - مسجد جامع کرخ و ایوان غربی مرقد حضرت شهید از زمان آن بزرگوار است مرقدشان در جوار مزار حضرت شهید (رح) است .

(میرزا) ابوالقاسم :

میرزا ابوالقاسم نیز از جمله فرزندان حضرت شهید رحمه الله علیه میباشد که دست ارادت به خلیفه دارالامان بلخی داده مامور بارشاد مردم بود . در کرخ در مسند پدر بزرگوارش ازو خلافت می نمود . معزی الیه در حسن خط خصوصا نستعلیق بدرجه استادی بود .

از خطوطی که بقلم او است نزد ارادتمندان موجود است در سال ۱۳۵۳ - بجهان جاودانی رحلت نمود .

میرزا عبدالحق ، میرزا عطاء الله ، میرزا عبدالقادر ، میرزا عبدالرازق ، میرزا حبیب الله و بسا شخصیت های دیگر که همه از اولاد و فاسیل حضرت شهید (رح) بوده اند همه در هنر خطاطی



دست قوی داشتند خصوصاً میرزا عبدالمعین که شهرزاد را آورد  
نی پس شهرت داشت در اینجا شرح حال ذوالقادر که در سنه ۱۲۷۰ هجری  
نیز که فضیلت شهرت این خاندان بزرگ شده می تواند

### میرزا ابی نجیب .

در حدود سنه ۱۲۷۰ هجری در سلاطین خاندان خاندان خاندان  
ادری او در جامع مکتوبات صدر آن زمان در شهرت شهرت  
و طبعی در شرح هرات با او بود که در سنه ۱۲۷۰ هجری  
می بود خطوط کو فی در آن زمان در شهرت شهرت  
دیدی من فوج سر قوا در سنه ۱۲۷۰ هجری در شهرت  
احمد شهرت خط فی در آن زمان در شهرت شهرت  
۴۰ سال از آن زمان که در شهرت شهرت

در سنه ۱۲۷۰ هجری در شهرت شهرت  
معلوم شهرت معلوم شهرت شهرت شهرت شهرت  
شهرت شهرت شهرت شهرت شهرت شهرت شهرت  
موظف بود .

در برج حمل سال ۱۳۳۹ ش . در شهرت شهرت شهرت شهرت  
مقبیره حضرت شهید (رح) مدفون گردید .

### ابوبکر ابی بهی :

سید ابوبکر ابی بهی متخلص بفانی در خط نستعلیق  
کمال قدرت و مهارت داشت از قوم سادات بود در شهرت شهرت  
شهرت و مهارت فوق العاده اش در شعر و ادب بود در علوم استدلاله  
عربیت نیز مقام عالی داشت ولی اشعارش تماماً مداحه و هجوئیات  
بود . وی مدتی در دفاتر حکومتی او به و غیره دوائر حکومت به  
بجای کتاب اجرای وظیفه می نمود .  
چون مدتی در شعبات آرشیف بواره و صادره و ترتیب دفاتر

رسمی مصر و فیت دانت بر روی همان سلیقه دفتر اشعارش را به  
 بشکل یک دفتر تحریرات رسمی ترتیب داده و بهر یک از مشاهیر و  
 ارباب ثروت مدایحی و هجویاتی سروده و بنام هر یک کار تخی از  
 اشعار را مملو ساخته باین ترتیب که مدحی مفصل و عالی بنام او سروده  
 و چون صلا مطلوب از و در یافت نکرده بالمقابل بنام او هجوی مفصل  
 سروده و هر دو را مانند مکتوب و جواب مکتوب بیک دوسیه جای داده  
 و هر کدام نمبر و تاریخ در آن هر شعر آن اندازه تا اثرات مثبت و  
 منفی آن را به نسبت مدح و تحس نشان میدهد. بعد از مدتی باز مدح  
 دیگر به نسبت او سروده و از مداحه و هجای پیشینه اش یاد آوری  
 کرده. بعد از آن باز هجود دیگر سروده و اندازه تا اثراتش را به نسبت  
 مدح و تحس دیگر در آن داشته و همچنین در هر کار آن که  
 مدح و تحس است چندین دوسیه است و در هر دوسیه یک عدد شعر مداحه  
 یا هجوی در آنجا دارد و در دفتر وارده و صا دره نمره و تاریخ  
 آن درج است.

در این کتاب در یک جلد سراسر این دستاوردی داشت چنانچه یکی از روزهای  
 آن سال در آنجا بود و در آنجا آن که شب پیش آن عمر محمد عثمان  
 در آنجا بود و آن کتاب در آنجا است که آن روز در عصر روزی از  
 آنجا در آنجا بود و آن کتاب در آنجا است که آن روز در عصر روزی از  
 آنجا در آنجا بود و آن کتاب در آنجا است که آن روز در عصر روزی از

وی ضمیرت محیط دانا بی  
 ما اندام شب زبون ز بیجا بی  
 گره از کار بسته بگشایی  
 ز حمتیم را قبول فر ما بی  
 غم از آنجا بود و آن کتاب در آنجا است که آن روز در عصر روزی از  
 آنجا در آنجا بود و آن کتاب در آنجا است که آن روز در عصر روزی از

ذات که در مسکن مدایح گهر نام تو در حلقه اعیان نگین  
 از یک مداحه آن که به لهجه مشنوی سروده شده:

معن و حاتم زسخایت خجلاند بحر و کان از گرفت منتعلاند  
 کیست کور یزه خور خان تو نیست بنده سر خط احسان تو نیست  
 از سید ابوبکر کام قطعه و کنیبه بمشاهده فرسیده در خط نیم قلم  
 و ریزه آثاری از و مانده است . وفات سید ابوبکر فانی در سال  
 ۱۳۴۳ هـ، ش واقع شده است .  
(شیخ اعظم جان :

محمد اعظم ابن مر حوم شیخ سلطان احمد متولی خفته میباراند  
 حضرت فخر کائنات (ع) در هرات وی از اولاد زنده فانی شیخ محمد  
 جام میبار شد .  
 شیخ اعظم جان در خط مستعلیق خندو نسا نیم قلم در خط  
 عالی میبارت نام و عدد ساعت و قلم خط قلم تو را اندازد در خط  
 از نزد مردم میبارد مدد عمرش را در حقش میبارد  
 سوری نموده و فعلاً که بوقاعه است در خطش میبارد  
 شامل و ظوفاه است شجره ما را خطش میبارد

حاجی امین اللہ اعظمی

دولت میرزا احمدیست لڑکے از کتب  
 ہزار ہوں میں سے ایک ہے  
 کچھ نہیں ہے وہ کچھ ہے  
 میرزا محمد علی صاحب



حاجی امین اللہ اعظمی

محمد علی صاحب

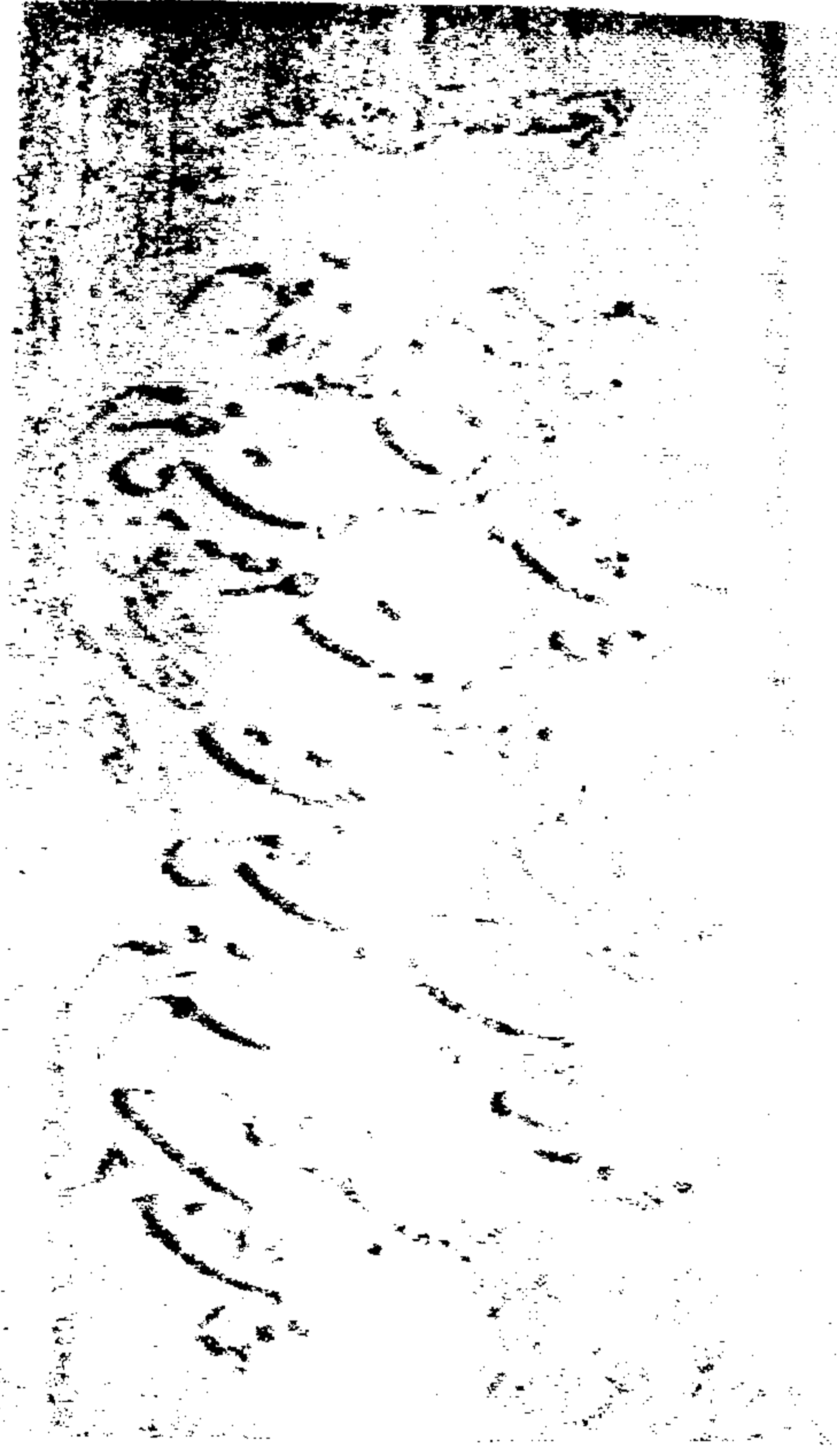
بی در شش قلم خط مها رت دارد و از تلامذ استاد محمد علی  
 بسیار است قطعات زیاد بخطوط نستعلیق ثلث و غیره نوشته نزد  
 مردم موجود است .

در مسجد قریه کل آب و هم در مسجد بازار مسگران کتیبه ها بخط  
 کوفی نوشته که یادگار آثار هنری او است .

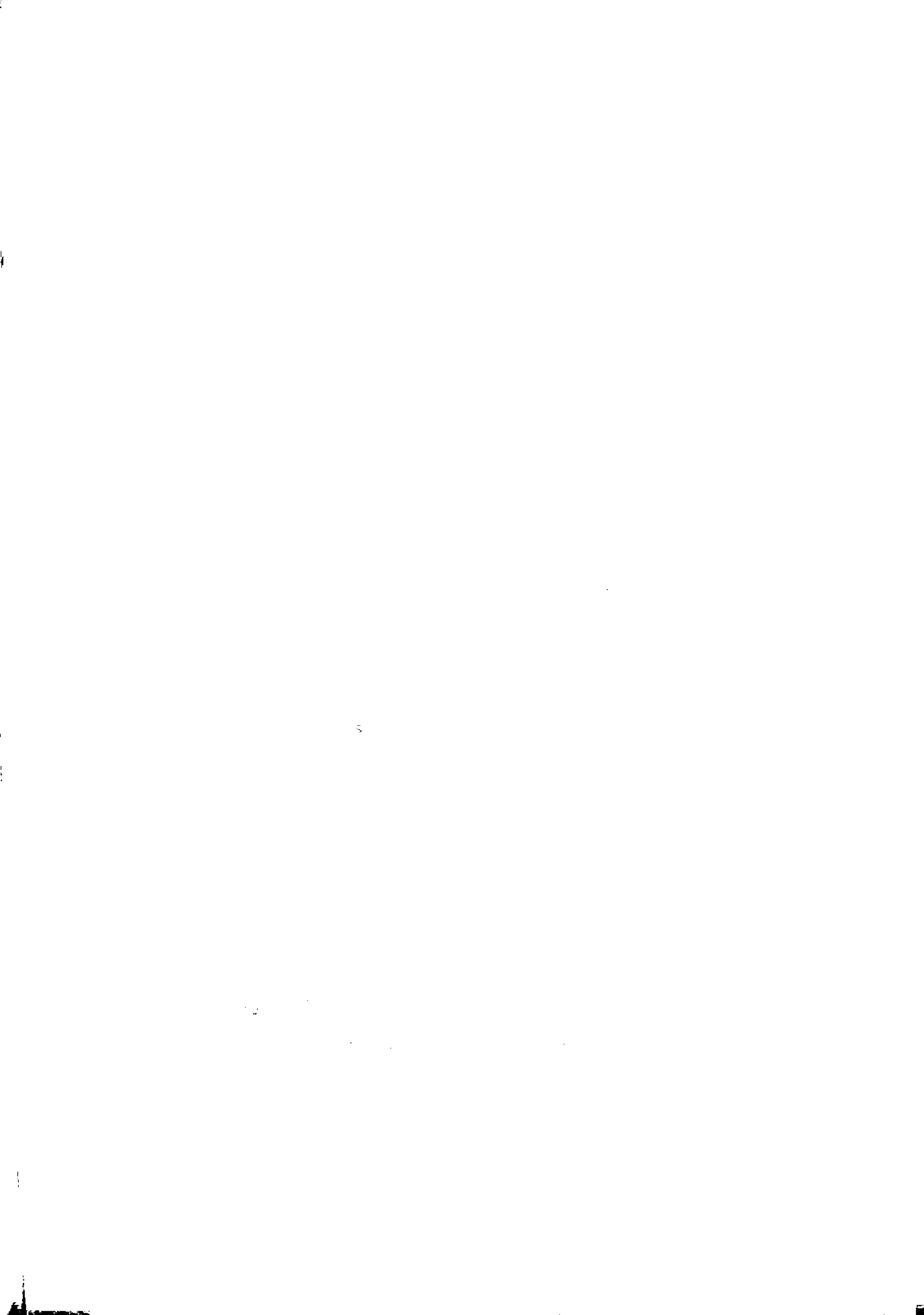
در قریه ها بی معروف خودش خلاصه سوانح خود را شرح میدهند ؛  
 در سال ۱۳۳۷ شمسی در هرات متولد شده و سال ۱۳۴۷ شامل مکتب  
 کوفی کرد و در آنجا تحصیلات ابتدایی را در مکتب پیاپیان رسانید و  
 در آنجا به جهت آن که معلمی بخط خوش علاقه زیاد داشته برای تحصیل  
 در شهر قریه در سال ۱۳۴۲ شمسی به استاد محمد علی عطار مراجعه  
 نمود و در آنجا او را به نگارگری خود پذیرفتند و در سال ۱۳۴۳ شامل  
 مکتب کسری شده چون مشق او مورد پسند بوده در مطبعه در سال  
 ۱۳۴۵ آثارش بخطاطبی بوده فعلا بدکالند آری مشغولیت دارد .

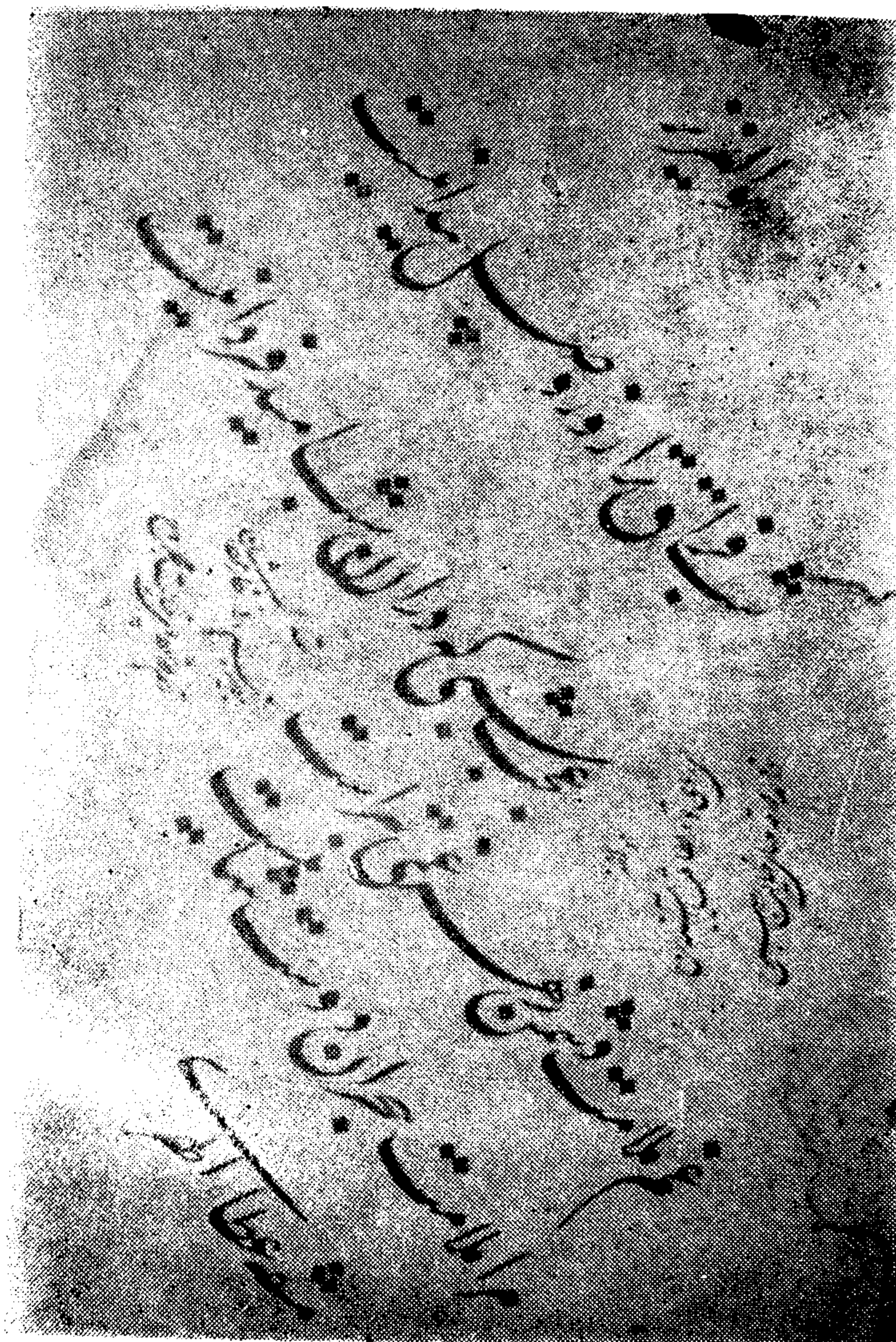
۱۳۹۴ هـ ق در قریه (عالمتاب) چون متولد شد و

در عهد طفولیت به توجه پدرش بتحصیل علم و حسن خط پرداخت و در  
 همان دوره کودکی با والدین و برادرش منشی ملا عبد الصمد بهرات  
 آمده علوم متداوله را در هرات تکمیل نموده و بخطوط نسخ ، نستعلیق  
 کوفی مهارت یافت و نیز در فن میناتور قالی بلیت پیدا کرد که صفحات  
 قرآن و کتب معروف را نقش و مینا تررمی نمود، قریحه عالی در شعر  
 داشت و مجموعه اشعار او بخط خودش نزد آقای محمد وزیر برادرزاده اش  
 میباشد نظر بامتیازی که در نگارش و ادب و حسن خط داشت دوره حیاتش بحیث  
 منشی ولایت و سد یر خارجه ولایت سپری گردید و مدتی هم بوکالت سر محوری  
 جریده فریادروز نامه کنونی اتفاق اسلام موظف بود چون در حسن خط  
 و فضل و دانش شهرت یافت در زمان امیر حبیب الله خان بکابل خواسته شد  
 و شامل منشی های دربار گردید و علاوه بر آن بترتیب و تظلم کتا بخانه  
 سلطنتی آن زمان شامل و وظیفه شد .



موجودہ نصاب میں درج شدہ تمام مضامین  
تعمیر کے لئے ہیں





نمونه خط نستعلیق شیخ الاسلام ملا خدا بخش  
تفصیل در صفحه ۴۴۱





در بلا گر صبر آری ر ستگاری رو دهد  
 چون جفاها نیکه نیداز زمر معهود هود  
 جود خوش باهد بعالم خاصه جود علم و فضل  
 کرد آدم را بفوج قدسیان مسجود جود  
 از خدا یاری طلب در دفع مطرود عدو  
 تا بر آرد سطو آتش از جان هر هرده دود  
 آدمی را خلاق نیکو میشود مرد تمام  
 عود هیزم بود شد از طغیوت مسجود عود  
 ای عطاء جولان به میدان سعادت می کند  
 هر که عمری در ر ساقی سعادت جود

(( ن ))

آخند ملا ( ذبیح الله )

وی فرزند دوم مرحوم شیخ الاحلام آخند ملا ولد سید محمد  
 در تحریر خطوط سینه پشاگردی پدرش نیافت و مهمان خانان  
 از اقران فایق شد و در تمام مملکت به شعر خطا طبعی  
 در عصر امیر حبیب الله خان برای تطهیر کربلا به  
 فائب السلطنة سردار نصر الله خان با اعزاز تمام بنام  
 و مدت مدید این وظیفه را بعهدہ داشت .

آخند ملا ذبیح الله بعد از سالها برای دیدار اقا  
 بهرات بازگشت و در همین اثنا مریش خنده بود و در  
 سال ۱۳۱۴ دار فانی را بدرود گفت . امیر شهید از استماع وفات  
 استاد و خطاط گرانمایه سخت متأثر شده امر کرد که مقبره اش  
 شایسته آباد و عمارتی هم در جوار آن ساختمان گردد و چند نفر  
 کلام الله موظف شدند که همیشه در آنجا به تلاوت و دعا مصروف باشند  
 از آثار خطوط عالی ابن استاد مرحوم یکقطعه نفیس مذهب در

آثار خطی وزارت اطلاعات و کلتور و یکقطعه زیبای دیگر دارای نقوش و تذهیب کار خودش در کتابخانه شخصی پوهانند کتور جاوید محفوظ است

(ر)

(سید) رضی :

مرحوم حاجی سید رضی طبیب پسر میرزا سید حسین پسر حاجی سید علی در سال ۱۳۷۰ هـ ق در هرات متولد و بسال ۱۳۵۴ هـ ق در ۹ رجب الثمر حب جهان فانی را وداغ گفت و ۸۴ سال عمر شرافتمندانه سپری نمود در جواری شهباز ده قاسم (رض) مدفون است .

موصوفی در خود هرات در نزد علمای بزرگ تحصیل علوم هروجه را نموده علوم صرف، نحو، منطق و حکمت را بدرجه کمال رسانید و از جمله استادان او قاضی ملا محمد صدیق مشهور به آخند زاده کاپلی است ملا محمد مشهور به ملا محمد درد در بوده اند و نزد بهشتی علمای جید دیگر نیز درس خوانده است چون پیشه وراثتی و فقه حنفی او طبابت بود کتب طب قدیم را نیز درسا خواند مانند قانون شیخ ابو علی سینا و غیره و در رشته طب بدرجه استادی رسید که تدریس هم می نمود چنانچه ملا میر جلال الدین طبیب خود را از تلامذات او میبرد .

در هفت خط نیز دست داشت و از جمله خطاطان بشمار است و خطوط کوفی نسخ، نستعلیق را استادانه می نوشت

در طب بعدی شهرت و مهارت حاصل کرده بود که در زمان خودش مرجع خاص و عام بود و روش نیک و اخلاق پسندیده اش نیز بیشتر بر ایضا اثر جالب میگرد .

چند قرن ذیل از مرثیه ی است که از شعرای زمان او سروده اند .

قدوة سا دات حاجی سید رضی خان طیب

با داند رجا نب فر دوس روحی کامگار

هر زمان از جانب خویشان و جمله دوستان

سوره اخلاص گردید بر روان او نثار

بود سال یک هزار و سه صد و پنجاه و چهار

روز جمعه نوزده ماه رجب اقدس شعبان

شد ز فرط غم معده جا نب را لبقا

سید و آل محمد آن حکیم نثار

((س))

ملا سلیمان سلجوقی :

آخند زاده ملا سلیمان سلجوقی از خطاطان پر شهرت شهر تبریز  
استعلیق و نسخ بهارت داشته هم تا بلو نویسی میگردید و در تبریز  
قبور را می نوشت و بسا الواح بخط او در مزارات مشهور تبریز  
مزار شاهزاده ابوالقاسم رحمه الله علیه کتیبهای بخط او در تبریز  
که صد ساله و نوی جا می را به استعلیق جلی نوشته از خطاطان تبریز

سراج الدین :

ملا سراج الدین تحصیل یافته در اصفهان

هرات است .

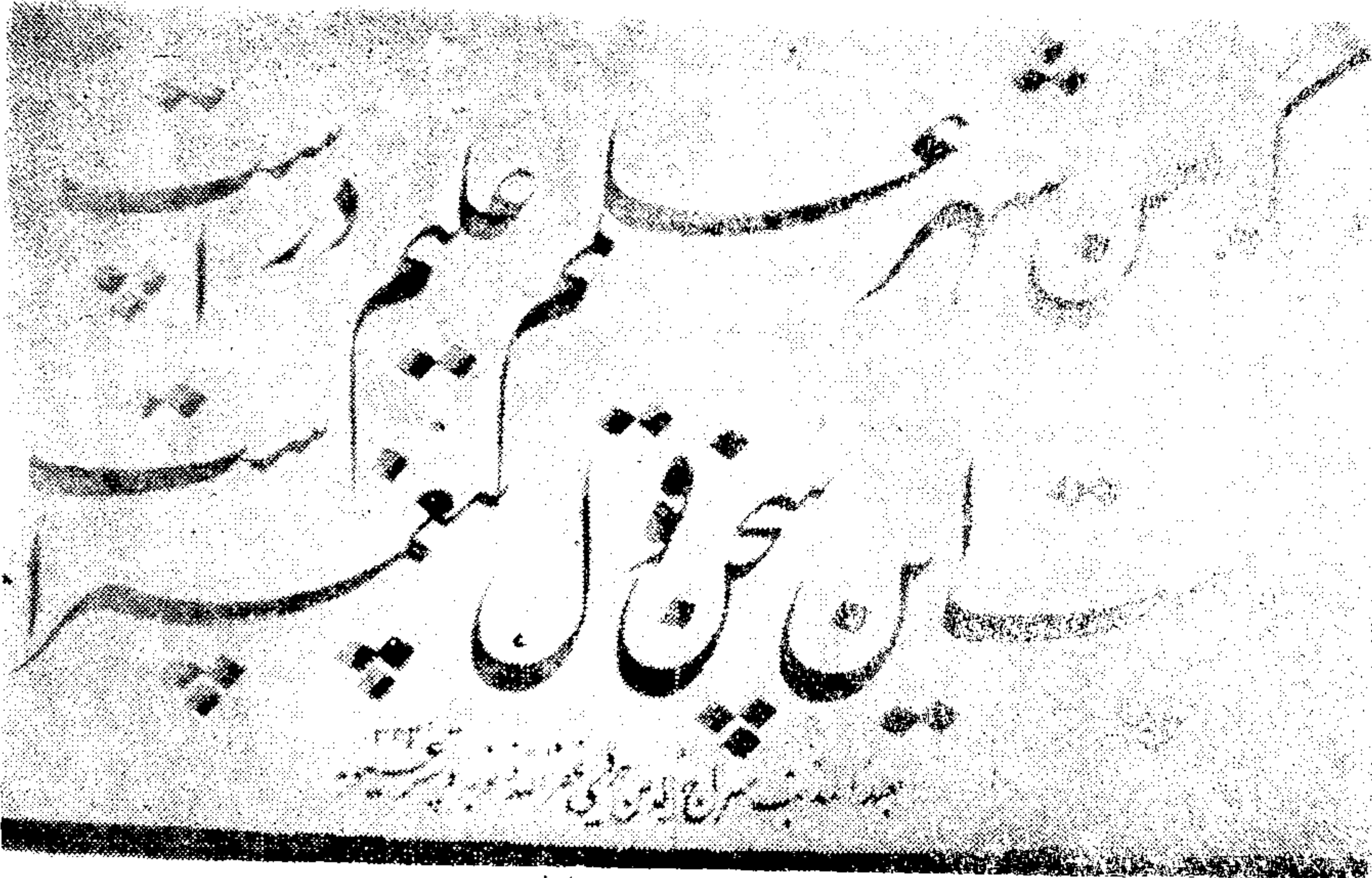
وی ولد ملا عبد الحمید خطیب سا بنده

مسجد جامع قریه با غدشت واقع سمت شمال



سراج الدین

شهر هرات میباشد. ملا سراج الدین از مشایقان برجسته  
 سر لوحه نویس هرات بوده و بنا بر او حقه های دکانها و غیره  
 بخط او است. موصوف از زمره شاگردان استاد محمد علی عطار میباشد.



نویس از خط سراج الدین با غدشتی

(ش)

شریف صراف :

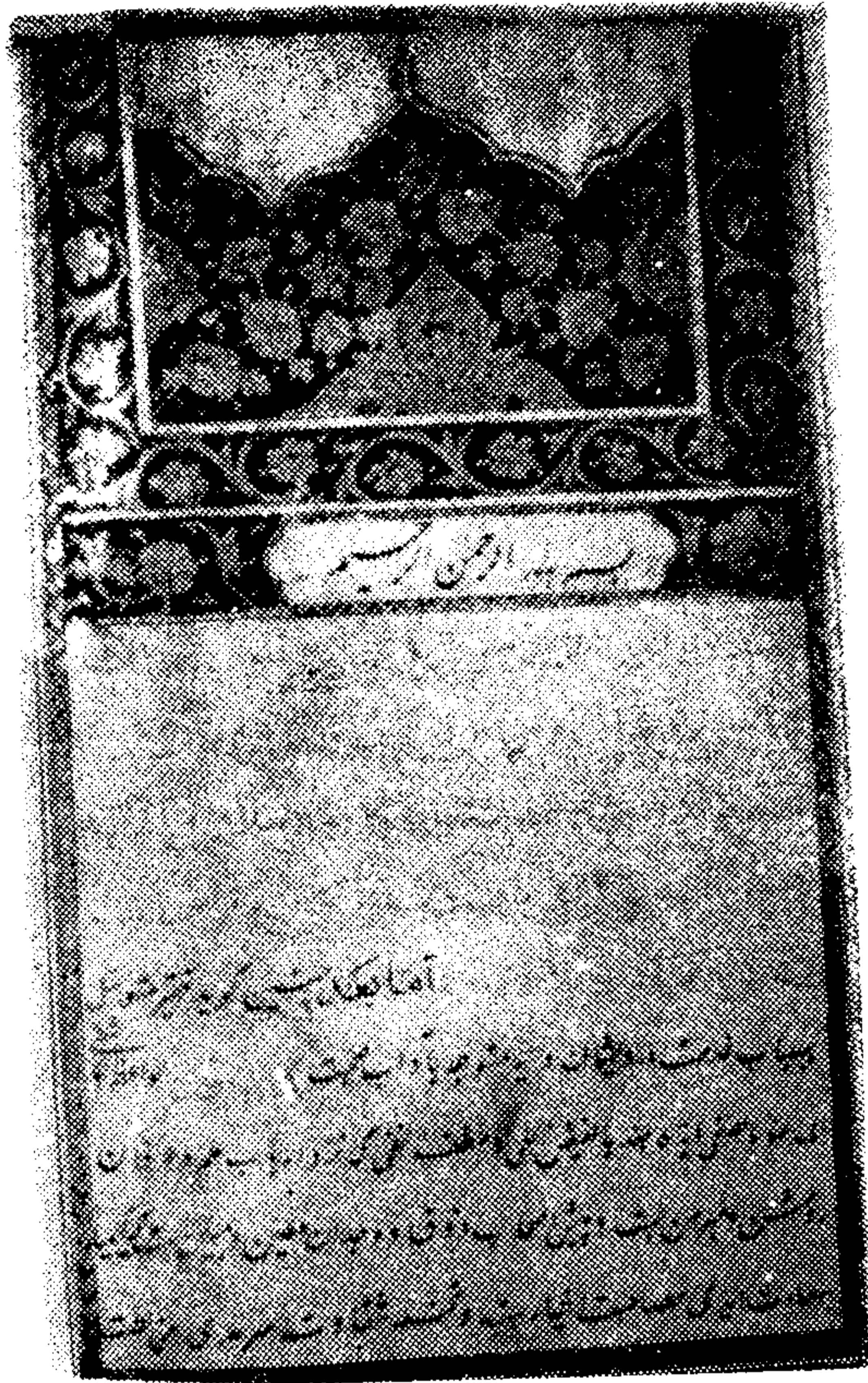
میرزا شریف معروف بصراف در نستعلیق شاگرد خلیفه محمد حسین  
 سلجوقی است .  
 موصوف در تمام عمر خود از آغاز جوانی در خزانه هرات بوظیفه  
 صرافیه موزان بود خط نستعلیق را شیرین و صفامی نوشت ولی کم نویس بود .  
 وفات او در سال ۱۳۰۸ بوقوع پیوسته (۱)

(۱) س ۱۰۹ تعلیقات فکری نوشته دفا سلجوقی



نمونہ خط آخرا علامہ عبدالعظیم انصاری در صفحہ ۲۲۷





صفحه اول کتاب آداب الاصاب و دروغها  
ملا عبد الصمد هر وی برادر عشقی  
ملا احمد متعلق تفهیمیل در صفحه ۲۴۷





(ع)

آخند ملا عبدالفتاح :

ملا عبدالفتاح فرزند قاضی ملا یحیی از احفاد آخند ملا محمد قاسم  
 میباشد که مانند نیاکان خود در تحریر خطوط نستعلیق و نسخ و شکسته  
 توانائی کافی داشته و آثار خوبی از وی یادگار مانده است از آن  
 جمله کتاب شرح عقاید عضدیه مؤلفه علامه جلال الدین محمد بن اسعد الدوانی  
 را بخط نسخ عالی در سال ۱۳۰۰ هجری قمری نگاشته و نیز قطعه‌های  
 محتوی یک رباعی بخط نستعلیق جلی و در حاشیه آن اشعار بخط  
 شکسته و خفی نوشته که مهارت او را در هنر خط تمثیل میکنند .  
سید عبدالحمید احمد زاده :

ملا عبدالحمید که پسر آخند زاده ملا محمد صدیق همدانی  
 (مدرس) بود موصوف نیز از زمره خطاطان هرات بوده و در اقسام خط  
 مهارت بی‌زا داشت . موصوف ولد حاجی میر سید محمد و از حائزان  
 علم و فضل است .  
 (منشی ملا) عبدالصمد :

در سال ۱۳۰۰ قی در قریه عالمتاب جواند اولاد و با برادر بزرگش  
 منشی ملا احمد بهرات آمد و بتحصیل علوم و حسن خط پر داشت خط  
 نسخ و نستعلیق را عالی می نوشت .  
 کتاب آداب الاصحاب تألیف علی کاشفی بخط او نیز پسر سید  
 محمد وزیر مدیر محاسبه مستوفیت هرات موجود است موصوف  
 ۱۳۷۵ قی در کسرخ وفات یافت و بجوار مزار پدرش در کسرخ  
 علیه الرحمه مدفون گردید .  
 آخند ملا (عبدالحمید)

او فرزند ارشد مرحوم شیخ الاسلام آخند ملا خدا بخش و در  
 هنر خوشنویسی و کتابت خطوط سسته از خطاطان چیره دست  
 بود که به پیر وی از پدر بزرگوار خود کتابهای زیادی

در علوم معقول و منقول بخط عالی نسخ و نستعلیق نگاشته و یادگار گذاشته همچنین یک مجموعه بزرگ نمونه های خطوط سته محتوی آیات کلام الله مجید و مقولات و اشعار و قصاید معروف عرب بخط ثلث و ریحان و کوفی و نستعلیق و شکسته و نسخ نوشته است که یک شاهکار هنری بحساب میرود .

از کتب خطی قلمی او کتاب عین العلم و شرح عقاید سیفی که در سالهای ۱۳۰۴ و ۱۳۰۴ هـ، ق بخط نسخ و ثلث نهایت عالی نوشته شده در کتابخانه شخصی محمد علم غواص وجود دارد که برهان چیره دستی این استاد و هنرمند بزرگ در خوشنویسی است .

قطعات و رباعیات عربی و دری را نیز بخط ثلث و نستعلیق نهایت استقامت و دقت نگاشته .

### عبدالرؤف (فکری) سلجوقی :

مرحوم استاد عبدالرؤف فکری فرزند مرحوم مولوی عبدالفتاح سلجوقی در سال ۱۲۸۸ ش در خا نواده معروف علمی سلجوقیان در پایتخت شهر هرات متولد شده در خطوط نستعلیق و ثلث و فنون جمیله هیفاتور مکتب بهزان و تذهیب و نقاشی و کاشی کاری مهارت داشت وی از سال ۱۳۱۳ تا اخیر عمر در انجمن ادبی و موزیم هرات و انجمن تاریخ و ریاست تالیف و ترجمه بخدمات ادبی و هنری دوام داده تاریخ هرات باستان را تدوین کرده و در تنظیم کتابخانه نسخ خطی وزارت اطلاعات و کلتور و احیاء نام بزرگان کوشیده هنر هایش در کتیبه های نفیس مسجد جامع و رواق های عمارت مزار علامه امام رازی جا و بد مانده است .

از تالیفات تاریخی استاد فکری کتب مزارات هرات ، گاه زر گاه ، خیابان و تذکره خطاطان و نقاشان در کابل طبع شده در کلیات قصاید و اشعارش عالی فرخی را استادانه پیروی کرده وی در کتابخانه



انہوں نے کہا کہ ان کے پاس ایک  
میں نے ان کو دیکھا ہے

تھیں

انہوں نے کہا کہ ان کے پاس ایک  
میں نے ان کو دیکھا ہے



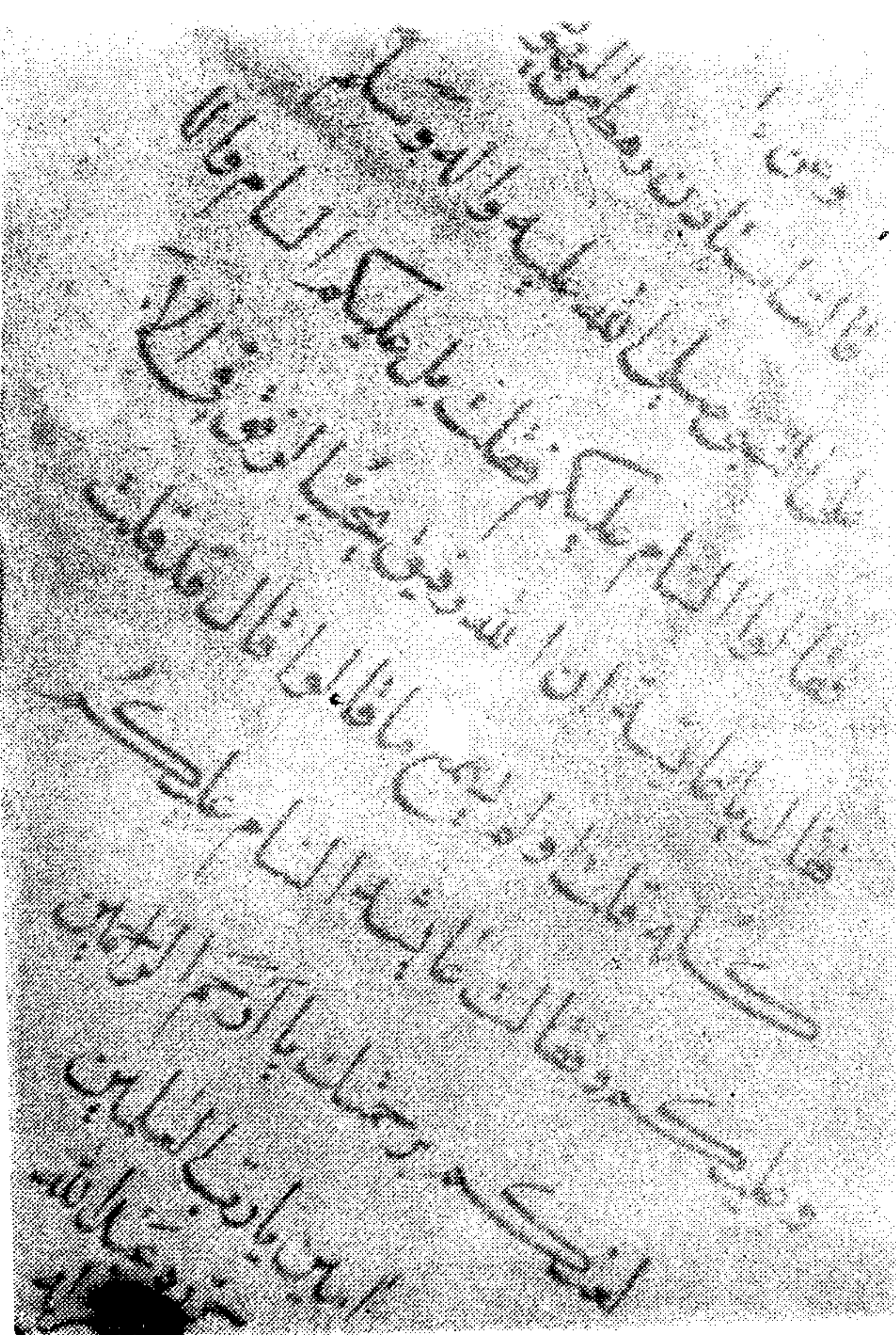
شخصی خود يك تعداد بهترین کتب خطی تاریخی و ادبی و قطعات و مرقعات استادان معروف خط را گرد آورده بود .

در هنر موسیقی هم معلومات کافی داشت ، سه فرزند استاد مرحوم نیز در سایه حسن تربیت و در هنر های خط و نقاشی و تذهیب و مینا توری مهارت کافی پیدا کرده در عارفی و پوهنتون مصروف خدمت میباشد و تحصیلات عالی خود را بپایان رسانیده اند مخصوصاً محمد ابراهیم بهزاد سلجوقی در هنر نقاشی و تذهیب و مینا توری استادی عمرا نهاده است و استاد محمد حسین و فا در هنر نگارش خطوط نستعلیق و نسخ و ثلث و انواع خط کوفی مقام ارجمندی دارد و نهایت عالی همند و پس مرحوم استاد فکری شب پنجشنبه ۲۲ حوت ۱۳۴۷ بعد ۶۱ سالگی در کابل وفات کرده و در جوار مزار مولانا جامی در هرات دفن گردید .

حاجی ملا ( عبد الله ) :

مرحوم حاجی ملا عبد الله خطاط فرزند مرحوم آخوند ملا عبد الله در حاضیره شیخ الاسلام آخوند ملا خدا بخش میباشد . طوریکه استاد فکری سلجوقی در کتاب خوشنویسان و هنر مندان مینویسد وی در خط ثلث و نسخ استاد و مردی مستغنی و خویشمن دار بود .  
عمرش به ۸۰ سال رسید و کتیبه رواق مدخل حوض بزرگ در شهر اول شهر هرات از آثار زیبای خط ثلث و کوفی استاد است .  
نگارش کتیبه های ثلث و نسخ تعمیرات حائز مسجد حاجی فکری بوی محول گردید و کتیبه سراجچه در گاه مسجد جامع و کتیبه های بزرگ بزرگ مدخل شرقی آن مسجد عظیم محتوی سوره و آیات قرآن کریم و تاریخچه بنای مسجد جامع را بکمال متانت نگاشت .  
در همین اثناء در سال ۱۳۴۲ ه . ش از دنیای فانی رحلت نمود . آثار هنر خطای اس نزد اولاد او و بگرد استان خط موجود است از آن جمله

يك اثر شاهكار خطوط سبعه نك و كوفي هاي مختلف گره دار  
و زيباي او در كتابخانه نسخ خطي وزارت اطلاعات و كلتور محفوظ  
ميباشد .



نمونه‌ی از خط عبیدالله

عبدالفتاح :

مولوی علا عبدالفتاح سلجوقی پدر مرحوم استاد فکری سلجوقی و نواسه عموی مرحوم خلیفہ محمد حسین سلجوقی و عموی علامہ صلاح الدین سلجوقی است .



نمونہ خط مولوی عبدالفتاح سلجوقی

مرحوم مولوی عبدالفتاح مدت چھل سال درمعارف ہرات معلوم حسین خط بود و در خط نستعلیق مہارتی بزا داشتہ خط او در متین و استادی بود ولی قطعہ نویسی نمیکرد . وفات او بصبح روز یکشنبہ ۴ برج اسد سال ۱۳۷۹ قمری می باشد .

عبدالرؤف :

وی معلم مکتب لیسه جلالی است . در خط نستعلیق و نسخ و شکستہ مہارت دارد از آلا میڈاستا محمد علی عطار است .

### عبدالسلام نیازی :

عبدالسلام ولد حاجی محمد صدیق نیازی بسال ۱۳۳۰ تولد یافت  
و بسال ۱۳۳۸ شامل مکتب گردیده در سال ۱۳۴۴ بمشق خط آغاز نمود  
پس از آن استاد محمد علی عطار تحصیل خط کرد فعلا بوظیفه معلمی مصروف است

### عبدالحمید قندهاری :

صوفی عبدالحمید قندهاری پسر یکی از معارف قندهار است که  
در کودکی با پدر بهرات آمد و در مسجد جامع هرات به تحصیل پرداخت  
و در طلب خط به نزد خلیفه ملا محمد حسین رنج زیا در آن تحصیل  
و در زید تا به مرتبه کمال رسید .

بعد از آن بقندهار برگشت و بعد از چند مدت در کابل شامل وظیفه  
رسمی گردید .

او علاوه بر خوشنویسی در تذهیب و نقاشی نیز هنرمند و شاگرد  
استاد عبدل هروی است .

صوفی عبدالحمید چند دفعه باورپا مسافرت نموده و علاوه بر  
هنرهای خطاطی و نقاشی در تخنیک نیز دست داشت که گویند در پشت  
ماشه توپ چاشت در کابل ذره بینی نصب کرده بود که در ساعت ۱۴  
روز بارود ماشه توپ از حرارت ذره بین بشعاع آفتاب مشتعل میشد  
و توپ بصدا می آمد . چند اختراع دیگر تخنیک را نیز با او نسبت میدهند  
سال وفات او ۱۳۴۱ ش میباشد .

### (ملا میر اعطاء محمد :

پسر میر عبدالمجید از سادات هرات است که در سال ۱۳۴۷ هـ ش  
وفات یافت . در خطوط ثالث و نستعلیق بدرجه استادی و در خط کوفی  
نیز وارد بود بسا سنگهای لوح در گاه زرگاه شریف بنحط موصوف  
نوشته شده ، وی در قرائت قرآن کریم لهجه خوب را دارا بود و در  
علوم فقه و احادیث شریف نیز تحصیلات و مطالعات داشت .



### عبد الرحیم طالب هروی :

عبد الرحیم طالب از شاگردان خلیفه محمد حسین سلجوقی است . او در زمره طلاب علوم در مدرسه پایحصار اطاق داشت ، هم علوم متداوله را می آموخت و هم مشق خط می نمود . مرد عابد و خدا جوی بود همیشه مجرد می زیست به طالب صوفی شهر داشت . وفات او در سال ۱۳۳۴ قمری است قطعاً از وی مانده شاعر هم بود ۱۳ ماهی عبد الرحیم و ۱۳ ماهی طالب تخلص میکرد .

### عطاء محمد حسینی هروی :

میر عطاء محمد حسینی خلف مرحوم قاضی حسین خان و از ساکنان جلیل القدر هرات است و بیاد مرغان سکونت و خواهر زاده خلیفه محمد حسین سلجوقی است . میر عطاء محمد علوم متداوله و دینی را تحصیل تام داشت و از علمای بزرگ هرات بشمار بود پس از وفات پدر بقضاوت هرات مصروف و مدت مدید قاضی هرات بود . در نستعلیق و شکسته شاگرد خلیفه محمد حسین سلجوقی است ، در سال ۱۳۰۰ ش از هرات بکابل خواسته شد مدتی رئیس اعیان و باز وزیر عدلیه بود در ۴۲ جوزای سال ۱۳۳۴ وفات یافت .

### سید عطا محمد شاه قندهاری :

پرسید تاج محمد شاه قندهاری مقیم هرات بود . سید عطا محمد سالها در هرات در کار و انصراف مشهور به درخت کبک در آنجا بود . قندهار سمت جنوب شهر قدیم هرات سرگرم تجارت بود . سید عطا محمد شاه در کابل تولد شده است و در طفولیت بهرات آمده است و در هرات تحصیل علوم و مشق خط نموده . در خط شاگرد خلیفه محمد حسین سلجوقی است که بقوت ذکاوت و جدیت خود را بجایی رساند که از بیشتر استادان معاصرش برتری حاصل کرد . سید عطا محمد شاه در اواخر از نوابغ هنر خطاطی شناخته شد که

احدی بیایه او در خط نستعلیق نمیرسید. ازین استاد ممتاز قطعات و مرقعات زیاد در اطراف و نقاط مختلف کشور ما پراکنده است و نزد همه خط‌شناسان محبوبیت خاص دارد.

وفات وی بسال ۱۱۴۱ ق بوقوع پیوست. فرزند او سید محمد عثمان نیز بشیوه پدر بزرگوارش خط نستعلیق را زیبا می‌نویسد و بهمال و نژاد و عبادت سر می‌برد.

### عبدالرحمن ثانی هروی:

میرزا عبدالرحمن ثانی هروی به میرزا عبدالرحمن که معروف بود که گوش ادگران شنید بود. در خط نستعلیق شاگرد حلقه محمد حسن بود. از خوش‌میرزا عبدالرحمن ثانی رضاء میگردد. خطش متوسط بود گاهی خوب و گاهی عادی می‌نوشت. خط‌چالی را خوب تر نوشته می‌توانست سیاه مشق او قابل ستایش بود. وفات او بسال ۱۳۰۰ بوقوع پیوست.



نمونه خط نستعلیق از عبدالرحمن ثانی

(ملا) عبدلرؤف معلم لیسه جلالی :

وی در سه رقم خط مهارت دارد که عبارت از نستعلیق و نسخ و شکسته است و نیز از شاگردان استاد محمدعلی عطار می باشد .

(غ)

غلام مصطفی احراری :

ملا غلام مصطفی ساکن کارته قوم زوری اصلاً از قریه ترکمان هرات است و در علوم دینی تحصیلات داشته مدتی خطیب مسجد جامع قریه کارته بود .

موصوف خط ثلث میده را خوب می نوشت شخصی متدین و شریف بود اشعاری هم داشت زرفات ملا غلام مصطفی پس از مدتی در سال ۱۳۱۴ شمس واقع شده .

میرزا غلام رسول :

میرزا غلام رسول نیکزاد ولد آخوند ملا تاج محمد نیکزاد است و در خط نستعلیق نیم قلم از جمله خطاطان معاصر به شمار می آید و طبع شعر دارد سکونت اصلی او در قریه که در استان هرات بوده و در شهر سکونت دارد .

او مدتی در چوکی های حکومت کار کرده است و نیز و نیک محضر است نام فامیلی و عنوان ادبی او نیکزاد است .

غلام حیدر سلجوقی :

ولد ملا فضل احمد از اجله علماء و در خط و تذهیب یگانه عصر بود و خطوط نستعلیق و نسخ را عالی می نوشت . او شاگرد خال خود یعنی خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی بود .

فن تذهیب را از میرزا رضای مصور هروی معروف به آذر با یحالی

و فن صحافی و قضاعی (برش) را از ملا حسین صحافی آموخته بود. سردار محمد عثمان خان که بدوره امیر عبدالرحمن خان نایب الحکومه هرات بود یکجمله قرآن کریم بنهایت نفاست بخط یاقوت مستعصمی داشت که تمام حواشی آن بنفاست تام تشعیر و تذهیب شده بود و بمرور زمان جدول رنگاری آن کاغذ را فاسد و متن را از حاشیه جدا نموده بود زیرا رنگ سبز است از خورده مس و سرکه و یا آب ماست ترکیب میشود و پس از مدتی کاغذ را فاسد ساخته و متن او را قی به وسیله جدول رنگاری که کاغذ را خورده از حاشیه جدا میشود.

طبع صحافی باصلاح آن موفق نشد زیرا در اثر ترمیم آن همه تذهیب و تشعیر ضایع میشود.

ملاحظه نمودن اصلاح آنرا بعهده گرفت و بمهات مخصوص تمام زوراق ترمیم و بار دیگر روی خط ترمیم شده را بجدول طلا بیوشید چنانکه قطعا آثار ترمیم هویدا نبود.

در شهر و مهمی نیز دست داشت و حیدر تخلص می نمود در بیان عمر مرثیه پر از درد و سوز در وفات عمر حوم صاحبزاده عمر جان سرود و این فرد از آن مرثیه است :

گر حسین علی شود پیدا این زمان هم یزید بسیار است

در اثر سعادت بد خواهان محبوس گردید و در محبس مر یض شد و بسال ۱۳۰۸ هـ قی وفات یافت .

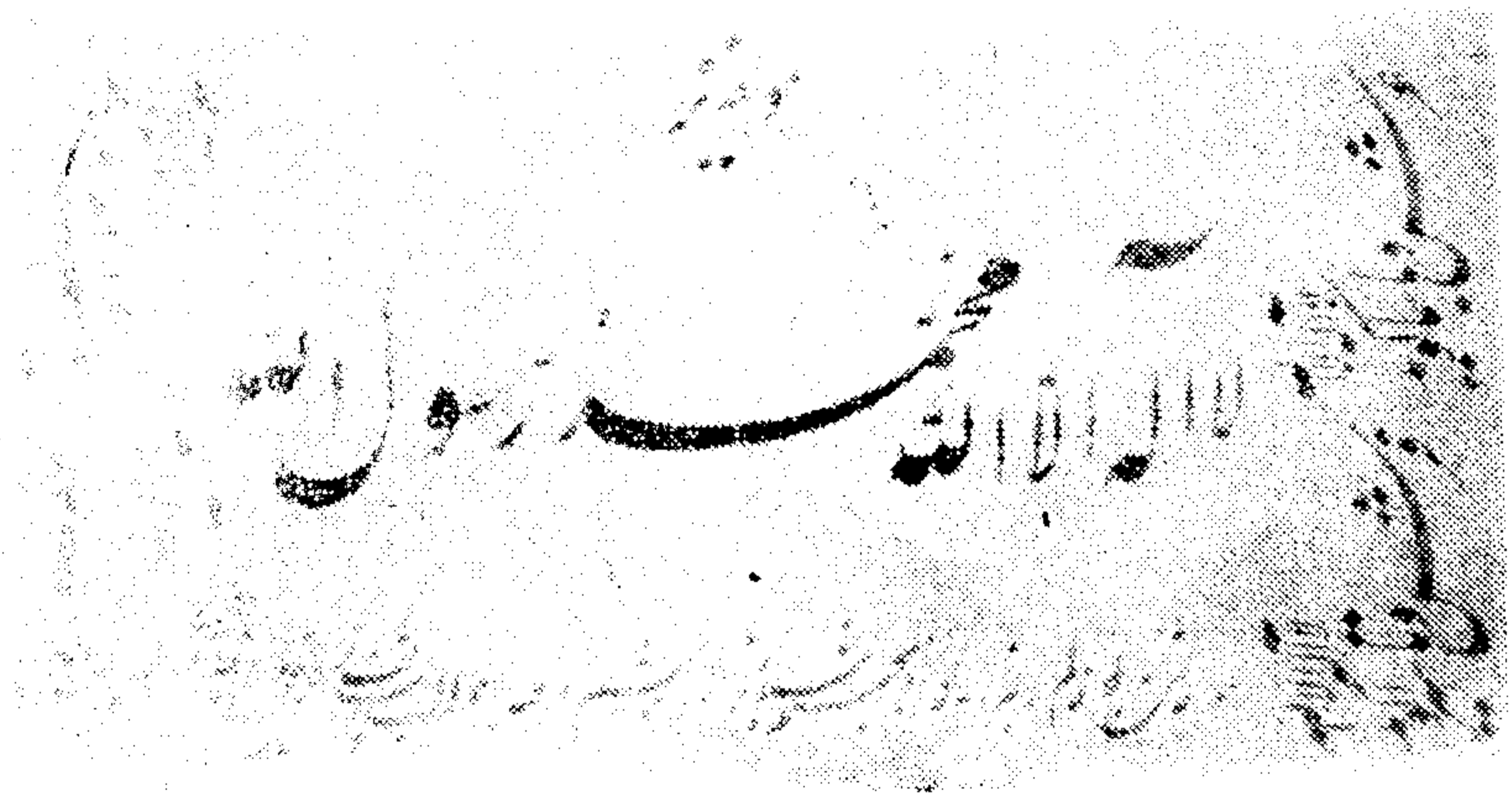
## ( ف )

فضل الله :

ولد نظر محمد متخلص به (زاهدی) در سال ۱۳۱۳ در هرات تولد یافته و از تلامذ استاد سید آقای حسینی میباشد و در خطوط نستعلیق، نسخ و شکسته مهارت دارد خط شکست را از همه خوبتر می نویسد . فعلا از زمره کسبه بازار است، دکان چینی فروشی دارد .

## فیض محمد سیاوشانی :

فیض محمد طالب العلم بود خط نستعلیق را بشیوه مخصوص می نوشت شیوه زیبا داشت . او در خط شاگرد کسی نبود از روی خطوط استادان مشق کرده بود او یکنوع جنون داشت که گاهی غایباً در بین نماز بخنده می افتاد و چندان بزور می خندید که بیهوش میشد . در قطعاتی که می نوشت فیض محمد سیاوشانی در یا فیض محمد خندان امضاء میکرد . در عین جوانی در مرض وبا سال ۱۳۱۷ هـ در سن سی و سیاوشان وفات و مدفون گردید .



نمونه خط نستعلیق از فیض محمد سیاوشانی

## فضل الله :

ولد حاجی علی آقا منجم باشی در سال ۱۳۳۸ هـ ش متولد و فعلاً در لیسه جامی هرات مصروف تعلیم است ، او خط نستعلیق را زیبا می نویسد و از زمره شاگردان استاد محمد علی عطار میباشد .

## فقیر احمد :

حافظ جی مالا فقیر احمد ولد حافظ جی سید محمد حسین ساکن گازر گاه شریف حافظ مذکور که قرآن کریم را سرا پا حفظ داشت در خط نستعلیق و کوفی و نسخ مهارت داشت و از جمله شاگردان خلیفه مالا محمد حسین سلجوقی است . او خط او بسا الواح قبور در بسا از مزارات خصوصاً گازر گاه موجود است . او مدتی در مکتب گازر گاه و بعضی مکاتب شهر بخت معلم حسن خط کار کرده و شاگردانی از او بشیخ رسیده اند . قطعه های خط او نزد پسرش موجود است .

توضیح : سال ۱۳۳۱ هـ . ش وفات یافت و در مقبره جن مسجد میان دره گازر گاه شریف که مقبره آبایی شان است مدفون گردید .

## (( ق ))

## قانون :

میرزا شیر علی قانون فرزند میرزا حسین علی غزنوی در هرات نشوونما یافته و از صغرسن بمدرسه پای حصار هرات بتحصیل خط مصروف و نزد صوفی محمد اکبر سلجوقی مشق خط نستعلیق می نمود تا بهرتبه کمال رسید .

در نستعلیق شیوه مخصوص دارد صفاء و متین می نویسد :

در شعر نیز پایه عالی دارد ابتداء (غزنوی) و بعد از آن مدتها این قانون تخلص میکند . میرزا شیر علی قانون تا کنون که چند سال از وفات مرحوم فکری سلجوقی میگذرد در قید حیات و در کامبل در قلعه فتح الله خان نشیمن دارد شاعر و خطاط لایق است

قاسم :

قاسم یا محمد قاسم از جمله خوشنویسان هرات است که با حلیفه  
ملا محمد حسین همزمان بوده خط او بدرجه متوسط بوده است . (۱)



نمونه خط نستعلیق محمد قاسم هروی

(۱) ص ۲۹ هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر

## ( گ )

گل ا حمد قانع :

تا بلونویس ، نزد يك دروازہ ملک دکان دارد تا بلو های مغازه های شهر  
 اکثر بقلام او است در بسا تا بلو ها خط لا تینی نیز می نویسد .

گیتی ستان : (۱)

شاهزاده حاجی گیتی ستان از شاعران و خطاطان خاندان احمد شاه بابا  
 می باشد او در قسمت خط نستعلیق مرتبه استادی داشت .  
 وی فرزند شاهزاده سلطان بن تیمور شاه را می است که در مکتب هرات  
 نزد میر عبدالرحمن حسینی تحصیل خط نموده و هم در رشته خطاطی  
 در شهر و ادب شهرت دارد .

## (( ل ))

لشکر نویسی هراتی :

اسم محض او معلوم نیست . در خطوط شکسته و نستعلیق قطعه ها  
 از او آمده در خط شکست معروفتر است ، خط نستعلیق او زیاد قابل  
 ستایش نیست . چون میرزا عبدالرحمن مشق خط نستعلیق را ابتدا  
 نزد او نموده بود لذا مورخین او را در قطار نستعلیق نویسان آورده اند  
 لشکر نویسی میرزا ی لشکر بوده و بجز همین قدر ، دیگر از چگونگی  
 احوال و سال وفاتش معلوماتی در دست نیست .

ظاهراً چند نفر بنام لشکر نویس در زمره خوشنویسان هرات گذشته  
 که یکی از آنها استاد میر عبدالرحمن بوده است زیرا بعضی قطعات  
 شکسته او که ملاحظه می شود بخطوط بزرگترین استادان خط شکست



برای بری میکنند و بین قطعات شکسته او همان تفاوت سبک بستی و بلندی بارز  
بنظر میرسد که همیشه خط یکنفر باشد و میرساند که باید  
چند نفر خطا ط بنام لشکر نویسی بود که چون بعضی از آنها  
از جمله معاصرین بشمار آمده اند در اینجا تحت نام (لشکر نویسی) مطالبی  
تذکره رفت .

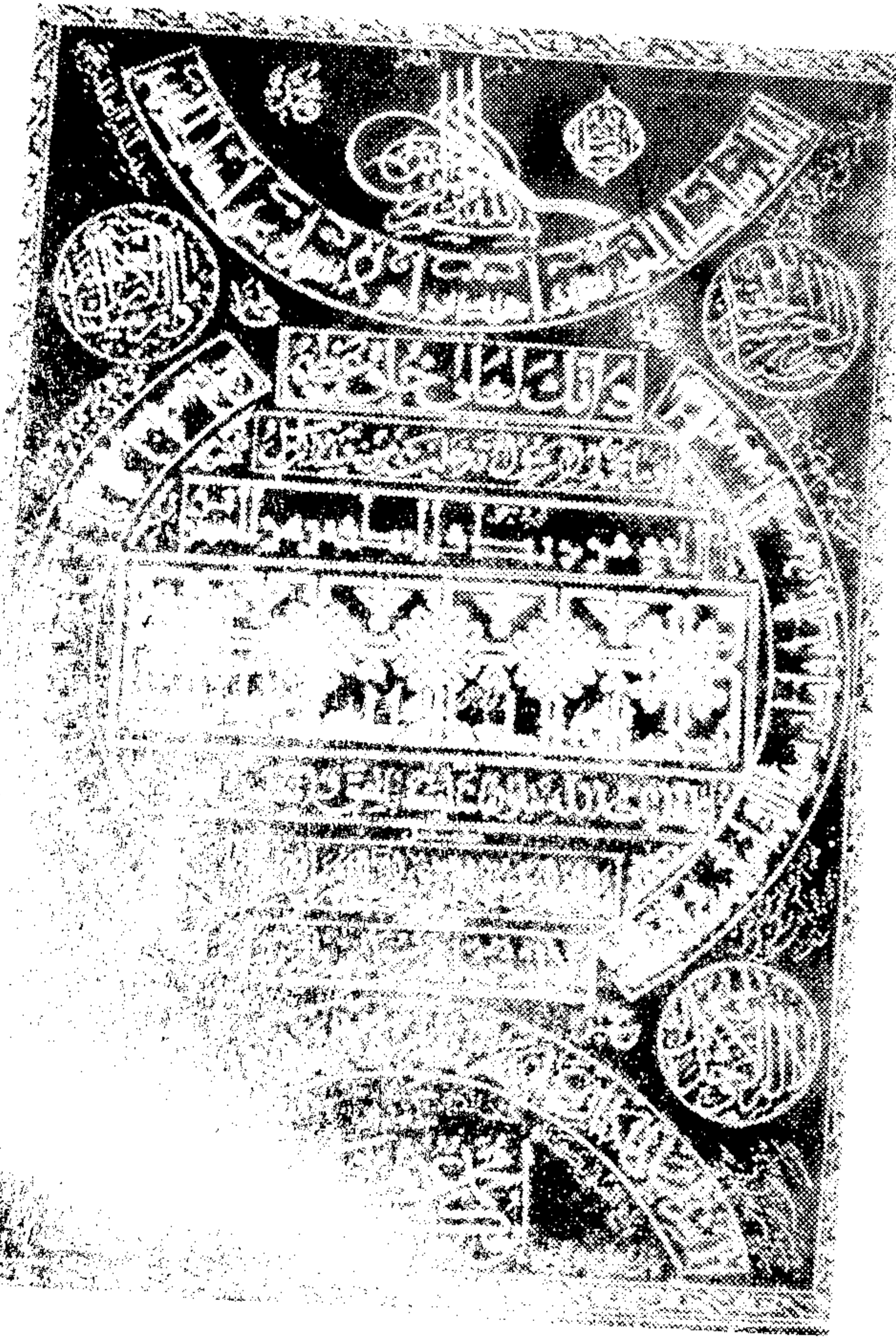
( م )

استاد محمد علی عطار :

استاد محمد علی متخلص  
بعطار در هنر خطا طی  
استاد بزرگ هرات است  
که درین دوره جمهوری  
چراغ میر علی هروی را در



استاد محمد علی عطار



نموده و از به قلم خط از استاد محمد علی عطار

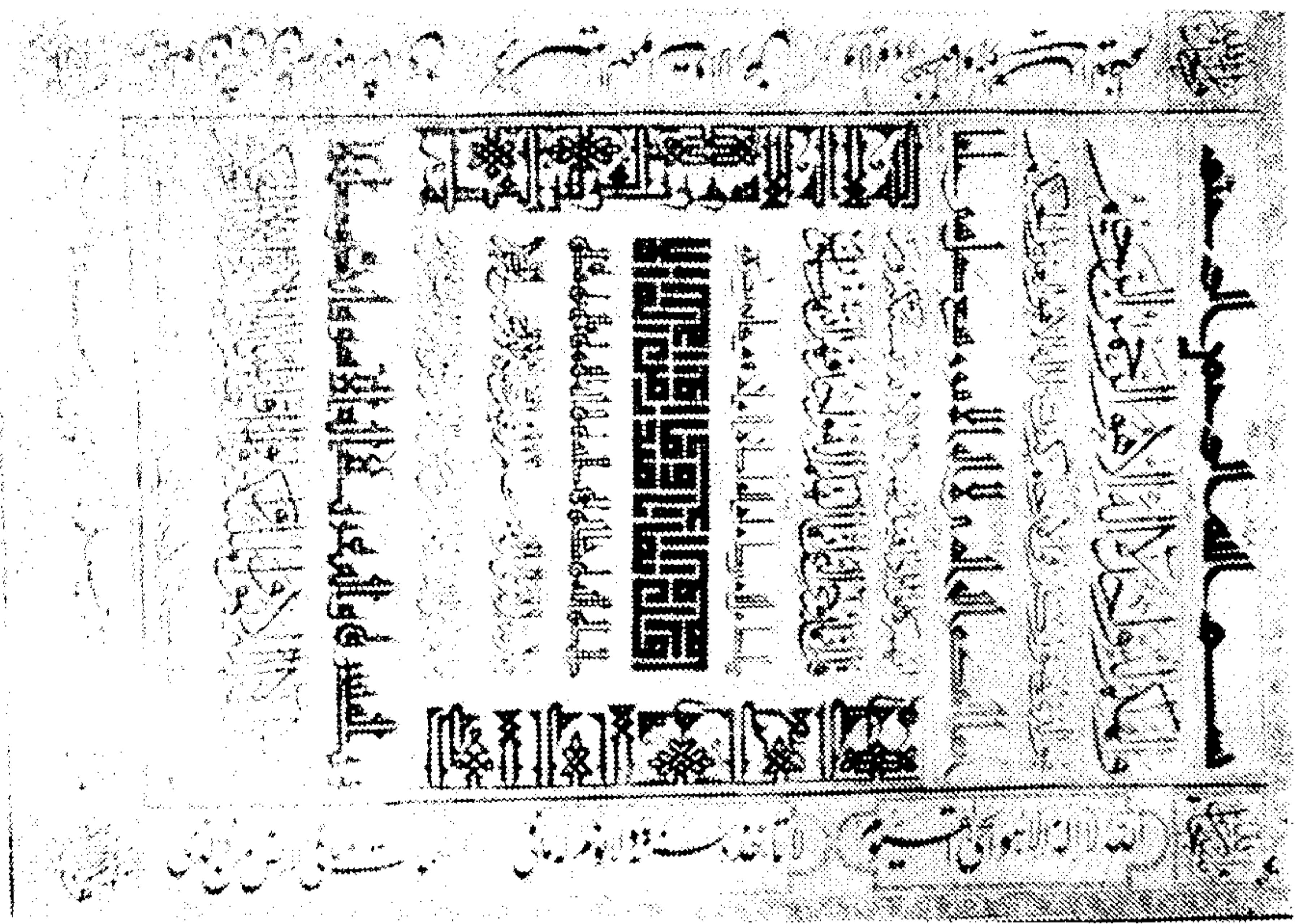
محیط هرات که مهد علم و هنر است سر از نو فر و زان ساخته است  
استاد عطار یک شخصیت برجسته هنری است که عمر گرم نما به اش  
را به هنر خطا طی صرف کرده و بعالی ترین درجه کمال نایل شده است

طوری که من می‌اندیشم استاد عطار آخرین شخصیتی در هرات  
 خواهد بود که با تمام قدرت و موجودیت خود در راه پیشبرد هنر  
 خطاطی اهتمام ورزد و یک عمر این هنر را با کوشش خستگی ناپذیر  
 دنبال کند و کمال توانائیش را در تعمیم و نشر این هنر صرف نماید



نمونه خط استاد محمدعلی متخلص عطار

در دوره انحطاط پیری ذوق هنری او نه تنها خسته و افسرده نگردد بلکه شوق و شور جوانیش را سر از نو آغاز کند و با کمال نشاط جوانی و با همان نیرویی که یک هنرمند جوان آماده کار است در رشته هنرش بهر فرد هنر خواهی و هر هنر دوستی جواب مثبت بدهد و از زبانش نه شنید و در پیشانیش گره دیده نشود .  
 طوریکه عن فکر میکنم بعد از این استاد در هنرات دیگری و لو که در نسل خودش هم باشد در رشته هنر خطاطی یکمدر در استقامت و افا که پایدار اری نخواهد کرد و یقین دارم او در نزد استادان آینده این سر زمین بنام خاتم الخطاطین هر آن شهرت خواهد یافت .



نمونه چهارده قلم خط محمد علی عطار

از گذشتهگان شخصیت های برجسته هنری از این که زیاده داریم هنر خطاطی را مانند استاد عطار بدرجه کمال رسانیده اند بلکه ممکن است

در کم و کیف مقام برتری هم احراز کرده باشند اما در دنیای  
 امر و ز این هنر کمتر مورد توجه قرار دارد و کم کم بساط آن  
 بر چیده شده و کسی که در این رشته دارای اختصاص بوده  
 و شصت رقم خط را بدو چه علمی اعلا بنویسد و در تعلیم و تعمیم  
 این هنر صرف اوقات نماید در این محیط که بروشنترین محیط  
 هنری شهرت تا ریحی دارد یافته نمی توانیم و آینده نیز وجود  
 نخواهد آمد.

مبغی بر آن سزاوار است که شخصیت او را مغتنم پنداری و او را  
 هم هنر زنده خطاطی و هم خاتم الخطاطین هرات بشماریم.

چون نقین است نسلهای آینده بسوانح حقیقی و بی شبهه این شخصیت  
 بزرگ هنری علاقه میگیرند و موثق ترین سوانح شخص آن است که  
 بقلم خودش نوشته شود اینک سوانح او را از قلم خودش که بخواهدش  
 من نگاشته ذیلاً بخوانید:

اینجانب محمد علی عطار ولد حاجی محمد اسماعیل عطار ساکن شهر  
 هرات در سال ۱۲۲۸ هـ ق در شهر هرات بدنیاز آمدم. تعلیمات  
 را تا یک اندازه در مکتب خانگی نزد ملا محمد رحیم و بعد از آن  
 در دکان عطاری نزد پدرم آموختم.

از کودکی در حسن خط بعد فراط علاقه داشتم و هر قطعه خوش خط را  
 که از قلم استادان میدیدم از دیدن آن حظ می بردم.  
 همین ذوق فطری که در بسا مردم هرات کم و بیش موجود است مرا  
 واداشت که نزد مرحوم حاجی آخندزاده ملا محمد صدیق نیازی خطوط  
 عربی و کوفی و غیره را مشق نمودم و بهر اندازه که بخط من رونق  
 بیشتر پدید آمد عشق و علاقه من بخط قویتر گردید.

نامت کمی بشاگردی آخندزاده مرحوم خط من خوب شد و بدقایق  
 عیب و هنر خطاطی آشنا شدم. بعد از وفات آخندزاده مرحوم اقسام  
 خطوط نلک و نسخ و معقلی را از روی کتیبه های نار یخی مسجد جامع

هرات و دیگر جا های تاریخی مشق و رو نویسی می کردم .

خط کوفی را از مسکوکات دوره های عباسی و غزنویها و غوریها و غیره سکه ها اخذ نمودم . در آن زمان خط کوفی بین مردم متداول نبود، در بعضی کتابهای خارجی و مجلات به ملاحظه می رسید و از آن استفاده می نمودم . همین ترتیب مشق من بار قام مختلفه خطوط کوفی و نسخ و تعلیق و معقلی و غیره روز بروز تا حد استعدادیکه قدرت خداوند بمن اعطا فرموده است پیش رفت نمود .

هر کس که از من قطعه و تابلو در خواست نمود نوشتم، اکنون نزد بسا مردم آثار خطاطی من موجود است . يك اثر بنام «گنجینه خطوط در افغانستان» وقتاً ترتیب دادم و نمونه های اکثر خطوطی که نوشته می توانم در آن جمع کردم که سال ۱۳۴۵ هـ، ش در مطبعه کابل بطبع رسید . تمام اقسام خطوطی که در آن مشق و تمرین نمودم و بهر کدام قطعه ها و تابلو ها ترتیب داده ام به (۶۰) رقم خط سیر شده است .

آثار یکی از خود بجا گذاشتم بقرار ذیل است :

- ۱ - در بنای مسجد جامع هرات اندرون مسجد و اندرون گنبد ملک غیاث الدین و بعضی حصص بیرونی جامع شریف را بخط ثلث و تعلیق و کوفی و طغرا نوشته ام .
- ۲ - ایوان مسجد خواجه مودود چشتی و گلدسته های آن بخط ثلث
- ۳ - مسجد جامع لشکرگاه اندرون خانه و بیرونی آن بخط ثلث
- ۴ - مسجد حاجی یعقوب در کابل بخط ثلث جلی
- ۵ - مسجد خرقة شریف در هرات سمت قبله و اندرون خانه فوقانی بخط ثلث
- ۶ - مسجد کنار دار المعلمین مقابل باغ جمهوری در هرات
- ۷ - ایوان مسجد زیارت مولوی عبدالرحمن جامی (رح) .
- ۸ - محراب مسجد پارتولایت هرات .
- ۹ - ایوان زیارت شاهزاده ابو القاسم .
- ۱۰ - مسجد سکندر رجان شهر قدیم .

- ۱۱ - مسجد بکر آباد بیرون درب خوش .
- ۱۲ - مسجد جا مع گوهر شاد بیگم در مشهد سه سور و بخط  
ثلث به سنه ۱۳۴۹ .
- ۱۳ - بعضی از مساجد و تکیه های هرات .
- ۱۴ - گنجینه خطوط در افغانستان چاپ کابل .
- ۱۵ - چند قطعه خط نستعلیق برای مرحوم ذاکر حسین رئیس جمهوری هند  
بوسیله وزارت اطلاعات و کلتور .
- ۱۶ - در چندین عدد سنگ مرمر لوح مزارات مشایخ و علماء و  
سادات حکما و غیره اهالی هرات و کابل .
- ۱۷ - از شاگردان من :
- ۱ - حسین وفا سلجوقی که به تمام انواع خطوط مهارت دارد .
- ۲ - حاجی امین الله پیرزاده که هفت قلم عالی می نویسد .
- ۳ - عزت الله نولویزاده خط نستعلیق و شکسته را خوب می نویسد .
- ۴ - حاجی نثار احمد معلم دارالعلمین در خط نستعلیق .
- ۵ - سراج الدین باغدشتی معلم در قلعه نو خط نستعلیق و نسخ .
- ۶ - حاجی حبیب الله پسر حاجی محمد طاهر طبیب خط نستعلیق را  
عالی می نویسد .
- ۷ - ملا عبدالرؤف معلم ایسه جلالی خط نستعلیق و ثلث و شکسته .
- ۸ - محمد ناصر ولد حاجی شیخ علام حسین طالب .
- ۹ - سید جواد ولد حاجی سید قاسم شاه طبیبی .
- ۱۰ - محمد کاظم ولد حاجی شیخ غلام علی .
- ۱۱ - فضل الله کلد خا جی علی آقا منجم باشی .
- ۱۲ - محمود قاری (متخلص به فرقانی) ولد حاجی مهدی در خط  
نستعلیق و ثلث .
- ۱۳ - سید حسن ولد حاجی سید رضا عطار در خط نستعلیق .
- ۱۴ - فضل الله یمینی ولد حاجی حبیب الله غیزانی در خط نستعلیق .
- ۱۵ - محمد کریم اثیر ولد میرزا محمد ایوب غوریانی در خط نستعلیق .

۱۶- حاجی جمال آقا ولد مرحوم حاجی آقا سید جلال کابلوی

۱۷- محمود پسر بزرگ من محمد علی عطار در خط نستعلیق

۱۸- بهبود پسر من در خط نستعلیق و خط ثلث و نقاشی

۱۹- محمد شفیق ولد حاجی محمد صدیق فیاضی

و دیگر شاعران و نویسندگان برای دو سه ماه مشق نمودند

و داخل کار و کاسبی شدند تذکر نام او شا فرای لازم بشود

### مردان :

مردان عنوان یک نفر هنرمند است که از زمره هنرمندان است

هرات بشمار است و یک هنرمند ممتاز و کم نظیر است

او که عبدالعزیز ولد حاجی ملا عبد الر حمن چکانی در مشق

او مقرب به چکان هرات است و به نزد یک در خانه

تا بلو نویسی دارد

مردان تمام انواع خطوط را از خط کوفی تا خط نستعلیق

تا بلو های دکانهای بازار و در هرات بقلم او است

در قسمت نقاشی نیز مهارت بسیار دارد در بساط

خطاطی خود بعضی نقشها نیز بکار میبرد

تا بلو های خطاطی او که شامل انواع خطوط نسخ و نستعلیق

و ثلث و کوفی و غیره میباشد در بساطخانه های مردم

است و آثار با ارزشی است

محمد یعقوب کابلوی :

وی که اصلاً از کابل بود در جوانی بهرات آمد و تحصیل خط نمود

از آثار خطاطی او لوحی است در گماز گاه که بالای سر خان

یکی از بزرگان نصب است و میان رواق بزرگ جای یافته است متناً

قسمت اول بالای لوح شکسته است

وی هم خطاط بوده و هم شاعر، در شعر (مخلص) تخلص می نمود.  
خطش بشیوه خط میرزا عبدالرحمن هر وی مایل است. در سال ۱۳۴۲ هـ، ق  
در کابل وفات یافته است.

محمد اکبر سلجوقی :

وی خواهرزاده خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی بوده. او خلف  
ملا محمود سلجوقی است که در عصر شاه محمود مشرف دیوان عالی  
بود و تفهیم وظایف علماء و اوقات شغل او شان باو مربوط بود.

وی در سن ۱۸ سالگی همواره روزی ۱۸ ساعت و تا پایان عمر  
تدریس نمود. در علوم متدایقه تحصیلات داشت ولی تدریس  
تفویض کرد و به ریاضت و مصروف بود. طالب خط همیشه باور جوع  
داشت و از مشق میگریخت.

در سن ۱۸ سالگی در عهد شهاب (مشرفی) تخلص  
نمود. روح پیاپی مقبره میر عبدالواحد شهید بخط نستعلیق او  
بود. در خط و روش خوب داشت. شب جمعه ۱۶ عقرب ۱۳۲۰ هـ، ش  
در سن ۱۸ سالگی در حالیکه تا آن سن هم روزها را دایم الصوم بود  
در سن ۱۸ سالگی خط را مشق میداد. وفات یافت.

محمد صدیق دولتشاهی :

ملا محمد صدیق دولتشاهی از هرات بود و او را آخند زاده دولتشاهی  
می نامیدند. در مسجد دولتشاهی هرات بدرس و مشق طلاب مصروف  
بود. در خط نستعلیق شاگرد خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی است  
و در خط شکسته مصروف بود. در آخر عمر بکابل اقامت گزید و در  
آنجا وفات یافت. سال وفاتش مشخص نیست.

خطوط شکسته او را در هر ایت و وفات یافته می توانیم  
همان خط نستعلیق و هم در خط شکسته (محمد صدیق شاهی)  
مشق میگرد.



محمد رضای هروی خراسانی :

شیخ محمد رضا از اهل هرات بود پدرش مردونز در خان خود آخوند  
ملا محمد صادق می بود خالاش که تا حدی عالم بود بنام آخوند و اشک  
معروف بود که بشغل کلاسی امرار معیشت می نمود .

شیخ محمد رضا در دستگامه کلاسی خالاش بزرشد رسید و از خالاش  
در تحصیل علم تا جایی رسید و بعد از آن در مدارس تحصیلات خود  
را پیش برد و همراه خال خود بمشهد رفت و در آنجا در آن مدرسه  
اقامت گزید هم تحصیلات خود را دنبال می نمود و علاوه بر این  
انواع کمالات که داشت در حکمت و در با ضیانت عالم کامل بود  
و هم قد ریس میگرد و شیخ خراسانی در مشهد شهرت یافته و  
در مشهد وفات یافت و بعد از آن چون بهرات آمد در آنجا  
طوسی مشهور شد .

شیخ مذکور خط نستعلیق را خوب می نوشت و در خط آنرا کمال داشت  
و از زمره ملاکین هرات بحساب می آمد در خط چتر دست نوشته  
فوق العاده و ممتاز داشت قطعا این کتاب را در خط چتر در  
خط او از پنج و شش دانگ بزرگتر از او چون قلمه در خط  
خط جلی ایجاب میکرد و نگردد و قطعا این کتاب را در خط  
دارد بدان نسبت قطعات خط او از پیر رفته گسترده است  
دیدة خط او بروش میرزا عبدالرحمن سازش نوشت بلکه در  
تطبیق می شد و همان شیوه را پیری می کرد .

محمد عمر خان :

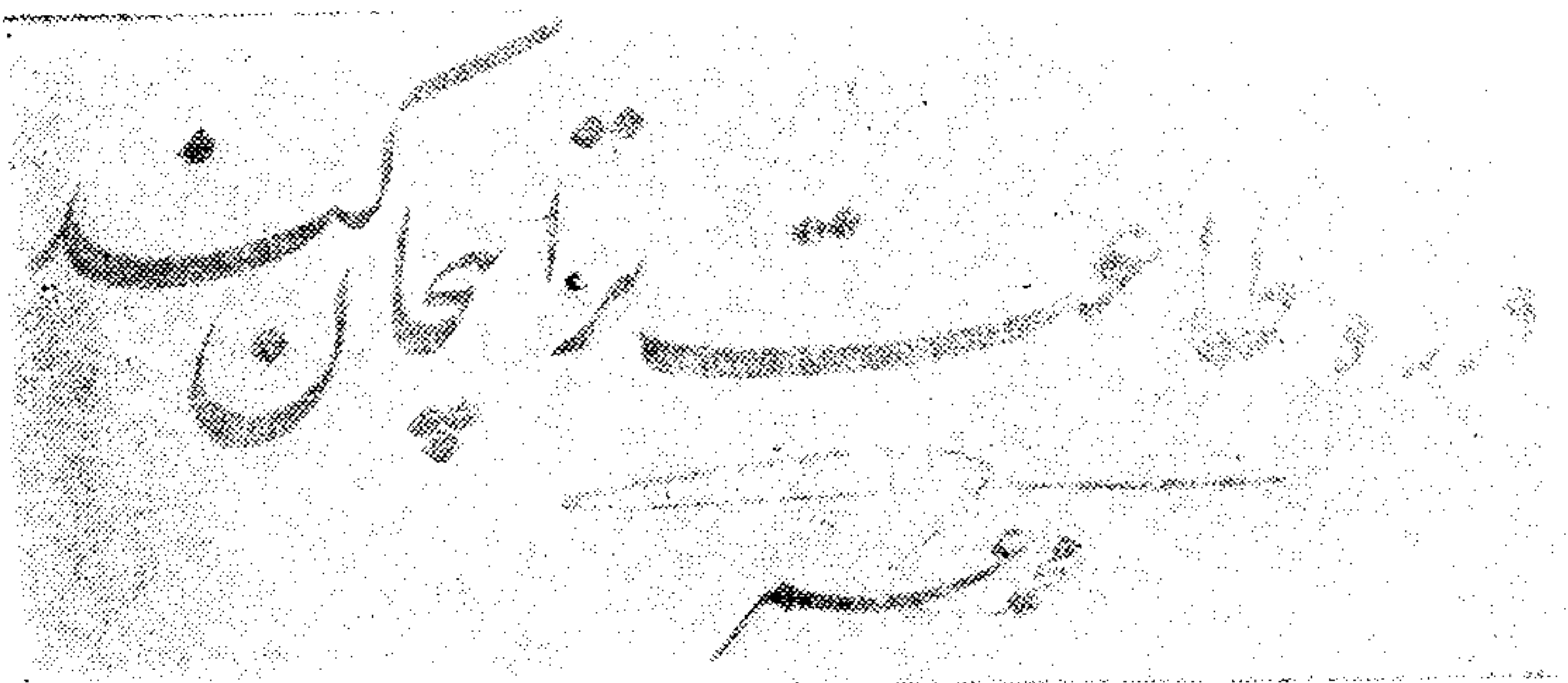
محمد عمر خان از خطاطان مشهور و معاصر هرات است  
خط محمد عمر خان را در کتیبه های مساجد و الواح قیور در هرات  
هرات زیاد می یابیم . در نوشته های محمد عمر خان تنها یک مشکل  
می یابیم که برای زیبایی خط سطح سنگ و یا کتیبه ها در خطوری بحروف  
نوشته پرمیکرد که غالباً حروف نوشته بعضی نا مربوط و حروف

به آخر خط آمده که خواندن آن خالی از اشکال نیست چون بزبانی خط میکوشید و مهارت فوق العاده در حسن خط داشت نوشته های او نهایت روشن و زیبا و دل انگیز است و کو چکترین قصوری در آن بجز اشکال فوق الذکر بمشاهده نمیرسد .

محمد عمر خان شخص جوان و دارا بود، همیشه خانه او مجمع هنرمندان و اهل ذوق بود . وی تا او آخر زندگی مجرد می زیست و متأهل نشده بود در آخر زن خواست و محفل عروسی ترتیب داد و شب زفاف به سرگام فوجاه در گذشت . تاریخ و فواید را مولوی ولی محمد که طایف انجمن میگرد سرود که مقطعش فرد ذیل است :

همیشه بغفران حق بود از آن گشت تاریخ اولفظ (غفران)

۱۴۴۱ هـ ، ق



نمونه خط نستعلیق محمد عمر خان

محمد رحیم خان هراتی :

از دوستان محمد عمر خان و رفقای صمیمی او بود او نیز از خوانین هرات و شخصی با سخاوت و مهماندار بود که با دارایی زیاد در راه مهمان نوازی تدریجاً دارایی او از دست رفت و در او آخر عمر ازوجه خطاطی معیشت می نمود . او بر عکس محمد رحیم خان خفی نویسنده بود و هر قدر خفی تر می نوشت خط او زیباتر بود و بنام محمد رحیم هر وی

و گاهی محمد رحیم الکوزایی امضاء میکرد او از محمد عمر خان  
در سن بزرگتر بود و عمر طولانی گذراند و همه عمر به عبادت مصروف  
بود، سال وفاتش معلوم نیست چون با محمد عمر خان معاشر بود  
سن ازو بزرگتر بوده از سال وفات محمد عمر خان که ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ بود  
چند سالی پس و پیش وفاتش بوقوع پیوسته است.

پسر محمد رحیم خان عبد الکریم نام داشت و در سن جوانی  
از هرات بکابل رفت در حیطه علمی بهای نام داشت.

محمد عثمان حسینی :

پسر محمد عثمان پسر مرحوم میر محمد عثمان حسینی  
سعدایق و شکسته زبان و اندک پدر نامش در کابل  
نمود و پدر خود استاد ریاضی بود و در کابل  
داشت و در بستان کتبی میگردید.

پسر محمد عثمان بعد از وفات پدر خود  
مدیر مطبوعات و نگارخانه مطبوعات  
روز نامه جریده خشمه دار بود.

در سال ۱۳۵۷ ق - در حال حیات - پسر  
آبائی او بود مدفون گره بد  
محمد صدایق هراتی :

فاخر ملام محمد صدایق هراتی  
علمای هرات است که بسا از علماء  
ملا محمد صدایق در جوانی چون ملا محمد  
هرات بکابل خواسته شد و در کابل در  
بعهد اش گذاشته شد و در کابل  
هرات آمد و در هرات تا حدی در کابل شهر  
وی عالم نهایت بزرگی بود و در هرات  
بود.

در استخراج مواد تواریخ بدرجه نبوغ احراز مهارت می نمود .  
 (آثار هرات) نام تاریخی تذکره شعرای هرات مؤلفه استاد  
 خلیلی است ، خلیلی در مقدمه آثار هرات می نویسد که چون تالیف  
 این تذکره خاتمه پذیرفت در محضری که آخندزاده ملا محمد صدیق  
 حاضر بود از وی درخواست کردم که نام تاریخی آن انتخاب نماید  
 آخندزاده بدون وقفه و درنگ چندین نامهای تاریخی بزبان آورده  
 که سی و دو نام بحساب آمد و همه سال تالیف تذکره را نشان میداد  
 از میان آنها (آثار هرات) را برگزیدم .

مواد تواریخ بسا حوض ها و مساجد از طبع او است . در فن تعمیه  
 نیز مهارت داشت در يك اثناء تاریخی نگاشته بود که هم قمری و هم  
 شمسی بود ، باین ترتیب که در آن زمان تاریخ قمری ، از شمسی چهل سال  
 تا بیست و یک سال بود ، بتاریخ شمسی آخندزاده عبارتی نگاشته بود که ۴۰  
 سال از تاریخ شمسی زیاد و ۴۰ سال از تاریخ قمری کم بود .  
 در تعمیه آن توضیح داده بود که اگر ملك پایش را در آن بنهد تاریخ  
 قمری و اگر بر دارد تاریخ شمسی میشود (پای ملك که حرف کاف است  
 بنسبت چهل ۴۰ میباشد .

وی در علم جفر و احضار جن نیز شهرت داشت و امتعه گم شده را  
 با این وسیله پیدا میکند ، علاوه بر علم و فضل و دانشی  
 که داشت خطوط و اسرار ، شکسته ، ثلث ، نسخ را عالی می نوشت .  
 وی ساکن قاضی محکمه هرات و رئیس افتخاری انجمن ادبی هرات  
 بود مرحوم آخندزاده سال ۱۳۶۳ هـ ، ق و وفات یافت .  
 چون در منطق و حکمت قدیم استاد من بود قطعه ذیل را در تاریخ  
 هرات نوشته بودم که سه فرده آخرش حسب ذیل است :

شدی حل مشکلات علم و عرفان	ز نطقش بالا شاره والد لاله
چو سن و کوره شمس و قمر جست	بسال رحلتش از يك مقالمه
برون عطف (شایق) هر دورا یافت	(هزار و سه صد و شصت و سه ساله)

چون حروف مصرع اخیر بدون حروف عطف شمار نه ۱۴۴۳ میشود مگر  
صریح عبارت آن ۱۴۶۳ ق و ا ضح است .

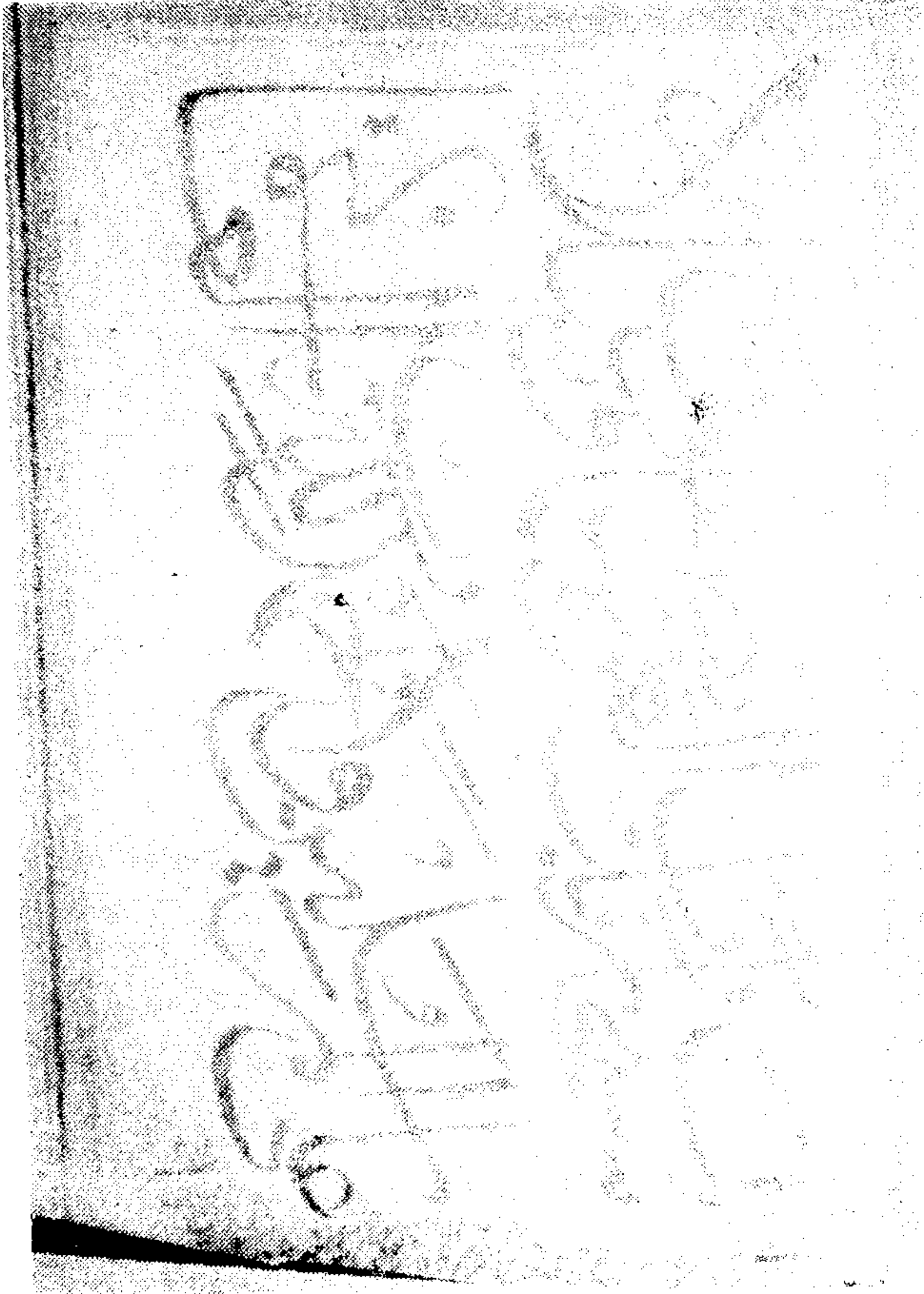
مولانا حافظ حاجی ملا (محمد صدیق)

مرحوم مولانا آخند زاده حاجی ملا محمد صدیق مهروری با مدرک  
ارگ خلف الصدق آخند حاجی ملا عبد العزیز ابی سن حداد در تاهیر  
علما ی گرام عرا ت بوده عالی و بر تدریس علوم مشغول و مشغول  
از وفات پدر بزرگوارش ارثاً و استحقاقاً با علمت بر کتب  
(قلعه اختیارالدین) که مرکز سپهسالارهای قوای نظامی  
انتصاب یافت .

این مرد با اشند در نگارش خطوط استعماری و داناتی در  
کمال مهارت داشت و زبده خاندان فضل و شرف خط بود از جمله  
و عشیره شان مرحوم آخند ملا محمد قاسمی و مرحوم شیخ الاسلام  
و مرحوم ملا عبد الحکیم از اساتید هنر خوشنویسی شهرت یافته اند  
مولانا اکثر کتب علمی و مولفات علماء کبریا و اخیراً  
برای استفاده طلاب علوم نوشته است از آن جمله کتاب  
مؤلفه استاد خود ملا محمد عمر سلحوقی را چندین بار  
عالی خود استنساخ کرده و نیز کتابهای شرح حکمت  
و منازل السائرین و مفتاح الکنوز از آثار برجسته خطی آن  
است . دو تن از فرزندانش مرحوم حافظ ملا محمد  
حافظ ملا محمد نعیم صدیقی نیز در نگارش کتب  
مهارت داشتند .

همچنین دو فرزند دیگرشان مرحوم محمد سرور و مرحوم محمد  
صدیقی علاوه بر خدمات عرفانی و مطبوعاتی در خوشنویسی  
کتب لایق بودند . فرزند کوچک آن مرحوم محمد علی  
خطوط سبعه را خوب می نویسد و در جوانی او را  
زیادی بخط نسخ و نستعلیق نوشته است .

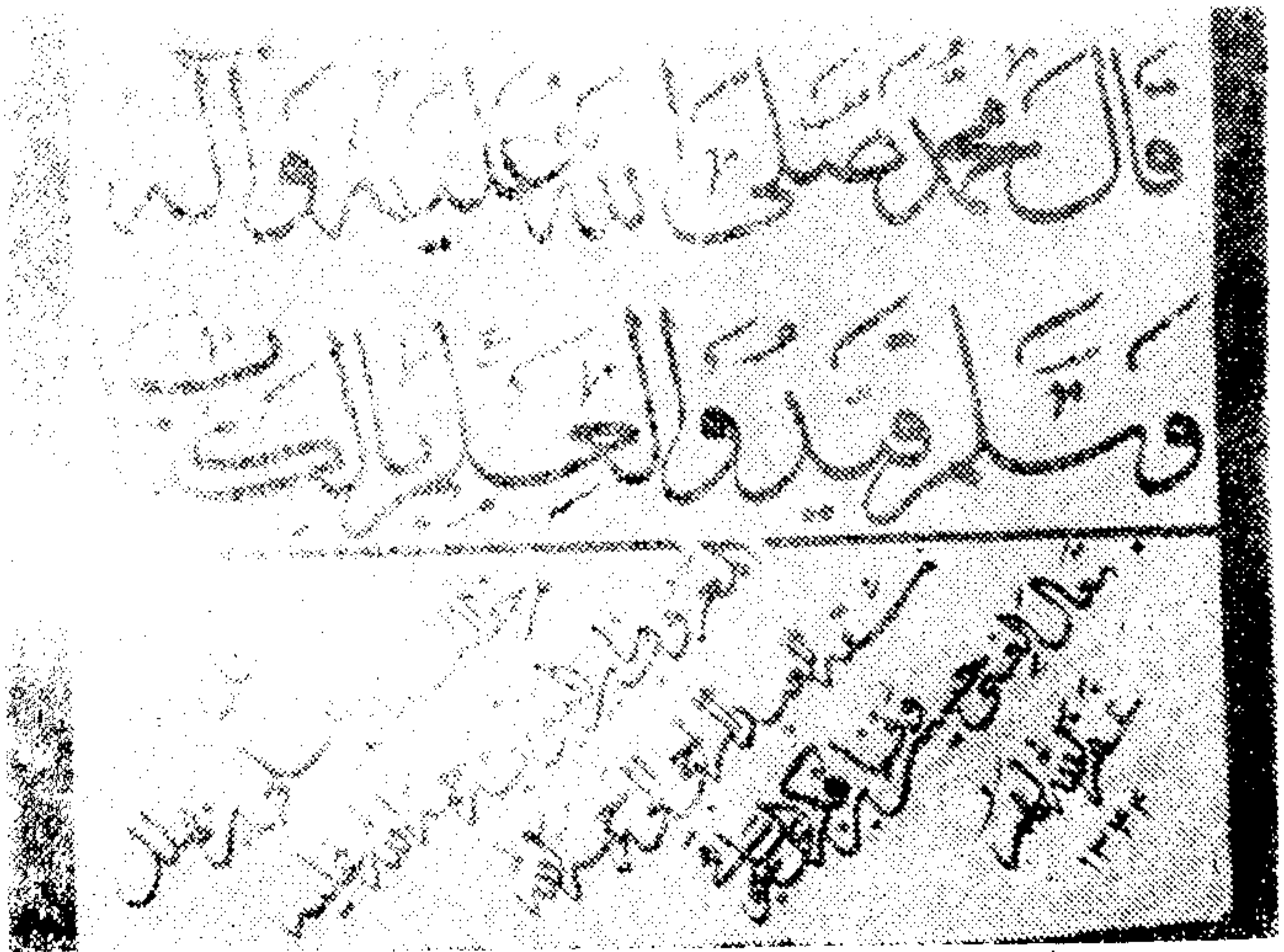
این الم فا ضل و خطاط نامی بعمر ۷۰ سالگی بتاریخ یکشنبه ۱۸  
 میزان ۱۴۱۰ ش مطابق ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۵۰ ق جهان فانی را وداع  
 گفت - در حاکم لیکه شاگردان زیادی بحیث مدرس و معلم و خطاط  
 مشهورین ده ها کتاب خطی و آثار برجسته یادگار گذاشت از نسخ



یکی از آثار پر ارزش حافظ ملامحمد صدیق

خطی آن مرحوم به تعداد زیاد که بین سالهای ۱۲۹۴ تا ۱۳۱۴ هجری قمری نگاشته شده نزد منسوبین و احباب هنر خط موجود است . کتیبه لوح بزرگ مزار علامه امام فخرالدین رازی در خیابان هرات نیز بخط ثلث و نستعلیق آن مرحوم نوشته شده است .  
محمد حسین سلجوقی :

خلیفه ملا محمد حسین سلجوقی خلف خلیفه ملا عبدالاحد سلجوقی که خلیفه و جانشین حضرت نجی صاحب بخاری در طریقه نقشبندی بود . خلیفه ملا محمد حسین علوم عمده را نزد پدرش تحصیل نمود و احسن خط را از میر عبدالرحمن هروی تا درجه استادی فرا گرفت و در علم کلام نیز جانشین پدر بود . مرحوم خلیفه در خط زیبا و استادی خود بسیار پر نویس بود . هر آن قطعات خط او زیاد است کتیبه خانه و دست نوشته های فراوان



خط ثلث محمد حسین سلجوقی

خواجہ صاحب انصار قدس سرہ قصیدہ مولوی عبد الرحمن جامی کہ بوصف  
مزار خواجہ صاحب سرودہ است بخط خلیفہ صاحب موصوف است و بفرد ذیل

آغاز شدہ :  
طوبی لر وضة سجدة ارضها الجباہ  
بشری لسدة لثمت تر بها ا لشفاه

(در ہمین قصیدہ مولوی جامی میگوید :

بند بروی خود ہمہ درہای حاد ثہ ہر کس کہ آورد بحریم درش پناہ  
ازین فرد برمی آید کہ بست گزار گاہ در زمان مولوی جامی نیز  
بر قرار بودہ است .)

خلیفہ سالہا در مدرسہ پای حصار روش طریقت رامی پیمود و با آنہم  
وظیفہ تدریس علوم و درس خط را بطلاب ایفاء می نمود بالاخرہ در  
مرحلتہ نشیب عمر از تدریس دست کشید و در شمال باد مرغان در یک  
فضای آزاد دور از قریہ باد مرغان قلعہ ی تعمیر نمود و در آن منزوی  
شد و گاہی طلاب بسر اغش می ہتافتند از مشق خط دریغ نمی کرد .

خلیفہ گاہی شعر ہم می سرود و زمانی ہ محمد حسین و زمانی آثم  
تخلص می کرد، در زمان مدرسہ او در مدرسہ سلجوقیہ پای حصار ہرات  
ماگردان ذیل نزد او بدرجہ استادی رسیدند :

۱ - سید عطاء محمد شاہ قندھاری ۲ - خلیفہ محمد اکبر سلجوقی  
۳ - ملا محمد صدیق دولتشاہی ۴ - طالب ہروی ۵ - آخندزادہ ملا  
محمد صدیق قاضی ۶ - مولوی ملا عبد الفتاح کاکای  
علاوہ صلاح الدین سلجوقی و پدرا استاد فکری .

میرزا محمد عمر :

خلفا الصدق حضرت خلیفہ اللہ بردی میباشند موصوف بسان و ادش بنوشتن  
خطا تا خنی مہارت کاملی داشته قطعاتی وسیلہ ناخن خود می نوشت  
در مدرسہ کسر خ کتیبہ ی، ازو بیاد گزار مانده است، مومی الیہ عمر  
خود را بتأسی از نیاکان خویش بارشاد مردم صرف نمود بالاخرہ  
در سال ۱۳۴۰ قمری چشم از جہان پوشیدہ و بجوار جد بزرگوارش  
حضرت صوفی اسلام مدفون است .



محمد صدیق :

مرحوم آخندزاده ملا محمد صدیق مشهور با آخندزاده معلم  
(مدرس) موصوف از مدرسین بزرگ هرات بوده و چون مدتی معلم  
دار الحفاظ هرات بوده است اکثر مردم او را به آخندزاده  
معلم میشناختند .  
معزی الیه ولد مرحوم حاجی سید عبدا لحمید است که مدرسی  
سابق بلده هرات بود .

حاجی سید عبدا لحمید نیز از ردیف خطاطان هرات بود .  
مرحوم آخندزاده ملا محمد صدیق در بخش رقم خطوط نستعلیق  
تعلیق ، نسخ ، رقاع ، ثلث ، شکست بزمی و اشعاران بشمار بود .  
علاوه بر خطاطی و علمیت بدرجه تدریس ، هر شعر و ادب نیز آراستگی  
فریجه عالی بود .

آخندزاده تا لیغات نیز داشت قرار ذیل :

۱ - رساله عقدا الو حید در تجوید بزبان دری

۲ - رساله در شرح کلمه توحید بزبان عربی

۳ - رساله در منطق خورده بزبان عربی

۴ - مجموعه اشعار شامل حمد و نعت و اشعار عشقی و تمجیدی بزبان دری

مرحوم آخندزاده سال ۱۲۲۴ هـ ش در ۸ برج اسفند در

یافت و در قریه سیاه و شان هرات بجوار مزار خود آجیه که چنان است

مدفون گردید .

محمد کریم اسیر :

ولد میرزا محمد ایوب غوریانی میباشد . محمد از زمره نقاشان است  
که در حصه اول این بخش معرفی شده است چون موصوفی علاقه  
بر هنر نقاشی در خطاطی نیز ذوق دارد درین بخش نیز از وی یاد آوری  
می نمایم . وی خط نستعلیق را خوب می نویسد و در حسن خط از زمره

شاگردان استاد عطار است . علاوه بر آن قریحه شعر و ادب را نیز دارا بوده با آنکه مبتدی است اشعار جذاب می سراید .

### محمد شفیق نیازی :

ولد حاجی محمد صدیق نیازی در سال ۱۳۲۸ ش تولد یافت و در سال ۱۳۴۶ شامل مکتب گردیده و در سال ۱۳۴۴ بنخط علاقه پیدا کرده و در زمره تلامذات استاد محمد علی عطار به تحصیل حسن خط آغاز نموده و تا کنون از متفهمین مکتب بوده و در رشته خطاطی نیز مشق خود را ادامه میدهد .

### محمد کاظم :

ولد مرحوم حاجی غلام علی متولد در سال ۱۳۰۱ هـ . ش در هرات در سال ۱۳۴۱ شامل مکتب لیسه جامی شده دوره متوسطه را طی نموده و فعالیت در فاکولته طب ننگرهار مصروف تحصیل است . محمد کاظم در خط نستعلیق نیز مشق کرده و خط او خوب است و از تلامذات استاد محمد علی عطار میباشد .

### محمد نعمت :

ولد محمد کریم متخلص بگرامی در ۱۹۱۰ خ سال ۱۳۴۸ متولد گردیده تلامذات ابتدایی را یکجهه در لیسه جامی و حصه بگرامی در لیسه سلطان علی نمود و شامل صنف ۴ فاکولته مصروف تحصیل است .

موصوف در کورس خطاطی که برهنمایی استاد محمد عطار دائر شده بود شامل شده و مشق خط را پیشبرده و کتابچه های مشق از استاد عطار گرفته و بهایوی تحصیلات خودش مشق خط را نیز ادامه میدهد . در رشته خوبی درین رشته ازو چشم داشته میشود .

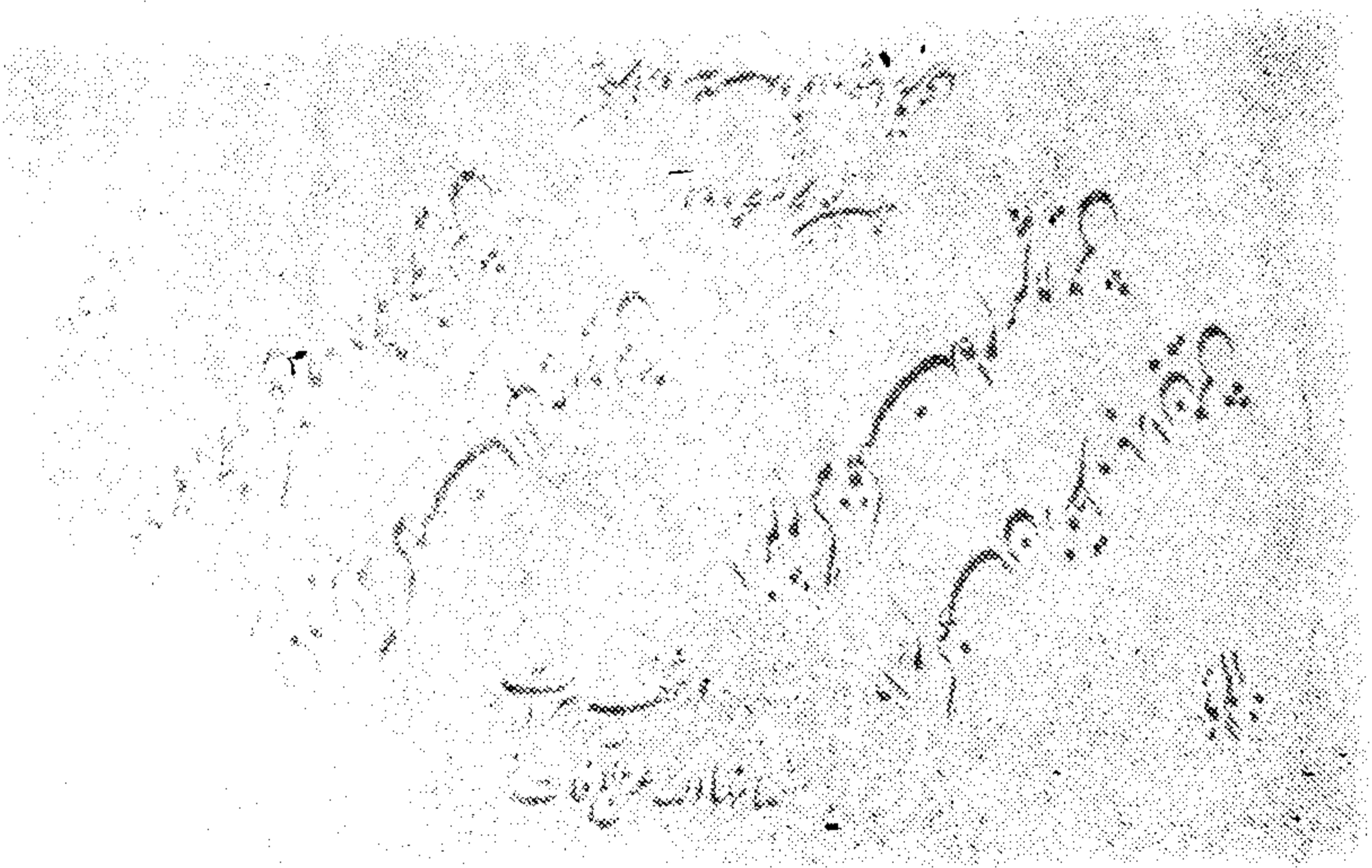
### (سید) محمود :

ولد سید نور محمد شاه هم در خطاطی ، هم در نقاشی مشق خوبی

دارد. وی در هر دو رشته هنر شاگرد استاد مشعل میباشد. ولادت موصوف در سال ۱۳۲۸ هـ، ش در قریه سیاوشان صورت گرفته و فعلاً در شهر هرات سکونت دارد.

محمد وزیر :

محمد و زیر ولد منشی املا عبد ا لصدق موصوف در ۱۳۰۶ شمسی متولد و فعلاً بحیث مدیر محاسبیه مستوفیت مصر وی و نظیفه میباشد. وی پرورش و سلیمه ارثی خود بخط نستعلیق مهارت یافته کتاب گلستان سعدی را بتاريخ ۱۳۶۵ قمری بخط نستعلیق نوشته است. موصوف مدتی بحیث معاون مدیریت تحریرات و لایات هرات موظف بود.



نمونه خط نستعلیق وزیرجان کروخی

میرزا محمود قاری :

میرزا محمود ولد حاجی میرزا محمد مهدی در خطوط نستعلیق و نسخ و شکسته مهارت دارد، فرقانی تخلص میکند، تولد او در

سال ۱۳۳۰ هـ، ش در هرات صورت گرفته و تحصیلات دوره ابتدائی را در مکتب خا نگلی طی کرده و نزد علماء بعضی کتب عربی را نیز درس خوانده فعلا تجارت شخصی دارد .

محمد ناصر :

محمد ناصر ولد شیخ غلام حسین طالب در سال ۱۳۴۳ ش-در هرات متولد شد در سال ۱۳۴۳ شامل مکتب جامی (رح) شده و در همان دوره تحصیلات ابتدائی بخط خوشی علاقه و توجه داشت و در همان دوره در استاد محمد علی عطاری هرات گرفتن این هنر زیبا آغاز نمود



نمونه خط محمد ناصر

و بشوق و شغف فوق العاده در حسن خط کوشید استاد مو صوف نیز در آموزش او توجه زیاد نمود و در حسن خط تا حدی ورزیده گردید .

نمونه خط او که ملا حظه میشود تا درجه زیاد پیشرفت نموده و طوریکه از اشتیاقی مفرط او بحسن خط معلوم میشود اگر در تحصیل جدیت و کوشش خود را دوام دهد بدرجه استادی میرسد.

### آخند ملا محمد صالح :

این دانشمند و خطاط بزرگوار فرزند ملا عبدالقادر هروی و چون پدری آخند زاده ملا محمد صدیق امام ارگ میباشد .  
در علوم معقول و منقول مخصوصا در فقه اسلامی ماهر بوده و کتب و آثار زیادی بخط نسخ و نستعلیق و شکسته نگاشته و در تحصیل کتب طلاب علوم در آن وقت که کتاب چاپی کمتر موجود بوده بسیار کمک کرده است .

ملا محمد صالح چندین کتاب بزرگی مثل هدایای شریعت و فقه و کتب فقه بخط خوش نوشته و نیز دیگر کتابهای علمی مانند شرح تفسیر و کافیه و معنی المصلي و نصاب التمهید و مختصر الامان و غیره در کتب دیگر را در سالهای ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۱ هـ قیامی در کتب نهایت عالی استنساخ کرده و با کمال کمال نگاشته است .  
وی خط ثلث جلی را نیز خیلی خوب مینگاشته و بعضی آثارش به مهر اختصا صیش «گنده برخانم دل مهر محمد صالح» مهرش میباشد .  
وی اکثر کتابها و آثار خود را در خانقاه حضرت زین العابدین (ع) نوشته است .

### حاجی فطاحی ملا محمد سعید «راجی» :

پسر ارشد آخند زاده حاجی ملا محمد صدیق و از دانشمندان معارف هرات بوده علاوه بر علم و فضل و هنر ارثی خطاطی ، جوانی حقیقت پسند و صوفی مشرب و سخنور بود که اشعار حافظ را بیشتر دوست داشته و اغلب غزلهای آن عارف بزرگ را تضمین و تخمیس کرده است .  
قاری ملا محمد سعید خطوط سته را بکمال ممانت و زیبایی مینگاشته

کتاب زیاد علمی و ادبی بخط خوش نسخ و نستعلیق و قطعاً تی محتوی خطوط ثلث و کوفی معقلی یادگار گذاشته و هم اشعار عارفانه ی از وی باقی مانده است . این استاد فاضل و هنرمند بعمر ۳۸ سالگی بتاريخ ۲۰ میزان ۱۳۰۸ مطابق ۹ جمادی الاولی ۱۲۴۸ وفات نموده پدر بزرگوار خو را متماً ثم گر دانید . نمونه اشعار او :

بوصال تو خواهشی دارم      ز فراق تو کاهشی دارم  
همه شب بیتواز دل و دیده      اضطراب و تراوشی دارم  
با سگان در تو تادم صبح      دمبدم آه و نالشی دارم  
ساختم باغم تو چون « راجی »      به بلای تو سازشی دارم  
جا نم از هجر سوختی جا نا  
چشم لطف و نو از شی دارم

#### آخند ملا «محمد قاسم»

آخند ملا محمد قاسم خلف الصدق ملا خدا بخش از علماء بر از نده و خطاطان نامی قرن ۱۳ هرات بود در نگارش خطوط سته مخصوصاً ثلث و نسخ و نستعلیق مهارت داشت کتابها و آثار زیادی بخط خوش خود استنساخ کرد که از آن جمله چندین اثر عالی و زیبا در علوم عقاید و منطق و تجوید و فقه و صرف و نحو و ادب در کتابخانه شخصی محمد علم غواص «یکی از اصفا د او» موجود و محفوظ است و از بهترین نسخ و آثار خطی عصر بشمار میرود این آثار را بین سالهای ۱۲۴۳ و ۱۲۴۸ هـ ، قنگاشته است .  
مرحوم آخند ملا محمد قاسم در تعلیم خطوط ششگانه برای فرزندان خود نیز کوشیده که در نتیجه از پنج پسر شان شیخ الاسلام آخند ملا خدا بخش در اقران و امان ماثل خود در تدریس و تألیف کتب دینی و ادبی و خوشنویسی مقام ارجمندی را حاصل کرد فرزندان دیگرش آخند ملا عبدالمطیف نیز خطوط نسخ و ثلث را خیلی خوب مینوشت کتابی در شرح عقاید

بخط نسخ زیبای وی که در سال ۱۲۴۴ هـ، قنگاشته گواه خوشنویسی او است .

گفته می‌توانیم که آخند ملا محمد قاسم هنر خطاطی و تحریر خطوط ثلث و نسخ و کوفی و نستعلیق را در قرن ۱۴ در هرات به‌عنوان وسیع تر و بیچ داده و شاگردان زیادی در خوشنویسی و استنساخ کتب تربیه کرده است .

### سید محمد جان :

آخند زاده ملا سید محمد ولد سر حوم آخند زاده ملا میر محمد نستعلیق معلم (مدرس) میباشد .

او صوفی در خطوط ششگانه بهارات داده شده و از زمره خوشنویسان هرات بشمار است .

در سنوات ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ ش - در زمان حکومت عبدالرحیم خان پسر سالار موصوف در مطبعه سنگی هرات و وظیفه خطاطی داشته در مزار خلیفه صاحب نوین بعضی لوح‌های فیروزه‌نما خیر هرات بخط او است .

از قلم او قطعات زیادی بخط نستعلیق و ثلث و غیره نیز در هرات موجود است .

فعلاً در شرکت پخته هرات شامل وظیفه میباشد .

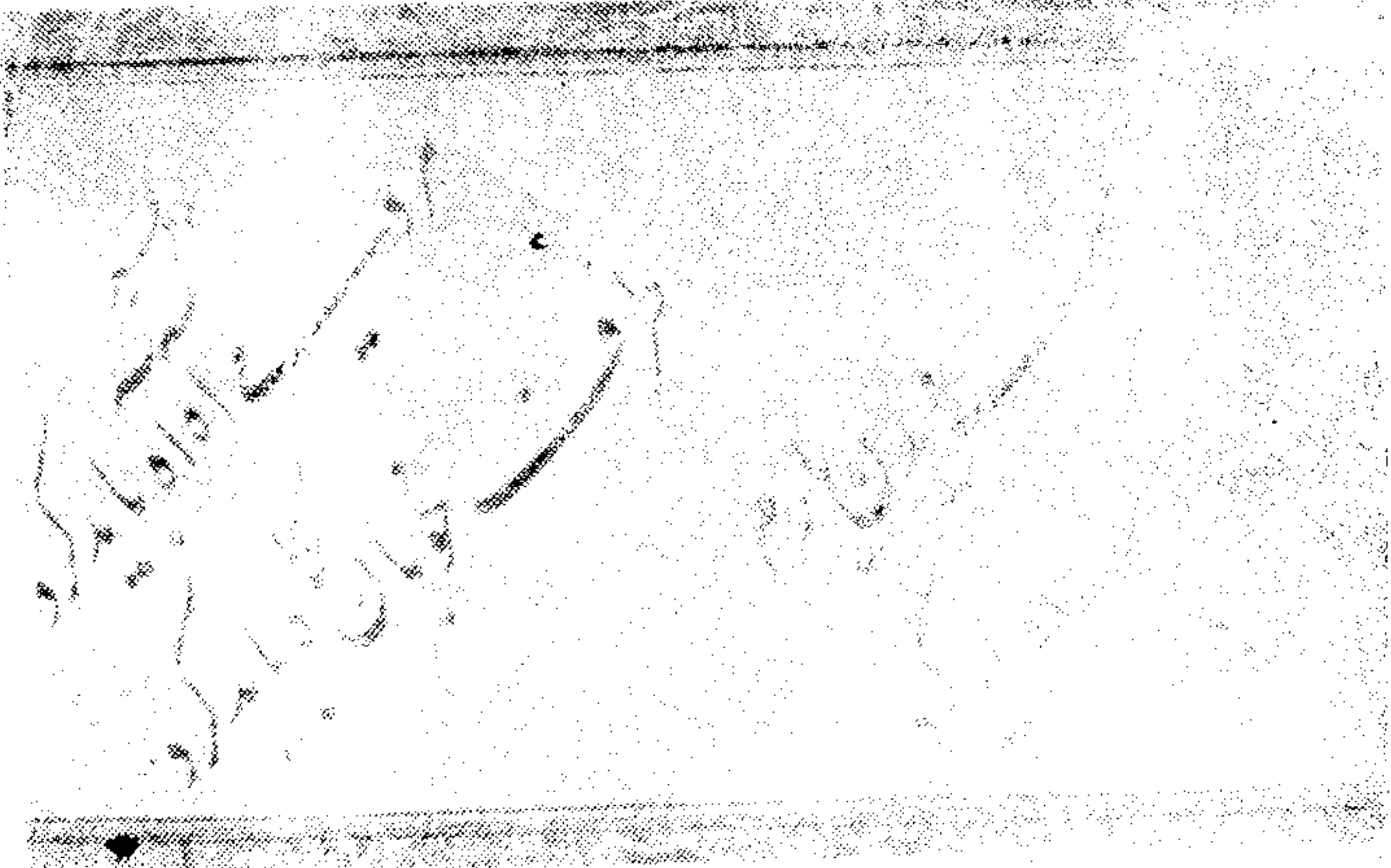
### میر آقای حسینی :

پسر میر محمد کاظم گدام دار است و از سفر سن در مدرسه پناهی حصار مشق خط را از صوفی محمد اکبر سلجوقی اخذ می‌کند تا آنکه در نستعلیق به مرتبه استادی رسیده .

میر آقای مدت عمرش به میرزایی افتد گذشت . در آخر عمر بخطاطی مسجد جامع هرات مقرر گردید . در نگاشتن کتیبه‌های جلی مسجد جامع قدرت ممتاز از خود نشان داد . واقعاً در قرن اخیر کتیبه

جملی نستعلیق را بآن قدرت و استواری هیچکس نداشتہ است .  
 اکثر کتیبه های نستعلیق مسجد جامع هرات بخط او است . فکری  
 سلجوقی می نویسد :

هنگامیکہ بنقاشی مسجد جامع هرات موظف بودم ، خطوط زیبای  
 نستعلیق میرآقا را از کاغذ روی کاشی خاکہ و قلم گیری می نمودم .  
 او قطعاً بہ فضل و مداد اندازہ گیری نمی کرد و دستش بہ مداد آشنا  
 نبود ، لکن بانس دستش را سر کرده و قطع میزد کہ هیچ دستی آن  
 ظہر را نمی توانست بسطیح و دور کاغذ بچرخاند و خطی بآن استحکام  
 بدهد . این بہ خود آورد . هرکس کہ کتیبه سمت شرقی بیرون این  
 مسجد را در زمانه بانی بآن قدری دست آفرین میگوید :  
 میرآقا در سال ۱۲۴۰ در حاکمان پیکه زور و سه صد و سی و دو (۱۳۳۲) هجری شمسی  
 در کتیبه های کتب و کتابت یافتہ .

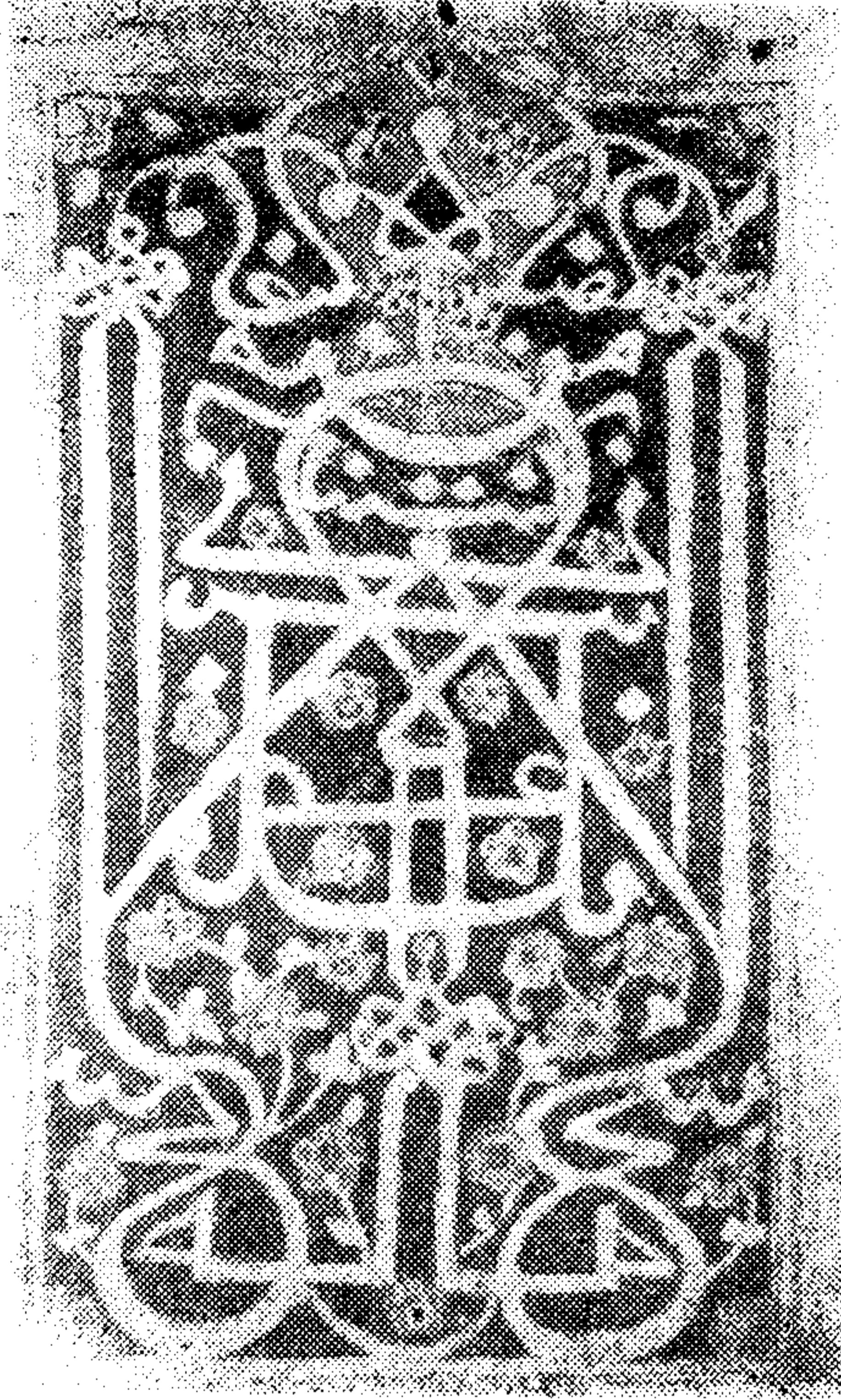


نمونه خط میر آقا

محمد حسین هروی چار باغی :

نسخه برآورد محمد یوسف ریاضی معروف بہ یوسف گربه ، صاحب





نمونه خط خواجه نجم‌الدین  
تفصیل در صفحه ۲۷۵



مؤلفه عین الوقایع و بعضی تألیفات دیگر . یوسف ریاضی و پرورش هر دو خط شکسته و نستعلیق را زیبا می نوشتند . هر دو برادران زهرات بمشهد رفتند ، در انقلاب طوسی یوسف ریاضی کشته شد و برادرش محمد حسین تا سال ۱۳۱۰ در مشهد حیات داشت و عمرش به هشتاد و نهم رسید .

محمد صدیق نیازی :

آخند زاده ملا محمد صدیق متخلص به نیازی در خطوط کوفی و نستعلیق مهارت داشت . در نستعلیق شیوه خاصی را می پیروی می نمود . قطعه نویسی میکرد . در اواخر عمر خطی قدری سطحی نوشتن شده بود همیشه در محافل شرکت می نمود در سن ۹۰ سالگی در مشهد کشته شد .

(( ن ))

( خواجه ) نجم الدین :

ولد خواجه تاج محمد ساکن محله رانک شهر مشهد است . مرحوم خواجه نجم الدین در خط نستعلیق استاد بود و در بعضی اقسام دیگر خطوط نیز مهارت داشت . در خطوط متوسط درجه متوسط تحصیلات نموده بود . خواجه از مردم دارا و مهمان نوازی معروف طرفداران فراوانی داشت . احتیاجی نداشت که از مدرک هنر شاسترا و کمالیه بیست و هفت سالگی بسا قطعات می نوشت و در نزد دوستانش از آن قطعات بسیار استفاده می نمود او مدتی در دفاتر حکومت و مستوفیت هرات بکار رسمی موزن حساب رقوم و دفتر داری را برایش سیاق که طرف احتیاج دفاتر حاکمیه بود و تا سنوات نیم قرن پیش در سر تا سر مملکت معمول بود خوب میدانت و از جمله سیاق دانان درجه اول بود .

وفات او در سال ۱۴۲۵ بسن ۸۰ سالگی در هرات صورت گرفته و در جوار مزار مولانا جامی مدفون است نظم ذیل را در آخرین آوان مریضی ، سه روز قبل از وفاتش سرود و حسب وصیت خودش بلوح مزار او نوشته شده :

بفکر آخر رقم کردم بر وی لوحه مر مر  
دعا خواهم ز خلق و مغفرت از خالق اکبر

نشان بیخودی دارم حکیم حاذق و رازق

چشاند ساغر آیم ز دست ساقی کوثر

بفکر بر منده عمر من بگوهشتاد و یک سال است

نخواهم زیست در دار فنا تا هفته دیگر

مقام همه با ناجی ، نامم خواجه نجم الدین

حنیفی مدد هم از امتان شافع محشر

او ای زایر بخوان یکسوره قرآن و از رحمت

توایش را ببخش بر من آشفته مضطر

دعاء مغفرت کن بر من عاجز که لطف حق

بیا مرزد گناهان مرا از فضل خود بکسر

هزار و سه صد و شصت است و اکنون ز قضای حق

قریب الموت افتادم مر یض و خسته در بستر

درین نظم که سال وفاتش یکهزار و سه صد و شصت گفته طبعاً سنه

هجری قمری است و چون در آن سنوات تفاوت میان دو سنه شمسی

و قمری چهل سال بوده بحساب شمسی یکهزار و سه صد و بیست میشود

و در لوح مقبره اش ۱۴۲۵ نوشته شده شاید همین رقم سال واقعی

وفات او باشد و بحساب قمری ۱۴۶۵ میشود ولی چون در وزن شعر

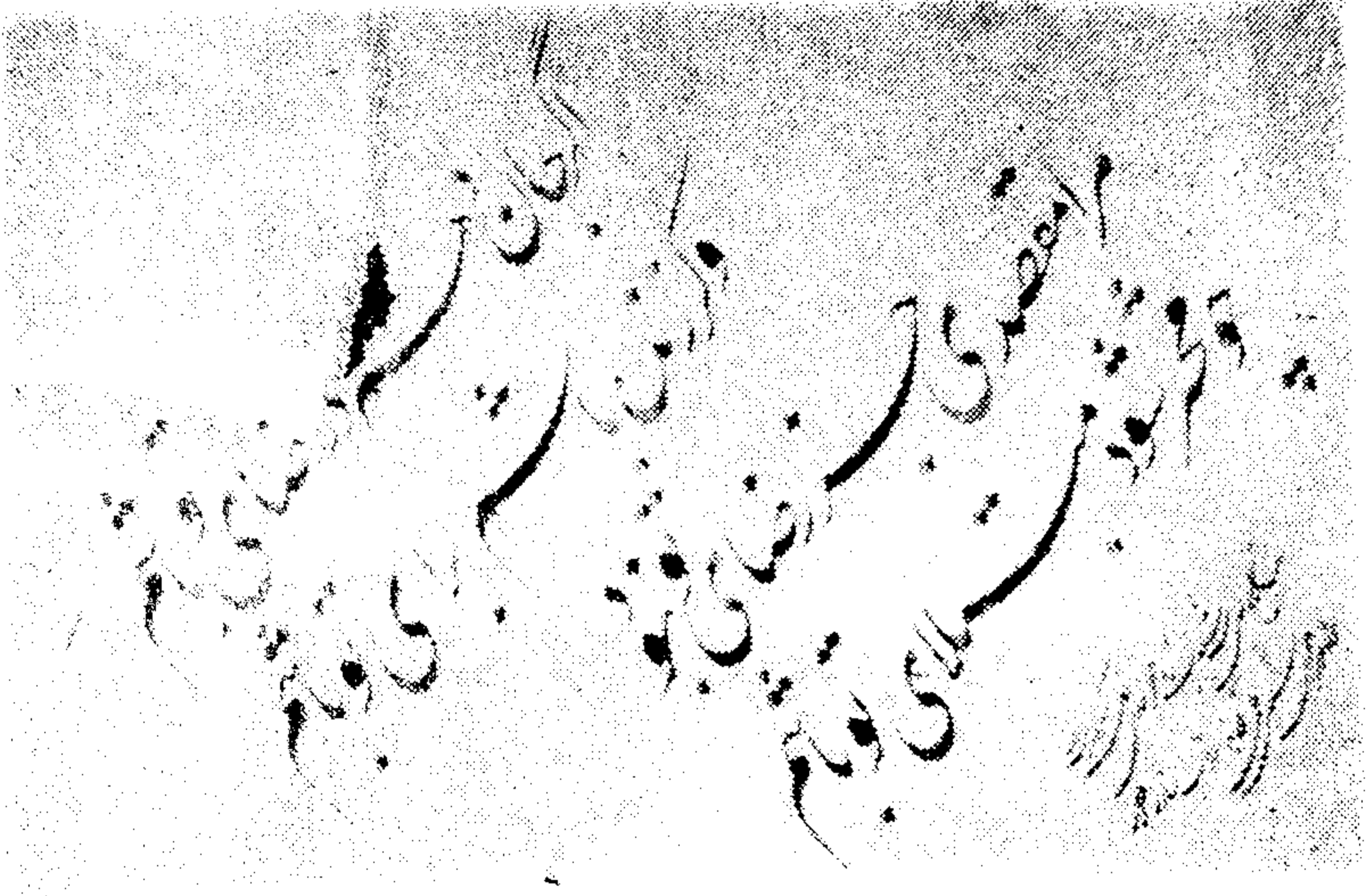
نمی گنجیده از دیگر پنج سال آن صرف نظر نموده است چنانچه

بسا شعراء که موافق تواریح را برشته نظم می آورند چند سالی

کم و زیاد را مسا محله می نمایند .

حاجی نثار احمد جکائی :

وند حاجی غلام سرور بخت نستعلیق مهارت دارد در دایره امامین  
هر اوقات معلم خط میباشد .



نمونه خط نثار احمد جکائی

((ی))

(ملا) یحیی گازر گاه :

آحمد ملا یحیی در اصل از قریه حوض کر باسی شهر زبون ولایت گازر گاه سکونت داشت .  
ملا یحیی هم در علوم عربی و هم در خط بیست و چهار ستانی بود در استعلیق  
شاگرد خلیفه محمد حسین سلجوقی بود و خط خفی و جلی را  
نهایت خوب می نوشت . طبع شعر عالی داشت و یحیی تخلص میکرد  
در لاج مقبره یکی از پسران حضرت خواجه صاحبانصار  
رباعی نوشته که از طبع خودش میباشد:

رصوان پی نظاره فاع درجات

آمد بطواف مر قد پیر هرات

لوح خلفش دید و بتار بخش گفت

بر سید کاینات بیحد صلوات

علا یحیی در صنایع شعری مانند مقطوع الالف و مقطوع الکاف  
والام و الدال . . . و غیره قدرت فوق العاده داشت در سایر صنایع  
شعری مانند مقلوب مستوی و غیر منقوط و امثال آنها قدرت تمام  
در تمام احوال و دوره سلطنت امیر عبد الر حمن خان و یکجمله از  
سلطنت امیر حبیب الله خان شهید امام ارگک بود در آن زمان  
که فرامرز خان سپهسالار عسکری هرات می بود اما متقلعه  
اخیار الدین به علا یحیی مر بوط بود .

و آخر دعانا ان الحمد لله رب العالمین

شایق هر وی



# استاد راگ

چند تن هنرمندان معاصر که سوانح و آثارشان بعد از تدوین و تحریر این کتاب بدست ما رسید عجاالتاً در اینجا بمعرفی ایشان می پردازیم:

## امیر محمد بنائنی هروی :

امیر محمد ولد استاد غلام حسین ولد استاد محمد صادق . این هنرمند در قسمت نقشه کشی تعمیرات دست توانا دارد و رشته تحصیلات را در معارف طی نموده و چندی در امریکا نیز تحصیل کرده و فعلاً در دستگاه ساختمانی افغانی در کابل شامل وظیفه میباشد .

## بهبود :

ولد استاد محمد علمی عطار تولد او در سنه ۱۳۳۴ تحصیلات ابتدائی



اثر خطاطی بهبود

را در مکتب لیسه جامی تا صنف هشتم طی کرده و بعد از آن در کانون عطار مشغول کاسبی میباشد و شبها بشغل نقاشی و خطاطی میپردازد چنانچه بعضی تابلوهای نقاشی و خطاطی ترتیب داده و در خانه او موجود است .



بهبود عطار

بشیر احمد :

بشیر احمد در سال ۱۳۴۰ ش در شهر هرات متولد گردید . و از صغیر سن بتعلیم هنر و نقاشی شوق مفرط داشت .



تابلو اثر بشیر احمد

وی فعلاً در صنف ۶ مکتب جبلی هرات مصروف تعلیم است . موصوف در اثر ذوق فطری و استعداد هنری که دارد از یک سال و چند ماه پیش قرار گرفته بودش هنر میخانوری و نقاشی را دنبال کرده و تاکنون بر روی



بشیر احمد

صراحی‌ها و صند و قچہ‌ها هنر میخانور را عملی نموده و آثار ارزنده به تناسب سن و مشق هنری خود آریب داده که آینده درخشان بوی پیش بینی میشود .

وی هنر میخانوری و نقاشی را از بناغلی فضل احمد مقصودی آموخته است و از زمره تلامیذ مکتب استاد مشعل است .



خلیل الله بنا ئی :

ولد حاجی علیرضا ولد استاد غلام حسین که در رشته رسامی و نقشه کشی علاقه فوق العاده داشته در قسمت نقشه های قالین بسپک عصر تیموریان تحصیلات نموده و تجارب شا یان اندوخته مدتی در هرات و فراره بحیث معلم قالین بافی اجرای وظیفه نموده و چندی بحیث استاد در شعبه انکشاف فن قالین بافی در وزارت معارف و وظیفه دار بود، فعلا در کابل در شرکت قالین و وظیفه معلمی را بعهده دارد .

عبدالمطیف حزین :

عبدالمطیف از شاگردان پیشرفته و با استعداد استاد مشعل میباشد که آثار هنری او در شعبه میناتور است استاد مشعل موجود است . وی فعلا در ولایت کشتاکوت بوظیفه معلمی مبرور و فیت دارد .



عبدالمطیف حزین

عبدالشکور غوری :

عبدالشکور از زمره شاگردان استاد مشعل می باشد، فعلا در ولایت غور بوظیفه معلمی مصروف است . در رشته میناتور پیشرفت نموده و در شعبه هنری استاد مشعل آثار او موجود می باشد .

## غلام فاروق :

غلام فاروق مفتی زاده یکی از شاگردان با استعداد استاد مشعل



تا بلوی غلام فاروق

است که در شعبه مینا توری  
استاد آثار او موجود است .  
فعلاً در صنف دهم لیسه سلطان  
مصرف تحصیل میباید شد -  
وی آثار ارزنده دارد و آینده  
روشنی بزی پیشبینی میشود .



غلام فاروق مفتی زاده

محمد اسماعیل بنائی :

حاجی محمد اسماعیل ولد استاد غلام رضا وند استاد محمد صادق  
بنائی بنیان علی رضا که قرار گرفته خودش سلسله نسبی او به استاد شیر علی  
بنائی و استاد محمد علی بنائی که از استادان دوره تیموریان بوده اند  
همی پیوند در سلسله آبنائی و هنر بنائی و نقشه کشی  
سابقه تاریخی در خشان دارد .

ولادتش در حمل سال ۱۳۵۴ هـ - ش در محله قطبی چاق گذر حوض  
 پهلوان ناحیه اول شهر هرات واقع شده است .  
 وفات آن مرحوم در شب سه شنبه ۲۷ میزان سال ۱۳۳۸  
 هـ - ش بعد از شش ماه مرضی واقع گردید و در جوار مزار  
 سلطان میر عبدالواحد شهید مدفون شد . فن مهندسی و نقشه کشی  
 بناها را که پیشه وراثی ای بود از پدر و پدربزرگانش آموخته علاوه  
 بر آن برای کسب آگاهی از طرز العمل تعمیرات عمرانی و فن ساختمان  
 معاصر چندین دفعه به ایران و عراق عرب و ترکیه و حجاز مسافرت های  
 طولانی نموده و در اکثر مناطق روسیه و المان و فرانسه نیز  
 سفر کرده است موصوف در فن مهندسی و معماری و نقاشی آن  
 قدر تجارب و آفریننده اندک خنک بود که بی عدیل عصر و  
 زمان خود بود و کاشی کار بهای سابق مسجد جامع در شروع کار ترمیم  
 بر روی هنر نقاشی ای صورت گرفته و بعد از شاگردانش از پیروان  
 کرده اند - او از تمام آثار تاریخی هرات که پایه افتخار ما است و  
 اثر را برانزاده تر و برزنده ترمیمی پنداشت :

۱ - در حصه حجاری و نقاشی لوح هزار خواجه انصار در سمرقند  
 حیرت انگیز و خارق العاده معرفی میگردد و میگفت  
 در رسامی این لوح صنعت مجیر العقول بکار رفته که نظیر آن  
 دیده نشده و منحصر بفرد است و صنعت بی نظیر آن نیست که قسمت  
 نقش آن سرا پا و با تمام صحن نقاشی آن مرکب از گل و برگ است  
 و زمین خالی که سطح شهر ده شود ندارد .

۲ - در هنر معماری از آثار تاریخی هرات ممتاز است  
 حوض درب ملک را میدانست که بر خلاف تمام حوض ها آنجا  
 به زمین فرورفته اند این حوض فرورفتگی کم دارد و کاسه آن برجسته  
 و بر روی زمین ایستاده تعمیر شده و پایه های آن از روی زمین  
 بلند شده و پوشش بالای پایه ها قرار گرفته است .

حاجی اسماعیل در قسمت نقشه کشی ها بآن اندازه فعالیت بخرج  
 داده که تفصیل تمام آثار هنری او رساله جداگانه را ایجاب میکند  
 مهم ترین آثار معماری و نقشه کشی او اول ترمیم مسجد جامع هرات است

که بسا دیوارها و سقفها و رواقهای آن با حفظ نقش عمران  
تاریخی آنها بصورت تازه تعمیر گردیده و از بیرون و درون ترمیمی  
شده که در بسا حصص زاید و بر تر از تعمیر اصلی آن شناخته میشود .  
دیگر از صنعت های ممتاز نقشه های تعمیراتی او پارک و لایت هرات است  
که یک حصه از سطح وسیع آن بصورت نیم دایره نقشه شده و همچو سطح وسیع که  
در حدود چندین جریب و سعت دارد نقشه آن از نگاره فن معماری  
هنری يك آله خاص را ایجاد میکند که در آن زمان بداخل مملکت وجود  
نداشت حاجی اسماعیل آنرا به نیروی تجارب فنی که اندوخته بود  
بطوریکه نقشه نمود که مورد قناعت و شایان تحسین مهندسين خارجی واقع شد .  
بنا علی غلام رضا خلف آن مرحوم که سوانح فوق را از وی استفاده  
نموده است مفصل از تعمیراتی که به مهندسی و نقشه کشی آن مرحوم  
آباد شده از نیم قرن پیش تا سال وفاتش همه را شرح داده که به  
سوقان قلم میرسد که همه تعمیرات مهم و با وسعت است و از آن جمله  
مناقصه و نایب و تمام دیوار هر بوط آن بحساب يك قلم آمده و چهار بازار  
بزرگ گنده هرات بنامچه های ملحقات آن قلم دیگر بشمار است که  
از قلمهای بزرگ بشمار است و دیگر قلمهای آن تعمیرات مساجد،  
بناها و هفتاد و نهم گاهها و مزارات و تعمیرات و اسوالی ها و غیره است .  
خلاصه حاجی اسماعیل یکی از هنرمندان ممتاز و برگزیده معاصر  
هرات بشمار است ۱۳۴۵ هجری بر آثار هنری وافر و ارزنده که از خود  
به یادگار گذاشته بکته باد زیاده شاکر دانی تریه نموده که چراغ هنر  
و شناختی شده و انجمن شد .

### محمد علی شاه بنائی :

محمد علی شاه بنائی وند حاجی اسماعیل بنائی در رشته ایات  
انحصیالات نموده و در قسمت نقشه کشی تعمیرات که شغل ارثی او  
است پیشرفت شایان حاصل و تجارب ارزنده کسب کرده است و در نقاشی  
نیز مهارت دارد فعلا در وزارت معارف بمديريت پروژه ساختمانی شامل  
و نایب میباشد .

محمود ولد استاد محمد علی عطار :

تولد او در سنه ۱۳۴۰ تحصیلات ابتدائی بزبان سری

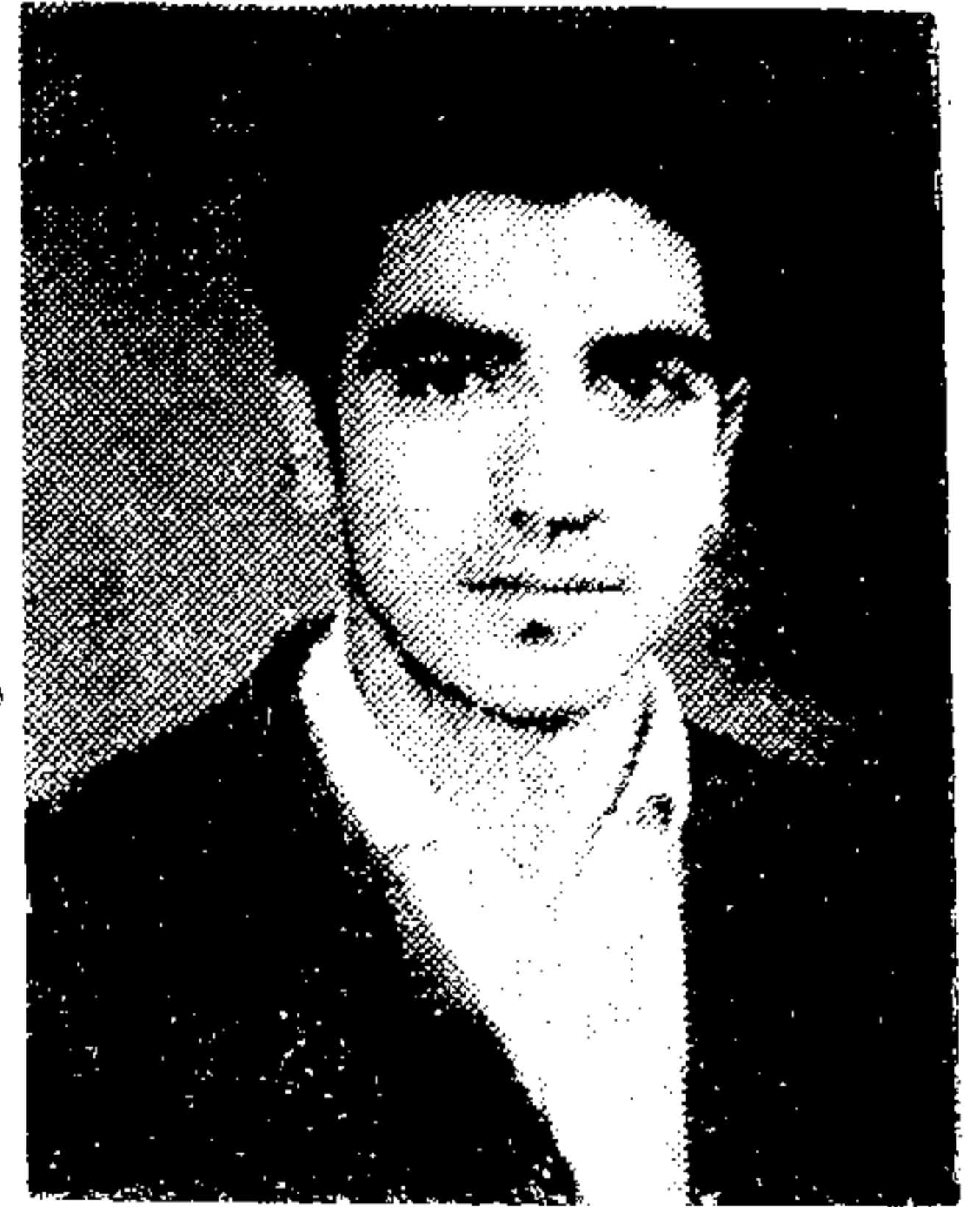
را در مکتب غیر رسمی و عربی را پیش شیخ طاهر

قد عاری ملام محمد ساغری طی کرده و بعدها در کلاس

عطاری مشغول گامی شده است و فعالیت

عسکری خود را انجام میدهد. خط نستعلیق را

از نزد پدرش مشق نموده و پیشرفتی کرده است



محمود عطار

محمد فاروق :

ولد عبدالرزاق از شاعران مکتب استاد مشعل است و در سن

مشق و تمرین نموده و آثاری ترتیب داده است .

## خاتمه

در انجام بخش معاصرین قابل تذکر میمانیم که باید در این  
استادان هنر و باز هنر آموزان پیشرفته و ورزیده مهر فی جیب  
بذکر میزند بان و نو آموزان می پودا ختیم و کی چون  
نهضت هنری تاریخی این محیط روزگار را با تمام توان و  
تعمیه نشده بود، درین ایام بکوشش و دستاورد معاصر که در مقدمه متذکر  
شدم جنبش بی سابقه در دو رشته خطاطی و نقاشی آغاز شده و از  
جانبی درین تحول نوین و انقلاب جوان کشور عزیز مؤسسه طبع کتب  
ما نیز که مدتی بحال سقوط افتاده بود تازه بجنبش در آمد و نخستین  
قدم آن همین اثر است، استادان هنر بدین سبب درین نهضت اومقد عمر از همه

اندیشه‌ها نشویق و حوصله افزایی نسل جوان را مطمح نظر قرار دادند.

چون دسته بندیها در بساموا رد در روش نظام کهنه مدار تبعیضات تشریفاتی قرار داشت و در تفریق مبتدی و منتهی و که و مه طبعاً بی قناعتیها و شکایتها مورد می یافت بهتر دانستم تمام ذوقمندان هنر بدون تفریق سن و سال و مبتدی و منتهی از لحاظ حروف نام هر یک به ترتیب حروف هجا که بذات خود حیثیت فخرست را نیز دارد و ترتیب اصلی کتاب انتخاب شده، ذکر شوند . طبعاً تفریق استاد و شاگرد و مراتب پست و بلند سویه ها از معرفی هر کدام و از نمونه های آثار هنری شان بر خوانندگان روشن میشود و این ترتیب که بدون چوکات بندی تشریفاتی باشد در حوصله افزایی مبتدیان رول مهمی خواهد داشت .

و چون این اثر اولین قدم حیات نوین مؤسسه جوان طبع کتب است ازین ترتیب ابتکاری برای آثاریکه آینده درین رشته نوشته شود تجارب ارزنده بدست خواهد آمد و بیاری خداوند متعال هر نقش گمانی ما بهتر از اول خواهد بود و در سایه نظام جوان جمهوری هر قدم ما سوی پیشرفت و کامیابی سریعتر برداشته خواهد شد .

میر عبدا لعلی شایق

(ختم)



# فہرست کتاب خطاطان و نقاشان ہرات آزاد و دور

تیہوری تا نخستین سالگرد نظام جمہوری

## بخش اول (خطاطان و نقاشان مستقدم)

### حصہ اول

نقاشان	ب	ب	ب
نقاشان	ب	ب	ب
با با جی	۱۱	صفحه	۱۱
بہزاد	۱۱	»	۱۱
تا یعنی	۲۶	»	۲۶
جنید مولانا	۳۷	»	۳۷
حاجی محمد نقاش	۳۷	»	۳۷
حسام الدین استاد	۴۹	»	۴۹
درویش محمد	۴۰	»	۴۰
سلطان محمد	۴۴	»	۴۴
شیخ احمد	۴۹	»	۴۹

اسفزاری صفحہ ۷۱

اشرف خان میر منشی » ۷۱

(مولا نا) اظہر » ۷۲

امیر خلیل ہراتی » ۷۳

امیر سبزواری » ۷۵

امیر شاہی » ۷۵

امین الدین محمود » ۷۷

### ب

بابا بشار میرزا » ۷۸

بابا بھنگا مان » ۸۲

بابا بھنگا مانا » ۸۲

### ج

(مولا نا) جامی » ۸۸

جہانگیر تبریزی » ۹۴

جہانگیر جلال » ۹۵

### ح

حاجا فطہ ہروی » ۹۵

حکیم جہانگیر ہروی » »

### خ

خازن » ۹۸

خوش مردان » ۹۹

خندان » ۱۰۰

### د

دراہت » ۱۰۲

دوست محمد » ۱۰۲

### ذ

ذوالکمالین » ۱۰۴

### ر

رستم علمی صفحہ ۱۰۵

(مولا نا) رہائی » ۱۰۸

### ز

زینب شہدہ » ۱۰۸

### س

سایلی » ۱۰۹

سلطان علمی غایبی » ۱۱۳

سلطان علمی » ۱۱۴

غیاثان محمد نور » ۱۱۷

### ش

(مولا نا) شبلی » ۱۱۹

شفیق » ۱۲۰

شمس الدین ہروی » ۱۲۱

شیخ عبد اللہ کاتب » ۱۲۲

### ص

صاحبی ہروی » ۱۲۳

### ض

ضیاء الدین یوسف » ۱۲۴

### ط

طاہری » ۱۲۴

### ع

عارف » ۱۲۵

عبد الکریم » ۱۲۶

عبدالرحمن » ۱۲۶

عبداللہ آشپز » ۱۳۱



محمد اکبر صفحہ ۱۵۷

محمد اویہی » ۱۵۷

محمد حسین میرزا » ۱۵۸

محمد قاسم » ۱۵۹

محمد موسی » ۱۵۹

محمد مومن » ۱۶۰

محمد عظیم » ۱۶۱

محمود شہابی » ۱۶۱

مشرق فی » ۱۶۲

مہر و فی مولا نا » ۱۶۲

مہین الدین احمد » ۱۶۲

مختصر ہر و ہر » ۱۶۵

ملا محمد حسین خلیفہ » ۱۶۹

ملک جا » ۱۶۹

منشی مولا نا ابوالحسن » ۱۶۹

میان اہل شاہ » ۱۶۹

میر علی ہر و ہر » ۱۶۹

میری لہی » ۱۶۹

### ن

نا می » ۱۶۹

نجات علی سلیمان » ۱۶۹

نگار » ۱۶۹

نور » ۱۶۹

نی یسی » ۱۸۵

### ی

یحیی بسیک » ۱۸۸

یوسف شاہ کاتب » ۱۸۹

یقینی » ۱۸۹

عبد اللہ کاتب صفحہ ۱۳۴

عبد القادر ہراتی » ۱۳۴

خواجہ عبد القادر

گو بندہ » ۱۳۶

عبد الحق » ۱۳۹

علاؤ الدین علی میکال » ۱۴۰

علاؤ الدین » ۱۴۱

علی الحسینی » ۱۴۱

عہدی » ۱۴۱

### غ

غور یازی حافظ علی

» ۱۴۲

### ف

فاہض ہراتی » ۱۴۳

فراہی » ۱۴۴

فرخ شاہ » ۱۴۵

فخر الدین » ۱۴۵

فخر الدین علی » ۱۴۶

### ق

قاسم شادی شاہ » ۱۴۷

### ک

کاتبی » ۱۴۷

کافی » ۱۴۹

کفایت » ۱۵۰

کمال الدین حسین » ۱۵۰

### م

مجنون » ۱۵۱

محب علی » ۱۵۵

محمد الکا تب بلخی » ۱۵۷

# بخش دوم (نقاشان و خطاطان معاصر)

## حصه اول

نقاشان معاصر

### ط

- طاهره بنت خادیم حسین ص ۲۰۴
- طاهره بنت شیخ غلام رسول ۲۰۴
- طاهره آر باب زاده « ۲۰۴ »

### ع

- سید عبد القادر جیبی « ۲۰۴ »
- عبد الکریم انیس « ۲۰۴ »
- عزیزه مشعل « ۲۰۴ »
- عبد القفور گذر دلی « ۲۰۵ »
- عبد الکریم خوشنود « ۲۰۵ »
- استاد عبد القادر « ۲۰۶ »
- هروی « ۲۰۶ »
- عبد الغنی فراہی « ۲۰۶ »
- عبد البصیر غوریانی « ۲۰۶ »
- عبد الجلیل تاجر « ۲۰۷ »
- عبد الکریم رحیمی « ۲۰۷ »
- عبد الرحمن غوری « ۲۰۸ »

### غ

- غلام ربانی تیموری « ۲۰۸ »
- غلام حسن « ۲۰۹ »
- غلام حیدر سلجوقی « ۲۰۹ »
- غلام جیلانی عثمانی « ۲۱۰ »
- غلام فاروق حبیب زاده « ۲۱۰ »

### ف

- فیخر الدین « ۲۱۲ »
- فقیر نقاش « ۲۱۲ »
- فضل احمد مقصودی « ۲۱۲ »

### ب

بنتیوس مشعل صفحہ ۱۹۲

### ح

حمیدان احمد « ۱۹۹ »

### خ

خالد احمد « ۱۹۳ »

خورشید احمد « ۱۹۴ »

خدیجہ مراد « ۱۹۶ »

خدیجہ مشعل « ۱۹۶ »

خدیجہ مشعل « ۱۹۷ »

خدیجہ « ۱۹۸ »

### ز

زینب مشعل « ۱۹۹ »

### س

سکندر نقاش « ۱۹۹ »

سجاد محمود گیوانی « ۲۰۰ »

سلطان محمود گیوان « ۲۰۰ »

### ش

شیرینہ محمد عیسی « ۲۰۰ »

شیرین گل مقصودی « ۲۰۰ »

### ص

صوبان گل مقصودی « ۲۰۱ »

## ل

لطف الحق فضل صفحہ ۲۱۴۹

## م

حاجی محمد سعید مشعل « ۲۱۴ »

محمد یوسف شریفی « ۲۱۵ »

محمد نادر مشعل « ۲۲۰ »

محمد کبیر حمید « ۲۲۱ »

محمد جعفر « ۲۲۱ »

محمد ولی کشکی « ۲۲۲ »

محمد عثمان قاضی زادہ « ۲۲۲ »

محمد نسیم پروانہ « ۲۲۴ »

## ن

نثار احمد « ۲۲۴ »

## حصہ دوم

خطاطان معاصر

## الف

اللہ بردی خلیفہ « ۲۲۴ »

(میرزا) ابوالقاسم « »

« ابو نجیب « ۲۲۵ »

« ابو بکر اویہی « »

(شیخ) اعظم جان « ۲۲۷ »

(حاجی) امین اللہ « »

(منشی ملا) احمد « ۲۲۸ »

## ج

جہانگیر « ۲۲۹ »

میرزا جنید اللہ حاذق « »

## ح

حسین علی « صفحہ ۲۴۰ »

حسین کراچی « ۲۴۱ »

« (سید) حسن « »

« (میر) حاضی « »

## خ

(ملا) خدای بخش « ۲۴۱ »

## ذ

علاذ بیج اللہ « ۲۴۳ »

## ر

سعید رحیمی « ۲۴۴ »

## س

سلا سلیمان سلجوقی « ۲۴۵ »

سراج الدین « ۲۴۵ »

## ش

شریف صراف « ۲۴۶ »

## ع

(ملا) عبدالعزیز « ۲۴۷ »

(سید) شہدائت محمدی « »

(منشی ملا) عبدالصمد « »

(ملا) عبدالحکیم « »

استاد عبدالرؤف فکری « ۲۴۸ »

(ملا) عبد اللہ « ۲۴۹ »

(ملا) عبد الفتاح « ۲۴۱ »

عبد الرؤف « ۲۴۱ »

محمد اکبر سلجوقی «۲۵۸»  
محمد صدیق

دولت شاہی «۲۵۸»  
محمد رضای ہروی

خراسانی «۲۵۹»  
محمد عمر خان «۲۵۹»

محمد رحیم خان  
ہراتی «۲۶۰»

محمد صدیق ہروی «۲۶۱»  
حاجی ملا محمد

صدیق امام ارغک «۲۶۲»  
خلیفہ محمد حسین

سلجوقی «۲۶۵»  
میرزا محمد عمر «۲۶۶»

ملا محمد صدیق «۲۶۷»  
محمد شفیق «۲۶۸»

سید محمود صفحہ «۲۶۸»  
محمد کاظم «۲۶۸»

محمد نعیم «۲۶۸»  
محمد وزیر «۲۶۹»

میرزا محمود قاری «۲۶۹»  
محمد ناصر «۲۷۰»

آخند محمد صالح «۲۷۱»  
حاجی مظہر علی

محمد سعید «۲۷۱»  
آخند ملا محمد قاسم «۲۷۲»

(سید) محمد جان «۲۷۳»  
میر آقا حسین «۲۷۳»

محمد حسین ہروی  
چار باغی «۲۷۴»

محمد صدیق نیازی «۲۷۵»

ن

خواجہ نجم الدین «۲۷۵»  
حاجی نثار احمد «۲۷۷»

ی

ملا یحیی گار گاہی «۲۷۷»

عبدالسلام نیازی صفحہ «۲۴۲»  
عبدالحمید قندھاری «۲۴۲»

(میر) عطا محمد «۲۴۲»  
عبدالرحیم طالب

ہروی «۲۴۳»  
(میر) عطا محمد

حسینی «۲۴۳»  
(سید) عطا محمد

شاہ قندھاری «۲۴۴»  
عبدالرحمن ثانی «۲۴۴»

عبدالرفیق معالی «۲۴۵»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۵»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۵»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۵»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۵»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۶»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۷»  
عبدالرحمن

عبدالرحمن «۲۴۸»  
عبدالرحمن

ق

قانون «۲۴۸»  
قاسم «۲۴۹»

ک

گل احمد «۲۵۰»  
گل احمد «۲۵۰»

ل

لشکر نویس «۲۵۰»

م

(استاد) محمد علی

عطا صفحہ «۲۵۱»

# فهرست بخش اول: نقاشان و خطاطان مستقدم

## حاشیه پا ورقی

### حصه اول

نقاشان

بهزاد (پا ورقی)

صفحه ۴۷

### ج

جلال الدین میرک - حاشیه پا ورقی « ۴۷

### ر

سید روح الله « ۴۹

آوارضای کاشانی « ۴۲

رضای عباسی هروی « ۴۵

مولانا رستم علی « ۴۷

### ص

مولانا صادق افشار « ۵۰

### م

محسن کاتب « ۵۲

میر مصور « ۵۲

محمد علی یمنی اصفهانی « ۵۲

محمود مذهب « ۵۳

میر خلیل الله هروی « ۵۴

### و

مولانا ولی الله هروی « ۶۲

### ی

مولانا یاری هروی « ۶۳

### حصه دوم

خطاطان

تاریخ اختراع اقسام خط

از کتاب پیدایش خط

و خطاطان صفحه ۴۴

### ا

خواجگان ابراهیم « ۶۵

قاضی اختیارالدین « ۶۵

حاشیه پا ورقی « ۶۵

امیر خلیل قلاتی « ۶۶

امامی هرکلی « ۶۵

امین هرکلی « ۶۵

احمد شاه « ۶۵

### ب

بایستغفر میرزا « ۶۹

میر محمد باقر « ۶۹

مولانا یاری « ۶۹

ناباشا « ۶۹

پیر هاشم « ۶۹

پیر علی « ۶۹

پیر علی حاشیه پا ورقی « ۶۹

### ت

محمد تقی هروی « ۸۷

### ج

(حکیم) جعفر هروی « ۸۹

مولانا جمشید هروی « ۹۰

(محمد) سعید ہروی ص ۱۱۷

## ش

- ۱۱۹ » شہاب الدین  
(مولانا) شمس  
۱۲۱ » الدین بایسنغری  
(میر محمد) شفیع  
۱۲۲ » ہروی

## ص

- ۱۲۳ » صادق افشار  
محمد صالح ہروی » ۱۲۴  
۱۲۴ » صالحی ہروی  
(محمد) صالح  
۱۲۴ » بخارا بی

## ع

- ۱۲۶ » عبد الخالق  
عبد الرحیم  
۱۲۸ » خوارزمی  
عبد الکریم  
۱۲۹ » خوارزمی  
عبد الرحمن » ۱۳۰  
۱۳۲ » (شیخ) عبد اللہ کاتب  
۱۳۳ » عیشی ہروی  
عبد الرحیم ہروی » ۱۳۴  
عباس قلی خان شاملو » ۱۳۵  
عبد الحی منشی  
۱۳۵ » ہروی  
(در ویش)  
عبد اللہ سلطانی » ۱۳۵  
۱۳۶ » علی حسینی  
عبد اللہ زیارت گاہی » ۱۳۷  
میر علی حسینی » ۱۳۷

جعفر حسینی صفحہ ۹۰۴  
جمال الدین محمد

- » ۹۱ مشہدی  
» ۹۳ جمشید مہمانی ہروی

## ح

- » ۹۶ حسن خان شاملو  
(خواجہ) حافظ  
» ۹۶ ہروی  
(محمد) حسین » ۹۶  
(محمد) حسین ہروی » ۹۷  
» ۹۷ حسن ہروی  
» ۹۷ حسین شہابی

## خ

- » ۹۸ خواجہ جان سیان شانی  
» ۹۹ خواجہ تاج سلطانی

## د

- دوست محمد گوا شانی  
» ۱۰۲

## س

- » ۱۰۹ سلطان علی مشہدی  
» ۱۱۳ سلطان نعلی ہروی  
» ۱۱۴ سلطان محمد خندان  
» ۱۱۴ سلطان نعلی قاینی  
سید احمد  
» ۱۱۵ غزال العین  
سلطان محمود  
» ۱۱۵ ہروی

علی جامی پاورقی  
صفحہ ۱۳۷۹

- ۱۳۸ » عماد فراہی  
۱۳۸ » (میر) علی ہروی  
۱۳۸ » علی کاتب  
۱۳۹ » علی ہروی حافظ  
۱۳۹ » عارف ہروی  
۱۳۹ » (شیخ) عبداللہ  
۱۴۰ » علی جان ہروی  
۱۴۰ » عبدی ہروی  
عبد الواسع  
۱۴۰ » نظامی  
علاؤ الدین منصور » ۱۴۱

## غ

- غیاث الدین » ۱۴۲

## ف

- فصیحی ہروی » ۱۴۴

## ق

- قاسم شادشاہ » ۱۴۶

## ک

- کمال الدین » ۱۴۸  
میرزا کافی ہروی » ۱۴۹

## م

- معین الدین واعظ » ۱۵۱  
معروف بغدادی » ۱۵۲  
محمد بن علاؤ الدین » ۱۵۳  
مولانا محمود ہروی » ۱۵۵  
محمد علی ہروی » ۱۵۶  
(ملایمعی) محیی  
ہروی » ۱۵۶

مولانا میر علی

ہروی پاورقی ۱۵۸

(امیر) مالک دہلوی ۱۶۹»

محیی باغدشتی ۱۶۹»

محمود بن اسحاق

شہا بی » ۱۷۲

میر محمد حسین

ہروی » ۱۷۳

محمد حسین تبریزی » ۱۷۳

میر محمد صالح

ہروی » ۱۷۳

میر محمد صلاح

اوی بھئی » ۱۷۴

میر محمد شفیق

حسینی » ۱۷۴

مولانا معین الدین

اسفزاری » ۱۷۵

مولانا محمود ہروی » ۱۷۵

محمد اکرم ہروی » ۱۷۵

محمود بن سلطا نعلی » ۱۷۵

محمود جعفری شیخ » ۱۷۶

محمد حسین

محمد بن

ر شہی » ۱۷۶

محمد قلبی کاتب

ہروی » ۱۷۷

مظفر عبداللہ » ۱۷۷

محمود ہروی مذہب » ۱۷۷

محمد ہروی » ۱۷۸

محمود ہروی شیخ » ۱۷۸

( مولانا )	مظفر علی شیروانی ص ۱۷۹
نورا لدین صفحہ ۱۸۳	محمد حسن ہروی » ۱۷۹
( مولانا )	محمد حسن مصور » ۱۷۹
نظام الدین » ۱۸۳	محمد مومن ہروی » ۱۸۰
و	محمد مومن ہروی » ۱۸۰
و یسی » ۱۸۴	ن
( مولانا ) ولی اللہ	
ہروی » ۱۸۷	محمد علی سلیمان بی » ۱۸۴

## فہرست مدارک و ماخذ کتاب صورتگران و خورشید پیمان ہرات در عصر تیموریان

کہ بہ نام و رقم تالیف علی احمد نعیمی ترتیب شدہ است

- |                                 |                            |
|---------------------------------|----------------------------|
| ۹ - سلسلہ تیموریان مولفہ شکرانی | ۱ - حقیقۃ السیر            |
| طبع تہران .                     | ۲ - رسالہ اولیاد تیمور خرد |
| ۱۰ - دستورالوزرا مولفہ خوند میر | ۳ - عالمگیری               |
| طبع تہران .                     | ۴ - آثار تیموریان مولفہ    |
| ۱۱ - آثار ہرات مولفہ خلیلی      | ۵ - گریستار ہرات           |
| افغان طبع ہرات .                | ۶ - تاریخ طہرانی           |
| ۱۲ - آثار ایران طبع تہران .     | ۷ - تاریخ ہرات             |
| ۱۳ - آئین اکبری طبع ہند .       | ۸ - سلسلہ مولفہ اکبری      |
| ۱۴ - اکبر نامہ طبع ہند .        | ۹ - سلسلہ مولفہ خلیلی      |
| ۱۵ - تزک بابری طبع ہند .        | ۱۰ - تہران سنہ ۱۳۳۱ شمسی   |
| ۱۶ - افغانستان در عہد کورگانیان | ۱۱ - آثار پنجاب            |
| ہند مولفہ بناغلی حبیبی نسخہ     | ۱۲ - آثار پنجاب            |
| غیر مطبوع .                     | ۱۳ - تاریخ ہندو            |



- ۴۴ - لب التوار یخ یحیی قزوینی  
چاپ تهران .
- ۴۵ - رساله کمال الدین بهزاد  
طبع هند .
- ۴۶ - کتاب پیدایش خط و خطاطان  
طبع مصر
- ۴۷ - رساله ملون کرتمو لافه  
بناغلی گویا اعتمادی .
- ۴۸ - دائرة المعارف اسلامی
- ۴۹ - سالنامه کابل سال ۱۳۱۴
- ۴۰ - سالنامه کابل ۱۳۱۷
- ۴۱ - سالنامه کابل ۱۳۱۸
- ۴۲ - کلمکسیون - سال ۱۸ مجله برهان
- ۴۳ - کلمکسیون سال ۱۹ مجله برهان
- ۴۴ - کلمکسیون سال ۲۰ مجله برهان
- هرات از سال اول الی سال ۲۰
- ۴۵ - کلمکسیون سال ۲۱ مجله برهان
- ۴۶ - Summary of the History of the Persian Language  
طبع ایران
- ۴۷ - مجله موسیقی هنرهای ایران
- ۴۸ - The Hierarchical  
of the Persian Language
- ۴۹ - Summary of the History of the Persian Language  
طبع ایران
- ۵۰ - Summary of the History of the Persian Language  
طبع ایران
- ۵۱ - Summary of the History of the Persian Language  
طبع ایران
- ۵۲ - شماره اول سال ۱۳۱۴  
روز گمانه قرطبه طبع ایران

- ۱۷ - بهزاد و مصور بهای او در  
ظفر نامه مولفه سر آرنالد ترجمه  
فایق نسخه غیر مطبوع متعلق  
بمدیریت عمومی تاریخ ریاست  
مستقل مطبوعات .
- ۱۸ - سر آمدان هنر طبع برلین .
- ۱۹ - لطائفنامه فخری .
- ۲۰ - تذکره دولت شاه سمرقندی .
- ۲۱ - تذکره نصر آبادی طبع طهران .
- ۲۲ - تذکره ریاض المعارفین مولفه  
رضاقلبی هدایت طبع طهران .
- ۲۳ - تذکره خوشنویسان مولفه  
مولانا غلام محمد هلاوی طبع هند .
- ۲۴ - تذکره مذکور احباب عکس نسخه  
خطی متعلق به بناغلی هاشم شایق  
استاد دار الفنون کابل .
- ۲۵ - تذکره آتشکده آذر .
- ۲۶ - تذکره خزانه عامره .
- ۲۷ - تذکره تحفه سامی طبع طهران
- ۲۸ - تذکره لباب الالباب عوفی طبع لندون
- ۲۹ - تذکره روز روشن طبع هند
- ۳۰ - تذکره مجمع الفضلا مولفه  
ملا محمد عارف متخلص به بقایی  
نسخه قلمی متعلق بمرحوم گویا  
اعتمادی و ریاست مستقل مطبوعات
- ۳۱ - تذکره ریاض الشعراء مولفه  
والله داغستانی نسخه خطی متعلق  
به بناغلی هاشم شایق .
- ۳۲ - رساله حالات هنروران  
طبع هند .
- ۳۳ - تذکره حسینی .



مهم ترین مآخذ بخش اول کتاب (خطا طان و نقاشان هرات از ادوار تیموری تا نخستین سالگرد جمهوری)

۱- مصوران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان تألیف علمی احمد نهیمی  
طبع مطبعه عمومی کابل در سال ۱۳۲۸ ه، ش

۲- تعلیقات فکری سلجوقی بر رساله دوست محمد کوانی طبع  
مطبعه دولتی کابل در سال ۱۳۴۹ ه، ش

۳- کتاب خط و خطا طان تألیف عبدالمحمد طبع تهران  
سال ۱۳۴۵ ه، ش

۴- تاریخ نوشته های کهن تألیف پوهاوند عبدالحی حبیبی طبع  
مطبعه دولتی کابل سال ۱۳۵۰ ه، ش

۵- نستعلیق نویسان دکتور مهدی بیانی .

قسمت اول طبع تهران در سال ۱۳۴۵ ه، ش

» دوم » » » ۱۳۴۶ » »

» سوم » » » ۱۳۴۸ » »

بخش دوم کتاب مذکور که خطا طان و نقاشان معاصر هرات است  
کاملاً تحقیقات مستقیم و مستند محشی و متتبع آن میباشد .



# لطفاً قبل از مطالعه کتاب اغلاط طباعتی را به ترتیب

## ذیل اصلاح فرمایید :

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۴	حال	شرح حال	۲۰	۹	بر یور	بر یور
۵	۶	نقشان	نقاشان	۱۴	۱۴	اردریب	اروزیب یافت
»	۷۱	برداپی	بودایی	»	۱۸	افروخت	افراخت
۶	۹	علیحده	علیحده	۲۱	۷	بدیع	بدیع
»	»	زروی	ارروی	۲۴	۱۸	بمقتضای	بمقتضای
»	۲۲	حکایت	حکایات	»	۱۴	با شند	با شند
»	۲۷	وهر	و بر	»	۱۵	ویل چمان	ویل چمان
۷	اول	رسوم	ترسیمات	»	۱۸	با سنیهاو	با سنیهاو
»	۱۰	در	در	»	۱۹	بر آورد	بر آورد
»	۱۶	اقص	اقصی	»	۲۷	۹۴۸	۹۴۸
۸	۱۶	مرکز	مراکز	»	۱۴	تما می	تما می
۹	۱۰	گستان	گلستان	۳۰	۲	ارمنا بیگ	ارمنا بیگ
۱۰	۴	از چند مراکز	از مراکز	»	»	نقش طاق	نقش طاق
»	۱۱	افغانستا	افغانستان	۳۴	۱۵	مشاهد	مشاهد
»	۱۹	مرکزیت	مرکزیت	»	۲۴	مشاهد	مشاهد
»	»	نقاشهاییکه	نقاشیهائیکه	۳۳	زوشالی	زوشالی	زوشالی
۱۶	۲۱	ار کمی	از کمی	۳۴	۴	که این	که ازین
۱۷	۹	نا سخ	نا سخ	۳۵	۲۶	ما ننده	ما ننده
»	۲۶	فی التهذیب	فی التهذیب	۳۷	۹	نقاشان	نقاشان
۱۸	۱۰	بجانی	بجایی	۴۰	۲۴	یمن	یمن
»	۳۴	کا مران	شاه کا مران				
۱۹	۹	حرا سان	خراسان				
۲۰	۶	شدوچهره	شدچهره				

صفحه	سطر	غلط	صحیح
» ۱۷	زیبا	زیارت	روضه
۷۳	۴۰	مثنوی را	مثنوی بی را
		بنظم آورده	
۷۴	۷	خطان	خطان
۵۷	۸	سر بداران	سر بداران
» ۱۱		اختلاف	اطلاق
۷۷	۱۴	ف	بطرف
۷۹	۲	نشا	نسا
۸۴	۶	اجرا شده	
» ۲۳		با شاه	با شاه
۸۵	۱۲	گفته است	بنمایی
۸۶	۴	به او	او اذیتی
۸۹	۷	۸۴۷	۸۱۷
۹۲	۲۷	می نمود	کند
۹۴	۱۶	تبریز	تبریز
۹۸	۱۲	خطان	خطاطان
۱۰۰	۱۰	را	را در
» ۴۱		باغ مروحشی	باد مروحش
» »		او مظهر	او مضمهر
» ۲۴		مثلی	مثل
» ۴۵		گذشت	گذشته
۱۰۱	۵	رمزه	زمره
» ۷		مالک	ممالک
» ۴۴		به نسخ	نسخ
۱۰۲	۱۵	جوانی و	جوانیست آمده
		و خوش صحبت	
۱۰۴	۱۵	خط	خطاط
۱۰۵	۸	خوشی	خویشی
» ۴۱		آخرش	آخرش پیدا
» »		بنخط	بنخط وی
۱۰۶	۱۴	احباری	احباری
» »		۹۴۴ بعد از	۹۴۴ بعد از

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۱	۸	احتم	احترام
۴۲	۱	از جمله آثار	از جمله
۴۴	۱۵	مشمول	مشمول
۴۵	۲۵	زمی	بزمی
۴۵	۱	مجهول	مجهول
» ۱۰		کامل و	کامل او
۴۷	۵	موج	موجود
» ۲		تجیریش	تجیریش
» ۱۶		سلطان محمد	امامان محمدی
» ۵		راقم	راقم
» ۲۴		مانند	مانند
» ۴		تربیت	تربیت
» ۵		بسته	
» ۱۸		۹۰۰	۹۱۱
» ۵		خطان	خطاطان
» ۱۱		خطان	خطاط
» ۱۹		جدیدی	خط جدیدی
» ۲۲		شروع	شروع
» ۹		و غیره	و غیر
» ۱۴		استفاده	استفاده
» ۲۱		هنر نمایی	هنر نمایی
» ۱۵		محققون	مجنون
» ۸		شارخ	شا هرخ
» ۷		حیات	حسیات
» ۴۱		شهاب الدین	شهاب الدین
» ۴۳		از	از هرات
» ۵		۱۰۵۲ متولد	۱۰۴۵ متولد
		در سنه ۱۱۱۶ و در سنه ۱۱۱۴	
» ۱۸		قلمی	قلی
» ۲۵		از	زر

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۷	۱۰	ازین بعد ازین پیشتر میباشد					
۱۱۱	۱۲	مولانا	به مولانا				
۱۱۲	۸	۵	۵				
۱۱۵	۵	استاد	استاد				
»	۸	خورد	خود				
»	۹	مرو	مرد				
»	۱۲	متقدمین	متقدمین و				
»	۱۶	میر	میر				
۱۱۶	۹	عصر	عصر				
۱۱۷	۱۴	نام دار	نام دارد				
۱۱۹	۷	محمدانور	محمدانور				
»	۲۶	با خود او	با خود آورد				
۱۲۰	۲۱	بسی	بسی				
۱۲۱	۲۲	جام را	جامی را				
۱۲۵	۱۵	عبدالحمد	عبدالحمد				
۱۲۶	۶	راعی	راعی				
»	۷	در مکتوب	در مکتوب				
۱۲۷	۶	۲۶۸	۱۲۶۸				
۱۲۸	۱۲	لدوام	لدوام				
»	۴	هر کاب	هر کاب				
۱۳۰	۱۹	میگردد	میگردد				
»	۲۰	بعسرت	بعسرت				
۱۳۲	۱۸	بود	بود				
۱۳۳	۲۴	مرد	مرد				
۱۳۵	۴	بدر خود	بدر بار خود				
۱۳۶	۹	مصاحبت	مصاحبت				
۱۳۸	۱۷	۹۷۰	۹۷۰				
۱۳۹	۹	حفظ	حافظ				
۱۴۵	۶	میررز	میرزا				
»	۸	مشهور	مشهور				
»	۱۴	میسرد	میسرد				
»	۷	قصیده	قصیده				
»	»	میر	میر علی				
۱۶۴	۲	هنر پرورانه	هنر پرورانه				
»	۳	استکباب	استکتاب				
»	۱۴	میسرد	میسرد				
»	۱۴	در سمرقند	در سمرقند				
»	»	تولد یافته	تولد یافته				
۱۴۵	۴۱	و به علاوه	بند با فی و به				
»	»	علاقه بندی و	بند با فی				
۱۴۷	۵	همصر	همصر				
۱۴۸	۷	دما درین	دما درین				
»	۱۵	اد بیاء	اد بیات				
»	۲۴	بقسم	بقسم				
۱۴۹	۱۴	امیش	امیش				
۱۵۰	۷	کشاه	شاه				
»	۲۴	نظری	نظیری				
۱۵۲	۸۱	سعیدالدین	سعیدالدین				
۱۵۴	»	اخور	اگر صاحب				
۱۵۴	۱۹	بولایت	بولایت خواف				
۱۵۵	»	معیضی	معیضی				
۱۵۶	۱۱	بدانته بوده	بدانته بوده				
»	۲۴	کتیبه نویس	کتیبه نویسی				
۱۵۹	۱۵	عبدالله صاحب	عبدالله خان				
»	۲۴	نشر	نشر				
»	۲۴	نگشته اند	نگاشته اند				
۱۶۰	۶	بدیع الز	بدیع الز				
»	۹	ملوک الطوائف	ملوک الطوائف				
»	۱۵	می آرد	می آرد				
»	۲۱	غنی	غنی				
۱۶۲	۷	قصیده	قصیده				
»	»	میر	میر علی				
۱۶۴	۲	هنر پرورانه	هنر پرورانه				
»	۳	استکباب	استکتاب				
»	۱۴	میسرد	میسرد				

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۶۵	۱۳	مسا فرت فوت		۲۰۶	۱	یار تجا زیارتگاه	
۱۶۸	۹	ودر نهفت دور نهضت		۲۰۷	اخیر	عبدالرحیم عبدالکریم	
۲۷۰	۱۳	بغلم بعلم		۱۴۹۴	»	۱۳۴۹	
۱۷۳	۱۹	شاگردوی شاگردی		۲۰۸	۸	الحام الهام	
»	۳۴	سعیدیه سعیدیه		۲۱۱	۲	عبارتند عبارت	
۱۷۴	۱۵	فی عرفی		۲۱۲	۱۹	نظر زبانی نظر ربانی	
»	۱۷	موف مو صوف		۲۱۵	۸	بسارز بسا از	
۱۷۵	۷	معیشی معیشتی		»	۱۷	دا در دارد	
۱۷۸	۲۲	پریده: و در کتا بخانه این		»	۱۱	مواره مواجه	
»	۹	و در هرات به		»	۲۱	متوقع موقع	
»	۱	نستعلیق نستعلیق اول		۲۱۸	۱	نقاشی نقاش	
»	۹	قعات قطعات		»	۲۲	بنوی بنوعی	
»	۱۳	مگویند میگویند		۲۱۹	۱۲	بزرگور بزرگوار	
»	۱۶	نهصد و هشتاد و سه		۲۲۰	اخیر	نارد نادر	
»	۷	بتارک تبارک		۲۲۳	۳	و هم است وهم	
»	۵	مرغ باغ		»	۲۴	بعیث	
»	۳	واشعار و به در اشعار به		۲۲۶	۱	را به را	
»	۶	قطری قطری		»	۱۷	در گاه در گاه	
»	۱۸	طراحی طراحی		»	۲۵	ملك ملك	
»	۸	بایقر فقیر		»	۴	كل آب کولاب	
»	۱۸	ه، ق ه، ش		»	۱۱	در سال در سال	
»	۱	اعصای اعصای		»	۲۱	نووت نوشت	
»	۱۵	استعداد استعداد		»	۲۲	عطا ر عطاء	
»	۱	نحیل تحصیل					
»	»	عزیز عزیزه					



صفحه	سطر	خط	صاحب	صفحه	سطر	خط	صاحب
۲۴۳	۹	فرشته	نوشت	۲۴۳	۵	شهر داشت	شهرت داشت
»	۱۲	وقایه	مازی و قایه و کاغذ-ازی	۲۴۴	۴	۱۳۴۱ ق	۱۳۴۱ ق
»	۱۷	محمد	محمد	۲۴۵	۲	دار	دار
۲۴۶	۲۰	مرمعه و زمره مرمعه	محمد	۲۴۸	۹	در مخرجن در مخرجن	مخرجن
»	۱۲	ذبیح	ذبیح	»	۱۹	فا نو	فا نو
۲۴۴	۱	اطلاعات	اطلاعات	۲۴۹	۴	کلیت	خط محمد قاسم
۲۴۷	۶	جلال الدین	جلال الدین				این خط از قاسم که درین صفحه معروفی شده است
»	۹	نوشت	نوشت				ملک خط آخوند ملا محمد قاسم
»	۱۴	خضل	فضل				میباشد که درص ۲۴۲ معروفی شده است
۲۴۸	۶	سیفی	سیفی	۲۵۰	۸	روالی	روالی
»	۲۰	بزرگان	بزرگان	۲۵۴	»	پنداری	پنداری
»		اخیر عالی فرخی	سبک عالی فرخی	۲۵۶	»	لوح	الواح
		فرخی		»	۲۲	کلا	ولد
۲۴۹	۴	قریبت	قریبت	۲۶۰	۱۷	محمد رحیم	محمد رحیم
»	۵	عمارف	عمارف	۲۶۳	۱۲	کا	کا
۲۴۹	۱۴	حضیره	حضیره	۲۶۴	۱	الم	الم
»	۲۰	کرید	گردید	۲۶۵	۱۳	خط	خط محمد حسین و قاسم
»		اخیر خطاطی اش	خطاطی اش	۲۶۷	۲۲	محمد	محمد کریم
		اخیر داستان	داستان	۲۶۸	۱۰	۱۳۴۱	۱۳۴۱
				۲۷۶	۱۷	ن	ن

امتنان

از باغلی استاد محمد علی عطا رکه در آریب این اثر و تهنیت ما آند آن با من همکاری بید ریغ نموده و از باغلی منعم مدیر مطبوعه دت لتهی و مرتبین آن که در طباعت آن توجه جری کرده اند ابرار را امتنان من نمایم . شایق